# پاسخ‌نامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

رشته انسانی

| پایه دوازدهم | دوهفته‌ای مرحله دوم |
|---|---|
| ۱۴۰۵-۰۶ | ۱۴۰۵/آبان/۲۲ |

| نام درس | طراحان به ترتیب حروف الفبا |
|---|---|
| ریاضی | محمد اسکندری یگانه |
| زبان و ادبیات فارسی | محمد خرم‌فرد ـ بهنام کیانی شاهوندی ـ یاسین مهدیان ـ مژده میرزایی ـ اعظم نوری‌نیا |
| علوم اجتماعی | کاظم داوری ـ محمدابراهیم مازنی |
| روان‌شناسی | مهدی جاهدی |
| زبان عربی | کیارش پورمهدی ـ پدرام علیمرادی ـ زهرا فرزانه ـ موسی کاظم‌غلامی ـ خالد مشیرپناهی |
| تاریخ | کیان کیانی‌دوست واقع ـ حبیبه محبی |
| جغرافیا | علیرضا حسن‌طهرانی |
| فلسفه و منطق | علی سلوکی |
| اقتصاد | سارا شریفی |

| نام درس | مسئول درس | گزینشگر | مؤلف پاسخ‌نامه | ناظران علمی | ویراستاران به ترتیب حروف الفبا |
|---|---|---|---|---|---|
| ریاضی و آمار | محمد اسکندری یگانه | محمد اسکندری یگانه | محمد اسکندری یگانه | عباس حسینی | مهدی باقری<br>میثم حصارکی<br>منصور زرکش اصفهانی<br>ماهان فنی‌فر |
| علوم و فنون ادبی | بهنام کیانی شاهوندی | بهنام کیانی شاهوندی | بهنام کیانی شاهوندی | ابوالفضل قاضی فخرآستانه<br>طاهره موسی‌زاده | رضا رنجبری<br>امیرمحمد شیرزاد<br>مژده میرزایی |
| جامعه‌شناسی | محمدابراهیم مازنی | محمدابراهیم مازنی | محمدابراهیم مازنی | رضا کربلایی علی<br>سید هانی رکن‌الدینی | مریم پارسائیان<br>سعید ستوده‌مهر<br>علی سلوکی ـ حبیبه محبی |
| روان‌شناسی | مهدی جاهدی | مهدی جاهدی | مهدی جاهدی | مهدی پارچه‌باف دولتی | مهدی پارچه‌باف دولتی<br>نگار کاتبی<br>سحر محمدزاده سالیانی |
| عربی، زبان قرآن | موسی کاظم‌غلامی | موسی کاظم‌غلامی | شاهو مرادیان | پدرام علیمرادی<br>سمیه جغتایی | سمانه ریحانی<br>محمدمهدی عسکرآبادی<br>زهرا فارسی ـ الهام کهرسودفرد |
| تاریخ | حبیبه محبی | حبیبه محبی | کیان کیانی‌دوست واقع | علی آقاجان‌پور | سعید بهروزی‌فر<br>علی زیبا ـ بهروز یحیی |
| جغرافیا | علیرضا حسن‌طهرانی | علیرضا حسن طهرانی | علیرضا حسن طهرانی | حبیبه محبی | سعید بهروزی‌فر ـ علی زیبا<br>حبیبه محبی ـ بهروز یحیی |
| فلسفه و منطق | علی سلوکی | علی سلوکی | علی سلوکی | علی‌اکبر آخوندی<br>علی آقاجان‌پور | محمد آقاصالح<br>سحر محمدزاده سالیانی<br>فاطمه نیک‌محتشم |
| اقتصاد | سارا شریفی | سارا شریفی | سارا شریفی | مهناز حامدی چرمخوران | محمدرضا حیاتی ـ کوثر رعدی<br>محمدرضا شریفی<br>مریم شیرخدایی نادر |

**مدیر تألیف آزمون:** دکتر فاطمه آقاجان‌پور

ویژه کنکوری‌های ۱۴۰۶

Azmoonkheilisabz.com

# آزمون آزمایشی خیلی سبز

| | |
|---|---|
| تیم اجرایی و تألیف آزمون | مینا کریم‌زاده ـ حبیبه محبی |

| | |
|---|---|
| سرپرست تولید | الناز علی‌یاری‌زاده |
| ویراستاران فنی | نیلوفر اعتمادی ـ نیوشا پیمان ـ زهرا صفری<br>الهه صفری ـ فاطمه علی‌اکبری ـ محیا غنی‌فرد<br>ساناز فلاحی ـ نادره نازآوری ـ ساعده نمازی |
| رسام | ندا فخاری<br>سارا گنجی آزادپور |
| صفحه‌آرایی | مریم حسین‌زاده ـ سپیده سخائی ـ الهام سهرابی<br>طاهره صادق‌نژاد ـ مائده صبری ـ نیلوفر فرخجسته<br>فاطمه قیاسوند ـ مهدیه گل‌پور ـ دریا لطفی |

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

Azmoonkheilisabz.com

**۱** در تابع خطی f داریم: $f(۳) = -۲$ و $f(۱) = ۲$. نمودار تابع $f(x)$ محور xها را با کدام طول قطع می‌کند؟

۱) $-۴$ ۲) ۴ ۳) $-۲$ ۴) ۲

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۱ ـ فصل ۲ ـ درس ۳*

**درس Box**

- تابع خطی به صورت $y = mx + n$ است که در آن m، شیب خط و n عرض از مبدأ است.
- شیب خط گذرنده از دو نقطهٔ $A(x_A , y_A)$ و $B(x_B , y_B)$ از رابطهٔ $m = \frac{y_A - y_B}{x_A - x_B}$ به دست می‌آید.

**پاسخ خیلی تشریحی**

**گام اول:** با توجه به این‌که $f(۳) = -۲$ است، پس نقطهٔ $A(۳ , -۲)$ و $f(۱) = ۲$ یعنی نقطهٔ $B(۱ , ۲)$ متعلق به تابع هستند که شیب خط را پیدا می‌کنیم:

$$m = \frac{y_A - y_B}{x_A - x_B} = \frac{-۲-۲}{۳-۱} = \frac{-۴}{۲} = -۲$$

**گام دوم:** با استفاده از شیب خط $m = -۲$ و مختصات یکی از نقاط مثلاً $B(۱ , ۲)$ معادلهٔ خط را می‌نویسیم تا عرض از مبدأ را پیدا کنیم:

$$y = mx + n \xrightarrow[x=۱,\ y=۲]{m=-۲} ۲ = (-۲\times ۱) + n \Rightarrow ۲ + ۲ = n \Rightarrow n = ۴$$

**گام سوم:** با داشتن $m = -۲$ و $n = ۴$ معادلهٔ خط را می‌نویسیم:

$$y = mx + n \xrightarrow[n=۴]{m=-۲} y = -۲x + ۴$$

**گام چهارم:** برای یافتن محل تلاقی خط با محور xها (طول از مبدأ) کافی است به جای y عدد صفر را قرار دهیم:

$$y = -۲x + ۴ \xrightarrow{y=۰} ۰ = -۲x + ۴ \Rightarrow ۲x = ۴ \Rightarrow x = \frac{۴}{۲} = ۲$$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۲** شرکتی $x$ واحد کالا تولید و هر واحد را با قیمت ۶۶۰ واحد پولی می‌فروشد. اگر تابع هزینهٔ این شرکت به صورت $C(x)=۱۷۵۰۰+۵۲۰x$ باشد، حداقل چند واحد کالا باید فروش رود تا سوددهی آغاز گردد؟

۱) ۱۲۴ ۲) ۱۲۵

۳) ۱۲۶ ۴) ۱۲۷

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۱ ـ فصل ۲ ـ درس ٤*

درس Box

**نقطهٔ سربه‌سر**: میزانی از تولید است که در آن هزینه با درآمد برابر می‌شود و در این نقطه بنگاه نه سود می‌کند و نه ضرر (یعنی سود برابر صفر است).

**درآمد**: برابر با (تعداد کالا × قیمت فروش) است و آن را با $R$ نشان می‌دهیم.

**هزینه**: هزینهٔ تولید $x$ واحد کالا است که معمولاً شامل دو بخش است: ۱) هزینهٔ اولیه (هزینهٔ ثابت) ۲) هزینهٔ تولید (هزینهٔ متغیر) و آن را با $C(x)$ نشان می‌دهیم.

**سود**: سود، تفاضل هزینه از درآمد است و آن را با $P(x)$ نشان می‌دهیم: $P(x)=R(x)-C(x)$

پاسخ خیلی تشریحی ✔

**گام اول**: تابع درآمد را می‌نویسیم:

$$R(x)=x\times ۶۶۰=۶۶۰x$$

**گام دوم**: تابع درآمد را منهای تابع هزینه می‌کنیم تا تابع سود به دست آید:

$$P(x)=R(x)-C(x)=۶۶۰x-(۱۷۵۰۰+۵۲۰x)$$

$$=۶۶۰x-۱۷۵۰۰-۵۲۰x=۱۴۰x-۱۷۵۰۰$$

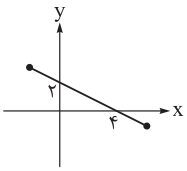
**گام سوم**: تابع سود را برابر صفر قرار می‌دهیم تا نقطهٔ سربه‌سر به دست آید:

$$۱۴۰x-۱۷۵۰۰=۰ \Rightarrow ۱۴۰x=۱۷۵۰۰ \Rightarrow x=\frac{۱۷۵۰۰}{۱۴۰}=۱۲۵$$

**گام چهارم**: با تولید ۱۲۵ کالا، این شرکت نه سود می‌کند و نه ضرر. پس برای آغاز سوددهی باید حداقل $۱۲۵+۱=۱۲۶$ کالا به فروش برود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۳** نمودار تابع $f(x)$ به صورت زیر است. اگر برد تابع به صورت $-۲ \le y \le ۴$ باشد، دامنهٔ آن کدام است؟




۱) $-۴ \le x \le ۸$

۲) $۴ \le x \le ۸$

۳) $-۸ \le x \le ۴$

۴) $-۸ \le x \le -۴$

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۱ ـ فصل ۲ ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

**گام اول:** ابتدا شیب خط را به دست می‌آوریم:

$$\begin{cases} A(۰,۲) \text{ عرض از مبدأ} \\ B(۴,۰) \end{cases} \Rightarrow m = \frac{y_A - y_B}{x_A - x_B} = \frac{۲-۰}{۰-۴} = \frac{۲}{-۴} = -\frac{۱}{۲}$$

**گام دوم:** با توجه به این‌که عرض از مبدأ $n = ۲$ و شیب خط $m = -\frac{۱}{۲}$ است، معادلهٔ خط را می‌نویسیم:

$$y = mx + n \xrightarrow[n=۲]{m=-\frac{۱}{۲}} y = -\frac{۱}{۲}x + ۲$$

**گام سوم:** مقادیر ابتدا و انتهای برد را به جای $y$ قرار می‌دهیم:

$$\xrightarrow{y=-۲} -۲ = -\frac{۱}{۲}x + ۲ \Rightarrow \frac{۱}{۲}x = ۲+۲ \Rightarrow \frac{۱}{۲}x = ۴ \xrightarrow{\times ۲} x = ۸$$

$$\xrightarrow{y=۴} ۴ = -\frac{۱}{۲}x + ۲ \Rightarrow \frac{۱}{۲}x = -۴+۲ \Rightarrow \frac{۱}{۲}x = -۲ \xrightarrow{\times ۲} x = -۴$$

پس دامنهٔ تابع به صورت $-۴ \le x \le ۸$ خواهد بود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۴** برد تابع $y = ۲x^۲ - ۸x + ۳$ کدام است؟

۱) $y \geq -۵$ ۲) $y \leq -۵$

۳) $y \geq -۹$ ۴) $y \leq -۹$

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۱ ـ فصل ۲ ـ درس ٤*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

**گام اول:** می‌دانیم برد تابع، تصویر نمودار تابع روی محور yها است. پس نقطهٔ رأس تابع را به دست می‌آوریم:

$$y = ۲x^۲ - ۸x + ۳ \quad , \quad a = ۲ , b = -۸ , c = ۳$$

$$S\begin{vmatrix} x = \frac{-b}{۲a} = \frac{-(-۸)}{۲(۲)} = \frac{۸}{۴} = ۲ \\ y = ۲(۲)^۲ - ۸(۲) + ۳ = ۸ - ۱۶ + ۳ = -۵ \end{vmatrix} \Rightarrow S\begin{vmatrix} ۲ \\ -۵ \end{vmatrix}$$

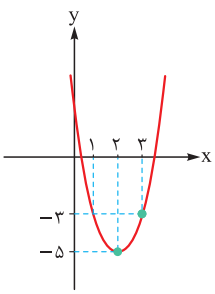
**گام دوم:** با یافتن مختصات دو نقطهٔ (کمکی) دیگر از سهمی، نمودار تابع را رسم می‌کنیم:

| x | ۱ | ۲ | ۳ |
|---|---|---|---|
| y | -۳ | -۵ | -۳ |

$$\xrightarrow{x=۱} y = ۲(۱)^۲ - ۸(۱) + ۳ = ۲ - ۸ + ۳ = -۳$$

$$\xrightarrow{x=۳} y = ۲(۳)^۲ - ۸(۳) + ۳ = ۱۸ - ۲۴ + ۳ = -۳$$

**گام سوم:** نمودار تابع را رسم می‌کنیم:




**گام چهارم:** مشاهده می‌شود که برد تابع (تصویر تابع روی محور yها) به صورت $y \geq -۵$ است.

**نکته** در همان گام اول با توجه به این‌که عرض رأس برابر ۵- شده است و تابع دارای مینیمم است، می‌توانیم نتیجه بگیریم که مقادیر تابع (بُرد تابع) همواره به صورت $y \geq -۵$ است، یعنی ۵- کم‌ترین مقدار تابع است، پس سایر مقادیر تابع بزرگ‌تر یا مساوی آن هستند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۵** نمودار دو تابع $f(x)=x(3x-4)$ و $g(x)=2x^2+3x-10$ در دو نقطهٔ **A** و **B** مشترک هستند. تفاضل طول نقاط **A** و **B** کدام است؟

۱) ۱ ۲) ۲ ۳) ۳ ۴) ۴

---

**پاسخ: گزینهٔ (۳)**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۱ ـ فصل ۲ ـ درس ٤*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

**گام اول:** معادلات دو تابع را مساوی هم قرار می‌دهیم:

$$f(x)=x(3x-4)=3x^2-4x$$

$$f(x)=g(x) \Rightarrow 3x^2-4x=2x^2+3x-10$$

$$\Rightarrow 3x^2-4x-2x^2-3x+10=0 \Rightarrow x^2-7x+10=0$$

**گام دوم:** معادلهٔ به‌دست‌آمده را حل می‌کنیم:

$$x^2-7x+10=0 \Rightarrow (x-2)(x-5)=0$$

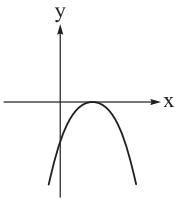
$$\Rightarrow \begin{cases} x-2=0 \Rightarrow x=2 \\ x-5=0 \Rightarrow x=5 \end{cases}$$

**گام سوم:** دو ریشهٔ به‌دست‌آمده طول نقاط تلاقی دو نمودار هستند، یعنی $x_A=2$ و $x_B=5$ و تفاضل این دو، خواستهٔ سؤال است:

$$x_B-x_A=5-2=3$$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۶** نمودار تابع $f(x) = -x^۲ + ۴x + ۲a$ به صورت زیر است. محور تقارن تابع $g(x) = ax^۲ - (۲-a)x - ۱$ کدام است؟




۱) $x = -۱$

۲) $x = ۱$

۳) $x = -۲$

۴) $x = ۲$

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۱ ـ فصل ۲ ـ درس ۴*

**درس Box**

در تابع درجه‌دوم $f(x) = ax^۲ + bx + c$ در حالتی که $f(x) = ۰$ باشد:

الف) اگر $\Delta > ۰$ باشد، نمودار تابع محور xها را در ۲ نقطه قطع می‌کند.

ب) اگر $\Delta = ۰$ باشد، نمودار تابع بر محور xها مماس است.

ج) اگر $\Delta < ۰$ باشد، نمودار تابع محور xها را قطع نمی‌کند.

**پاسخ خیلی تشریحی**

**گام اول:** با توجه به این‌که نمودار تابع بر محور xها مماس است، پس در معادلهٔ $f(x) = ۰$ خواهیم داشت $\Delta = ۰$:

$$-x^۲ + ۴x + ۲a = ۰ \Rightarrow \Delta = b^۲ - ۴ac = (۴)^۲ - ۴(-۱)(۲a) = ۰$$

$$\Rightarrow ۱۶ + ۸a = ۰ \Rightarrow ۸a = -۱۶ \Rightarrow a = \frac{-۱۶}{۸} = -۲$$

**گام دوم:** در تابع $g(x)$ مقدار $a = -۲$ را جایگزین می‌کنیم:

$$g(x) = ax^۲ - (۲-a)x - ۱ \Rightarrow g(x) = -۲x^۲ - ۴x - ۱$$

**گام سوم:** محور تقارن تابع $g(x)$ را می‌یابیم. محور تقارن تابع درجه‌دوم از رابطهٔ $x = \frac{-b}{۲a}$ به دست می‌آید:

$$x = \frac{-b}{۲a} = \frac{-(-۴)}{۲(-۲)} = \frac{۴}{-۴} = -۱$$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۷** اگر $x+y=۲۰$ باشد، بیشترین مقدار عبارت $A=(y-۱۰)(x-۲)$ کدام است؟

۱) صفر ۲) ۱۲ ۳) ۱۶ ۴) ۲۰

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۱ ـ فصل ۲ ـ درس ٤*

**پاسخ خیلی تشریحی ✓**

**گام اول:** یکی از متغیرها را برحسب دیگری می‌نویسیم:

$$x+y=۲۰ \Rightarrow y=-x+۲۰$$

**گام دوم:** در عبارت $A$ به جای $y$ معادل آن یعنی $-x+۲۰$ را جایگزین می‌کنیم:

$$A=(y-۱۰)(x-۲)=(-x+۲۰-۱۰)(x-۲)=(-x+۱۰)(x-۲)$$

$$=-x^۲+۲x+۱۰x-۲۰=-x^۲+۱۲x-۲۰$$

**گام سوم:** عبارت $A$ یک تابع درجه‌دوم است که عرض رأس سهمی همان بیشترین مقدار تابع خواهد بود، پس آن را به دست می‌آوریم:

$$\begin{cases} x=\frac{-b}{۲a}=\frac{-۱۲}{۲(-۱)}=\frac{۱۲}{۲}=۶ \\ y=-(۶)^۲+۱۲(۶)-۲۰=-۳۶+۷۲-۲۰=۱۶ \end{cases}$$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۸** اگر معادلهٔ درآمد شرکتی به صورت $R(x) = ۱۰۰x - \frac{۱}{۴}x^۲$ و معادلهٔ هزینهٔ آن به صورت $C(x) = ۴۰x + ۵۰۰$ باشد، ماکزیمم سود شرکت چه‌قدر است؟

۱) ۳۱۰۰ ۲) ۳۲۰۰

۳) ۳۳۰۰ ۴) ۳۴۰۰

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۱ ـ فصل ۲ ـ درس ٤*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

**گام اول:** تابع سود را به دست می‌آوریم:

$$P(x) = R(x) - C(x) = (-\frac{۱}{۴}x^۲ + ۱۰۰x) - (۴۰x + ۵۰۰)$$

$$= -\frac{۱}{۴}x^۲ + ۱۰۰x - ۴۰x - ۵۰۰ = -\frac{۱}{۴}x^۲ + ۶۰x - ۵۰۰$$

**گام دوم:** تابع سود در این‌جا، یک تابع درجه‌دوم است که ماکزیمم یا بیشترین مقدار آن در عرض رأس رخ می‌دهد.

$$y = \frac{-\Delta}{۴a} = \frac{-((۶۰)^۲ - ۴(-\frac{۱}{۴})(-۵۰۰))}{۴(-\frac{۱}{۴})} = \frac{-(۳۶۰۰ - ۵۰۰)}{-۱} = ۳۱۰۰$$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۹** **از بین ۵ روان‌شناس و ۴ جامعه‌شناس به چند طریق می‌توان یک کمیتهٔ ۳نفره انتخاب کرد به طوری که از هر دو رشته، عضو کمیته باشند؟**

۱) ۴۰ ۲) ۵۰ ۳) ۶۰ ۴) ۷۰

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۳ ـ فصل ۱ ـ درس ۱*

**پاسخ خیلی تشریحی**

**گام اول:** برای آن‌که از هر دو رشته، عضو کمیته باشند، باید دو حالت در نظر گرفت:

الف) ۲ روان‌شناس و ۱ جامعه‌شناس

یا

ب) ۱ روان‌شناس و ۲ جامعه‌شناس

**گام دوم:** با استفاده از ترکیب (انتخاب اشیا که در آن ترتیب انتخاب یا جابه‌جایی اشیا اهمیت ندارد) **تعداد حالات را حساب می‌کنیم:**

$$\text{الف)}\ \binom{5}{2}\times\binom{4}{1}=\frac{5!}{3!\times2!}\times\frac{4!}{3!\times1!}=\frac{5\times4\times3!}{3!\times2}\times4=10\times4=40$$

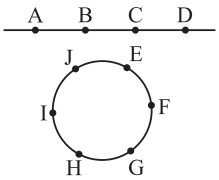
$$\text{ب)}\ \binom{5}{1}\times\binom{4}{2}=\frac{5!}{4!\times1!}\times\frac{4!}{2!\times2!}=5\times\frac{4\times3\times2!}{2!\times2}=5\times6=30$$

**گام سوم:** طبق اصل جمع تعداد کل حالات برابر است با:

$$40+30=70$$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۱۰** **مطابق شکل زیر، ۴ نقطه بر روی خط راست و ۶ نقطه بر روی محیط دایره قرار دارند. با استفاده از این نقاط، چند مثلث می‌توان ساخت به طوری که دقیقاً یکی از رأس‌ها روی خط راست باشد؟**




۱) ۱۵

۲) ۳۰

۳) ۴۵

۴) ۶۰

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۳ ـ فصل ۱ ـ درس ۱*

**پاسخ خیلی تشریحی**

**گام اول:** می‌دانیم برای ساختن هر مثلث به ۳ رأس نیاز داریم که روی یک خط راست قرار نگرفته باشند. وقتی یک رأس از روی خط راست انتخاب شود، دو رأس دیگر حتماً و الزاماً باید از روی دایره انتخاب شوند.

**گام دوم:** انتخاب یک نقطه از خط راست به $C_1^4 = \binom{4}{1} = 4$ حالت و انتخاب ۲ نقطه از روی محیط دایره به $C_2^6 = \binom{6}{2} = \frac{6!}{4!2!} = \frac{6\times5\times4!}{4!\times2} = 15$ حالت صورت می‌گیرد.

**گام سوم:** طبق اصل ضرب تعداد کل حالات برابر $4\times15 = 60$ حالت خواهد بود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۱۱** **تمام اعداد دورقمی که می‌توان با ارقام ۲، ۳، ۴ و ۵ نوشت را روی کارت‌هایی نوشته و از بین آن‌ها یک کارت به تصادف خارج می‌کنیم. با کدام احتمال عدد روی کارت مضرب ۲ یا ۳ است؟**

۱) $\frac{۷}{۱۸}$ ۲) $\frac{۵}{۸}$ ۳) $\frac{۱}{۶}$ ۴) $\frac{۳}{۸}$

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۳ ـ فصل ۱ ـ درس ۲*

پاسخ خیلی تشریحی ✔

**گام اول:** تمام اعداد دورقمی با استفاده از ارقام ۲، ۳، ۴ و ۵ را می‌نویسیم:

$$S = \{۲۲, ۲۳, ۲۴, ۲۵, ۳۲, ۳۳, ۳۴, ۳۵, ۴۲, ۴۳, ۴۴, ۴۵, ۵۲, ۵۳, ۵۴, ۵۵\} \Rightarrow n(S) = ۱۶$$

**گام دوم:** از بین اعضای فضای نمونه‌ای اعدادی که بر ۲ یا ۳ بخش‌پذیر باشند را انتخاب می‌کنیم:

$$A = \{۲۲, ۲۴, ۳۲, ۳۳, ۳۴, ۴۲, ۴۴, ۴۵, ۵۲, ۵۴\} \Rightarrow n(A) = ۱۰$$

**گام سوم:** احتمال وقوع این پیشامد را محاسبه می‌کنیم:

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{۱۰}{۱۶} = \frac{۵}{۸}$$

کنکور

**هر یک از اعداد دورقمی را که می‌توان با ارقام ۱، ۲، ۳ و ۴ نوشت، روی کارت‌هایی می‌نویسیم و پس از مخلوط کردن کارت‌ها، یک کارت را به طور تصادفی خارج می‌کنیم. با کدام احتمال عدد روی کارت مضرب ۴ یا ۶ است؟**

*(سؤال ۱۶ کنکور انسانی ۱۴۰۴ ـ نوبت اول)*

۱) $\frac{۷}{۱۶}$ ۲) $\frac{۵}{۱۶}$ ۳) $\frac{۳}{۸}$ ۴) $\frac{۱}{۴}$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۱۲** درون کیسه‌ای ۵ مهرهٔ قرمز و ۴ مهرهٔ سفید و ۲ مهرهٔ زرد وجود دارد. از کیسه ۳ مهره به تصادف خارج می‌کنیم. با کدام احتمال فقط ۲ مهره قرمز است؟

۱) $\frac{۳}{۱۱}$ ۲) $\frac{۴}{۱۱}$ ۳) $\frac{۵}{۱۱}$ ۴) $\frac{۶}{۱۱}$

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۳ ـ فصل ۱ ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

**گام اول:** تعداد اعضای فضای نمونه‌ای برابر با تعداد حالات انتخابی ۳ مهره از مجموع ۱۱ = ۲ + ۴ + ۵ مهرهٔ موجود در کیسه:

$$n(S)=\binom{۱۱}{۳}=\frac{۱۱!}{۸!۳!}=\frac{۱۱\times۱۰\times۹\times۸!}{۸!\times۳\times۲\times۱}=۱۶۵$$

**گام دوم:** برای این‌که فقط ۲ مهرهٔ قرمز انتخاب شود، باید ابتدا ۲ مهره از ۵ مهرهٔ قرمز به $C_{۲}^{۵}=\binom{۵}{۲}=\frac{۵!}{۳!۲!}=\frac{۵\times۴\times۳!}{۳!\times۲}=۱۰$ حالت و ۱ مهره از سایر رنگ‌ها ( ۶ = ۲ + ۴ مهره) انتخاب کرد.

$$C_{۱}^{۶}=\binom{۶}{۱}=۶$$

**گام سوم:** طبق اصل ضرب تعداد کل حالات انتخاب برابر ۶۰ = ۶ × ۱۰ حالت خواهد بود.

**گام چهارم:** احتمال چنین رخدادی برابر است با:

$$P(A)=\frac{n(A)}{n(S)}=\frac{۶۰}{۱۶۵}=\frac{۱۲}{۳۳}=\frac{۴}{۱۱}$$

امتحان نهایی

**از بین ۵ تیم فوتبال از قارهٔ آفریقا و ۴ تیم فوتبال از قارهٔ آسیا برای مسابقات انتخابی جام جهانی، ۳ تیم به تصادف انتخاب شده‌اند. احتمال این‌که ۲ تیم از قارهٔ آفریقا و ۱ تیم از قارهٔ آسیا باشد چه‌قدر است؟**

*(سؤال ۷ ـ امتحان نهایی تیر ۱۴۰۵)*

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۱۳** در یک مهمانی، به تصادف ۴ نفر انتخاب می‌کنیم. با کدام احتمال ماه تولد هیچ دو نفری از آن‌ها یکسان نیست؟

۱) $\frac{۵۵}{۱۴۴}$ ۲) $\frac{۴۵}{۷۲}$

۳) $\frac{۵۵}{۹۶}$ ۴) $\frac{۱۷۵}{۲۸۸}$

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۳ ـ فصل ۱ ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

**گام اول:** فضای نمونه‌ای برای ماه تولد چهار نفر برابر است با:

$$n(S)=۱۲\times۱۲\times۱۲\times۱۲=۱۲^۴$$

**گام دوم:** برای آن‌که ماه تولد هیچ دو نفری یکسان نباشد، باید ماه تولد این چهار نفر متفاوت باشد:

$$n(A)=۱۲\times۱۱\times۱۰\times۹$$

**گام سوم:** احتمال این آزمایش تصادفی را می‌یابیم:

$$P(A)=\frac{n(A)}{n(S)}=\frac{۱۲\times۱۱\times۱۰\times۹}{۱۲^۴}=\frac{۵۵}{۹۶}$$

کتاب درسی

**یک تاکسی دارای ۵ سرنشین است. مطلوب است محاسبهٔ احتمال این‌که:** *(ریاضی و آمار (۳) ـ تمرین ۲ صفحهٔ ۲۰ کتاب درسی)*

**الف) هر پنج نفر در ماه فروردین متولد شده باشند.**

**ب) هر پنج نفر آن‌ها در یک ماه سال متولد شده باشند.**

**پ) تولد هیچ دوتای آن‌ها در یک ماه نباشد.**

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۱۴** ۳ کتاب ریاضی متمایز و ۴ کتاب علوم متمایز را به طور تصادفی در یک ردیف می‌چینیم. با کدام احتمال کتاب‌های هم‌موضوع کنار هم قرار می‌گیرند؟

۱) $\frac{۱}{۱۵}$ ۲) $\frac{۲}{۱۵}$ ۳) $\frac{۱}{۳۵}$ ۴) $\frac{۲}{۳۵}$

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۳ ـ فصل ۱ ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی**

**گام اول:** تعداد اعضای فضای نمونه برابر جایگشت ۷ کتاب است:

$$n(S) = ۷!$$

**گام دوم:** برای آن‌که کتاب‌های هم‌موضوع کنار هم قرار بگیرند:

$\boxed{R_۱ R_۲ R_۳}$ $\boxed{O_۱ O_۲ O_۳ O_۴}$

۲ بسته داریم. بستهٔ اول کتاب‌های ریاضی و بستهٔ دوم کتاب‌های علوم که جایگشت ۲ بسته $۲!$ است. حال کتاب‌های ریاضی به $۳!$ طریق و کتاب‌های علوم خود به $۴!$ طریق جایگشت دارند.

**گام سوم:** محاسبهٔ احتمال وقوع این پیشامد:

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{۲! \times ۳! \times ۴!}{۷!} = \frac{۲ \times ۳ \times ۲ \times ۱ \times ۴!}{۷ \times ۶ \times ۵ \times ۴!} = \frac{۲}{۳۵}$$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۱۵** دو پیشامد A و B در فضای نمونه‌ای با ۲۰ عضو قرار دارند. اگر $A-B=A$ و $B-A=B$ باشد و $P(B)=۰/۶$ و احتمال وقوع پیشامدهای A یا B برابر ۰/۸ باشد، مقدار $\frac{n(B)}{n(A)}$ کدام است؟

۱) ۲
۲) ۳
۳) ۲/۵
۴) ۳/۵

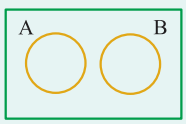
---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۳ ـ فصل ۱ ـ درس ۲*

**درس Box**

هرگاه A و B دو پیشامد ناتهی در فضای نمونه‌ای S باشند، به طوری که $A-B=A$ و $B-A=B$؛ در این صورت پیشامدهای A و B را ناسازگار می‌نامیم؛ زیرا A و B عضو مشترکی ندارند. $(A\cap B=\varnothing)$




در این حالت، احتمال وقوع پیشامدهای A و B نیز به صورت زیر به دست می‌آید:

$$n(A\cup B)=n(A)+n(B) \Rightarrow \frac{n(A\cup B)}{n(S)}=\frac{n(A)}{n(S)}+\frac{n(B)}{n(S)}$$

$$\Rightarrow P(A\cup B)=P(A)+P(B)$$

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

**گام اول:**

$$\left.\begin{matrix}A-B=A\\B-A=B\end{matrix}\right\} \Rightarrow A\cap B=\varnothing \Rightarrow$$ A و B ناسازگارند.

**گام دوم:** احتمال وقوع پیشامدهای A یا B یعنی $P(A\cup B)=۰/۸$ است، پس:

$$P(A\cup B)=P(A)+P(B) \Rightarrow ۰/۸=P(A)+۰/۶$$

$$\Rightarrow P(A)=۰/۸-۰/۶=۰/۲$$

**گام سوم:** از آن‌جا که فضای نمونه‌ای ۲۰ عضو دارد، پس:

$$P(A)=\frac{n(A)}{n(S)} \Rightarrow \frac{۲}{۱۰}=\frac{n(A)}{۲۰} \Rightarrow n(A)=\frac{۲\times ۲۰}{۱۰}=۴$$

پس پیشامد A دارای ۴ عضو است و چون احتمال وقوع پیشامد B برابر ۰/۶ است، داریم:

$$P(B)=\frac{n(B)}{n(S)} \Rightarrow \frac{۶}{۱۰}=\frac{n(B)}{۲۰} \Rightarrow n(B)=\frac{۶\times ۲۰}{۱۰}=۱۲$$

**گام چهارم:** خواستهٔ سؤال، نسبت $n(B)$ به $n(A)$ است:

$$\frac{n(B)}{n(A)}=\frac{۱۲}{۴}=۳$$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۱۶** **۷ کارت با شماره‌های ۱ تا ۷ درون کیسه‌ای قرار دارند. ابتدا یک کارت از کیسه خارج کرده، سپس کارت دیگری از کیسه خارج می‌کنیم. با کدام احتمال حاصل‌ضرب اعداد روی کارت‌های خارج‌شده، عددی زوج است؟**

۱) $\frac{۲}{۷}$ ۲) $\frac{۳}{۷}$ ۳) $\frac{۴}{۷}$ ۴) $\frac{۵}{۷}$

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۳ ـ فصل ۱ ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

**گام اول:** تعداد اعضای فضای نمونه‌ای برابر است با انتخاب ۲ کارت از ۷ کارت:

$$n(S)=\binom{۷}{۲}=\frac{۷!}{۲!۵!}=\frac{۷\times۶\times۵!}{۵!\times۲}=۲۱$$

**گام دوم:** برای آن‌که حاصل‌ضرب اعداد روی کارت خارج‌شده زوج باشد، باید حالات زیر را در نظر گرفت:

(۳ کارت زوج و ۴ کارت فرد داریم.)

الف) هر دو کارت زوج باشند:

$$\binom{۳}{۲}=۳$$

یا

ب) یک کارت زوج و دیگری فرد باشد:

$$\binom{۳}{۱}\times\binom{۴}{۱}=۳\times۴=۱۲$$

**گام سوم:** طبق اصل جمع تعداد کل حالات برابر است با:

$$۳+۱۲=۱۵$$

**گام چهارم:** احتمال وقوع چنین پیشامدی برابر است با:

$$P(A)=\frac{n(A)}{n(S)}=\frac{۱۵}{۲۱}=\frac{۵}{۷}$$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۱۷** چه تعداد از عبارت‌های زیر درست است؟

**الف)** اندازه‌گیری مهم‌ترین گام رسیدن به پاسخ است.

**ب)** با توجه به اهمیت اندازه‌گیری، حضور افراد متخصص در گروه هدایت‌کنندهٔ پژوهش الزامی است.

**ج)** هر چه پراکندگی متغیر مورد بررسی در جامعه بیشتر باشد، برای حصول اطمینان از وجود تنوع در نمونه به اندازهٔ نمونهٔ بزرگ‌تری نیاز داریم.

**د)** «شیوهٔ تحلیل داده‌ها» در گام چهارم از گام‌های چرخهٔ آمار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**ه)** اگر از الگوی داده‌ها اطلاع نداشته باشیم، بهترین نمودار، نمودار جعبه‌ای است.

۱) یک ۲) دو

۳) سه ۴) چهار

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۳ ـ فصل ۱ ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

**گام اول:** موارد «الف» و «د» نادرست هستند.

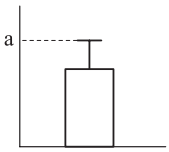
۱) طرح یک پرسش دقیق و شفاف مهم‌ترین گام رسیدن به پاسخ است.

۲) «شیوهٔ تحلیل داده‌ها» در گام دوم از گام‌های چرخهٔ آمار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**گام دوم:** بنابراین ۳تا از عبارت‌های داده‌شده درست هستند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۱۸** برای داده‌های آماری ۲۳ ، ۲۱ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۲ ، ۲۴ نمودار زیر رسم شده است. مقدار a کدام است؟




۱) ۲۱
۲) ۲۲
۳) ۲۳
۴) ۲۴

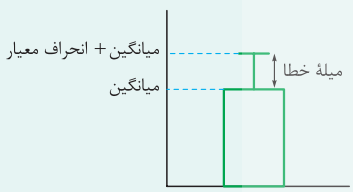
---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۳ ـ فصل ۱ ـ درس ۳*

**درس Box**

در داده‌هایی که میانگین و انحراف معیار شاخص‌های مناسبی برای توصیف هستند (هنگامی که دادهٔ دورافتاده نداشته باشیم)، از نموداری استفاده می‌کنیم که بلندی مستطیل آن نشان‌دهندهٔ میانگین باشد و میلهٔ خطای آن به اندازهٔ انحراف معیار روی مستطیل، بالا آمده باشد.




**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

**گام اول:** ابتدا میانگین داده‌ها را محاسبه می‌کنیم:

$$\bar{x} = \frac{۲۴+۲۲+۲۰+۱۹+۱۸+۲۱+۲۳}{۷} = \frac{۱۴۷}{۷} = ۲۱$$

**گام دوم:** انحراف معیار (جذر واریانس) را به دست می‌آوریم:

$$\text{واریانس} = \sigma^۲ = \frac{(۲۴-۲۱)^۲ + (۲۲-۲۱)^۲ + (۲۰-۲۱)^۲ + (۱۹-۲۱)^۲ + (۱۸-۲۱)^۲ + (۲۱-۲۱)^۲ + (۲۳-۲۱)^۲}{۷}$$

$$\Rightarrow \sigma^۲ = \frac{۹+۱+۱+۴+۹+۰+۴}{۷} = \frac{۲۸}{۷} = ۴ \Rightarrow \text{انحراف معیار} = \sqrt{۴} = ۲$$

**گام سوم:** مقدار a همان مجموع میانگین و انحراف معیار است:

$$a = ۲۱ + ۲ = ۲۳$$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۱۹** **در پایان یک چرخهٔ آماری، پژوهشگر متوجه می‌شود که مدل پیش‌بینی ارائه‌شده برای تخمین رتبهٔ کنکور، برای دانش‌آموزان مدارس روستایی با خطای بسیار بالایی عمل می‌کند. واکنش صحیح پژوهشگر مطابق با منطق «چرخهٔ آمار» چیست؟**

۱) پایان‌دادن به پژوهش و اعلام این‌که مدل فقط برای مناطق شهری کارایی دارد.

۲) بازگشت به گام «طرح پژوهش و بیان مسئله» و بازتعریف مدل، با گنجاندن متغیر جدید به نام «سطح دسترسی به امکانات آموزشی»

۳) تغییر معیارهای خطای آماری در گام تحلیل داده‌ها برای کوچک نشان دادن خطا

۴) حذف داده‌های مربوط به دانش‌آموزان روستایی در گام پاک‌سازی برای افزایش دقت عمومی مدل

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۳ ـ فصل ۱ ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

**گام اول**: می‌دانیم گام پنجم در چرخهٔ آمار (بحث و نتیجه‌گیری) پس از تحلیل داده‌ها باید بتوانیم با تفسیر نتایج، پاسخی برای مسئلهٔ اصلی پیدا کنیم.

**گام دوم**: خطای مورد اشاره در مرحلهٔ نتیجه‌گیری به معنای نارسایی در فرضیات اولیه یا متغیرهای دیده‌نشده در گام «بیان مسئله» است. چرخه در این‌جا بسته نمی‌شود، بلکه پژوهشگر با بینش به‌دست‌آمده مسئله را اصلاح کرده و متغیرهای غایب را وارد مدل جدید می‌کند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۲۰** **از جامعه‌ای شامل ۲۰ عضو، به چند طریق می‌توان نمونه‌های ۴تایی انتخاب کرد و این عمل در کدام گام از گام‌های چرخهٔ آمار صورت می‌گیرد؟**

۱) ۴۵۸۵ ـ گام دوم
۲) ۴۵۸۵ ـ گام چهارم
۳) ۴۸۴۵ ـ گام دوم
۴) ۴۸۴۵ ـ گام چهارم

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: ریاضی و آمار ۳ ـ فصل ۱ ـ درس ۳*

**نکته** در جامعهٔ آماری با اندازهٔ N، می‌توان به $\binom{N}{n}$ طریق نمونه‌های nتایی انتخاب کرد.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔** **گام اول:** از جامعهٔ ۲۰نفره به $\binom{۲۰}{۴}$ طریق می‌توان نمونه‌های ۴تایی انتخاب کرد:

$$C_{۴}^{۲۰}=\binom{۲۰}{۴}=\frac{۲۰!}{(۲۰-۴)!۴!}=\frac{۲۰\times۱۹\times۱۸\times۱۷\times۱۶!}{۱۶!\times۴\times۳\times۲\times۱}=۴۸۴۵$$

**گام دوم:** در مرحلهٔ طرح و برنامه‌ریزی (گام دوم از چرخهٔ آمار) دربارهٔ اندازهٔ نمونه تصمیم‌گیری می‌شود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۲۱** **از نظر تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی کدام موارد کاملاً درست هستند؟**

**الف) نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام، ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ پدید آمد.**

**ب) به علت این‌که اوج سبک خراسانی در زمان حکومت غزنویان بوده است، به آن سبک غزنوی نیز می‌گویند.**

**ج) محتوای نثر دورهٔ سامانی بیشتر علمی است و گاهی نثرهای حماسی، تاریخی و دینی هم دیده می‌شود.**

**د) فردوسی، ناصرخسرو و رودکی از مشهورترین شاعران سبک خراسانی هستند.**

**هـ) «سبک بینابین» نام دیگر سبک دورهٔ غزنوی است.**

۱) «الف» ـ «ج» ـ «د»
۲) «ب» ـ «ج» ـ «هـ»
۳) «الف» ـ «ب» ـ «د»
۴) «ج» ـ «د» ـ «هـ»

**مشاوره** در این گونه سؤالات ممکن است طراح سؤال، کل یک جمله را درست آورده باشد و تنها یک کلمه یا یک قید نادرست یا ناقص آمده باشد. پس هنگام خواندن تمام موارد این نوع سؤالات، به همهٔ کلمات به‌خوبی توجه کنید.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم ـ درس ۷*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

موارد مطرح‌شده در عبارت‌های «الف»، «ج» و «د» کاملاً درست هستند.

بررسی موارد نادرست:

ب) به علت این‌که اوج سبک خراسانی در زمان حکومت سامانیان بوده است، به آن سبک سامانی نیز می‌گویند.

هـ) «سبک بینابین» نام دیگر سبک دورهٔ سلجوقی است؛ زیرا هم ویژگی‌های سبک خراسانی را در خود دارد هم ویژگی‌های سبک دورهٔ بعد یعنی عراقی.

**گول نخوری ✘**

«نثر دورهٔ غزنوی» نام کاملی برای سبک مورد نظر ما نیست، بلکه باید حتماً شکل کامل آن یعنی «سبک دورهٔ غزنوی و سلجوقی» آورده شود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۲۲** در کدام گزینه ویژگی ذکرشده مربوط به سبک دورهٔ تاریخی‌ای که متن زیر در آن نوشته شده، نیست؟

**«پس عبدالمطلب گفت که ایّها المَلِک، من خداوند اُشترم نه خداوند خانه، و مر این خانه را خداوندی هست، و او خود خانهٔ خود را نگاه دارد.»**

۱) تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی

۲) کوتاهی جملات

۳) حذف افعال به قرینه

۴) ایجاز و اختصار در لفظ و معنا

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم ـ درس ۷*

**Hint** نیازی نیست متن را کامل بخوانید، فقط باید بدانید که متن از «ترجمهٔ تفسیر طبری» انتخاب شده است.

**درس Box**

| | | |
|---|---|---|
| ویژگی‌های نثر دورهٔ اول | دورهٔ سامانی | ۱) ایجاز و اختصار در لفظ و معنا<br>۲) تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی<br>۳) کوتاهی جملات<br>۴) لغات کم‌کاربرد فارسی در مقایسه با دوره‌های بعد<br>۵) بهره‌گیری کم‌تر از لغات عربی<br>۶) افزایش کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی<br>۷) محتوای نثرهای این دوره، بیشتر علمی است و گاهی نثرهای حماسی، تاریخی و دینی هم دیده می‌شود.<br>نمونه‌های موفق: ترجمهٔ تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التّفهیم و شاهنامهٔ منثور ابومنصوری |
| | دورهٔ غزنوی و سلجوقی | ۱) اِطناب (جمله‌ها معمولاً طولانی هستند.)<br>۲) تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث و اشعار<br>۳) حذف افعال به قرینه<br>۴) افزایش کاربرد لغات عربی (نسبت به دورهٔ قبل)<br>نمونه‌های موفق: تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه، سفرنامهٔ ناصرخسرو، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت، کشف‌المحجوب و اسرارالتوحید |

**پاسخ خیلی تشریحی** متن داده‌شده بخشی از «ترجمهٔ تفسیر طبری» است که به نثر دورهٔ سامانی تعلق دارد. گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به ویژگی‌های نثر دورهٔ سامانی اشاره دارند، اما ویژگی آمده در گزینهٔ (۳) مربوط به نثر دورهٔ غزنوی و سلجوقی است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۲۳** **نام سبک‌های «عرفانی، مشروطه، عالمانه، علمی» به ترتیب بر چه اساسی انتخاب شده است؟**

۱) قلمرو دانشی، محیط جغرافیایی، موضوع و نوع، مخاطب

۲) موضوع و نوع، دورهٔ اثر، مخاطب، قلمرو دانشی

۳) قلمرو دانشی، دورهٔ اثر، موضوع و نوع، قلمرو دانشی

۴) موضوع و نوع، محیط جغرافیایی، مخاطب، مخاطب

**مشاوره** طبقه‌بندی سبک شعر براساس نظریهٔ ارسطو، با این‌که ساده به نظر می‌رسد، اما در بعضی موارد ممکن است بسیار گیج‌کننده باشد. مرور مداوم مواردی که شما را به اشتباه می‌اندازد فراموش نکنید.

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم ـ درس ۷*

درس Box

| طبقه‌بندی سبک از دیدگاه ارسطو | براساس | نمونه |
|---|---|---|
| | ۱) نام شاعر یا نویسنده | سبک فردوسی، سبک بیهقی |
| | ۲) زمان و دورهٔ اثر | سبک دورهٔ غزنوی، سبک دورهٔ مشروطه |
| | ۳) موضوع و نوع | سبک عرفانی، سبک حماسی |
| | ۴) محیط جغرافیایی | سبک آذربایجانی، سبک خراسانی |
| | ۵) مخاطب | سبک عامیانه، سبک عالمانه |
| | ۶) هدف | سبک تعلیمی، سبک فکاهی |
| | ۷) قلمرو دانشی | سبک علمی، سبک فلسفی |

**پاسخ‌خیلی‌تشریحی** نام سبک‌های آمده در صورت سؤال، به ترتیب براساس موارد گزینهٔ (۲) است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۲۴** کدام گزینه به ترتیب بیانگر سطح «ادبی، زبانی، فکری» شعر سبک خراسانی است؟

۱) ساده‌بودن اشعار پندآموز و اندرزگونه، افزایش کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر عربی، حاکم‌بودن روح حماسه

۲) سادگی قافیه و ردیف، تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی، سادگی فکر و کلام

۳) استفادهٔ اغراق‌آمیز از آرایه‌های ادبی، تفاوت تلفظ برخی کلمات در مقایسه با امروز، زمینی‌بودن معشوق

۴) بهره‌گرفتن از تشبیه حسی، استفاده از دو نشانه برای یک متمم، به‌کارگیری توصیفات ساده و محسوس و عینی

**مشاوره** در این‌گونه سؤالات باید هر مورد را از سه منظر بررسی کنید تا ببینید درست است یا نه:
۱) آیا ویژگی مطرح‌شده مربوط به قلمرو (زبانی، ادبی، فکری) مورد نظر است؟ ۲) آیا ویژگی مطرح‌شده از این نظر که مربوط به شعر است یا نثر، با خواستهٔ سوال مطابقت دارد؟ ۳) آیا ویژگی مطرح‌شده از نظر تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی صحیح است؟

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم - درس ۷*

درس Box

| | | |
|---|---|---|
| ویژگی‌های شعر سبک خراسانی در سه قلمرو | زبانی | ۱) سادگی زبان شعر<br>۲) کم‌بودن لغات عربی ـ به‌جز اصطلاحات دینی و علمی ـ و لغات بیگانه، در مقایسه با دوره‌های بعد<br>۳) تفاوت تلفظ برخی از کلمات در مقایسه با زبان امروز، مثلاً یَک ـ هَزار / یِک ـ هِزار<br>۴) کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات در مقایسه با دوره‌های بعد، مانند گبر ـ جوشن<br>۵) استفاده از دو نشانه برای یک متمم، مانند «زدش بر زمین بر به‌کردار شیر» |
| | ادبی | ۱) قالب عمدهٔ شعر این دوره، قصیده است؛ قالب‌های مسمط، ترجیع‌بند و مثنوی نیز به تدریج در این دوره شکل می‌گیرد و قالب غزل نیز در اواخر این دوره رشد می‌یابد.<br>۲) استفاده از آرایه‌های ادبی، طبیعی و در حد اعتدال است.<br>۳) قافیه و ردیف، بسیار ساده است.<br>۴) در توصیف پدیده‌ها بیشتر از تشبیه حسی بهره گرفته می‌شود. |
| | فکری | ۱) روح شادی و نشاط و خوش باشی، در شعر غلبه دارد.<br>۲) شعر واقع‌گراست و توصیفات عمدتاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی است.<br>۳) معشوق، عمدتاً زمینی است.<br>۴) بیشتر روح حماسه بر ادبیات این دوره حاکم است.<br>۵) اشعار پندآموز و اندرزگونهٔ این دوره، ساده است و جنبهٔ عملی و دستوری دارد.<br>۶) مضمون عمدهٔ اشعار این سبک، حماسه، مدح و اندرز و ... است<br>۷) فکر و کلام ساده است و با پیچیدگی‌های عرفانی، حکمی و اندیشه‌های فلسفی درنیامیخته است. |

**پاسخ خیلی تشریحی**

در گزینهٔ (۴) موارد به درستی آمده‌اند.

بررسی نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): «ساده‌بودن اشعار پندآموز و اندرزگونه» مربوط به سطح فکری ویژگی‌های شعر خراسانی است. «افزایش کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر عربی» مربوط به سطح زبانی ویژگی‌های نثر دورهٔ سامانی است.

گزینهٔ (۲): «تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی» مربوط به سطح زبانی ویژگی‌های نثر دورهٔ سامانی است.

گزینهٔ (۳): آرایه‌های ادبی در شعر سبک خراسانی در حد اعتدال استفاده می‌شوند.

کنکور

**کدام مورد به ترتیب، بیانگر «سطح زبانی، فکری و ادبی» نثر در ادبیات معاصر است؟** *(سؤال ۲۸ کنکور انسانی ۱۴۰۵)*

۱) به‌هم‌ریختگی ساختار نحوی جمله‌ها ـ تأثیرگذاری رمانتیسم در ادبیات داستانی ـ وجود سبک‌های متفاوت در داستان‌نویسی

۲) متأثرشدن نثر از محاورهٔ اقشار اجتماعی ـ توجه نویسندگان به رمان، خاطره، سفرنامه و ... ـ فراوانی کوتاهی جملات و فعل‌ها

۳) ورود واژه‌ها، کنایات و اصطلاحات عامیانه ـ متأثرشدن نثر از گفتار مردم ـ حضور آشکار مکتب‌های فلسفی و ادبی

۴) کاسته‌شدن واژگان عربی ـ نوشته‌شدن رمان‌های تاریخی، سیاسی و ... ـ پرداختن به موضوعات عشق، انسان و ... در نثر

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۲۵** کدام ویژگی نثر دورهٔ غزنوی و سلجوقی در متن زیر، دیده می‌شود؟

**«این روز چون به خدمت آمد و بار بگسست، سلطان مسعود، رضی اللّٰه عنه، خلوت کرد با وزیر و آن خلوت تا نماز پیشین بکشید، و گروهی از بیم خشک می‌شدند و طبلی بود که زیر گلیم می‌زدند و آواز پس از آن برآمد و منکر برآمد، نه آنکه من و یا جز من بر آن واقف گشتندی بدان‌چه رفت در آن مجلس، اما چون آثار ظاهر می‌شد از آنچه گروهی را شغل‌ها فرمودند و خلعت‌ها دادند و گروهی را برکندند و قفا بدریدند و کارها پدید آمد، خردمندان دانستند که آن همه نتیجهٔ آن یک خلوت است.»**

۱) افزایش کاربرد لغات عربی نسبت به دورهٔ قبل
۲) به‌کارگیری جملات طولانی
۳) تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث یا اشعار
۴) حذف افعال به قرینه

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم - درس ۷*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔** گزینهٔ (۱): افزایش کاربرد لغات عربی نسبت به دورهٔ قبل: در این متن لغات عربی زیادی استفاده شده است: مجلس، ظاهر، رضی اللّٰه عنه، نتیجه، خدمت، منکر، شغل و ...

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): کوتاهی جملات: از قسمت «نه آنکه ...» یک جمله آغاز می‌شود که تا پایان پاراگراف ادامه دارد؛ پس در این متن اطناب یعنی کاربرد جمله‌های طولانی داریم. ضمناً ویژگی «کوتاهی جملات» مربوط به نثر دورهٔ سامانی است.

گزینهٔ (۳): تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث یا اشعار: در این متن دیده نمی‌شود.

گزینهٔ (۴): حذف افعال به قرینه: در این متن هیچ فعلی به قرینه حذف نشده است.

**نکته** متن صورت سؤال از کتاب تاریخ بیهقی تألیف ابوالفضل بیهقی انتخاب شده است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۲۶** با توجه به آن‌چه دربارهٔ شعر سبک خراسانی می‌دانید، چند بیت از ابیات زیر می‌توانند مربوط به این سبک باشند؟

الف) بـــدان زمانه ندیدی کـــه در جهان رفتی / ســرودگـویـان گـویـی هـزاردسـتـان بود

ب) اگرچـه راه بسـی بـود تـا مـن از آتـش / دلـم بسـوخت ز عشـق تـو چـون تـن از آتـش

ج) بینداخـت تیغـی به‌کـردار تیـر / کـه آیـد مـگـر بـر یـل شـیـرگـیـر

د) در جملـه گریـز نیسـت از جـور فلـک / تـا رخـت بـرون نبـردی از دور فلـک

هـ) از علایـق دل ز آب و گل نمی‌آیـد برون / پـای سـرو از گل ز بـار دل نمی‌آیـد بـرون

۱) چهار ۲) سه ۳) دو ۴) یک

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم ـ درس ۷*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

در میان ابیات صورت سؤال، بیت‌های «الف» و «ج» از سبک خراسانی انتخاب شده‌اند.

بررسی ابیات:

الف) سرودهٔ رودکی است. زبان شعر ساده است و در مصراع دوم آن یک تشبیه حسی (شاعر به بلبل) یافت می‌شود.

ب) سرودهٔ سیف فرغانی از شاعران سبک عراقی است. برخلاف روحیهٔ شادی و نشاطی که در سبک خراسانی وجود دارد، در این بیت شاعر از سوختن دل خود صحبت می‌کند.

ج) سرودهٔ فردوسی است. روح حماسه بر آن حاکم است.

د) سرودهٔ انوری از شاعران سبک عراقی است. برخلاف روحیهٔ شادی و نشاطی که در سبک خراسانی وجود دارد، شاعر از ستم زمانه گله می‌کند.

هـ) سرودهٔ صائب از شاعران سبک هندی است. ردیف «نمی‌آید برون» طولانی و دشوار است، برخلاف سبک خراسانی که در آن قافیه و ردیف ساده هستند. هم‌چنین کاربرد آرایهٔ «اسلوب معادله» از ویژگی‌های ادبی شعر سبک هندی است.

**تیزبازی**

به جای این‌که دنبال ویژگی‌های سبک خراسانی در بیت‌ها باشید، می‌توانید دنبال ویژگی‌های مخالف سبک خراسانی بگردید تا بیت‌های نامناسب را حذف کنید و کنار بگذارید.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۲۷** کدام متن با توضیح داخل کمانک مغایرت دارد؟

۱) بوذرجمهر گفت: همه‌چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند. (قابوس‌نامه ـ دورهٔ غزنوی و سلجوقی)

۲) چهاردهم صفر به شهر سراب رسیدم و شانزدهم صفر از شهر سراب برفتم. (سفرنامهٔ ناصرخسرو ـ دورهٔ سامانی)

۳) گل بخندید و باغ شد پدرام ای خوشا این جهان بدین هنگام
(فرخی سیستانی ـ سبک خراسانی)

۴) مهتری گر به کام شیر در است شو خطر کن ز کام شیر بجوی
(حنظلهٔ بادغیسی ـ سبک خراسانی)

**مشاوره** یکی از چیزهایی که در درس‌های مربوط به تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی مهم است، این است که بدانید شعرها و نثرهای متن درس و داخل خودارزیابی‌ها سروده یا نوشته شده توسط چه شخصیت‌هایی هستند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم ـ درس ۷*

**پاسخ خیلی تشریحی**

متن گزینهٔ (۲) از کتاب «سفرنامهٔ ناصرخسرو» انتخاب شده است، اما این کتاب مربوط به دورهٔ سامانی نیست، بلکه مربوط به دورهٔ غزنوی و سلجوقی است.

**کنکور**

کدام عبارت با توضیح مقابل آن مغایرت دارد؟ *(سؤال ۲۱ کنکور انسانی ۱۴۰۳ ـ نوبت اول)*

۱) خسرو از آن طیره شده و از رسول خجل گشت، پرسید که همه چیز پس که داند؟ (قابوس‌نامه ـ دورهٔ غزنوی و سلجوقی)

۲) کس فرستاد به شهرهای خراسان و هشیاران از آنجا بیاورد از هر شارستان، گرد کرد و بنشاند. (سفرنامهٔ ناصرخسرو ـ دورهٔ غزنوی)

۳) از ایشان فتوای کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟ گفتند: روا باشد. (ترجمهٔ تفسیر طبری ـ قرن چهارم و پنجم)

۴) این ضحاک را اژدها به وی، از آن گفتندی که بر کتف او دو پاره گوشت بود بزرگ برُسته دراز. (تاریخ بلعمی ـ دورهٔ سامانی)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۲۸** ویژگی‌های «غلبهٔ روح خوش‌باشی، زمینی‌بودن معشوق، حاکم‌بودن روح حماسه، مضمون مدح» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شوند؟

الف) بـه گـز نیـزه قـد خصـم تـو می‌پیماینـد تـا ببرند بـه شمشـیر و بدوزنـد به تیر

ب) شـاد زی بـا سیـاه‌چـشـمـان، شـاد کـه جـهـان نیست جـز فـسـانـه و بـاد

ج) حـاتـم طـایـی تـویـی انـدر سخا رسـتـم دسـتـان تـویـی انـدر نبرد

د) بـه زلـف کـژ ولیکـن بـه قـد و قامت راسـت بـه تـن درسـت ولیکـن بـه چشـمکان بیمـار

۱) «ب» ـ «الف» ـ «ج» ـ «د»

۲) «ب» ـ «د» ـ «الف» ـ «ج»

۳) «د» ـ «ج» ـ «الف» ـ «ب»

۴) «د» ـ «ج» ـ «ب» ـ «الف»

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم ـ درس ۷*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی ابیات:

الف) نام‌بردن از «نیزه»، «شمشیر» و «تیر» نشان‌دهندهٔ حاکم‌بودن روح حماسه بر ادبیات این دوره است. (در این بیت، مضمون مدح نیز وجود دارد.)

ب) عبارت «شاد زی با سیاه‌چشمان، شاد» بیانگر غلبهٔ روح شادی، نشاط و خوش‌باشی در شعر این دوره است.

ج) ستایش ممدوح و تشبیه او به «حاتم طایی» و «رستم دستان» دربردارندهٔ مضمون مدح است. (در این بیت، نام‌بردن از «رستم دستان» بیانگر حاکم‌بودن روح حماسه است.)

د) توصیفات «زلف کژ»، «قد و قامت راست»، «تن درست» و «چشمکان بیمار» برای معشوق زمینی است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۲۹** در همهٔ ابیات، تشبیه «گسترده و فشرده» وجود دارد؛ به‌جز ..... .

۱) مـا را دلـی بـود کـه ز طوفـان حادثـات / چـون مـوج یـک نفـس سروسـامان نداشـته اسـت
۲) زبـون خلـق ز خلـق نکوی خویشـتنم / چو غنچـه تنگـدل از رنگ و بوی خویشـتنم
۳) مـرا بـه سـاغر زریـن مهـر حاجـت نیسـت / کـه تـازه‌روی چـو گل از سـبوی خویشـتنم
۴) نمی‌خواهم که با سردی چو گل خندم ز بی‌دردی / دلـی چـون لالـه بـا داغ محبـت آشـنا خواهـم

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی یازدهم ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

در بیت گزینهٔ (۲) فقط تشبیه گسترده وجود دارد. شاعر خود را به غنچه تشبیه کرده است.

[من]: مشبّه/ غنچه: مشبّهٌبه/ چو: ادات تشبیه/ وجه‌شبه: تنگدل از رنگ و بوی خویشتن بودن

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): تشبیه فشرده: طوفان حادثات/ تشبیه گسترده: [دل] چون موج یک نفس سروسامان نداشته است.

گزینهٔ (۳): تشبیه فشرده: ساغر زرین مهر/ تشبیه گسترده: [من] تازه‌روی چو گل از سبوی خویشتن هستم.

گزینهٔ (۴): تشبیه فشرده: داغ محبت/ تشبیه گسترده: [من] چو گل ز بی‌دردی خندم.

**نکته** در تشبیه بلیغ غیراضافی دقت کنید که هر وقت فعل اسنادی دیدید، لزوماً تشبیه بلیغ غیراضافی وجود ندارد. حتماً ابتدا مفهوم بیت را بیابید.

**کنکور** در همهٔ ابیات، تشبیه «گسترده و فشرده» وجود دارد، به‌جز ..... . *(سؤال ۲۹ کنکور انسانی ۱۴۰۵)*

۱) بـار هجران، تن چـون پارهٔ کوهـی خواهد / مـن تـن و بـال تُـنـک چـون پـر کـاهـی دارم
۲) شـبم و روشـنی از چشـمهٔ ماهـی دارم / بـخـت چـون آیـیـنـه از دولـت آهـی دارم
۳) آفتابـی تـو و در پـای تـو ریـزم چـون صبـح / این‌همـه کوکب اشـکی کـه به دامـان دارم
۴) چـه وصـل بـود که بگذشـت چون شـب مسـتی / چه خـواب خوش کـه هنوزش خمارهـا دارم

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۳۰** در کدام گزینه، آرایه‌ای نادرست به بیت نسبت داده شده است؟

۱) صائب این آن غزل حافظ شیرین‌سخن است / مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد (تضمین، تشبیه)

۲) چو ماه مصر عزیز جهان نمی‌گشتم / اگر تپانچهٔ اخوان نمی‌نواخت مرا (تلمیح، مراعات‌نظیر)

۳) با من مجنون مکن کاوش ز نادانی که نیست / غیر حرف راست تیری در کمان دیوانه را (تشبیه، تلمیح)

۴) دانه‌ای کز باددستی، صائب افشاندم به خاک / در لباس خوشه و خرمن به دست آمد مرا (تشبیه، مراعات‌نظیر)

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی یازدهم ـ درس ۳ / علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔** در بیت گزینهٔ (۳) «حرف راست» به «تیر» تشبیه شده است (تشبیه پنهان)/ تلمیح در بیت این گزینه دیده نمی‌شود.

**نکته** گاهی طراحان سؤال برای پیچیده‌کردن سؤالات تلمیح از واژه‌های پرتکرار در این آرایه استفاده می‌کنند (مانند «مجنون» در این بیت). بهتر است با دیدن این واژه‌ها به دنبال واژه‌های دیگری نیز باشید که در داستان «لیلی و مجنون» به کار رفته است. با کشف رابطهٔ میان این واژگان می‌توانید به بودن آرایهٔ تلمیح در بیت مطمئن شوید (واژگانی چون «لیلی»، «بیابان»، «کعبه»، «بادیه»، «عشق» و ...).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): صائب تبریزی، مصراع دوم را از حافظ تضمین کرده است./ مطرب عشق: تشبیه

گزینهٔ (۲): بیت به زندگی حضرت یوسف (ع) تلمیح دارد./ مصر، عزیز، اخوان: مراعات‌نظیر

گزینهٔ (۴): «لباس خرمن» و «لباس خوشه»: تشبیه/ دانه، باد، خوشه، خرمن: مراعات‌نظیر

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۳۱** نوع سجع هر دو عبارت گزینهٔ ..... سجع متوازی است.

**الف) هر که دشمن کوچک را حقیر می‌دارد، بدان ماند که آتش اندک را مهمل می‌گذارد.**

**ب) اغلب اوقات به بازیچه فرا هم نشستندی و لوح درست‌ناکرده در سر هم شکستندی.**

**هر که بدی را بکشد، خلق را از بلای او برهاند و او را از عذاب خدای عزَّ و جَلَّ.**

**را خواهند پرسید که عملت چیست نگویند پدرت کیست. ج)**

**د) تو**

**ه) نه چندان دوستی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند.**

۳) «الف» ـ «ج»　　۴) «ب» ـ «د»

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم ـ درس ۶*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

نوع سجع عبارات:

الف) می‌دارد، می‌گذارد: سجع مطرف

ب) نشستندی، شکستندی: سجع متوازی

ج) بکشد، برهاند: سجع مطرف

د) چیست، کیست: سجع متوازی

ه) گردند، شوند: سجع مطرف

**تیزبازی** برای این‌که سجع مطرف و متوازی را اشتباه نکنید، شمارش و مهم‌تر از آن، نوع هجاها به شما کمک می‌کند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۳۲** در کدام گزینه «استعارهٔ آشکار» وجود ندارد؟

۱) شیرگیران جهان را به نظر صید کنند / آن دو آهوی پلنگ‌افکن روبه‌بازش

۲) چون کمان‌خانهٔ ابروی تو می‌کردم یاد / تیر آه از سپر چرخ به در می‌کردم

۳) ای عزیزان اگر از مصر نمی‌آید باد / بوی پیراهن یوسف ز کجا می‌شنوم

۴) گر گنج طلب داری از مار مترس ای دل / ور خرمن گل خواهی از خار مترس ای دل

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی یازدهم ـ درس ۹*

**Hint** استعارهٔ آشکار همان استعارهٔ مصرحه است.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

گزینهٔ (۱): «دو آهو» استعارهٔ آشکار از «چشمان»

گزینهٔ (۲): در بیت این گزینه سه تشبیه وجود دارد (کمان‌خانهٔ ابرو، تیر آه، سپر چرخ) و استعارهٔ آشکار دیده نمی‌شود.

گزینهٔ (۳): «بوی پیراهن یوسف» استعارهٔ آشکار از «بوی خوش یار»

گزینهٔ (۴): «گنج» استعارهٔ آشکار از «هدف والا» (در این گزینه، «مار، خرمن گل و خار» نیز استعارهٔ آشکار هستند.)

**نکته** اگر در بیتی بین استعارهٔ آشکار و تشبیه شک داشتید، به دنبال طرفین تشبیه (مشبّه و مشبّه‌به) بگردید. اگر آن‌ها را پیدا کردید، تشبیه است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۳۳** در ابیات زیر، به ترتیب چند «وجه‌شبه» و چند «ادات تشبیه» یافت می‌شود؟

- دستگاهی که در آن‌جا نبود حوروشی / گر همه باغ بهشت است به زندان ماند
- بگداخت تنم شمع‌صفت وین دل سوزان / چون شعلهٔ فانوس به پیراهنم آویخت

۱) دو ـ چهار
۲) سه ـ چهار
۳) دو ـ سه
۴) سه ـ سه

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی یازدهم ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

با توجه به صورت سؤال، ابتدا تعداد «وجه‌شبه»، سپس تعداد «ادات تشبیه» را در ابیات مشخص می‌کنیم.

در بیت اول، سه تشبیه وجود دارد که در هیچ‌یک، وجه‌شبه یافت نمی‌شود:

۱) حوروشی = یاری مانند حور

۲ و ۳) دستگاهی (خانه‌ای مجلل) که ... گر همه باغ بهشت است به زندان ماند («دستگاه» یک بار به «باغ بهشت» و بار دیگر به «زندان» مانند شده است.)

در بیت دوم نیز دو تشبیه وجود دارد: ۱) تنم شمع‌صفت بگداخت. ۲) این دل سوزان چون شعلهٔ فانوس به پیراهنم آویخت.

در تشبیه اول، فعل «بگداخت» و در تشبیه دوم، عبارت «به پیراهنم آویخت»، وجه‌شبه هستند. در مجموع دو وجه‌شبه در ابیات یافت می‌شود.

در بیت اول، پسوند «وَش» در واژهٔ «حوروَش» و فعل «مانَد» به معنی «شبیه و مانند است» دو ادات تشبیه به حساب می‌آیند.

در بیت دوم نیز واژهٔ «صفت» در ترکیب «شمع‌صفت» و واژهٔ «چون» در مصراع دوم، دو ادات تشبیه هستند. در مجموع چهار ادات تشبیه در ابیات یافت می‌شود.

**نکته**

برخی از ادات تشبیه مانند پسوند به کلمه افزوده می‌شوند، آن‌ها را فراموش نکنید و برای شناخت آن‌ها بهتر است چند لحظه در ذهن خود کلمهٔ «مانند» را به جای آن پسوند قرار دهید.

حوروش: مانند حور، شمع‌صفت: مانند شمع

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۳۴** تعداد تشبیه در کدام بیت «متفاوت» با دیگر ابیات است؟

۱) زلف تو شب قدر و رخ تو همه نوروز / ما واسطهٔ روز و شبش چون سحر آییم

۲) کار من شد چو سر زلف سیاهش درهم / حال من گشت چو خال رخ او تیره و تار

۳) ای در چمن خوبی، رویت چو گل خودرو / چین شکن زلفت چون نافهٔ چین خوشبو

۴) دل ز شب زلف تو دید رخ همچو روز / زین شب و روز او نهان همچو سحر می‌رود

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی یازدهم ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

در بیت (۱) سه تشبیه وجود دارد: ۱) زلف تو شب قدر است. (تشبیه فشرده) ۲) رخ تو همه نوروز است. (تشبیه فشرده) ۳) ما چون سحر، واسطهٔ روز و شبش آییم. (تشبیه گسترده)

در بیت (۲) دو تشبیه وجود دارد: ۱) کار من، چو سر زلف سیاهش درهم (آشفته) شد. (تشبیه گسترده) ۲) حال من، چو خال رخ او تیره و تار گشت. (تشبیه گسترده)

در بیت (۳) سه تشبیه وجود دارد: ۱) چمن خوبی (اضافهٔ تشبیهی: خوبی (زیبایی) به چمن (باغ و بُستان) تشبیه شده است.) ۲) رویت چو گلِ خودرو است. (تشبیه گسترده) ۳) چین شکن زلفت چون نافهٔ چین، خوشبو است. (تشبیه گسترده)

در بیت (۴) سه تشبیه وجود دارد: ۱) شب زلف (اضافهٔ تشبیهی: زلف در سیاهی به شب تشبیه شده است.) ۲) رخِ همچو روز (تشبیه گسترده) ۳) او همچو سحر، نهان می‌رود. (تشبیه گسترده)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۳۵** شاعر در کدام بیت از «استعاره» بهرهٔ بیشتری برده است؟

۱) یک دم به یاد آن لب و دندان دُرنثار / خالی نشد ز گوهر و لعلم دکان چشم

۲) بیدلان را نرگس گویای تو خاموش کرد / عاشقان را کرد گویا پستهٔ خاموش تو

۳) سنبل بگشا بر گل و سروت به خرام آر / مرغ دل ما را ز عدم باز به دام آر

۴) ای سرو خرامان گذری از در رحمت / وی ماه درفشان نظری از سر رأفت

**مشاوره** استعاره‌های به‌کاررفته در این سؤال، از پرکاربردترین استعاره‌های شعر فارسی هستند. وقتی به این نوع سؤالات برمی‌خورید، استعاره‌های آن‌ها را یادداشت کنید تا پس از مدتی فهرستی از مهم‌ترین استعاره‌های شعر فارسی داشته باشید.

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی یازدهم ـ درس ۹*

**پاسخ خیلی تشریحی**

گزینهٔ (۱): «دُر» استعارهٔ مصرحه از «سخن ارزشمند» و «گوهر» و «لعل» دو استعارهٔ مصرحه از «اشک» هستند. (سه استعارهٔ مصرحه)

گزینهٔ (۲): «نرگس» استعارهٔ مصرحه از «چشم» و «پسته» استعارهٔ مصرحه از «دهان یار» است. (دو استعارهٔ مصرحه)

گزینهٔ (۳): «سنبل» استعارهٔ مصرحه از «گیسو»، «گل» استعارهٔ مصرحه از «چهره»، «سرو» استعارهٔ مصرحه از «قد و قامت» و «دام» استعارهٔ مصرحه از «زلف» است. (چهار استعارهٔ مصرحه)

گزینهٔ (۴): «سرو» و «ماه» استعارهٔ مصرحه از «یار» هستند. (دو استعارهٔ مصرحه)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۳۶** در همهٔ ابیات زیر هر دو نوع استعارهٔ «مصرحه» و «مکنیه» یافت می‌شود؛ به‌جز ..... .

۱) ای که بر ماه از خط مشکین نقاب انداختی / لطف کردی سایه‌ای بر آفتاب انداختی

۲) روزی ای گل به چمن چشم گشودی از ناز / چشم نرگس به تماشای تو باز است هنوز

۳) سخنم زادهٔ جان است و گهر زادهٔ کان / بلکه دریا خجل از طبع گهرزای من است

۴) بی تو ای سرو روان با گل و گلشن چه کنم / زلف سنبل چه کشم عارض سوسن چه کنم

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی یازدهم ـ درس ۹*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

گزینهٔ (۱): «ماه» استعارهٔ مصرحه از «روی یار»، «سایه» استعارهٔ مصرحه از «زلف» و «آفتاب» نیز استعارهٔ مصرحه از «روی یار» است. (استعارهٔ مکنیه در بیت یافت نمی‌شود.)

گزینهٔ (۲): «گل» استعارهٔ مصرحه از «یار» است و ترکیب «چشم نرگس» و نسبت‌دادن «تماشا» به نرگس، تشخیص و استعارهٔ مکنیه هستند.

گزینهٔ (۳): «خجل‌بودن دریا» تشخیص و استعارهٔ مکنیه و «گهر» در مصراع دوم استعارهٔ مصرحه از «شعر و سخن ارزشمند» است.

گزینهٔ (۴): «سرو» استعارهٔ مصرحه از معشوق و ترکیب‌های «زلف سنبل» و «عارض سوسن» تشخیص و استعارهٔ مکنیه هستند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۳۷** وزن بیت زیر کدام است؟

«پاییز من، عزیز غم‌انگیز برگ‌ریز / یک روز می‌رسم و تو را می‌بهارَمَت»

۱) مفعولُ فاعلاتُ مفاعلن فاعلن
۲) مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فعلن
۳) مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن
۴) مفعولُ فعلاتُ مفاعیلُ فاعلن

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

| | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| پا | یی | زِ | من | عَ | زی | زِ | غَ | مَن | گی | زِ | بَر | گ | ریز |
| یک | رو | ز | می | رِ | سَم | وَ | تُ | را | می | بَ | ها | رَ | مَت |
| – | – | ∪ | – | ∪ | – | ∪ | ∪ | – | – | ∪ | – | ∪ | – |
| مفعولُ | | فاعلاتُ | | | | مفاعیلُ | | | | | فاعلن | | |

**نکته** وزن این بیت به صورت «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل» نیز قابل تقطیع است.

**تیزبازی** با یک نگاه سطحی به گزینه‌ها متوجه می‌شویم هیچ‌یک از سه گزینهٔ دیگر وزن آشنا و متعارفی ندارند و در واقع ما اصلاً چنین وزن‌هایی نداریم. در این‌جا طراح بیشتر روی خطای دید شما حساب باز کرده است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۳۸** چند مورد از مصراع‌های زیر با «ای صبا امشبم مدد فرمای» هم‌وزن است؟

- ز دوصد گریه بوَد خنده‌ام
- میل نااهل داردت بر جهل
- بت‌گرانند و بت‌پرستان در دهر
- دیشب از شوق نخفتم یک دم
- عقل کل مر تو را رهاند زود
- تا کی از خویشتن‌پرستی؟

۱) ۲ ۲) ۳ ۳) ۴ ۴) ۵

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی مصراع‌های هم‌وزن:

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ای | صَ | با | اِم | شَ | بَم | مَ | دَد | فَر | مای |
| مِی | لِ | نا | آه | ل | دا | رَ | دَت | بَر | جهل |
| عَق | لِ | گُل | مَر | تُ | را | رَ | ها | نَد | زود |
| – | ⏑ | – | – | ⏑ | – | ⏑ | – | – | – |
| فاعلاتن | | | مفاعلن | | | | | فع‌لن | |

بررسی سایر مصراع‌ها:

ز دوصد گریه بُوَد خنده‌ام: فعلاتن فعلاتن فَعَل

بت‌گرانند و بت‌پرستان در دهر: فاعلاتن مفاعلن مفعولن

دیشب از شوق نخفتم یک دم: فاعلاتن فعلاتن فع‌لن

تا کی از خویشتن‌پرستی: فاعلاتن مفاعلن فع

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۳۹** وزن کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

۱) خیال نقش تو در کارگاه دیده کشیدم / به صورت تو نگاری ندیدم و نشنیدم

۲) قرار نیست که با مرگ خود تمام شویم / جهان دری است که درهای دیگری دارد

۳) کسی شبیه تو چون ماه از دریچه گذشت / هنوز غالب اشیا اسیر جزر و مدند

۴) گریستم همهٔ راه را غزل به غزل / مرور شد همهٔ خاطراتم از اول

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

| خِ | یا | لِ | نَق | شِ | تُ | در | کا | ر | گا | هِ | دی | دِ | کِ | شی | دَم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| U | – | U | – | U | U | – | – | U | – | U | – | U | U | – | – |
| مفاعلن | | | فعلاتن | | | | مفاعلن | | | | | فعلاتن | | | |

وزن سایر ابیات «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن» است.

**نکته**

دو وزن «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن» (ناهمسان) و «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن» (همسان دولختی) بسیار شبیه‌اند و باید حتماً بررسی خود را تا هجای پایانی ادامه دهید.

**گول نخوری ✘**

تفاوت وزن گزینهٔ (۲) و گزینهٔ (۴) تنها در یک هجای بلند پایانی است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۴۰** در ابیات زیر کدام وزن دیده نمی‌شود؟

- از بخت همیشه سرنگونم / زیراکه چو دیگران نه دونم
- آفاق به پای آه ما فرسنگی است / وز آتش ما سپهر دودآهنگی است
- بی‌خواب و بی‌قرار شود لابد / هر کاو شود به مهر بتان مایل

۱) مستفعلن مفاعلُ مفعولن
۲) مستفعلُ فاعلاتُ مستفعل
۳) مفعولُ مفاعلن فعولن
۴) مفعولُ مفاعلن مفاعیلن فع

**مشاوره** در چنین سؤالاتی که مقداری وقت‌گیرند، استفاده از روش سماعی (شنیداری) می‌تواند سریع‌ترین و در عین حال، مطمئن‌ترین مسیر برای رسیدن به پاسخ باشد.

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی**

بررسی ابیات:

| از | بَخ | ت | هَ | می | شِ | سَر | نِ | گو | نم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| – | – | U | U | – | U | – | U | – | – |
| مفعولُ | | مفاعلن | | | | فعولن | | | |

یا: مستفعلُ فاعلاتُ مستف (فع‌لن) (رد گزینهٔ (۳))

| آ | فا | ق | ب | پا | ی | آ | هِ | ما | فَر | سَن | گیست |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| – | – | U | U | – | U | – | U | – | – | – | – |
| مفعولُ | | مفاعلن | | | | مفاعیلن | | | | | فع |

یا: مستفعلُ فاعلاتُ مفعولن فع (رد گزینهٔ (۴))

| بی | خا | بُ | بی | ق | را | ر | شَ | وَد | لا | بُد |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| – | – | U | – | U | – | U | U | – | – | – |
| مستفعلن | | | مفاعلُ | | | | مفعولن (مستفعل) | | | |

یا: مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلن (رد گزینهٔ (۱))

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۴۱** وزن مقابل کدام مصراع **نادرست** درج شده‌است؟

۱) ما برّه‌های گمشده بودیم در بیابان (مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فعل)

۲) خرّمی زین دوروزه جان نتوان کرد (فاعلاتن مفاعلن فعلاتن)

۳) کار نیاید نکو به تنگ‌دلی (مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن)

۴) دلت می‌دهم بوسه‌ای بده (فعولن فعولن مفاعلن)

**مشاوره** طراحان کنکور سراسری در چند نوبت اخیر کمی به سمت اوزان خارج از کتاب رفته‌اند که شاید خیلی از آن‌ها را برای اولین بار است که می‌بینید. در گزینه‌های این سؤال هم وزن‌هایی به کار رفته که علی‌رغم مشابهت زیاد با اوزان کتاب درسی، جدیدند و احتمالاً تاکنون ندیده‌اید. از این‌رو بهتر است در مواجهه با چنین وزن‌هایی فقط به گوش خود تکیه نکرده و در صورت لزوم از تقطیع هجایی هم بهره بگیرید تا دچار خطا نشوید.

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۲*

**Hint** سایر مصراع‌ها رو براساس وزن داده‌شده تقطیع کن.

**پاسخ خیلی تشریحی** تقطیع و وزن مصراع گزینهٔ (۱) به این صورت است:

| ما | بَر | رِ | ها | یِ | گُم | شُ | دِ | بو | دیـ | م | دَر | بِ | یا | بان |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| – | – | U | – | U | – | U | U | – | – | U | – | U | – | – |
| مستفعلن | | | مفاعلُ | | | | | مستفعلن | | | فعولن | | | |

همان‌طور که می‌بینید، وزن این مصراع نسبت به وزن گفته‌شده در سؤال تنها یک هجا بیشتر دارد.

**نکته** دقت کنید که «نتوان» در گزینهٔ (۲) باید به صورت «نَتَوان» خوانده شود.

**کنکور** وزن عروضی کدام سروده در مقابل آن **نادرست** آمده است؟ *(سؤال ۴۱ کنکور انسانی ۱۴۰۵)*

۱) فلک معادله بر هم نزد اگر کم کرد (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن)

۲) می‌کنم الفبا را روی لوحهٔ سنگی (فاعلن مفاعیلن، فاعلن مفاعیلن)

۳) یک بار دیگر عشق یک بار دیگر تو (مفعولُ مفعولن، مفعول مفعولن)

۴) زیبا و رنگین و روشن تصویر خوش‌باوری بود (مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۴۲** **وزن مصراع «بلبل دستان‌سرای باغ تو بودم» با کدام گزینه یکسان است؟**

۱) یک نگهت با دلم کار مسیحا کند

۲) چون تو نباشی جهان من به چه ارزد هیچ

۳) هنوز با همه دردم امید درمان است

۴) دل برد آن‌سان که هیچ بازنیابیش

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

وزن مشترک مصراع صورت سؤال و مصراع گزینهٔ (۴): مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع

**نکته**

مثل همیشه، خواندن درست شعر، گام اول در تشخیص وزن آن است. در گزینهٔ (۴) اگر «بَرَد» را به اشتباه «بُرد» بخوانید، به وزن درست آن نخواهید رسید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

گزینهٔ (۲): مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فعلن

گزینهٔ (۳): مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن

**گول نخوری ✘**

وزن گزینهٔ (۲) بسیار شبیه صورت سؤال است و تنها یک هجای بلند به انتهای آن اضافه شده است. *(واسه همین همیشه می‌گیم خوندن و تقطیع بیت رو تا آخرش ادامه بدین.)*

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۴۳** وزن کدام بیت قابلیت دسته‌بندی به صورت همسان و ناهمسان دارد؟

۱) صد ره به رهت فتاده دیدستم / خلقی همه بی‌دلان خونین‌چشم

۲) تا رخت دل اندر سر زلف تو نهادیم / بر رخ ز غم عشق تو خونابه گشادیم

۳) وقتی تو غمگینی تمام شهر غمگین است / اشک تو می‌گریاندم اشکت خبرچین است

۴) سرگشتگی‌ام چون دید، چون حوصله‌ام سنجید / میراث به من بخشید، آوارهٔ یمگانی

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۲*

**درس Box**

در بین وزن‌هایی که در کتاب‌های علوم و فنون ادبی یازدهم و دوازدهم می‌خوانیم، آن‌هایی که با رکن «مفعولُ» آغاز می‌شوند، قابلیت دسته‌بندی به دو صورت را دارند. در این میان تنها یک وزن هم به صورت همسان و هم به صورت ناهمسان دسته‌بندی می‌شود:

مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستف = مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن

(همسان) (ناهمسان)

این را هم بدانید که همیشه اولویت با حالت اول (وزن همسان) است. *(این نکته توی امتحان نهایی به کارت می‌آد.)*

**نکته**

در سؤالات کنکور، این وزن می‌تواند با یک هجا کم‌تر نیز مورد سؤال قرار بگیرد.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): مفعولُ مفاعلن مفاعلین (ناهمسان) = مستفعلُ فاعلاتُ مستفعل (مفعولن) (ناهمسان)

گزینهٔ (۲): مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستف (همسان) = مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن (ناهمسان)

گزینهٔ (۳): مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستف (تنها یک صورت وزنی دارد)

گزینهٔ (۴): مفعولُ مفاعلین مفعولُ مفاعلین (همسان دولختی) = مستفعلُ مفعولن مستفعلُ مفعولن (همسان دولختی)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۴۴** همهٔ ابیات زیر قابلیت برش به دو صورت دارند؛ به‌جز ..... .

۱) وز خلق به علم و جاه برتر شو / هر چند بوند با تو هم‌زانو
۲) در آستانهٔ رفتن در امتداد غروب / دعای من به تو تنها خدانگهدار است
۳) غیر از خدا که را بپرستم؟ تو را، تو را / حس می‌کنم برای دلم یک خدا کم است
۴) از دست تو قطره‌قطره خون شد / یک‌چند اگر مرا دلی بود

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔** وزن بیت گزینهٔ (۲) «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن» است و فقط یک صورت وزنی دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): مفعولُ مفاعلن مفاعیلن = مستفعلُ فاعلاتُ مستفعل (مفعولن)

گزینهٔ (۳): مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن = مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فعل

گزینهٔ (۴): مفعولُ مفاعلن فعولن = مستفعلُ فاعلاتُ مستف (فعلن)

**تیزبازی** فقط وزن‌هایی که با رکن «مفعولُ» آغاز می‌شوند، قابلیت دسته‌بندی به دو صورت را دارند.

تقطیع کدام بیت با «دو برش آوایی» امکان‌پذیر است؟ *(سؤال ۱۸ ـ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۵)*

الف) به حُسن خُلق و وفا کس به یار ما نرسد / تو را در این سخن انکار کار ما نرسد
ب) آتش حُبّ‌الوطن چو شعله فروزد / از دل مؤمن کند به مجمره اسپند
ج) دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر / کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۴۵** با توجه به رباعی زیر، همهٔ موارد کاملاً درست هستند؛ به‌جز ..... .

«ترکیب طبایع چو به کام دمی است / رو شاد بزی اگر چه بر تو ستمی است
با اهل خرد باش که اصل تن تو / گردی و نسیمی و غباری و دمی است»

۱) به غیر از هجای پایانی مصراع‌ها، دو هجای کشیده در ابیات یافت می‌شود.
۲) صامت همزه در واژه‌های «اهل» و «اصل» هنگام خوانش حذف می‌شود.
۳) مفاهیم «خوش‌باشی» و «زمان حال را غنیمت دانستن» از ابیات دریافت می‌شود.
۴) آرایه‌های واج‌آرایی، تکرار و مراعات‌نظیر در ابیات یافت می‌شود.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم ـ درس‌های ۶ و ۷*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): به غیر از هجای پایانی مصراع‌ها، دو هجای «شاد» و «باش» کشیده هستند.

گزینهٔ (۲): صامت همزه در هر دو واژهٔ «اهل» و «اصل» هنگام خوانش حذف نمی‌شود.

گزینهٔ (۳): مفهوم «خوش‌باشی» از تمام رباعی به‌ویژه عبارت «خوش باش» و مفهوم «زمان حال را غنیمت دانستن» از تمام بیت دوم دریافت می‌شود.

گزینهٔ (۴): آرایهٔ واج‌آرایی در تکرار واج‌های «ت» و «ی» و ...؛ تکرار در واژهٔ «تو»؛ و مراعات‌نظیر میان واژه‌های «گرد»، «نسیم»، «غبار» و «دم» وجود دارد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۴۶** کدام ابیات، با متن زیر قرابت مفهومی دارند؟

«الهی، اگر بهشت چون چشم و چراغ است، بی دیدار تو، درد و داغ است.»

الف) به دو چشم تو که گر بی تو برندم به بهشت / نکنم میل به حوران و نظر با ساقی

ب) نیست یک جو خلد را در دیدهٔ من اعتبار / حسن گندم‌گون برد از راه چون آدم مرا

ج) تن به نعمت‌های جنت می‌شود پرورده لیک / جان بیابد پرورش از دیدن پروردگار

د) بوتهٔ خاری است در چشم خداجویان بهشت / کی علاج تشنهٔ دیدار کوثر می‌کند؟

۱) «الف» ـ «ب»
۲) «ج» ـ «د»
۳) «ب» ـ «ج»
۴) «د» ـ «الف»

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم ـ درس ۶*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

مفهوم مذکور در عبارت صورت سؤال، «ترجیح دیدار خداوند بر بهشت» است.

بیت «ج» بیان می‌کند که نعمت‌های بهشت باعث پرورش تن می‌شود؛ اما دیدار خدا باعث پرورش روح و جان آدمی می‌شود و باارزش‌تر است (ترجیح دیدار خدا بر بهشت).

بیت «د» نیز در بیان این است که بهشت، بدون ملاقات با خداوند، ارزشی ندارد و حتی باعث رنجش می‌شود.

بررسی سایر ابیات:

بیت «الف»: شاعر می‌گوید که بهشت فقط زمانی باارزش است که معشوقش (زمینی) نیز همراه او باشد.

بیت «ب»: ترجیح معشوق زمینی بر بهشت

**نکته**

این دو مفهوم، نزدیک به یکدیگر هستند و در تشخیص آن‌ها، باید دقت داشته باشید: ۱) ترجیح‌دادن معشوق زمینی بر بهشت و ۲) ترجیح‌دادن خدا (معشوق آسمانی) بر بهشت. ابیات «الف» و «ب» مفهوم شمارهٔ یک را شامل هستند و ابیات «ج» و «د» بیانگر مفهوم شمارهٔ دو هستند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۴۷** مفهوم کدام بیت، با بیت زیر یکسان است؟

«**مجنون که به دیوانه‌گری شهرهٔ شهر است / در دشت جنون همسفر عاقل ما بود**»

۱) من آن روزی که آهنگ بیابان جنون کردم / لحد از غیرتم گهواره‌سان لرزید مجنون را

۲) دامن دشت جنون ارزانی مجنون که من / لیلی خود را نهان در پردهٔ دل یافتم

۳) چو نگذاری به عقلم رهنمون کن شور سودایی / ز شهر آواره‌ام چون می‌کنی مجنون صحرا کن

۴) چو از فتوای عاقل حل نشد در شهرمان مشکل / به صحرای جنون تقلیدی از مجنون کنیم آخر

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

معنی بیت صورت سؤال: مجنون که به دیوانگی مشهور است، در برابر ما عاقل محسوب می‌شود.

معنی بیت گزینهٔ (۱): از زمانی که من دیوانه شدم، سنگ قبر مجنون به لرزش درآمد.

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و بیت گزینهٔ (۱): شاعر، خودش را از «مجنون» عاشق‌تر می‌داند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): شاعر می‌گوید که من مانند مجنون، نیازی به رفتن به صحرا ندارم؛ زیرا معشوقم را در دل خود پیدا کرده‌ام.

گزینهٔ (۳): تقابل عشق و عقل (اگر نمی‌گذاری عاقل باشم، عاشقم کن و اگر آواره‌ام می‌کنی مانند مجنون بیابان‌گردم کن.)

گزینهٔ (۴): با عقل مشکلی حل نشد؛ پس مانند مجنون، جنون و دیوانگی را انتخاب می‌کنیم.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۴۸** تصویر همهٔ ابیات یکسان است؛ به‌جز ..... .

۱) در خم زلفش دلم امروز می‌رقصد چنان / همچو آن گویی که سازد پیش چوگان‌باز رقص

۲) مرا زیبد به چوگان سر زلفت نظربازی / که سر دربازم و چون گوی نگریزم ز سربازی

۳) چون در این میدان نداری دست و پایی همچو گوی / اختیار سر به زلف همچو چوگانش گذار

۴) چوگان طره‌ات را گویی ز سر بسازم / گوهر ز بحر چشمت بهر نثار دارم

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دوازدهم ـ درس ۳*

**نکته**

«چوگان» نوعی سرگرمی و ورزش شاهانه بوده است. در این ورزش، با چوبی سرکج که نام آن «چوگان» بوده، به گوی ضربه می‌زدند.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

تصویر مشترک ابیات: تشبیه «سر عاشق» به «گوی» و تشبیه «موی معشوق» به «چوگان»؛ در واقع، معشوق با موهایش که مانند چوگان است، با سرِ عاشق که مانند گوی است بازی می‌کند و عاشق، تسلیم است و جان خودش را فدا می‌کند. (سر باختن)

در بیت گزینهٔ (۱)، «موی معشوق» به «چوگان» تشبیه شده؛ اما «دل عاشق» به «گوی» تشبیه شده است. (دل باختن)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۴۹** **مفهوم کدام‌یک از بیت‌های زیر با دیگر ابیات «متفاوت» است؟**

۱) من از این‌جا به ملامت نروم / که من این‌جا به امیدی گروم

۲) گرت کسی بپرستد ملامتش نکنم من / تو هم در آینه بنگر که خویشتن بپرستی

۳) وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم / که در طریقت ما کافریست رنجیدن

۴) عاشق از طعنهٔ اغیار چه پروا دارد؟ / آتش از سرزنش خار چه پروا دارد؟

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم ـ درس ۶*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔** مفهوم مشترک ابیات (۱)، (۳) و (۴) «ملامت‌پذیری عاشق» است، ولی مفهوم بیت (۲) «سزاوار پرستش بودن معشوق» است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۵۰** **مفهوم دو بیت زیر، از ابیات همهٔ گزینه‌ها دریافت می‌شود؛ به‌جز ..... .**

«مهتری گر به کام شیر در است — شو خطر کن ز کام شیر بجوی
یا بزرگی و عزّ و نعمت و جاه — یا چو مردانْت، مرگ رویاروی»

۱) تا مرد به تیغ عشق بی سر نشود — اندر ره عشق و عاشقی بر نشود
۲) غواص گر اندیشه کند کام نهنگ — هرگز نکند دُرّ گرانمایه به چنگ
۳) عنان بزرگی هر آن کس که جست — نخستش بباید به خون دست شست
۴) رضا به حکم قضا گر دهیم یا ندهیم — از این کمند نشاید به شیرمردی رست

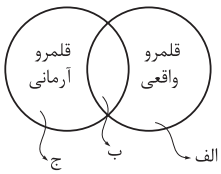
**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: علوم و فنون ادبی دهم - درس ۷*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔** مفهوم مشترک قطعهٔ صورت سؤال و ابیات (۱)، (۲) و (۳) «بی‌پروایی و خطرکردن برای کامیابی و دستیابی به بزرگی» می‌باشد؛ اما مفهوم بیت (۴) «رضایت و تسلیم در برابر تقدیر» است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۵۱** با توجه به نمودار مقابل، چه تعداد از موارد زیر درست است؟




- هر اندازه مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه «الف» وارد «ب» می‌شود.
- برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه تلاش می‌کنند زمینهٔ ورود «ج» به «الف» را فراهم کنند.
- اگر مردم به ارزش‌های قلمرو «الف» عمل کنند، «ب» از آرمان‌ها فاصله می‌گیرد.
- قلمرو «الف» و «ج» به روی یکدیگر گشوده‌اند و مرز آن‌ها براساس عمل مردم تغییر می‌کند.

۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دهم - درس ۷*

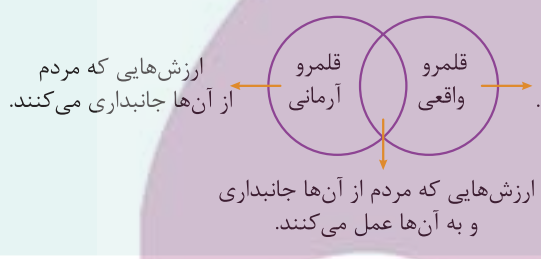
درس Box

**رابطهٔ قلمرو آرمانی و واقعی جهان اجتماعی:**

- قلمرو آرمانی و واقعی جهان اجتماعی به روی یکدیگر گشوده‌اند و مرز آن‌ها براساس عمل مردم تغییر می‌کند.

یعنی
- هر اندازه مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه آرمان‌ها وارد قلمرو واقعی جهان اجتماعی می‌شوند.
- اگر مردم به ارزش‌هایی که در قلمرو آرمانی جامعه رعایت آن‌ها را لازم می‌دانند عمل نکنند، قلمرو واقعی از آرمان‌ها فاصله می‌گیرد.

- برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه، همواره تلاش می‌کنند تا از طریق **تعلیم و تربیت**، زمینهٔ تحقق بیشتر آرمان‌ها و ورود آن‌ها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی را فراهم کنند.




**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی عبارت‌ها:

عبارت اول: نادرست؛ هر اندازه که مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه قلمرو آرمانی (ج) وارد قلمرو واقعی (الف) می‌شود.

عبارت دوم: درست؛ برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه همواره تلاش می‌کنند تا از طریق تعلیم و تربیت، زمینهٔ تحقق بیشتر آرمان‌ها (ج) و ورود آن‌ها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی (الف) را فراهم کنند.

عبارت سوم: نادرست؛ اگر مردم به ارزش‌های قلمرو آرمانی (ج) عمل کنند، آرمان‌ها (ج) به واقعیت‌ها (الف) نزدیک می‌شوند.

عبارت چهارم: درست؛ قلمرو واقعی (الف) و آرمانی (ج) جهان اجتماعی به روی یکدیگر گشوده‌اند و مرز آن‌ها براساس عمل مردم تغییر می‌کند.

تـوشـه ای بـرای مـوفقیت

**۵۲** **هر یک از موارد زیر، با عبارت‌های کدام گزینه مرتبط است؟**

- **کاهش فاصله میان قلمرو آرمانی و واقعی جامعهٔ خود**
- **ناتوانی از سخن‌گفتن دربارهٔ حق یا باطل بودن عقاید و آرمان‌ها**
- **تبدیل آرمان‌ها به واقعیت با گذشت زمان یا تغییر مکان**

۱) عمل‌کردن مردم مطابق با آرمان‌های خود ـ محدودکردن علم به دانش تجربی ـ دستخوش تغییر شدن حدود قلمرو آرمانی و واقعی جوامع مختلف

۲) ارزیابی واقعیت‌ها در پرتو آرمان‌های جامعه ـ نادیده‌گرفتن روش‌های فراتجربی در بررسی فرهنگ‌ها ـ تبعیت حق و باطل از جهان‌های اجتماعی

۳) ایمان‌آوردن مردم به عقاید و ارزش‌های حقیقی ـ عدم اعتبار عقل و وحی به عنوان روش علمی ـ استقلال حق و باطل از پذیرش یا عدم پذیرش انسان‌ها

۴) داوری دربارهٔ قلمرو آرمانی و واقعی فرهنگ ـ عدم امکان بررسی عقاید و آرمان‌ها با روش تجربی ـ ثابت‌بودن حق و باطل در قلمرو آرمانی و واقعی جوامع

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دهم ـ درس ۷*

**نکته**

حدود قلمرو واقعی و آرمانی هر جهان اجتماعی دستخوش تغییر می‌شود و از جامعه‌ای به جامعهٔ دیگر متفاوت است:

پدیده‌ای در یک جهان اجتماعی در قلمرو آرمانی قرار می‌گیرد و در جهان اجتماعی دیگری در قلمرو واقعی قرار دارد.

**مثال**: امنیت برای یک کشور آشوب‌زده، پدیده‌ای در **قلمرو آرمانی** و برای یک جامعهٔ بسامان، در **قلمرو واقعی** است.

در یک جهان اجتماعی نیز، پدیده‌ای در زمانی **آرمان** محسوب می‌شود و در زمان دیگر لباس **واقعیت** می‌پوشد.

**مثال**: استقلال سیاسی در ایران پیش از انقلاب اسلامی، یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی، به یک واقعیت تبدیل شد.

**پاسخ خیلی تشریحی**

- اگر مردمی مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصلهٔ میان قلمرو واقعی و آرمانی جامعهٔ خود را کاهش می‌دهند.
- جهان‌های اجتماعی که علم را به دانش تجربی محدود می‌کنند و عقل و وحی را به عنوان دو روش علمی معتبر نمی‌دانند، نمی‌توانند از حق یا باطل بودن عقاید و آرمان‌ها سخن بگویند.
- پدیده‌ای در یک جهان اجتماعی در قلمرو آرمانی قرار می‌گیرد و در جهان اجتماعی دیگری در قلمرو واقعی قرار دارد؛ هم‌چنین در یک جهان اجتماعی نیز پدیده‌ای در زمانی، آرمان محسوب می‌شود و در زمان دیگری لباس واقعیت می‌پوشد. بنابراین حدود قلمرو واقعی و آرمانی هر جهان اجتماعی دستخوش تغییر می‌شود و از جامعه‌ای به جامعهٔ دیگر نیز متفاوت است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۵۳** در چه صورتی، جوامع از حق گسسته و به سوی باطل گام برمی‌دارند؟

۱) حق و باطل بر مدار بینش و گرایش انسان‌ها دچار تغییر شود. ـ امکان ورود حقایق به قلمرو آرمانی جامعه فراهم نشود.

۲) جوامع عقاید و ارزش‌های حقیقی را به قلمرو واقعی خود وارد نکنند. ـ حقایق براساس بینش و گرایش انسان‌ها تغییر نکند.

۳) جوامع حقایق را نشناسند، به آن‌ها ایمان نیاورند و مطابق آن‌ها عمل نکنند. ـ جوامع ایمان خود را نسبت به حقایق از دست بدهند.

۴) عقاید و ارزش‌های جامعه از مدار حقایق خارج شود. ـ جوامع عقاید و ارزش‌های حقیقی را به قلمرو واقعی جامعهٔ خود وارد کنند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دهم ـ درس ۷*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔** اگر جوامع ۱) حقایق را نشناسند، ۲) به آن‌ها ایمان نیاورند، ۳) مطابق آن‌ها عمل نکنند یا ۴) اگر ایمان خود را نسبت به حقایق از دست بدهند، از حق گسسته و به سوی باطل گام برمی‌دارند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۵۴** ویژگی‌های هویتی «معلمِ خوش‌اخلاقِ ایرانی»، به ترتیب با ویژگی‌های هویتی ذکرشده در کدام گزینه تناسب دارد؟

۱) پزشکِ حاذقِ چپ‌دست
۲) کارآفرینِ خلاقِ وطن‌دوست
۳) مدیر روستایی راستگو
۴) وکیلِ باتجربهٔ ارباب‌زاده

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دهم ـ درس ۸*

درس Box

**ابعاد هویتی انسان:**

| | | | |
|---|---|---|---|
| **از حیث نقش فرد در پیدایش ویژگی** | انتسابی | خود فرد در پیدایش ویژگی نقشی ندارد. | مانند جنسیت، مکان تولد، رنگ پوست، ملیت، نژاد، قومیت و ... |
| | اکتسابی | فرد با کنش‌های خود ویژگی را به دست می‌آورد. | مانند همسر و ورزشکار و دانشجو بودن و ... |
| **از حیث ارتباط ویژگی با دیگر اعضای جامعه** | فردی | ویژگی صرف‌نظر از سایر افراد جامعه و صرف‌نظر از عضویت در گروهای اجتماعی در فرد وجود دارد. | مانند قد، ژنتیک، صبوربودن، پشتکارداشتن و ... |
| | اجتماعی | فرد با عضویت در جامعه، ویژگی را به دست می‌آورد. | مانند کارمند و رئیس و معلم بودن، ملیت، نژاد، مسلمان‌بودن و ... |
| **از حیث امکان تغییر و دگرگونی ویژگی** | ثابت | ویژگی برای همیشه ثابت است و هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند. | مانند زمان تولد، جنسیت، ملیت، نژاد، خانواده و ... |
| | متغیر | ویژگی ثابت نیست و امکان تغییر آن در طول زندگی فرد وجود دارد. | مانند بی‌سوادی، چاقی، دروغگویی و ... |

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

ویژگی‌های صورت سؤال: معلم: اکتسابی، اجتماعی و متغیر / خوش‌اخلاق: اکتسابی، فردی و متغیر / ایرانی: انتسابی، اجتماعی و ثابت

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): پزشک: اکتسابی، اجتماعی و متغیر / حاذق: اکتسابی، فردی و متغیر / چپ‌دست: انتسابی، فردی و ثابت

گزینهٔ (۲): کارآفرین: اکتسابی، اجتماعی و متغیر / خلاق: اکتسابی، فردی و متغیر / وطن‌دوست: اکتسابی، فردی و متغیر

گزینهٔ (۳): مدیر: اکتسابی، اجتماعی و متغیر / روستایی: انتسابی، اجتماعی و ثابت / راستگو: اکتسابی، فردی و متغیر

گزینهٔ (۴): وکیل: اکتسابی، اجتماعی و متغیر / باتجربه: اکتسابی، فردی و متغیر / ارباب‌زاده: انتسابی، اجتماعی و ثابت

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۵۵** **هویت اجتماعی هر فرد بر چه اساسی شکل می‌گیرد، هر جهان اجتماعی بر چه اساسی با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و در جهان معنوی اسلام، چه نگاهی به طبیعت وجود دارد؟**

۱) درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن ـ براساس هویت خود ـ طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانهٔ خداوند است.

۲) براساس هویت جهان اجتماعی و مبتنی بر آرمان‌های آن ـ براساس هنجارها و ارزش‌های خود ـ انسان از هر نوع دخل و تصرفی در طبیعت منع شده است.

۳) درون جهان اجتماعی و براساس هویت افراد آن جهان اجتماعی ـ براساس آرمان‌های جامعه ـ انسان براساس خواست خداوند، وظیفهٔ آبادانی آن را بر عهده دارد.

۴) براساس هویت فرهنگی جهان اجتماعی و آرمان‌های سازندهٔ آن ـ براساس هویت اجتماعی افراد جامعه ـ امکان بهره‌برداری مطلوب از طبیعت را محدود می‌نماید.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دهم ـ درس ۸*

**درس Box**

هویت هر جهان اجتماعی
قواعد، هنجارها و نمادهای هر جهان اجتماعی ← براساس **عقاید**، **آرمان‌ها و ارزش‌های جهان اجتماعی** شکل می‌گیرد.

- از این مسئله، سه نتیجه حاصل می‌شود:

۱) هویت اجتماعی هر فرد، **درون جهان اجتماعی** و براساس **عقاید و ارزش‌های** آن شکل می‌گیرد.

مثال:
- در جامعهٔ **قبیله‌ای**، هویت اجتماعی افراد براساس جایگاه قبیله‌ای آن‌ها مشخص می‌شود.
- در جامعهٔ **سرمایه‌داری**، هویت افراد بیشتر به ثروت و توان اقتصادی آن‌ها وابسته است.
- در جامعهٔ **دینی**، هویت اجتماعی افراد براساس عقاید و ارزش‌هایی است که آن دین محترم می‌شمارد.
- **اسلام**، هویت افراد را با تقوا، علم و عدالت ارزیابی می‌کند.

۲) هر جهان اجتماعی براساس **هویت خود**، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند.

مثال:
- نگاه دنیوی **جهان متجدد** و ارزش‌های آن به گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت مجاز می‌داند.
- در جهان معنوی **اسلام**، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانهٔ خداوند محسوب می‌شود.

۳) هر جهان اجتماعی بنا به **هویت خود**، با نوعی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینهٔ پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد انواع دیگر را تضعیف می‌کند.

مثال:
- جهان **متجدد** به تناسب رویکرد این‌جهانی خود، با آن دسته از ویژگی‌های اخلاقی و روانی سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل گیرند (مانند فردگرایی، دم‌غنیمت‌شماری، انضباط، تبرج و ...)
- جهان **متجدد** با بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزش‌های معنوی و الهی وجود انسان شکل گرفته باشند (مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی و ...) سازگار نیست.

**پاسخ خیلی تشریحی ✓**

- هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد.
- هر جهان اجتماعی بنا به هویت خود، با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینهٔ پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد انواع دیگر را تضعیف می‌کند.
- در جهان معنوی اسلام، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانهٔ خداوند محسوب می‌شود. انسان در طبیعت، خلیفهٔ خداوند است و خلیفهٔ خداوند براساس خواست الهی، وظیفهٔ عمران و آبادانی آن را بر عهده دارد؛ یعنی انسان حق ندارد تصرفاتی را که مخالف ارادهٔ حکیمانهٔ الهی است، در جهان طبیعت و بدن خود انجام دهد.

**۵۶** به ترتیب، پاسخ درست کدام است؟

- **علت ناسازگاری جهان متجدد با هویت اخلاقی و روانی الهی انسان چیست؟**
- **وجود نظریات متفاوت دربارهٔ هویت، نشانه‌ای بر کدام موضوع است؟**
- **ملاک تشخیص حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی چیست؟**

۱) رویکرد این‌جهانی و آرمان‌های دنیوی جهان متجدد ـ امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت ـ علم متناسب با همان لایه

۲) ناسازگاری هویت فرهنگی این جهان با هویت اخلاقی و معنوی ـ غفلت و فراموشی انسان‌ها از خویشتن ـ مطابقت با آرمان‌های انسان

۳) شکل‌گیری ویژگی‌های اخلاقی براساس ارزش‌های مدرن ـ ناآگاهی انسان به بخشی از هویت خود ـ ارزیابی واقعیت‌ها براساس آرمان‌ها

۴) اولویت‌دادن انضباط، رفاه‌طلبی و مال‌اندوزی بر ارزش‌های معنوی ـ طرح نظریات فلاسفه و روان‌شناسان دربارهٔ هویت ـ عمل به حقایق

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دهم ـ درس‌های ۷ و ۸*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

- جهان متجدد به تناسب رویکرد این‌جهانی خود، با آن دسته از ویژگی‌های روانی و اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل می‌گیرند، مانند فردگرایی، دم‌غنیمت‌شماری، انضباط، تبرج، تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی، مال‌اندوزی و ... و با بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزش‌های معنوی و الهی وجود انسان شکل گرفته باشند، مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی، توکل و ... سازگار نیست.
- وجود نظریات متفاوت دربارهٔ هویت، نشانهٔ این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.
- حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی، با علمِ متناسب با همان لایه شناخته می‌شود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۵۷** با توجه به موارد زیر، کدام گزینه درست است؟

**A: علوم اجتماعی** **B: فلسفه** **C: جامعه‌شناسی** **D: علوم انسانی**

۱) A در مقایسه با D، موضوع عام علوم انسانی را محدود می‌کند و به کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن می‌پردازد. ـ B در مقایسه با A و D علمی مستقل است و موضوعات و قواعد مستقلی دارد.

۲) موجودات و پدیده‌های مورد مطالعه در B برخلاف موضوع مورد مطالعهٔ D، مستقل از ارادهٔ انسان‌ها وجود دارند. ـ A موضوع علوم انسانی را به کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن محدود می‌کند.

۳) B برخلاف A و D، کنش‌ها و پیامدهای آن‌ها را مطالعه نمی‌کند؛ بلکه موضوع آن اصل وجود است. ـ A در مقایسه با D، وجود انسان را به ابعاد اجتماعی‌اش تقلیل نمی‌دهد.

۴) C زیرمجموعهٔ B است و به دو حوزهٔ خرد و کلان تقسیم می‌شود. ـ موضوع مورد مطالعهٔ C، عام‌تر از A است؛ اما در مقایسه با B، علمی محدودتر به حساب می‌آید.

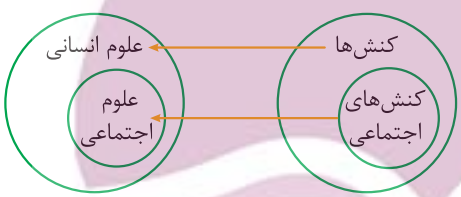
---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۲*

**درس Box**

موضوعات علوم مختلف:

| | |
|---|---|
| **علوم طبیعی** | موضوع علوم طبیعی، **پدیده‌های طبیعی** هستند. پدیده‌های طبیعی، به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته نیستند، بلکه مستقل از ارادهٔ انسان‌ها وجود دارند.<br>فعالیت‌های غیرارادی بدن انسان، کنش **نیستند**؛ بنابراین در علوم طبیعی بحث می‌شوند، نه علوم انسانی. |
| **علوم انسانی** | دربارهٔ کنش‌های **انسان** و آثار و پیامدهای آن بحث می‌کند، مثل اقتصاد و روان‌شناسی. |
| **علوم اجتماعی** | کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کند. علوم اجتماعی جزئی از علوم انسانی است و علوم انسانی، **عام‌تر** از علوم اجتماعی است. بنابراین برخی علوم انسانی در زمرهٔ علوم اجتماعی **نیستند**.<br> |
| **فلسفه** | موضوع آن، اصل وجود است؛ یعنی به موجودی خاص نمی‌پردازند. بلکه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند، مانند **قانون علیت**. بنابراین فلسفه، دانشی مستقل است. |

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

علوم اجتماعی (A)، خاص‌تر و محدودتر از علوم انسانی (D) و زیرمجموعهٔ آن است؛ این علوم به کنش‌های اجتماعی و آثار و پیامدهای آن می‌پردازد.

فلسفه (B)، علمی مستقل از علوم اجتماعی (A) و علوم انسانی (D) است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): نادرست (فلسفه (B)، به موجوداتی خاص نمی‌پردازد، بلکه قوانین کلی موجودات و پدیده‌ها را شناسایی می‌کند.) ـ درست (علوم اجتماعی (A) موضوعات علوم انسانی (D) را محدود می‌کند.)

**نکته**

موضوع علوم انسانی، کنش‌های انسانی است و موضوع علوم اجتماعی، کنش‌های اجتماعی است؛ بنابراین علوم اجتماعی، علوم انسانی را محدود می‌کند (یعنی به بخشی از موضوعات علوم انسانی می‌پردازد).

گزینهٔ (۳): درست (موضوع فلسفه (B) اصل وجود است.) ـ نادرست (علوم اجتماعی (A) وجود انسان را به ابعاد اجتماعی تقلیل می‌دهد؛ یعنی فقط آن ابعاد انسان را مطالعه می‌کند که اجتماعی باشد.)

گزینهٔ (۴): نادرست (جامعه‌شناسی (C) زیرمجموعهٔ علوم اجتماعی (A) است. جامعه‌شناسی (C) به دو حوزهٔ خرد و کلان تقسیم می‌شود.) ـ نادرست (علوم اجتماعی (A) عام‌تر از جامعه‌شناسی (C) است.)

**۵۸** **کدام‌یک، مصداقی برای نشان‌دادن اهمیت بیشتر علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی است؟**

۱) مطالعات مردم‌شناختی دربارهٔ سبک زندگی یک قوم، موجب آشنایی دیگران با باورها و شیوهٔ زندگی آن‌ها می‌شود و می‌تواند از شکل‌گیری پیش‌داوری و سوءتفاهم جلوگیری کند.

۲) جامعه‌شناسان با بررسی افزایش ترک تحصیل در یک منطقه، می‌توانند احتمال گسترش بیکاری و آسیب‌های اجتماعی را پیش‌بینی و برای کاهش آن در جامعه برنامه‌ریزی کنند.

۳) علوم اجتماعی می‌تواند آثار استفادهٔ گسترده از شبکه‌های اجتماعی بر روابط خانوادگی و زندگی اجتماعی را بررسی کند و دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های این موضوع به انسان آگاهی دهد.

۴) پژوهش‌های اجتماعی دربارهٔ تبعیض در محیط کار می‌تواند نابرابری‌های موجود را آشکار کند و زمینهٔ نقد قوانین و اصلاح شیوه‌های استخدام و ارتقای شرایط محیط کار را فراهم کند.

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

علوم اجتماعی ظرفیت داوری دربارهٔ علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن را نیز دارند. علوم اجتماعی، دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند که از طبیعت و علوم طبیعی به شیوهٔ صحیح استفاده کنند. بنابراین علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند. از بین گزینه‌ها، فقط گزینهٔ (۳) بیانگر قابلیت داوری علوم اجتماعی دربارهٔ یک فناوری (استفاده از شبکه‌های اجتماعی) است.

**کنکور** **چرا علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردار است؟** *(سؤال ۵۷ کنکور انسانی ۱۴۰۴ ـ نوبت اول)*

۱) علوم اجتماعی و فناوری حاصل از آن‌ها، وسیلهٔ غلبه‌بر محدودیت‌های طبیعی هستند ـ پیش‌بینی در علوم طبیعی پیچیده‌تر از علوم اجتماعی است و علوم اجتماعی ظرفیت داوری دربارهٔ علوم طبیعی را دارند.

۲) زیرا علوم اجتماعی ظرفیت داوری دربارهٔ علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن را دارد ـ دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند و به انسان‌ها کمک می‌کنند که از طبیعت و علوم طبیعی به شیوهٔ صحیح استفاده کنند.

۳) چون علوم اجتماعی، به انسان‌ها کمک می‌کند که از طبیعت و علوم طبیعی به شیوهٔ صحیح استفاده کنند ـ علوم اجتماعی با شناخت طبیعت و قوانین آن، به انسان قدرت پیش‌بینی حوادث طبیعی و پیشگیری از آن‌ها را می‌دهد.

۴) علوم اجتماعی، به انسان قدرت پیش‌بینی حوادث طبیعی و پیشگیری از آن‌ها را می‌دهد و به او در استفاده از طبیعت کمک می‌کند ـ علوم اجتماعی و فناوری‌های حاصل از آن‌ها، ابزار بهره‌مندی انسان از طبیعت هستند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۵۹** به ترتیب، پاسخ درست کدام است؟

- **علوم اجتماعی از چه طریقی فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند؟**
- **برگزاری مسابقات بین‌المللی زیبایی و نمایشگاه‌های مد، نشان‌دهندهٔ چیست؟**
- **حقایق از چه جهتی امکان تغییرپذیری دارند؟**

۱) داوری دربارهٔ پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آن‌ها ـ توجه و تمرکز فرهنگ غرب بر بعد جسمانی ـ از جهت قرارگرفتن در قلمرو آرمانی و واقعی

۲) کشف قواعد جهان اجتماعی ـ ستایش زیبایی و تناسب اندام در رویکردهای اساطیری ـ در صورت ایمان مردم جامعه به حقایق و فرهنگ حق

۳) نقد و اصلاح پدیده‌های اجتماعی ـ سازگاری اخلاق با هویت دنیوی فرهنگ معاصر غرب ـ از جهت امکان انحراف جوامع از حقایق و فرهنگ حق

۴) توضیح تأثیر اجتماعات بر زندگی انسان‌ها ـ رویکرد دنیوی و این‌جهانی جهان متجدد ـ در صورت تغییر نگرش مردم نسبت به حق و باطل

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دهم ـ درس‌های ۷ و ۸ / جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۲*

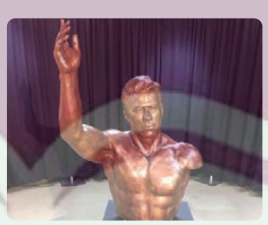
**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

علوم اجتماعی، ظرفیت داوری دربارهٔ پدیده‌های اجتماعی و نقد و اصلاح آن‌ها را دارند. علوم اجتماعی با داوری دربارهٔ پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آن‌ها، فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند.

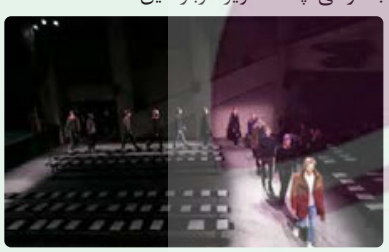
برگزاری مسابقات بین‌المللی زیبایی و نمایشگاه‌های مُد، از توجه و تمرکز فرهنگ غرب بر بُعد جسمانی هویت حکایت می‌کند.

**نکته**

تفاوت اخلاق ورزشکاران جهان اسلام (اخلاق پهلوانی) با اخلاق ورزشی جهان متجدد (اخلاق قهرمانی) بیانگر تناسب اخلاق و رفتار هر جهان اجتماعی با ارزش‌های کلان آن جهان اجتماعی است. در کتاب درسی چند تصویر دربارهٔ این نکته آمده است:



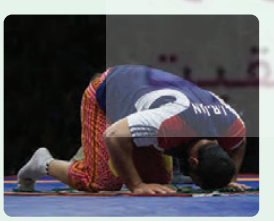
تندیس برنزی نیم‌تنهٔ غلامرضا تختی، در موزهٔ «اساما»ی آمریکا؛ در این تندیس، تختی با یک دست نشان داده شده تا یادآور مبارزهٔ جوانمردانهٔ او با مدوید باشد. وقتی تختی متوجه شد پای مدوید کشتی‌گیر شوروی، آسیب دیده، هرگز به سمت پای مصدوم حریف نرفت. این موضوع بیانگر اخلاق پهلوانی و نگاه معنوی به انسان و جهان است.



برگزاری مسابقات بین‌المللی زیبایی و نمایشگاه‌های مُد، از توجه و تمرکز فرهنگ غرب بر بُعد جسمانی هویت حکایت می‌کند. مسابقات مستر المپیا، مسابقات زیبایی و مد، نشان‌دهندهٔ نگاه دنیوی و سکولار به انسان و جهان است.




مسابقات سالانهٔ مستر «المپیا» یکی از مهم‌ترین مسابقات نمایشی است که با فیگورگرفتن روی استیج (صحنهٔ نمایش) انجام می‌پذیرد. از پایان قرن ۱۹ جریان فکری با رویکردی اساطیری شکل گرفت که زیبایی، تناسب و پرورش‌یافتگی و بدن عاملی برای ستایش و تمجید قلمداد می‌شد.



پهن‌کردن سجاده بر روی تشک کشتی و به جا آوردن نماز شکر پس از قهرمانی از جمله مراسم آیینی کشتی پهلوانی است.

حقایق هر چند خود ثابت‌اند، ولی از جهت قرار گرفتن در قلمرو آرمانی و واقعی تغییرپذیرند؛ یعنی برای جهان‌های اجتماعی، امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد؛ همان‌گونه که امکان خروج از باطل و قبول حق وجود دارد.

**۶۰** **کدام گزینه دربارهٔ قواعد اجتماعی درست است اما دربارهٔ علوم اجتماعی نادرست است؟**

۱) قواعد اجتماعی در نتیجهٔ نظمی به وجود می‌آید که ما انسان‌ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته‌ایم. ـ علوم اجتماعی فرصت رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی را فراهم می‌آورد.

۲) نظم و قواعد اجتماعی، امکان مشارکت‌ها در زندگی اجتماعی را فراهم می‌آورند. ـ یکی از کارکردهای علوم اجتماعی، شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و داوری دربارهٔ آن‌هاست.

۳) قواعد اجتماعی از طریق ساختار اجتماعی با یکدیگر مرتبط و سازگار می‌شوند. ـ علوم اجتماعی براساس موضوع مورد مطالعهٔ خود، گاهی کنش اجتماعی و گاهی ساختار اجتماعی را مطالعه می‌کند.

۴) جامعه‌شناسان برای شناسایی قواعد اجتماعی، از آن‌ها آشنایی‌زدایی و هویت‌زدایی می‌کنند. ـ پیش‌بینی پدیده‌ها در علوم اجتماعی به دلیل آگاهانه‌بودن ساختارهای اجتماعی، دشوارتر است.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس‌های ۲ و ۳*

**نکته**

**رابطهٔ نظم و قواعد اجتماعی:**

نظم، یعنی این‌که هر پدیده‌ای در جای خود قرار بگیرد. جای پدیده‌ها را قواعد تعیین می‌کنند. بنابراین قواعد، ایجادکنندهٔ نظم هستند. نظم اجتماعی هم در نتیجهٔ قواعدی که ما انسان‌ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته‌ایم، برقرار می‌شود. به عبارت دیگر، ابتدا قواعد اجتماعی محقق می‌شوند و سپس نظم اجتماعی را به وجود می‌آورند.

برای مثال، برای عبور از خیابان، همهٔ ما می‌دانیم که باید از خط عابر پیاده حرکت کنیم و رانندگان هم موظف‌اند در این نقطه توقف کنند. این قاعدهٔ ساده باعث می‌شود عبور و مرور در شهر نظم داشته باشد و تصادف کم‌تری رخ دهد.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست (نظم اجتماعی در نتیجهٔ قواعدی بنا می‌شوند که انسان‌ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته‌اند.) ـ نادرست (رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی، از کارکردهای علوم طبیعی است.)

گزینهٔ (۲): درست ـ درست

گزینهٔ (۳): درست ـ نادرست (تقسیم‌بندی موضوع مطالعه به کنش اجتماعی و ساختار اجتماعی، مربوط به علم جامعه‌شناسی است، نه همهٔ علوم اجتماعی.)

گزینهٔ (۴): نادرست (جامعه‌شناسان برای شناخت نظم اجتماعی، از روش آشنایی‌زدایی استفاده می‌کنند.) ـ نادرست (به دلیل آگاهانه و ارادی بودن کنش‌های اجتماعی، پیش‌بینی در علوم اجتماعی دشوارتر است.)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۶۱** **یکی از انتقادات وارده به رویکرد جامعه‌شناسی تبیینی، نگاه مقایسه‌ای نادرست نسبت به طبیعت و جامعه است. موارد کدام گزینه، دیدگاه درست و اصلاح‌شده دربارهٔ این مقایسه را به تصویر می‌کشد؟**

۱) طبیعت بیرون و مستقل از ماست و ما آن را پدید نیاورده‌ایم. ـ انسان‌ها با بهره‌گیری از علوم طبیعی، می‌توانند فراتر از قوانین طبیعی، طبیعت را کنترل کنند.

۲) جامعه واقعیتی بیرونی است که با قوانینی به استحکام قوانین طبیعت اداره می‌شود. ـ ما می‌توانیم با استفاده از علوم طبیعی، طبیعت را بشناسیم.

۳) تلاش‌ها برای شناخت طبیعت، به هیچ وجه این قوانین را تغییر نمی‌دهد. ـ طبیعت، محصول و مخلوق کنش‌های انسان است و می‌توان آن را شناخت.

۴) ما از طریق علوم طبیعی می‌توانیم تا حد قوانین طبیعی، در طبیعت تغییراتی ایجاد کنیم. ـ انسان‌ها امکان شناخت قوانین و قواعد طبیعی را دارند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

شفاف‌سازی: رویکرد تبیینی، نگاه نادرستی به انسان و طبیعت دارد. سؤال به دنبال گزینه‌ای است که رویکرد درست نسبت به این موارد را نشان بدهد و در واقع اصلاح‌کنندهٔ اشتباهات رویکرد تبیینی باشد.

یکی از انتقادات وارد به رویکرد تبیینی این است که این رویکرد تلاش می‌کند با یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه، روش مطالعهٔ آن‌ها را نیز یکسان بداند، اما به این موارد توجه ندارد:

۱) طبیعت بیرون و مستقل از ماست. ما آن را پدید نیاورده‌ایم و قبل از ما وجود داشته است.

۲) تلاش ما برای شناخت قوانین طبیعت به هیچ وجه این قوانین را تغییر نمی‌دهد.

۳) ما فقط می‌توانیم این قوانین را بشناسیم، سپس با استفاده از علوم طبیعی و تا جایی که قوانین طبیعی به ما اجازه می‌دهند، در طبیعت و پدیده‌هایی مانند ماشین و بدن که براساس قوانین طبیعی عمل می‌کنند، تغییراتی ایجاد نماییم و آن پدیده‌ها را کنترل کنیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): درست ـ نادرست (انسان می‌تواند از طبیعت بهره بگیرد، اما در حد قوانین طبیعی. در واقع فراتر از قوانین طبیعی نمی‌توان عمل کرد.)

گزینهٔ (۲): نادرست (نشان‌دهندهٔ یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه است و خود انتقاد را نشان می‌دهد، نه دیدگاه درست برای رد انتقاد.) ـ درست

گزینهٔ (۳): درست ـ نادرست (طبیعت، محصول و مخلوق کنش‌های انسان نیست.)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۶۲** **پژوهشگری در یک مطالعهٔ اجتماعی به این نتیجه می‌رسد که «با کاهش همبستگی اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین یک کلان‌شهر، میزان سرقت‌های خرد افزایش پیدا کرده است.» او سپس در گزارش خود قید می‌کند که: «همان‌طور که با شناخت قوانین مکانیک و عملکرد اجزای یک محفظهٔ فلزی می‌توان نیروی محرکهٔ لازم برای به حرکت درآوردن خودرو را مهار و هدایت کرد، مدیران شهری نیز می‌توانند با آگاهی از این رابطه و طراحی مجدد عناصر شهری مانند خیابان‌ها، از گسترش جرایم پیشگیری نمایند.»**

**براساس رویکرد جامعه‌شناسی تبیینی، کدام گزینه مبنای علمی و روش‌شناختی این پژوهش را به درستی نشان می‌دهد؟**

۱) با اتکا به دانش تجربی و ابزاری، جامعه را همانند ماشینی با اجزای به‌هم‌پیوسته دیده است تا با تبیین چرایی نظم موجود، قدرت کنترل و پیشگیری پدیده‌های اجتماعی را به دست آورد.

۲) با فراتر رفتن از روابط علت و معلولی تجربی صرف، به تبیین پدیده‌هایی پرداخته که پیش‌تر در ارتباط با هم دیده شده‌اند تا از این طریق به هدف پیش‌بینی و کنترل جامعه برسد.

۳) با استفاده از فرمول‌های تجربی، قواعد حاکم بر جامعه را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که بدون شناخت نظم اجتماعی در جامعه، امکان پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی را فراهم سازد.

۴) با یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه، روش مطالعه در همهٔ علوم را یکسان می‌داند تا از طریق مشاهده و نگاه از بیرون به پدیده‌ها، به معنای ذهنی کنش افراد و اهداف آن‌ها از انجام کنش برسد.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۳*

درس Box

**ویژگی‌های جامعه‌شناسی تبیینی:**

| | | |
|---|---|---|
| ویژگی‌های جامعه‌شناسی تبیینی | موضوع | در رویکرد تبیینی، پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های طبیعی و جامعه همانند طبیعت در نظر گرفته می‌شود. در واقع موضوع جامعه‌شناسی تبیینی پدیده‌های اجتماعی است، اما این پدیده‌ها را همانند پدیده‌های طبیعی می‌داند.<br>**مثال:** همان‌طور که یک فیزیک‌دان سقوط یک جسم را با قانون جاذبه توضیح می‌دهد، یک جامعه‌شناس تبیینی نیز افزایش جرم و بزهکاری را با عواملی مثل فقر، بیکاری یا نابرابری اجتماعی توضیح می‌دهد؛ در واقع تلاش بر این است که رابطه‌ای علت و معلولی و قانون‌مند بین پیدا شود، درست مانند آن‌چه در علوم طبیعی انجام می‌شود. |
| | روش | همان‌طور که موضوع جامعه‌شناسی تبیینی مانند موضوع علوم طبیعی در نظر گرفته می‌شود، روش مطالعهٔ آن‌ها نیز یکسان انگاشته می‌شود. در رویکرد تبیینی روش مطالعهٔ جامعه، همان روشی است که در مطالعهٔ طبیعت (روش تجربی) به کار گرفته می‌شود.<br>**مثال:** همان‌طور که زیست‌شناس با مشاهده، فرضیه‌سازی و آزمایش، علت بیماری را کشف می‌کند، جامعه‌شناس تبیینی نیز با همین روش‌ها علت افزایش طلاق را بررسی می‌کند. |
| | هدف | هدف جامعه‌شناسی تبیینی هم مانند هدف علوم طبیعی است؛ همان‌طور که علوم طبیعی با شناخت نظم موجود در طبیعت، امکان پیش‌بینی، پیش‌گیری و کنترل طبیعت را برای انسان‌ها فراهم می‌کند، جامعه‌شناسی نیز با شناخت نظم اجتماعی، به انسان‌ها قدرت پیش‌بینی، پیش‌گیری و کنترل جامعه را می‌دهد.<br>**مثال:** همان‌طور که یک هواشناس با شناخت الگوهای جوی می‌تواند وقوع طوفان را پیش‌بینی و برای آن هشدار صادر کند، یک جامعه‌شناس تبیینی نیز با بررسی الگوهای بزهکاری می‌تواند وقوع ناآرامی‌های اجتماعی را پیش‌بینی و برای جلوگیری از آن راه‌حل پیشنهاد کند. |

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

در مثال صورت سؤال، پژوهشگر منطبق بر رویکرد جامعه‌شناسی تبیینی عمل کرده است، زیرا جامعه را همانند پدیده‌ای طبیعی و ماشینی متشکل از اجزا (ساختمان‌ها و خیابان‌ها) در نظر گرفته و با برقراری رابطه میان اموری که پیش‌تر مستقل به نظر می‌رسیدند (کاهش همبستگی و افزایش سرقت)، به تبیین چرایی پدیده پرداخته است تا با اتکا به دانش تجربی و ابزاری، همانند علوم طبیعی با شناخت نظم موجود، قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل جامعه را به دست آورد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): در رویکرد تبیینی، از تجربه و تبیین تجربی (روابط علت و معلولی صرف) فراتر نمی‌رویم.

گزینهٔ (۳): طبق رویکرد تبیینی، شناخت جامعه، از مسیر شناخت نظم اجتماعی می‌گذرد.

گزینهٔ (۴): پی‌بردن به معنای ذهنی کنشگران، از اهداف رویکرد تفسیری است. رویکرد تبیینی به دنبال شناخت نظم و ساختار اجتماعی است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۶۳** در متن زیر، چند عبارت نادرست است؟

«جامعه‌شناسی تبیینی، می‌خواست انسان را بر جامعه مسلط سازد. ــ این رویکرد جامعه را یک موجود اجتماعی و ساده‌تر از سایر موجودات می‌داند. ــ از این منظر، برخی جوامع از برخی دیگر پیشرفته‌ترند و در رفع نیازهای خود تواناترند. ــ مطابق با این دیدگاه، انسان‌ها می‌توانند جوامع و تاریخ‌های گوناگون پدید آورند. ــ تفاوت میان جوامع مختلف را نیز تفاوتی کمّی می‌بینند.»

۱) صفر ۲) یک

۳) دو ۴) سه

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۳*

درس Box

نگاه رویکرد تبیینی نسبت به انسان و جامعه:

| | |
|---|---|
| انسان در این دیدگاه | **انسان** در این دیدگاه صرفاً **یک موجود طبیعی پیچیده‌تر** از سایر موجودات طبیعی دانسته می‌شود، در حالی که واقعیت این است که انسان‌ها با سایر موجودات طبیعی، **تفاوت‌های بنیادی** دارند.<br>جامعه‌شناسی تبیینی می‌خواست انسان را بر جامعه مسلط کند، اما او را **مغلوب جامعه** ساخت. |
| جامعه در این دیدگاه | **جامعه** نیز در این دیدگاه صرفاً **یک پدیدهٔ طبیعی پیچیده** است، در حالی که واقعیت این است که جامعه با طبیعت، **تفاوت‌های بنیادی** دارند. |
| | این دیدگاه معتقد است که تفاوت میان جوامع مختلف تنها **تفاوتی کمّی** است؛ یعنی: برخی جوامع از برخی دیگر پیچیده‌ترند. / در رفع نیازهای خود تواناترند. / به همین دلیل پیشرفته‌ترند. |
| | طرفداران این دیدگاه گمان می‌کنند که همهٔ جوامع، **مسیر یکسانی به سوی پیشرفت** طی می‌کنند و از جوامع **ساده** به جوامع **پیچیده** تبدیل می‌شوند، در حالی که واقعیت این است که انسان‌ها می‌توانند جوامع و تاریخ‌های گوناگونی را پدید آورند. |

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی عبارت‌های نادرست:

عبارت دوم: رویکرد تبیینی، انسان (نه جامعه) را یک موجود طبیعی پیچیده‌تر از سایر موجودات می‌داند.

عبارت چهارم: مطابق با رویکرد تبیینی، جوامع در یک خط و یک مسیر قرار دارند؛ بنابراین جوامع و تاریخ‌های گوناگون معنا ندارد.

امتحان نهایی

**جامعه‌شناسان تبیینی، جامعه را صرفاً یک پدیدهٔ طبیعی پیچیده می‌دانند و تفاوت میان جوامع مختلف را تنها تفاوتی کمّی می‌بینند. آن‌ها گمان می‌کنند که همهٔ جوامع، مسیر یکسانی به سوی پیشرفت طی می‌کنند و از جوامع ساده به جوامع پیچیده تبدیل می‌شوند.** *(سؤال ۱۰ امتحان نهایی شهریور ۱۴۰۵)*

**الف) از نظر جامعه‌شناسان تبیینی، به چه دلیل برخی جوامع پیشرفته‌ترند؟**

**ب) این واقعیت که «انسان‌ها می‌توانند جوامع گوناگونی را پدید آورند» نادرستی کدام بخش این دیدگاه را نشان می‌دهد؟**

**۶۴** هر یک از موارد زیر، مصداق چیست؟

- **برداشت روزافزون از منابع تجدیدناپذیر**
- **عصبانی‌شدن به دلیل خستگی بدنی**
- **کاهش انحرافات اجتماعی به دلیل افزایش همبستگی اجتماعی**

۱) پویایی ساختار اجتماعی ـ تأثیر بعد جسمانی بر بعد روحانی انسان ـ علوم تجربی و ابزاری

۲) ساختارهای اجتماعی کلان ـ سازگاری ابعاد جسمانی و اجتماعی انسان ـ هم‌تغییری پدیده‌ها

۳) حفظ نظام اجتماعی در بلندمدت ـ تعامل جهان اجتماعی و نفسانی ـ رویکرد پوزیتیویستی

۴) تغییر نظام اجتماعی در محیط ـ تأثیر جهان جسمانی بر جهان نفسانی ـ تبیین تجربی

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دهم ـ درس ۸ / جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

برداشت روزافزون از منابع تجدیدناپذیر، از جمله تغییراتی است که یک نظام اجتماعی در محیط ایجاد می‌کند. رشد جمعیت نیز از جمله تغییراتی است که یک نظام در خود ایجاد می‌کند. نظام اجتماعی همانند یک موجود زنده تلاش می‌کند با تغییر در خود و محیط، نیازهای خود را تأمین کند و خود را در بلندمدت حفظ نماید.

خستگی بدنی، مربوط به بعد جسمانی انسان است. عصبانی‌شدن هم مربوط به بعد نفسانی انسان است؛ بنابراین این عبارت تأثیرگذاری بعد جسمانی بر نفسانی انسان را نشان می‌دهد.

منظور از تبیین، بیان چرایی یک پدیده یا نشان‌دادن علت ایجاد یا زوال آن است. در تبیین، پدیده‌هایی که قبلاً مستقل از هم به نظر می‌رسیدند در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و میان پدیده‌هایی که پیش‌تر در ارتباط با هم دیده می‌شده‌اند، روابط جدیدی طرح می‌شود. مثلاً حرارت باعث انبساط فلزات می‌شود و رکود اقتصادی باعث می‌شود بیکاری در جامعه افزایش یابد، یا هر چه همبستگی اجتماعی میان افراد یک گروه بیشتر باشد، انحرافات اجتماعی در آن گروه کاهش می‌یابد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۶۵** موارد کدام گزینه درست است؟

**الف) حق و باطل بودن کنش‌ها بر اساس توجه یا بی‌توجهی مردم جهان‌های اجتماعی مختلف نسبت به آن‌ها تعیین می‌شود.**

**ب) اندیشمندان مختلف از جمله فلاسفه و روان‌شناسان، دربارهٔ ابعاد اجتماعی هویت انسان‌ها سخن می‌گویند.**

**ج) در زندگی ما نظم‌های پنهان و شگفت‌انگیزی وجود دارد که به صورت کلی، بیشتر از بی‌نظمی به چشم می‌آیند.**

**د) در صورت اعتقاد به موضوعات متفاوت علوم انسانی و علوم اجتماعی، وجود انسان به ابعاد اجتماعی‌اش تقلیل نمی‌یابد.**

**ه) جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه و نظم اجتماعی را براساس مناسبات درونی و معنایی توضیح می‌دهد.**

۱) فقط «د»

۲) «ب» و «ه»

۳) «الف»، «ج» و «ه»

۴) هیچ عبارت درستی وجود ندارد.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: جامعه‌شناسی دهم ـ درس‌های ۷ و ۸ / جامعه‌شناسی دوازدهم ـ درس‌های ۲ و ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی موارد نادرست:

الف) حق و باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، براساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی‌توجهی مردم جهان‌های اجتماعی مختلف نسبت به آن‌ها تعیین نمی‌شود.

ب) دین و پیامبران الهی، فیلسوفان، روان‌شناسان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان دربارهٔ هویت انسان، نظریات متنوعی دارند. البته توجه داشته باشید که از میان این اندیشمندان، فقط جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان دربارهٔ ابعاد اجتماعی هویت بحث کردند.

ج) در زندگی انسان، بی‌نظمی بیشتر از نظم به چشم می‌آید؛ زیرا ما به نظم عادت کرده‌ایم.

ه) جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه و نظم موجود در آن را براساس مناسبات بیرونی توضیح می‌دهد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۶۶** بررسی کدام‌یک از موضوعات زیر در حیطهٔ روان‌شناسی رشد قرار می‌گیرد؟

**الف)** پستانداران در زمان شیردهی به فرزندان خود، با آن‌ها ارتباط چشمی برقرار می‌کنند.

**ب)** سن مناسب برای شروع آموزش جدول ضرب به کودکان در سراسر دنیا، مشابه است.

**ج)** هیجان‌های حیوانات در مقایسه با انسان‌ها، رشدنایافته‌تر هستند.

**د)** فرزندان مادرانی که در زمان بارداری مشاغل سنگین جسمانی دارند، در معرض آسیب بیشتری هستند.

**ه)** کودکان هم‌زمان با بلوغ جنسی، رشد قابل توجهی در قد خود تجربه می‌کنند.

۱) «الف» ـ «ب»
۲) «الف» ـ «ب» ـ «ج»
۳) «ب» ـ «د» ـ «ه»
۴) «ج» ـ «د» ـ «ه»

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: درس ۲*

درس Box

| | |
|---|---|
| **روان‌شناسی رشد** | شاخه‌ای از علم روان‌شناسی است که تلاش می‌کند تغییراتی را که در طول زندگی، **از زمان تشکیل نطفه تا زمان مرگ** (فراخنای زندگی)، در **آدمی** رخ می‌دهد مطالعه کند. |
| | هدف روان‌شناسی رشد شناسایی و پیش‌بینی تغییرات در طول فراخنای زندگی است. |
| | شباهت‌های فرد با دیگران و تفاوت‌های فرد با خود در سنین و در مراحل و شرایط مختلف زندگی از موضوعات روان‌شناسی رشد است. |

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی عبارت‌ها:

الف) مطالعهٔ روان‌شناسی رشد محدود به ویژگی‌ها و تغییرات در آدمی بوده و مطالعهٔ حیوانات در این حوزه از علم روان‌شناسی جایی ندارد.

ب) بررسی شباهت‌های کودکان در سنین مشابه، از موضوعات روان‌شناسی رشد است و با توجه به اهمیت و نقش رسش در فرایند رشد، می‌توان سنی مشخص را برای آموزش جدول ضرب به کودکان مشخص کرد.

ج) محدودهٔ روان‌شناسی رشد منحصر به رشد آدمی است و بررسی رشد هیجانی در حیوانات در این حوزه از علم جایی ندارد.

د) بررسی تأثیر تفاوت محیط بر مسیر رشد آدمی، از موضوعات علم روان‌شناسی رشد است.

ه) بررسی تفاوت‌های هر فرد با خود در سنین مختلف از موضوعات علم روان‌شناسی رشد است. برای مثال این‌که هر فرد در سنین مختلف چه میزان بلندی قامت دارد، در این شاخه از روان‌شناسی مورد مطالعه است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۶۷** **سامان و سحر دوقلوهایی هستند که خانواده‌هایی متفاوت آن‌ها را از همان دوران نوزادی به سرپرستی قبول کرده‌اند. پس از رسیدن آن‌ها به نوجوانی، پژوهشگری قصد مطالعهٔ ویژگی‌های شناختی و رفتاری آن‌ها را دارد. درستی و نادرستی عبارت‌های زیر، در رابطه با نتایج به‌دست‌آمده از این بررسی به ترتیب، کدام است؟**

- **تفاوت‌های مشاهده‌شده، تماماً ناشی از تفاوت محیط رشدی آن‌هاست.**
- **برای فهم شباهت‌های مشاهده‌شده، می‌بایست تنها به عامل مشترک وراثتی آن‌ها اشاره کرد.**
- **با افزایش سن، سامان و سحر به یکدیگر شبیه‌تر خواهند شد.**
- **سن شروع به صحبت‌کردن در آن‌ها نسبت به دیگر کودکان نزدیک‌تر است.**

۱) درست ـ درست ـ نادرست ـ نادرست

۲) نادرست ـ نادرست ـ درست ـ درست

۳) درست ـ درست ـ درست ـ نادرست

۴) نادرست ـ نادرست ـ نادرست ـ درست

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: درس ۲*

**درس Box**

**دوقلوها**

- **همسان**
  - نه‌تنها الزاماً **هم‌جنس** (یعنی هر دو دختر و یا هر دو پسر) هستند، بلکه از لحاظ ظاهری و رفتاری در بیشتر مواقع از هم قابل تشخیص نیستند.
  - به موازات رشد به هم شبیه‌تر می‌شوند.
  - دوقلوهای همسان دارای **ویژگی‌های وراثتی یکسان** هستند زیرا هر دو از یک تخمک یکسان به وجود آمده‌اند.
- **ناهمسان**
  - می‌توانند هم‌جنس و یا غیرهم‌جنس باشند.
  - از دو تخمک جدا به وجود آمده‌اند.

**نکته:** زمانی که نام‌های استفاده‌شده در سؤال/تست یکی دخترانه و یکی پسرانه باشد، آن دو دوقلو حتماً ناهمسان هستند؛ زیرا دوقلوهای همسان الزاماً هم‌جنس بوده و دوقلوهای ناهمسان می‌توانند هم‌جنس بوده یا نباشند.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

سامان و سحر دوقلوهای ناهمسان هستند، زیرا دوقلوهای همسان الزاماً هم‌جنس هستند. با توجه به این نکته به بررسی عبارت‌ها می‌پردازیم:

عبارت اول: نادرست، سامان و سحر از نظر وراثتی مشابه با تمام خواهر و برادرهای دیگر هستند، یعنی ویژگی‌های وراثتی آن‌ها شبیه به هم، نه کاملاً مثل یکدیگر است. به همین خاطر بخشی از تفاوت‌های آن‌ها علاوه بر تفاوت محیطی رشد ناشی از تفاوت وراثتی آن‌ها با یکدیگر است.

عبارت دوم: نادرست، بخشی از شباهت‌های سامان و سحر ناشی از شباهت وراثتی آن‌هاست، اما نباید نقش عامل محیط بر رشد را بی‌تأثیر دانست. برای مثال ممکن است هر دو خانواده با تأکید بر اهمیت مسواک‌زدن، موجب شباهت آن‌ها در تمایل به مسواک‌زدن شده باشند.

عبارت سوم: نادرست، دوقلوهای همسان با افزایش سن به یکدیگر شبیه‌تر می‌شوند، نه دوقلوهای ناهمسان. دوقلوهای ناهمسان، به خصوص سامان و سحر که در محیط‌های متفاوتی از هم رشد پیدا کرده‌اند، با افزایش سن، شباهت کم‌تری را تجربه خواهند کرد.

عبارت چهارم: درست، سن شروع به صحبت در کودکان، تأثیر زیادی از رسش می‌گیرد. از آن‌جایی که سامان و سحر از نظر وراثتی به یکدیگر شبیه‌تر از دیگر کودکان هستند، سن شروع به صحبت آن‌ها نیز به هم نزدیک‌تر خواهد بود.

**۶۸** در رابطه با عوامل مؤثر بر رشد، کدام گزینه درست است؟

۱) ویژگی‌هایی که تحت تأثیر عامل وراثت هستند، از همان ابتدای مسیر زندگی، نمایان بوده و در رفتار نوزاد ظاهر می‌شوند.

۲) رشد آدمی تحت تأثیر برنامه‌ای از پیش مشخص‌شده است که در طی آن آمادگی خاص نهفته در فرد منتهی به پیدایش ویژگی‌های مشخصی می‌شود.

۳) عوامل محیطی و وراثتی به صورت مجزا بر روند رشد آدمی تأثیر گذاشته و موجب به وجود آمدن تغییراتی در مسیر رشد او می‌شوند.

۴) یادگیری از والدین از عوامل وراثتی مؤثر بر رشد است که در کنار رسش منجر به مشخص‌شدن زمان شروع پدیده‌های رشدی می‌شوند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: درس ۲*

درس Box

| | | |
|---|---|---|
| عوامل مؤثر بر رشد | عوامل وراثتی | ایجادکنندهٔ صفاتی که از قبل در فرد نهفته است. |
| | | برخی از ویژگی‌های رشدی تحت تأثیر وراثت از بدو تولد در رفتار نوزاد ظاهر شده و برخی در سنین بالاتر بروز پیدا می‌کنند. |
| | | به دلیل اهمیت تأثیر وراثت بر رشد با بررسی خصوصیات افراد فامیل نزدیک و دور می‌توان احتمال وقوع برخی ویژگی‌های رفتاری و شناختی فرد را در دامنهٔ سنی خاص پیش‌بینی کرد. |
| | | انسان دارای برنامهٔ رشد طبیعی و منظم است، یعنی برای مثال آدمی طبق برنامه‌ای مشخص ابتدا چهار دست و پا راه رفته و سپس می‌تواند روی پاهای خود بایستد.<br>به رفتارهای وابسته به آمادگی زیستی **رسش** یا پختگی می‌گویند.<br>**مثال** راه افتادن، حرف زدن، خواندن و نوشتن، قلم به دست گرفتن |
| | | رسش اسم مصدر از رسیدن است، یعنی رشد جسمانی باید به حد مشخصی برسد تا فرد بتواند آن رفتار یا ویژگی را از خود بروز دهد. اگر رشد جسمانی به حد مورد نیاز نرسیده باشد، هر چه‌قدر هم که به فرد برای یادگیری آن فعالیت آموزش داده شود، مؤثر نخواهد بود. |
| | | شباهت‌های بین فردی بیشتر حاصل عوامل وراثتی است. |
| | عوامل محیطی | عوامل محیطی در بیرون از فرد، یعنی محیطی که در آن رشد می‌کند، قرار دارند که بر نحوهٔ بروز تغییرات در جنبه‌ها و در مراحل مختلف رشد تأثیرگذارند. |
| | | یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی، اسباب‌بازی است. |
| | | یادگیری یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی است، یعنی مدرسه، مهدکودک، دانشگاه و ... همگی مصداق عوامل محیطی هستند. |
| | | عوامل محیطی (خانوادهٔ پرجمعیت و خانواده تک‌فرزند) در تسلط کودکان بر لغات تأثیر بسزایی دارد. شروع به صحبت در تمامی کودکان مشترک است (عوامل وراثتی) ولی دایرهٔ واژگان کودکان در خانواده‌های مختلف، متفاوت است (عوامل محیطی). |
| | | تفاوت‌های بین فردی بیشتر حاصل عوامل محیطی است. |
| | | رسش و عوامل وراثتی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می‌گیرند. |

**پاسخ خیلی تشریحی**

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست؛ برخی از صفات به ارث رسیده، از بدو تولد در رفتار نوزاد ظاهر می‌شود؛ برای مثال رنگ چشم نوزاد از جمله صفات ویژگی‌های وراثتی است که از ابتدای مسیر زندگی مشخص است، اما برخی از صفات به ارث رسیده، به موازات افزایش سن، آشکار می‌شوند. برای مثال استعداد ابتلا به بیماری قند، در میانسالی ظاهر می‌شود.

گزینهٔ (۲): درست؛ رشد آدمی تحت تأثیر برنامه‌ای طبیعی و از پیش مشخص‌شده است که تحت تأثیر آن در طی فرایند رشد فرد، تغییرات و ویژگی‌هایی وابسته به این آمادگی زیستی مشاهده می‌شود.

گزینهٔ (۳): نادرست؛ هم عوامل محیطی بر روی عوامل وراثتی اثرگذار هستند و هم عوامل وراثتی بر عوامل محیطی مؤثرند. از طرف دیگر، این دو دسته عوامل با کمک یکدیگر، موجب بروز تغییرات در مسیر رشد آدمی می‌شوند.

گزینهٔ (۴): نادرست؛ یادگیری از عوامل محیطی مؤثر بر رشد است، نه از عوامل وراثتی.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۶۹** درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر، به ترتیب، در کدام گزینه آورده شده است؟

- ملاک‌های تقسیم‌بندی فراخنای زندگی به مراحل مختلف، متفاوت و متنوع هستند.
- نوپایی یکی از زیرمراحل کودکی اول است که در آن کودکان شروع به راه‌رفتن می‌کنند.
- در آخرین مرحلهٔ رشد از منظر اسلام، دیگر نباید با فرزند به صورت آمرانه صحبت کرد.
- امروزه روان‌شناسان اعتقاد دارند که رشد را به دلیل پیوستگی، نمی‌توان به مراحل مشخص تقسیم کرد.

۱) درست ـ نادرست ـ نادرست ـ نادرست
۲) نادرست ـ درست ـ درست ـ درست
۳) درست ـ درست ـ درست ـ نادرست
۴) نادرست ـ نادرست ـ نادرست ـ درست

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

مراحل رشد بعد از تولد از منظر علم **تجربی**:

| | دورهٔ زندگی | دامنهٔ سنی (نشانهٔ زیستی ـ روان‌شناختی) |
|---|---|---|
| کودکی (۰ تا ۱۲ سالگی) | طفولیت | دو سال اول زندگی |
| | کودکی اول (قبل از دبستان) | ۲ تا ۷ سال (کودکان ۱ تا ۳ ساله که تازه راه می‌افتند، نوپا نامیده می‌شوند.) |
| | کودکی دوم (دبستان) | ۷ تا ۱۲ سال (تا شروع بلوغ جنسی) |
| نوجوانی | نوجوانی (دبیرستان) | ۱۲ تا ۲۰ سالگی (پایان با مشغول‌شدن فرد به کار و استقلال از خانواده) |
| بزرگسالی | جوانی (بزرگسالی اول) | ۲۰ تا ۴۰ سالگی |
| | میانسالی (بزرگسالی دوم) | ۴۰ تا ۶۵ سالگی |
| | پیری | ۶۵ سال به بالا |

| | | |
|---|---|---|
| مراحل رشد از منظر اسلام | هفت سال اول | آقا و سرور (سید) |
| | | باید آزاد باشد تا بازی کند. |
| | | باید عواطف و احساسات صحیح او رشد داده شود و با رفتار و گفتار پسندیده او را پرورش داد. |
| | | باید بدون توقع اطاعت از او، سعی کرد با عمل و گفتار صحیح از حس تقلیدش بهره گرفت. |
| | هفت سال دوم | فرمانبردار (عبد) |
| | | کم‌کم باید زیبایی‌ها و زشتی‌ها را به او فهماند. |
| | | باید در تادیب او کوشید و او را به ارزش‌ها و دوری از زشتی‌ها رهنمون ساخت. |
| | هفت سال سوم | وزیر و مشاور |
| | | باید با او به منزلهٔ مشاور رفتار کرد. |
| | | نباید رفتار با او به صورت آمرانه باشد. |
| | | باید فرد را چون عضو بزرگ خانواده دانست و مانند دیگران او را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داد. |

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی عبارت‌ها:

عبارت اول: درست، مراحل مختلف زندگی را می‌توان با ملاک‌های مختلفی تقسیم‌بندی کرد. برای مثال می‌توان از ملاک عدد سنی یا ویژگی‌های رشدی استفاده کرد.

عبارت دوم: نادرست، به کودکان یک تا سه ساله نوپا گفته می‌شود. سال اول این مرحله در طفولیت و سال دوم آن در کودکی اول قرار دارد. به همین خاطر نمی‌توان نوپایی را بخشی از مرحلهٔ کودکی اول دانست.

عبارت سوم: نادرست، اسلام رشد آدمی را تا ۲۱ سالگی به سه مرحله تقسیم می‌کند نه تمام عمر او را. به همین خاطر نمی‌توان هفت سال سوم را که در آن نباید با فرزند به صورت آمرانه صحبت کرد، آخرین مرحلهٔ رشد از منظر اسلام دانست.

عبارت چهارم: نادرست، امروزه اکثر روان‌شناسان رشد، به رشد مرحله‌ای اعتقاد دارند و بر همین اساس، ابعاد مختلف رشد در طول زندگی، به مراحل مختلف تقسیم می‌شود.

**۷۰** **در رابطه با تغییرات مرتبط با جسم در فراخنای زندگی، کدام گزینه درست است؟**

۱) نمی‌توان پیش از آن‌که کودکی بتواند مستقلاً بایستد، از او توقع داشت تا بتواند از وضعیت نشسته بلند شود.

۲) بی‌قوارگی نوجوانان و عدم تناسب جسمانی، ناشی از تأخیر رشد عضلات آن‌ها در مقایسه با جهش رشد قد و وزن در این دوره است.

۳) رشد سریع قد و وزن در دورهٔ نوجوانی موجب می‌شود تا نوجوانان به نحوی اغراق‌شده احساس توانمندی داشته باشند.

۴) کودکان ابتدا می‌توانند حرکات درشتی مانند مداد دست گرفتن را انجام دهند و سپس به توانایی انجام حرکات ظریف می‌رسند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: درس ۲*

درس Box

این حیطهٔ رشدی ابتدایی‌ترین و شاخص‌ترین جنبهٔ رشد کودک است.

از زمان تولد تا نوجوانی رشد جسمانی ـ حرکتی با سرعت و تغییرات بسیار همراه است.

رشد جسمانی در کودک از حرکات درشت (مانند بالا رفتن از پله) به حرکات ظریف (مانند بستن بند کفش) حرکت می‌کند.

**مثال** حرکات درشت کودک مانند بالا رفتن از پله، زیرا برای انجام آن لازم است تا کودک عضلات درشت خود را، مثلاً عضلات ران، تکان دهد.

**مثال** حرکات ظریف کودک مانند بستن بند کفش زیرا برای انجام آن لازم است تا کودک عضلات ظریف خود را، مانند عضلات کوچک انگشتان، تکان دهد.

وزن نوزاد پس از گذشت شش ماه دو برابر و پس از پایان سال اول سه برابر می‌شود، یعنی وزن نوزاد در پایان سال اول یک و نیم برابر وزن او در پایان شش‌ماهگی اوست.

**رشد جسمانی حرکتی در دورهٔ کودکی**

**ترتیب رشد جسمانی ـ حرکتی کودک:**

۰ تا ۲ بالا نگه‌داشتن چانه و سینه

۲ تا ۵ غلت‌زدن

۳ تا ۶ نشستن با کمک

۵ تا ۸ نشستن مستقل

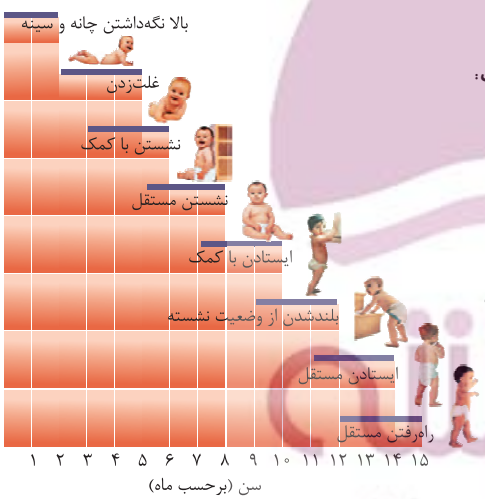
۷ تا ۱۰ ایستادن با کمک

۹ تا ۱۲ بلندشدن از وضعیت نشسته

۱۱ تا ۱۴ ایستادن مستقل

۱۲ تا ۱۵ راه‌رفتن مستقل

کودک در ۱۵ ماهگی بدون کمک راه می‌رود.




ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

| | | |
|---|---|---|
| رشد جسمانی و بلوغ جنسی در دورهٔ نوجوانی | | شدیدترین و گسترده‌ترین تغییرات زیستی در این دوره اتفاق می‌افتد که به نوجوان احساس توانمندی زیادی می‌دهد.<br>**تغییرات جسمانی در نوجوانی:**<br>رشد مغز و سیستم عصبی<br>رشد استخوانی و عضلانی (رشد عضلانی در حدود یک سال بعد از افزایش وزن و قد)<br>اندام‌های داخلی رشد می‌کنند که این تغییر باعث می‌شود نوجوان احساس توانمندی زیادی کند.<br>اندازه و ظرفیت شش سه برابر و اندازهٔ قلب دو برابر شده و حجم کلی خون افزایش می‌یابد. |
| | | بلوغ جنسی (تغییر اساسی دورهٔ نوجوانی) مرحله‌ای است که در آن **رسش جنسی** رخ می‌دهد.<br>رسش جنسی یعنی وقوع تغییرات مربوط به جنس. |
| | بلوغ جنسی | تغییرات نوجوان در دوران بلوغ به دو دسته تقسیم می‌شوند:<br>**ویژگی‌های جنسی اولیه:** تغییراتی که به صورت **مستقیم بر توانایی تولیدمثل تأثیر** می‌گذارند.<br>**مثال** توانایی باروری در دختران و پسران<br>**ویژگی‌های جنسی ثانویه:** تغییراتی که جزئی از علائم رشد هستند **و قابل رؤیت‌اند.**<br>**مثال** رویش موی صورت در پسران و تغییرات توزیع بافت چربی در دختران<br>دو وجه تمایز بین ویژگی‌های اولیه و ثانویهٔ جنسی وجود دارد: (۱) ویژگی‌های اولیه مستقیم بر توانایی تولیدمثل اثر دارند و ویژگی‌های ثانویه ندارند. (۲) ویژگی‌های ثانویه قابل رؤیت‌اند اما ویژگی‌های اولیه قابل رؤیت نیستند. |

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست، در مسیر رشد و رسش جسمانی، کودکان ابتدا می‌توانند از وضعیت نشسته بلند شوند و سپس می‌توانند به صورت مستقل بایستند. به همین خاطر توقعی نابجا نیست که کودکی پیش از رسیدن به توانایی «ایستادن مستقل» به توانایی «بلند شدن از وضعیت نشسته» برسد.

گزینهٔ (۲): درست، با شروع دورهٔ نوجوانی قد و وزن نوجوانان افزایش پیدا می‌کند و یک سال بعد از این افزایش قد و وزن، عضلات آن‌ها رشد می‌کند. این تاخیر در رشد عضلات در مقایسه با رشد قد و وزن نوجوانان، موجب بی‌قوارگی و عدم تناسب در جسم آن‌ها می‌شود.

گزینهٔ (۳): نادرست، رشد اندام‌های داخلی در دورهٔ نوجوانی باعث می‌شود تا نوجوانان احساس توانایی زیادی داشته باشند، نه رشد سریع قد و وزن.

گزینهٔ (۴): نادرست، مسیر رشد جسمانی از حرکات درشت به سمت حرکات ظریف است. حرکات درشت حرکاتی هستند که برای انجام آن‌ها نیاز است کودک از عضلات درشت خود استفاده کند، برای مثال پریدن که در آن از عضلات درشت ران‌ها استفاده می‌شود. حرکات ظریف از آن دسته حرکاتی هستند که با کمک عضلات ظریف بدن محقق می‌شوند، مانند مداد دست گرفتن که با کمک عضلات بندهای انگشت محقق می‌شود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۷۱** مسیر توصیف‌شده در کدام گزینه، نشان‌دهندهٔ ارتقای رشد اجتماعی نیست؟

۱) شروع ترسیدن از افراد غریبه و رفع این ترس

۲) توانایی بازی موازی بعد از توانایی بازی گروهی

۳) افزایش تعداد افراد شرکت‌کننده در جریان بازی

۴) شکل‌گیری قانون و رعایت آن در جریان بازی‌ها

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: درس ۲*

درس Box

| | |
|---|---|
| رشد اجتماعی در دورهٔ کودکی | انسان موجودی اجتماعی است و از بودن با دیگران لذت می‌برد. آگاهی از این ویژگی مهم، در مراحل رشد **به تدریج** حاصل می‌شود و او را اجتماعی‌تر می‌کند.<br>**قاعده‌مندشدن و اجتماعی‌شدن** بازی کودکان در مسیر رشد بیانگر رشد اجتماعی آن‌هاست که این ویژگی‌ها برای اولین بار در دورهٔ دبستان دیده می‌شوند.<br>**توالی رشد اجتماعی:**<br>۲ تا ۳ ماهگی ← لبخند اجتماعی (اولین علامت رشد اجتماعی)<br>۸ ماهگی (۷،۸ ماهگی) ← ترس از غریبه<br>۲ تا ۳ سالگی ← بازی‌های موازی<br>**مثال** دو کودک پیش‌دبستانی در کنار یکدیگر نشسته‌اند اما هر کدام به صورت جدا نقاشی خود را می‌کشد و گاهی در فرایند بازی به یکدیگر مدادرنگی قرض می‌دهند. با این وجود هر یک به تنهایی اما به موازات کودک دیگر نقاشی می‌کشند.<br>دورهٔ دبستان ← علاقه به بازی با همجنسان خود (دخترها با دخترها و پسرها با پسرها) |

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): درست؛ کودکان در مسیر رشد خود، در هفت هشت ماهگی از غریبه‌ها می‌ترسند و با افزایش سن، این ترس کم‌کم از بین می‌رود.

گزینهٔ (۲): نادرست؛ کودکان در دو سه سالگی بازی موازی می‌کنند و «پس از آن» است که در سنین دبستان توانایی بازی گروهی را پیدا می‌کنند. توالی این دو نوع بازی در گزینه بالعکس نوشته شده است.

گزینهٔ (۳): درست؛ کودکان در ابتدا به تنهایی بازی می‌کنند و با افزایش سن توانایی بازی گروهی را پیدا می‌کنند.

گزینهٔ (۴): درست؛ بازی کودکان در ابتدا بی‌قاعده است و با افزایش سن می‌توانند در سنین دبستان، بازی قاعده‌مند داشته باشند.

کتاب درسی

**به این تصاویر نگاه کنید.** *(روان‌شناسی ـ فعالیت ۲ ـ ۵ صفحهٔ ۵۰ کتاب درسی)*





**چه تفاوتی در رفتار کودکان می‌بینید؟**

**به نظرتان کدام‌یک رشد اجتماعی بیشتری دارد؟ چرا؟**

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۷۲** **کودک توصیف‌شده در کدام گزینه بزرگ‌تر از دیگران است؟**

۱) وقتی رادین لیوان آب را روی میز غذا می‌ریزد، مادرش عصبانی می‌شود، اما رادین با تصور این‌که مادر خوشحال شده، تلاش می‌کند تا لیوان آب دیگری را نیز روی میز بریزد.

۲) طاها برای آن‌که بتواند از ظرف بالای کابینت شکلات بردارد، از آن بالا می‌رود و وقتی نگرانی مادر از افتادنش را می‌بیند، پشیمان شده و از مادرش عذرخواهی می‌کند.

۳) محمدصادق مادربزرگش را خیلی دوست دارد و آخر هر هفته که به خانهٔ او می‌روند، به سمت مادربزرگ دویده و او را در آغوش می‌کشد.

۴) کسی نباید بدون اجازهٔ مهراد به سبد اسباب‌بازی‌های او دست بزند. آخرین بار که پسرخالهٔ او یکی از اسباب‌بازی‌هایش را برداشت، مهراد آن‌قدر عصبانی شد که چند فریاد بلند کشید.

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: درس ۲*

درس Box

**رشد هیجانی در دورهٔ کودکی**

اصرار بر خواسته، خشمگین‌شدن، ابراز محبت و حس آرامش داشتن از مصادیق **هیجان** هستند.

رشد هیجانی فرایندی پیچیده است که مستلزم **آگاهی از هیجان‌های خود کودک و هیجان‌های اطرافیان کودک** (به خصوص مادر) است و کودکان با دریافت واکنش دیگران به هیجان‌های خود جهت می‌دهند. یعنی بروز هیجان مشروط به **آگاهی فرد و رابطهٔ دو طرفهٔ کودک با مادرش** است.

کودکان در تشخیص هیجان‌های اطرافیان خود ماهر نیستند و دچار اشتباه می‌شوند.
**مثال** کودک ممکن است واکنش مادر را نسبت به شکسته‌شدن لیوان، به نشانهٔ هیجان مثبت درک کند و برای همهٔ موارد «هیجان‌های» دریافت مجدد این هیجان رفتارش را تکرار کند.

رشد هیجانی در کودک معطوف به سه هیجان سادهٔ **ترس**، **خشم** و **محبت** است. با توجه به رشد آگاهی کودکان از هیجان‌های مختلف و واکنش اطرافیان (به خصوص مادر) سه هیجان فوق به هیجان‌های مرکب دیگر چون **احساس پشیمانی**، **سپاسگزاری**، **احساس گناه و ترحم** تعمیم پیدا می‌کند.

ساده یا پیچیده بودن هیجان براساس نوع بروز آن مشخص می‌شود. بروز هیجان‌های ساده تحت **تأثیر نظام پردازش‌های فردی** نیست و غالباً به یک صورت (صورت مشابه) پدیدار می‌شود. بروز هیجان‌های مرکب پیچیده‌تر بوده و با توجه به نوع ارزیابی ظهور متفاوت دارد.
**مثال** همهٔ افراد در تمام جهان به یک صورت شادی می‌کنند و لبخند در تمامی جهان معنایی مشترک دارد، اما نحوهٔ بروز سپاسگزاری در نقاط مختلف جهان متفاوت است، در فرهنگی برای تشکر پشت شانهٔ دیگری زده می‌شود، در فرهنگ دیگر ممکن است فرد تعظیم کند و در فرهنگ دیگری برای تشکر فرد در آغوش کشیده شود.

رشد هیجانی در انسان نسبت به حیوانات به دلیل **آگاهی بیشتر** و **برقراری تعامل با محیط بازتر و متنوع‌تر**، رشدیافته‌تر است. حیوانات در تجربهٔ **هیجان‌های ساده** با انسان‌ها مشترک هستند.

**پاسخ خیلی تشریحی**

کودکان دوساله ممکن است برداشت درستی از هیجان‌های اطرافیان خود نداشته باشند و واکنش منفی آن‌ها را به عنوان هیجان مثبت درک کرده و آن رفتار را تکرار کنند (گزینهٔ (۱)). همچنین در مسیر رشد هیجانی، ابتدا هیجان‌های ساده مانند ترس، خشم (گزینهٔ (۴)) و محبت (گزینهٔ (۳)) دیده می‌شوند و بعد با افزایش آگاهی کودک از هیجان‌های مختلف و واکنش اطرافیان، هیجان‌های مرکبی مانند احساس پشیمانی (گزینهٔ (۲)) به وجود می‌آید. با این توضیحات می‌توان گفت احتمالاً طاها از دیگر کودکان بزرگ‌تر است.

**۷۳** درستی و نادرستی هر یک از عبارت‌های زیر، به ترتیب، در کدام گزینه آورده شده است؟

- **شروع نوجوانی تحت تأثیر عوامل وراثتی و برنامه‌ای طبیعی و از پیش مشخص شده است.**
- **نوجوانان بیشتر از کودکان به دنبال راه‌هایی هستند تا حافظهٔ خود را ارتقا بدهند.**
- **برخی هیجان‌ها مثبت و سازنده و برخی دیگر مانند خشم ویرانگر هستند که باید کنترل شوند.**
- **مضر دانستنِ سیگار موجب عدم مصرف نمی‌شود بلکه باید باور به ضرر سیگار به وجود بیاید.**

۱) درست ـ نادرست ـ نادرست ـ درست

۲) نادرست ـ نادرست ـ درست ـ نادرست

۳) نادرست ـ درست ـ درست ـ نادرست

۴) درست ـ درست ـ نادرست ـ درست

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی عبارت‌ها:

عبارت اول: درست، منظور از بلوغ جنسی که نشانهٔ فیزیولوژیکی برای شروع دوره و مرحلهٔ رشدی نوجوانی است، مرحله‌ای است که در آن رسش جنسی رخ می‌دهد. منظور از رسش جنسی، برنامهٔ طبیعی از پیش مشخص‌شدهٔ ژنتیکی برای رشد جنسی است.

عبارت دوم: نادرست، یکی از تفاوت‌های مهم دورهٔ نوجوانی با دورهٔ کودکی، پیدایش پدیدهٔ فراحافظه است، یعنی نوجوانان برخلاف (بیشتر از) کودکان به دنبال راه‌هایی برای تقویت حافظهٔ خود هستند.

عبارت سوم: نادرست، تمام هیجان‌ها منبع رفتارهای مثبت و سازنده هستند و در صورت هدایت‌نشدن و به‌کارگیری غلط آن‌ها، هیجان‌ها به رفتارهای مخرب و پرخطر منجر می‌شوند.

عبارت چهارم: درست، برای این‌که شناخت به اخلاق منتهی شود باید به عقاید و باورها و ارزش‌های فرد تبدیل شود. صرف دانستن و شناختِ مضربودن سیگار موجب نمی‌شود افراد به سمت آن نروند، بلکه لازم است باور به مضربودن سیگار داشته باشند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۷۴** عبارت‌های نادرست در کدام گزینه آمده‌اند؟

**الف) داشتن خودِ آرمانی به هویت‌یابی نوجوانان کمک می‌کند و بهتر است با پایان این دوره، واقع‌بینی حاکم شود.**

**ب) رؤیاپردازیِ غیرطبیعی و بیش از حد موجب افت نمرات دانش‌آموزان کنکوری می‌شود.**

**ج) آرزو بر جوانان عیب نیست و طبیعی است که آن‌ها در کنار تلاش‌کردن، دائم غرقِ در رؤیا شوند که به خواستهٔ خود رسیده‌اند.**

**د) خودِ واقعی شامل ویژگی‌های فردی محقق‌شده و خودِ آرمانی شامل ایده‌آل‌ها و شرایط مطلوب فرد است.**

۱) «ج» ـ «د»
۲) «الف» ـ «ب»
۳) «ب» ـ «د»
۴) «الف» ـ «ج»

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: درس ۲*

درس Box

**خود آرمانی**: ویژگی‌هایی که فرد دوست دارد داشته باشد یا به عبارتی ایده‌آل‌های فرد را شامل می‌شود.

**خود واقعی**: ویژگی‌هایی که فرد در واقعیت دارد.

در روند طبیعی زندگی انتظار می‌رود نوجوان برای رسیدن به خود آرمانی یعنی کم‌کردن فاصلهٔ میان خود واقعی و آرمانی، **تلاش کند.**

بسیاری از نوجوانان به جای تلاش‌کردن برای کم‌کردن این فاصله رؤیاپردازی می‌کنند. هرچند این رؤیاپردازی **غیرطبیعی نیست** ولی استفادهٔ مکرر از آن موجب **افت در عملکرد تحصیلی و سایر عملکردها** می‌شود.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی عبارت‌ها:

الف) نادرست، همهٔ افراد یک خودِ واقعی و یک خودِ آرمانی دارند و داشتن خودِ آرمانی محدود به دورهٔ نوجوانی و جوانی که در آن هویت‌یابی در اوج خود قرار دارد، نیست.

ب) درست، درست است که رؤیاپردازی در نوجوانی غیرطبیعی نیست، اما رؤیاپردازیِ غیرطبیعی و بیش از حد موجب آسیب‌هایی شامل افت عملکرد تحصیلی می‌شود.

ج) نادرست، رؤیاپردازی در دورهٔ نوجوانی غیرطبیعی نیست، نه در دورهٔ جوانی. از طرفی غرق‌شدن در رؤیا مانع از تلاش برای رسیدن به هدف و حرکت در راستای خودِ آرمانی است.

د) درست، خودِ واقعی ویژگی‌هایی است که فرد در واقعیت دارد یا به عبارت دیگر پیشتر محقق شده است و خودِ آرمانی شامل ویژگی‌هایی است که فرد دوست دارد داشته باشد یا همان ایده‌آل‌ها و شرایط مطلوب محقق نشده.

کنکور

**درستی و نادرستی هر یک از عبارت‌های زیر، به ترتیب کدام است؟** *(سؤال ۶۸ کنکور انسانی ۱۴۰۳ ـ نوبت اول)*

- **خودآرمانی براساس علاقه‌مندی‌ها و ایده‌آل‌هایی که نوجوان در زندگی دارد، شکل می‌گیرد.**
- **در دورهٔ نوجوانی، خیال‌پردازی برای رسیدن به خودآرمانی، امری غیرعادی بوده و موجب فاصله‌گرفتن از زندگی واقعی می‌گردد.**
- **کاهش نمرات درسی نوجوانان می‌تواند ناشی از خیال‌پردازی بیش از حد آن‌ها در زمینهٔ رسیدن به ایده‌آل‌هایشان باشد.**
- **در روند زندگی عادی، نوجوانان بایستی برای رسیدن به خود واقعی تلاش کنند و از رویاپردازی اجتناب کنند.**

۱) درست ـ نادرست ـ درست ـ نادرست
۲) نادرست ـ درست ـ نادرست ـ درست
۳) نادرست ـ درست ـ نادرست ـ نادرست
۴) نادرست ـ نادرست ـ درست ـ نادرست

**۷۵** **در مسیر رشد از کودکی به نوجوانی، تغییرات شناختی آورده‌شده در کدام گزینه، تماماً «کیفی» هستند؟**

۱) پردازش مفهومی ـ نگهداری اطلاعات زیاد در حافظه ـ نظارت و ارزیابی تفکر

۲) تغییر جهت لحظه‌به‌لحظه تفکر ـ بهبود رمزگردانی، اندوزش و بازیابی ـ فراحافظه

۳) تفکر فرضی ـ فراحافظه ـ ظرفیت‌سازی حافظه ـ اشراف بر استدلال‌ها و قضاوت‌ها

۴) توجه گزینشی ـ آرمان‌گرایی و عیب‌جویی ـ تفکر فرضی ـ مشکل در تصمیم‌گیری

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: درس ۲*

درس Box

**رشد شناختی در دوره نوجوانی**

**تغییر کیفی:** برای اولین بار در این دوره تفکر فرضی شکل می‌گیرد. یعنی در پیش‌بینی یک موقعیت از **احتمال‌های مختلف** بهره می‌برند. در حالی که در دورهٔ کودکی مبنای استدلال واقعیت‌های ملموس و بیرونی است.

**مثال** مادری به دو فرزند خود مقداری پول داده و از آن‌ها می‌خواهد تا پودر لباس‌شویی برند خاصی را بخرند. سوسن که کودک است به مادر چشم گفته و از خانه خارج می‌شود اما سمیه که نوجوان است در نظر می‌گیرد که اگر مغازه آن برند خاص را نداشت چه باید بکند؟ پس از مادر می‌پرسد: «مادر اگر نداشت برند دیگری بگیرم؟»

**تغییر کمّی:** توجه نوجوانان نسبت به کودکان **گزینشی‌تر** است، در نتیجه بر اطلاعات مرتبط بهتر متمرکز می‌شوند و با ضرورت‌های تکلیف مورد نظر بهتر سازگار می‌شوند.

**تغییر کمّی:** نوجوانان بهتر از کودکان قادر به رمزگردانی، اندوزش و بازیابی اطلاعات هستند.

**تغییر کیفی:** نوجوانان به دنبال راه‌های تقویت حافظهٔ خود هستند. به این نوع مهارت‌آموزی **فراحافظه** می‌گویند.

**مثال** سوسن از دوستانش شنیده که ابزاری برای بهبود به خاطر سپردن واژه‌های زبان انگلیسی ساخته شده به همین خاطر با در دست داشتن عکس و مشخصات این دستگاه به مشاور مدرسه‌شان مراجعه می‌کند تا از او بپرسد آیا این وسیله برای بهبود حافظه مؤثر است یا نه.

**تغییر کیفی:** نوجوانان برخلاف کودکان قادر به ظرفیت‌سازی حافظهٔ خود هستند.

**تغییر کیفی:** نوجوانان برخلاف کودکان قادر به نظارت، ارزیابی و تغییر جهت تفکر لحظه به لحظه هستند، در حالی که کودکان بر استدلال‌ها، قضاوت‌ها و تصمیم‌هایشان اشراف ندارند.

**تغییر کمّی:** سرعت تفکر در دورهٔ نوجوانی افزایش می‌یابد؛ در نتیجه در یک لحظه اطلاعات بیشتری در حافظهٔ آن‌ها نگه داشته می‌شود.

**تغییر کیفی:** سبک پردازش کودکان ادراکی و سبک پردازش نوجوانان **غالباً مفهومی** است.

توانایی‌های شناختی نوجوانان در مقایسه با کودکان رشدیافته‌تر است اما نوجوانان در به‌کارگیری این توانایی‌ها پختگی لازم را ندارند، پس این تغییرات موجب پیامدهای ناسازگارانه‌ای است.

**پیامد:** حساسیت نسبت به انتقاد دیگران

**توصیه:** در حضور دیگران از نوجوانان عیب‌جویی نشود.

**پیامد:** احساس منحصربه‌فرد بودن اغراق‌آمیز

**توصیه:** باید ویژگی‌های منحصربه‌فرد نوجوانان را پذیرفت تا در زمان مناسب دیدگاه متعادل‌تری ایجاد شود.

**پیامد:** آرمان‌گرایی و عیب‌جویی

**توصیه:** باید به نوجوانان کمک کرد تا دریابند جوامع و افراد، آمیزه‌ای از محاسن و معایب هستند.

**پیامد:** مشکل در تصمیم‌گیری روزمره

**توصیه:** به جای نوجوانان تصمیم‌گیری نشود. تصمیم‌گیری کارآمد الگوی تصمیم‌گیری نوجوانان باشد.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست؛ سرعت تفکر در دورهٔ نوجوانی «افزایش» می‌یابد و در نتیجه در یک لحظه اطلاعات بیشتری در حافظهٔ آن‌ها نگه داشته می‌شود. با توجه به واژهٔ «افزایش» این تغییر کمّی است. باقی تغییرات کیفی هستند.

گزینهٔ (۲): نادرست؛ نوجوانان «بهتر» از کودکان قادر به رمزگردانی، اندوزش و بازیابی اطلاعات هستند. مراحل حافظه در کودکی نیز وجود دارند و در نوجوانی ارتقا پیدا می‌کنند و به همین خاطر، این تغییر کمّی است. باقی تغییرات کیفی هستند.

گزینهٔ (۳): درست؛ هر چهار تغییر آورده‌شده کیفی و اساسی هستند.

گزینهٔ (۴): نادرست؛ آرمان‌گرایی و عیب‌جویی و هم‌چنین مشکل در تصمیم‌گیری روزمره، از پیامدهای ناسازگارانهٔ رشد شناختی در دورهٔ نوجوانی هستند نه از تغییرات شناختی. هم‌چنین توجه گزینشی در کودکی نیز وجود دارد و تنها در دورهٔ نوجوانی توجه گزینشی‌تر می‌شود و به همین خاطر این تغییر کمّی است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۷۶** **درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر، به ترتیب، در کدام گزینه آمده است؟**

- **در انتهای دورهٔ نوجوانی افراد به آمادگی لازم می‌رسند تا در بزرگسالی به پختگی برسند.**
- **در چشم کودکان، فردی که سهواً به دیگری آسیب زده با فردی که عمداً اشتباه کرده، تفاوتی ندارد.**
- **با توجه به اهمیت دورهٔ نوجوانی در شکل‌گیری هویت هر فرد، این دورهٔ سنی، نسبت به کودکی اهمیت بیشتری دارد.**
- **ممکن است رفتارها در نوجوانی بلافاصله با پشیمانی همراه شود، به خصوص نوجوانان نسبت به رفتارهای بزرگسالان حساس هستند.**

۱) درست ـ درست ـ نادرست ـ درست

۲) نادرست ـ درست ـ نادرست ـ درست

۳) نادرست ـ نادرست ـ درست ـ نادرست

۴) درست ـ نادرست ـ درست ـ نادرست

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی عبارت‌ها:

عبارت اول: نادرست، نوجوانان در دورهٔ نوجوانی تغییرات زیادی را در حیطه‌های مختلف رشدی تجربه می‌کنند و در انتهای دورهٔ نوجوانی به پختگی رسیده و شبیه بزرگسالان عمل می‌کنند.

عبارت دوم: درست، کودکان بر مبنای واقعیت عینی و بیرونی قضاوت می‌کنند و به نیت عمل افراد در قضاوت اخلاقی خود بی‌توجه‌اند. به همین خاطر است فردی که عمداً به دیگری آسیب زده در چشم ایشان گناهکارتر از فردی که سهواً موجب آسیب‌دیدن دیگری شده، نیست.

عبارت سوم: نادرست، دورهٔ سنی کودکی نسبت به سایر دوره‌های بعدی رشد، اهمیت زیادی دارد.

عبارت چهارم: درست، نوجوان ممکن است یک‌دفعه و ناگهانی عصبانی شده و چیزی بگوید یا رفتاری از خود نشان دهد که بلافاصله با پشیمانی همراه شود؛ به خصوص نسبت به برخی رفتارهای بزرگسالان حساس باشد و بیشتر عصبانی شود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۷۷** **هر یک از رفتارهای زیر، به کدام‌یک از اجزای هویت مربوط هستند؟**

- **خانم بازنشسته‌ای که در گروه خیریهٔ مسجدشان عضو است و برای رفتگران غذا درست می‌کند.**
- **دختر نوجوانی که خود را فردی زیبا می‌داند که اجزای چهره‌اش تناسب خوبی با یکدیگر دارند.**
- **دختربچه‌ای که دوست دارد مانند مادرش کارهای زنانه انجام دهد و اسباب‌بازی آشپزی دارد.**
- **نوجوانی که اعتقاد دارد ساختار اجتماعی هر کشور باید براساس سرمایه‌داری و مالکیت فردی باشد.**

۱) اجتماعی ـ جسمی ـ روانی ـ سیاسی

۲) مذهبی ـ روانی ـ جنسی ـ اجتماعی

۳) اجتماعی ـ جسمی ـ جنسی ـ سیاسی

۴) مذهبی ـ روانی ـ روانی ـ اجتماعی

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: درس ۲*

**درس Box**

**اجزای هویت**

- جسمانی ← قیافه
- جنسی ← دختر یا پسر بودن
- روانی ← ایفای نقش جنسیتی برای نشان‌دادن رفتارهای زنانه یا مردانه
- اجتماعی ← عضویت در گروه‌ها ـ انتخاب شغل و پیشرفت
- اخلاقی
- ارزشی یا قومی

**پاسخ خیلی تشریحی ✓**

بررسی عبارت‌ها:

عبارت اول: عضویت در گروه‌ها مربوط به جزء اجتماعی هویت می‌شود.

عبارت دوم: ادراک هر فرد از ویژگی‌های بدنی خود مربوط به جزء جسمی هویت او می‌شود.

عبارت سوم: انجام رفتارهایی که نشان‌دهندهٔ رفتارهای زنانه یا مردانه است، به جزء روانی هویت مربوط می‌شود.

عبارت چهارم: باور به ایده‌های سیاسی مدیریت هر کشور و پیروی و طرفداری از این ایده‌ها، برای مثال سرمایه‌داری و مالکیت فردی، به جزء سیاسی هویت مربوط می‌شود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۷۸** در رابطه با رشد و تحول «درک اخلاقی» کدام گزینه نادرست است؟

۱) رشد در حوزه‌های شناختی و اجتماعی زمینه‌ساز رشد درک اخلاقی در دورهٔ نوجوانی هستند.

۲) خردسالان، پیش از ورود به مدرسه، ممکن است کاری را صرفاً برای خوشحال‌کردن دوست خود انجام دهند.

۳) در دورهٔ نوجوانی، تغییرات فرد در حیطهٔ درک اخلاقی بیشتر از تمامی دوره‌های رشدی دیگر است.

۴) کودکان دبستانی مسئول رفتار خود نیستند، زیرا هیچ تصوری از کار خوب و بد ندارند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: درس ۲*

درس Box

| | |
|---|---|
| رشد درک اخلاقی در دورهٔ کودکی | رشد اخلاقی در برگیرندهٔ **آن دسته از قوانین و مقررات اجتماعی و اصول شرعی و عرفی** است که تعیین می‌کند انسان‌ها در رابطه با دیگران چگونه باید رفتار کنند. یعنی تشخیص این‌که چه کاری خوب است و چه کاری بد. |
| | رشد درک اخلاقی **تدریجی و پیچیده** است. |
| | کودکان هیچ تصویری از کار خوب و بد ندارند و به همین دلیل مسئول رفتار خود نیستند، پس زمانی که کودکی سهم کیک برادرش را نیز بخورد، خلاف اخلاق عمل نکرده است. |
| | منظور از رشد درک اخلاقی در این جا همان انجام عمل اخلاقی است، هرچند ممکن است دلیل انجام عمل اخلاقی متفاوت باشد. |
| | رشد اخلاقی کودک ۶ ساله ممکن است در حدی باشد که کاری را اخلاقی بداند که دیگران را خوشحال می‌کند یا کاری را اخلاقی بداند و انجام دهد که باعث برانگیختن تحسین دیگران می‌گردد، در حالی که کودک وقتی بزرگ می‌شود، کار اخلاقی را به دلیل درستیِ آن انجام می‌دهد، نه صرفاً برای خوشحال کردن دوستش. |
| | کودکان پردازش ادراکی دارند و تفکر اخلاقی آن‌ها از این قاعده مستثنا نیست.<br>**مثال** سمیه برای کمک به مادرش تلاش می‌کند و در این حین اتفاقی سه لیوان می‌شکند و هستی عصبانی شده و از قصد یک لیوان را می‌شکند. از سوسن که شش سال دارد خواسته می‌شود تا رفتار سمیه و هستی را قضاوت کند. سوسن به دلیل پردازش ادراکی خود اعتقاد دارد سمیه کار بدتری کرده چون تعداد لیوان بیشتری را شکسته است. |

| | |
|---|---|
| رشد درک اخلاقی در دورهٔ نوجوانی | تحول اخلاقی و ارزشی در نوجوانی بیش از هر دورهٔ دیگری است. |
| | **رشد سریع شناختی** موجب می‌شود نوجوان بهتر بتواند دربارهٔ مسائل اخلاقی، ارزشی و دینی قضاوت کند و واکنش دقیق‌تری نشان دهد. هرچند رشد درک اخلاقی به شکل‌گیری سایر عناصر شناخت **وابسته** است، اما برای این‌که شناخت به اخلاق منتهی شود، باید **به عقاید و باورها و ارزش‌های فرد** تبدیل شود، یعنی رشد شناختی برای رشد درک اخلاقی شرط لازم بوده اما شرط کافی نیست.<br>**مثال** فردی می‌داند سیگارکشیدن برای سلامتی بدن مضر است یا کسی که با وجود دانستن اهمیت مسواک سهل‌انگاری می‌کند. |
| | به سبب **بسترِ روابط اجتماعی بیشتر و بروز احساس خودمختاری و استقلال نسبت به والدین**، نوجوان با مسائل اخلاقی و ارزشی بیشتر درگیر می‌شود و زمینه‌های رشد اخلاقی در نوجوان افزایش می‌یابد. |
| | **مثال** برای رفتار اخلاقی: صادق و مهربان بودن، دیندار و انسان‌دوست بودن، به مصالح خود اهمیت دادن و مسائل دیگران اهمیت ندادن، راستگو بودن، کمک به دیگران، قانع به حق خود بودن و سوء استفاده نکردن |

**پاسخ خیلی تشریحی**

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): درست؛ رشد سریع شناختی در دورهٔ نوجوانی و جوانی باعث می‌شود که فرد بهتر بتواند دربارهٔ مسائل اخلاقی قضاوت کند. هم‌چنین روابط اجتماعی و بروز احساس خودمختاری و استقلال نسبت به والدین، زمینه‌ساز رشد درک اخلاقی در دورهٔ نوجوانی است، زیرا باعث می‌شود زمینه‌های رشد ارزش‌های اخلاقی در نوجوان افزایش یابد.

گزینهٔ (۲): درست؛ ممکن است کودکی شش‌ساله، یعنی پیش از آن‌که به مدرسه برود، کاری را اخلاقی بداند که دوستش را خوشحال می‌کند و به همین خاطر کاری را صرفاً برای خوشحال‌کردن دوستش انجام دهد.

گزینهٔ (۳): درست؛ تحول اخلاقی و ارزشی در دورهٔ نوجوانی بیش از هر دورهٔ دیگری است.

گزینهٔ (۴): نادرست؛ کودکان در ابتدا، یعنی در سنین بسیار کم، هیچ تصوری از کار خوب و بد ندارند. کودکان دبستانی، با توجه به ورود دورهٔ به کودکی دوم و شکل‌گیری ظرفیت پردازش مفهومی، کم‌کم می‌توانند کاری را به دلیل درستی آن انجام دهند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۷۹** **هر یک از موقعیت‌های زیر، با کدام‌یک از جنبه‌های مختلف رشد مرتبط است؟**

- **برای آن‌که کودکی چند ماهه به دنبال پستانک خود نگردد، کافی است آن را از جلوی چشم او دور کنیم.**
- **می‌توان انتظار داشت که کودکان پیش از رسیدن به دوسالگی بتوانند جملات دوکلمه‌ای بسازند.**
- **برخی از کودکان بیشتر از دیگران تلاش می‌کنند تا دروغ نگفته و راستگو باشند.**
- **کودکان سه‌ساله معمولاً لجباز هستند و اصرار دارند تا تمام کارها را خودشان انجام دهند.**

۱) اجتماعی ـ اجتماعی ـ اخلاقی ـ اخلاقی

۲) شناختی ـ شناختی ـ اخلاقی ـ هیجانی

۳) اجتماعی ـ شناختی ـ رفتاری ـ اخلاقی

۴) شناختی ـ اجتماعی ـ رفتاری ـ هیجانی

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: درس ۲*

**درس Box**

رشد آدمی و تمام موجودات را می‌توان برای مطالعه به ابعاد مختلفی تقسیم‌بندی کرد.

**حیطه‌های رشد**

- **جسمانی** ← بلندشدن قد ـ رویش مو
- **شناختی** ← حل مسئله ـ تصمیم‌گیری
- **هیجانی** ← ابراز خشم ـ احساس شادی
- **اخلاقی** ← رعایت حقوق دیگران ـ رعایت نوبت در تاب‌بازی
- **اجتماعی** ← روابط با همسالان ـ بازی با دیگران

- بروز هیجان مصداق رشد هیجانی است و نه رشد رفتاری.
- رشد مغز به عنوان یکی از ارگان‌های بدن مصداق رشد جسمانی است نه شناختی.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی عبارت‌ها:

عبارت اول: کودکان قبل از شش‌ماهگی، اگر شیء به‌خصوصی را نبینند، گمان می‌کنند آن شیء دیگر وجود ندارد. به همین خاطر است که اگر پستانک کودکی چندماهه را پشت سر خود پنهان کنیم، آن کودک دیگر به دنبال آن نمی‌گردد.

عبارت دوم: رشد توانایی‌های زبانی، مانند جمله‌سازی، مربوط به رشد شناختی می‌شوند.

عبارت سوم: راستگویی، کمک به دیگران، احترام به بزرگ‌ترها و انجام‌دادن کارهای خوب و پرهیز از کارهای بد، نمونه‌هایی از رفتار اخلاقی هستند.

عبارت چهارم: «اصرار به انجام کارها» مربوط به رشد هیجانی در دورهٔ کودکی می‌شود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۸۰** کدام گزینه درست است؟

۱) ویژگی‌های اولیهٔ جنسی، مانند بارورشدن تخمک‌ها در دختران و رویش موی صورت در پسران، ویژگی‌هایی هستند که به صورت مستقیم بر توانایی تولیدمثل نقش دارند.

۲) با در نظر گرفتن حساسیت نوجوانان نسبت به شنیدن انتقاد، بهتر است در حضور دیگران و در مهمانی‌ها و جمع‌های خانوادگی از آن‌ها عیب‌جویی و انتقاد نشود.

۳) تحریک‌پذیری نوجوانان و بی‌ثباتی هیجانی آن‌ها منجر به آن می‌شود که تغییرات فیزیولوژیک و هورمونی را تجربه کنند.

۴) در دورهٔ نوجوانی نوجوانان موقتاً به گذران وقت با خانواده و اقوام خود بی‌تمایل شده و گرایش آن‌ها به گروه همسالان بیشتر می‌شود.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست؛ رویش موی صورت در پسران از ویژگی‌های ثانویهٔ جنسی به حساب می‌آید.

گزینهٔ (۲): درست؛ یکی از پیامدهای رشد شناختی در دورهٔ نوجوانی «حساسیت نسبت به انتقاد دیگران» است که با توجه به آن توصیه می‌شود که «در حضور دیگران از نوجوانان عیب‌جویی نشود».

گزینهٔ (۳): نادرست؛ نسبت علت و معلول ذکرشده برعکس است، به عبارتی نوجوانان تغییرات فیزیولوژیک و هورمونی را تجربه می‌کنند، بی‌ثباتی هیجانی و تحریک‌پذیری دارند.

گزینهٔ (۴): نادرست؛ افزایش گرایش نوجوانان به گروه همسالان به آن معنی نیست که نوجوان به ارتباط با والدین و یا خواهر و برادرهای خود علاقه‌ای ندارد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

● عيّن الأنسب للجواب في الترجمة أو المفهوم (۸۱ ـ ۸۹):

**۸۱** ﴿لا تَستوي الحسنةُ و لا السّيّئة، ادفع بالّتي هي أحسن، فإذا الّذي بينك و بينه عداوة كأنّه وليّ حميم﴾:

۱) کار نیک و کار بد یکسان نیستند؛ (بدی را) با چیزی که بهتر است دفع کن، بنابراین کسی که با تو دشمنی دارد، چنان می‌شود که گویی دوستی بسیار نزدیک است.

۲) نیک و بد برابری نمی‌کنند؛ (بدی را) با چیزی که نیکوتر است دفع کن، پس کسی که میان تو و او دشمنی است، مانند دوست نزدیک تو خواهد شد.

۳) نیکی و بدی برابر نیستند؛ (بدی را) با شیوه‌ای که نیکوتر است دفع کن، پس آن‌گاه کسی که میان تو و او دشمنی وجود دارد، گویی دوستی صمیمی می‌شود.

۴) کار نیک و کار بد مساوی نمی‌شوند؛ (بدی را) با بهترین شیوه دفع کن، پس ناگهان کسی که میان تو و او دشمنی است، مانند دوست صمیمی تو خواهد بود.

**مشاوره** در تست‌های ترجمهٔ آیات، ابتدا به ساختار نحویِ کلیدی مثل «لا تَستوي» (فعل نفی و مفرد) و «أحسن» (أفعل تفضیل) دقت کنین. هم‌چنین به نقش‌های دستوری مثل «حال» و «خبر» توجه داشته باشین.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

زیرمبحث: عربی دهم ـ درس ۴

**Hint** به ترکیب وصفی و نکرهٔ «وليٌّ حَميمٌ» توجه کن!

**درس Box**

۱) «كأنَّ» حرف تشبیه (از حروف مشبّهة بالفعل) است و به معنای «گویی» می‌باشد. نباید آن را با «چنان می‌شود که» یا «مانند... خواهد شد» ترجمه کرد؛ چون «كأنّ» خودش مفهوم تشبیه را می‌رساند و نیازی به افزودن «شدن» یا «خواهد» نیست.

۲) ترکیب‌ها را دقیق ترجمه کنیم و کلمه‌ای اضافه نکنیم، مثلاً «وَليٌّ حَميمٌ» ترکیب وصفی نکره است؛ «وَليٌّ» به معنای «دوست» و «حَميمٌ» به معنای «صمیمی/نزدیک» است، پس «دوستی صمیمی» ترجمهٔ درست است، نه «دوست نزدیک تو» (ضمیر «تو» اضافی است)

**کلمات مهم:** لا تَسْتَوي: برابر نیستند، یکسان نیستند/ الْحَسَنَةُ: نیکی، کار نیک/ السَّيِّئَةُ: بدی، کار بد/ اِدْفَعْ: دفع کن/ بِالَّتي هِيَ أَحْسَنُ: با شیوه‌ای که نیکوتر است/ فَإِذَا: پس آن‌گاه/ عَدَاوَةٌ: دشمنی/ كَأَنَّهُ: گویی او/ وَلِيٌّ حَمِيمٌ: دوست صمیمی، دوست بسیار نزدیک

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): بنابراین («إذا» ترجمه نشده است.) ـ دشمنی دارد (معادل درستی برای «عداوةٌ» نیست و آن اسم است نه فعل.) ـ «چنان می‌شود که» اضافی است. ـ («بينك و بينه» ترجمه نشده است ـ دولتی بسیار نزدیک («بسیار» اضافی است.)

گزینهٔ (۲): («إذا» ترجمه نشده است.) ـ دوست نزدیک تو (دوستی صمیمی؛ «وليّ حميم» ترکیب وصفی نکره و بدون ضمیر است.) ـ خواهد شد (می‌شود؛ فعل آینده نداریم.)

گزینهٔ (۴): بهترین شیوه (شیوه‌ای که بهتر است.) ـ ناگهان (آن‌گاه) ـ دوست صمیمی تو (مانند گزینهٔ (۲)) ـ خواهد بود (مانند گزینهٔ (۲))

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۸۲** «لا أحدَ يحبّ أن يُذكر بين النّاس بالسّوء بعد موته و هو لا يستطيع تصحيح أخطائه فعلينا أن نعوّض الظّلم الّذي ارتكبناه في نفس الوقت.»:

۱) احدی دوست ندارد که مردم او را پس از مرگش به بدی یاد کنند در حالی که او نمی‌تواند اشتباهاتش را تصحیح کند، پس ما باید ظلمی را که مرتکب می‌شویم در همان وقت جبران کنیم.

۲) هیچ کس نیست که دوست داشته باشد پس از مرگش در میان مردم به بدی یاد شود، چون او قادر به اصلاح خطاهایش نیست، پس باید ستمی را که مرتکب می‌شویم در همان لحظه جبران کنیم.

۳) هیچ کسی دوست ندارد بعد از مرگ در میان مردم او را به بدی یاد کنند در حالی که نمی‌تواند اشتباهاتش را جبران کند، پس ما باید ستمی را که مرتکب شده‌ایم در همان زمان اصلاح کنیم.

۴) هیچ کسی دوست ندارد در حالی که نمی‌تواند اشتباهاتش را تصحیح کند، بعد از مرگش در میان مردم به بدی یاد شود، پس ما باید ستمی را که مرتکب شده‌ایم در همان زمان جبران کنیم.

**مشاوره** در تست‌های ترجمه، ابتدا ساختار «لا»ی نفی جنس («لا أحدَ») را تشخیص بدین که بر نفی کلی دلالت دارد، سپس به زمان افعال («يُذكر» مجهول مضارع، «ارتكبنا» ماضی) و جملهٔ حالیه («و هو لا يستطيع...») دقت کنین.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس ۲*

**Hint** «يُذكر» معلومه یا مجهول؟/ «ارتكبنا» ماضیه یا مضارع؟

**درس Box**

۱) در ترجمهٔ «لا»ی نفی جنس از لفظ «هیچ» در فارسی استفاده می‌کنیم. «لا أحدَ» با «لا»ی نفی جنس به معنای «هیچ کسی» است، نه «احد/ یکی»، پس «احد» در گزینهٔ (۱) نادرست است.

۲) در ترجمهٔ فعل‌های مجهول معمولاً از مصدر «شدن» استفاده می‌کنیم، مثلاً «يُذكَر» فعل مجهول و مفرد است؛ پس «یاد شود» ترجمهٔ درست است، نه «یاد کنند».

۳) واو حالیه را به شکل «در حالی که» ترجمه می‌کنیم. «و هو لا يستطيع تصحيح أخطائه» جملهٔ حالیه است و باید به صورت «در حالی که او نمی‌تواند اشتباهاتش را تصحیح کند» ترجمه شود؛ نه «چون او قادر به اصلاح خطاهایش نیست»

**کلمات مهم:** لَا أَحَدَ يُحِبُّ: هیچ کسی دوست ندارد/ أَنْ يُذْكَرَ: که یاد شود/ بَيْنَ النَّاسِ: در میان مردم/ بِالسُّوءِ: به بدی/ بَعْدَ مَوْتِهِ: بعد از مرگش/ وَ هُوَ لَا يَسْتَطِيعُ: در حالی که او نمی‌تواند/ تَصْحيحَ أَخْطَائِهِ: تصحیح اشتباهاتش/ فَعَلَيْنا: پس ما باید/ أَنْ نُعَوِّضَ: که جبران کنیم/ الظُّلْمَ الَّذي: ستمی که/ ارْتَكَبْنَا: مرتکب شده‌ایم/ في نَفْسِ الْوَقْتِ: در همان زمان

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): احدی (هیچ کسی؛ «لا أحَدَ» با «لا»ی نفی جنس است.) ـ «بین» ترجمه نشده است. ـ یاد کنند (یاد شود؛ «يُذكَر» فعل مجهول و مفرد است.) ـ مرتکب می‌شویم (مرتکب شده‌ایم؛ «اِرتكَبنا» ماضی است.)

گزینهٔ (۲): چون او (در حالی که او؛ «و هو لا يَستطيعُ» جملهٔ حالیه است و باید در ترجمه رعایت شود.) ـ مرتکب می‌شویم (مانند گزینهٔ (۱))

گزینهٔ (۳): مرگ (مرگش؛ ضمیر «ـه» ترجمه نشده است.) ـ در میان مردم او را به بدی یاد کنند (در میان مردم به بدی یاد شود؛ «أَن يُذكَر» فعل مجهول است و «او را» اضافی است.) ـ جبران کند (تصحیح کند؛ «تَصحیح» باید «تصحیح» ترجمه شود نه «جبران».) ـ اصلاح کنیم (جبران کنیم؛ «نُعَوِّض» به معنای «جبران کنیم» است نه «اصلاح کنیم».)

توشه ای برای موفقیت

**۸۳** «كان قائدنا يطلب من المسلمين دائماً أن يعتصموا بحبل الله و يبتعدوا عن الخلافات لكي لا يقدر عملاءُ العدوّ أن يفرّقوا بينهم.»:

۱) رهبر ما پیوسته از مسلمانان می‌خواست که به ریسمان خداوند چنگ بزنند و از اختلافات دوری کنند تا مزدوران دشمن نتوانند میان آنان تفرقه بیفکنند.

۲) خواستهٔ رهبر ما از مسلمانان همواره این بود که به ریسمان الهی تمسّک جویند و از اختلاف‌ها بپرهیزند تا دشمنان مزدور قادر نباشند بین آنان تفرقه بیندازند.

۳) رهبر ما از مسلمانان می‌خواست که همواره به ریسمان خداوند چنگ بزنند و از اختلاف‌ها فاصله بگیرند تا مزدوران دشمن نتوانند آنان را از کنار هم پراکنده کنند.

۴) رهبر ما از مسلمانان همیشه می‌خواست که به ریسمان خداوند توسل بجویند و اختلافات را کنار بگذارند تا جیره‌خواران دشمن نتوانند که در میان آنان باعث تفرقه بشوند.

**مشاوره** در تست‌های ترجمه، ابتدا زمان فعل‌ها رو تشخیص بدین. با این کار می‌تونین برخی گزینه‌ها رو به راحتی حذف کنین.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

زیرمبحث: عربی دهم ـ درس ۴

**Hint** مراقب ترجمهٔ درست ترکیب‌ها باش؛ ترکیب «عُمَلاءُ العَدُوّ» اضافیه، پس «مزدوران دشمن» درسته، نه «دشمنان مزدور»!

**درس Box**

۱) اگر بعد از فعل «کانَ» فعل مضارع بیاید به شکل «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود.

**مثال** «کانَ... یَطْلُبُ»: خواسته بود ✗ می‌خواست ✓

۲) در ترجمهٔ قیدها و جار و مجرورها دقت کنید که به کدام فعل ارتباط دارند. مثلاً در عبارت سؤال، «دائماً» قید زمان است و به فعل «یطلب» مربوط می‌شود؛ بهتر است در فارسی پیش از فعل بیاید: «پیوسته از مسلمانان می‌خواست»، نه «می‌خواست که همواره...».

۳) به ترجمهٔ درست ترکیب‌ها دقت کنیم. اگر ترکیبی اضافی (مضاف + مضافٌ‌الیه) است، آن را به همین صورت ترجمه کنیم نه به شکل وصفی (موصوف + صفت).

**مثال** «حَبل الله»: ریسمان الهی ✗ ریسمان خدا ✓

**کلمات مهم:** قائِدُنا: رهبر ما/ کانَ یَطْلُبُ: می‌خواست/ دائِماً: پیوسته، همواره/ أَنْ یَعْتَصِمُوا: که چنگ بزنند/ بِحَبْلِ اللهِ: به ریسمان خداوند/ وَ یَبْتَعِدُوا: و دوری کنند/ عَنِ الْخِلافاتِ: از اختلافات/ لِکَیْ لا یَقْدِرَ: تا نتوانند/ عُمَلاءُ الْعَدُوِّ: مزدوران دشمن/ أَنْ یُفَرِّقُوا: که تفرقه بیفکنند

**پاسخ خیلی تشریحی ✓**

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): خواسته این بود (می‌خواست؛ «کانَ ... یَطْلُبُ» ماضی استمراری است.) ـ ریسمان الهی (ریسمان خداوند؛ حَبلِ اللّه ترکیب اضافی است نه وصفی.) ـ بپرهیزند (دوری کنند؛ ترجمهٔ درستی برای «أن یبتعدوا» نیست.) ـ دشمنان مزدور (مزدوران دشمن؛ «عُمَلاءُ الْعَدُوِّ» ترکیب اضافی است و ترتیب آن باید حفظ شود.)

گزینهٔ (۳): می‌خواست که همواره (همواره می‌خواست که؛ «دائِماً» قید زمان مربوط به فعل «یَطلُبُ» است.) ـ آنان را از کنار هم پراکنده کنند (میان آنان تفرقه بیفکنند؛ «یُفَرِّقُوا بَیْنَهُمْ» به معنای «میان آنان جدایی بیندازند» است نه «از کنار هم پراکنده کنند».)

گزینهٔ (۴): اختلافات را کنار بگذارند (از اختلافات دوری کنند؛ «یَبْتَعِدُوا» به معنای «دورشدن» است نه «کنارگذاشتن».) ـ باعث تفرقه بشوند (تفرقه بیفکنند؛ معادلی برای «باعث» نداریم.)

**۸۴** «و أنزلَ من السّماء ماءً فأخرجَ به من الثّمرات رزقاً للنّاس، لكي يعرفوا نعمَ الله و يشكروه على ما أعطاهم من خير كثير.»

۱) و از آسمان آبی فرو فرستاد، پس به وسیلهٔ آن از میوه‌ها روزی‌ای برای مردم بیرون آورد تا نعمت‌های خدا را بشناسند و برای خیر فراوانی که به آنان عطا کرده است، او را شکر کنند.

۲) و از آسمان آبی فرو فرستاده شد، پس به وسیلهٔ آن از میوه‌ها رزقی را برای مردم قرار داد تا آنان نعمت خدا را بشناسند و خداوند را برای خیر فراوانی که عطایشان کرده، شکر کنند.

۳) و از آسمان آبی فرو فرستاد، پس از میوه‌ها برای مردم رزقی را به وجود آورد تا نعمت‌های خداوند را شناخته و برای خیر فراوانی که به آنان عطا شده، او را سپاس گویند.

۴) و از آسمان‌ها بارانی را فرستاد، و با آن از میان میوه‌ها رزقی را برای مردم به وجود آورد تا نعمت‌های خداوند را بشناسند و او را برای نعمت‌هایی که به آنان عطا نموده، ستایش کنند.

**مشاوره** در تست‌های ترجمهٔ آیات و عبارات عربی، سریع‌ترین راه رد گزینه‌ها اینه که اول سراغ افعال برین: معلوم یا مجهول بودن، ماضی یا مضارع بودن، و مفرد یا جمع بودن فاعل رو بررسی کنین. سپس اسم‌های نکره و معرفه، ترکیب‌های اضافی و وصفی، و حروف جر و عطف رو چک کنین. هر گزینه‌ای که در یکی از این موارد خطای واضح داشت، سریع کنار بذارین. در نهایت بین گزینه‌های باقی‌مونده دقت رو روی قیدها، ضمایر و ترتیب طبیعی جمله در فارسی بذارین.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: عربی دهم ـ درس ۴*

**Hint** باز هم معلوم و مجهول! تشخیص اون‌ها خیلی مهمه!

**درس Box**

۱) اولین قدم در تست ترجمه، بررسی افعال است، مثلاً «أَنْزَلَ»، و «أَعْطَى» ماضی معلوم‌اند و باید به صورت معلوم ترجمه شوند؛ پس «فرو فرستاده شد» یا «عطا شده» اشتباه هستند.

۲) در بررسی اسم‌ها به جمع و مفرد بودن آن‌ها دقت کنیم.

**مثال** نِعَم: نعمت ✗ نعمت‌ها ✓

**کلمات مهم:** وَ أَنْزَلَ: و فرو فرستاد/ مِنَ السَّماءِ: از آسمان/ مَاءً: آبی/ فَأَخْرَجَ: پس بیرون آورد/ بِهِ: به وسیلهٔ آن/ مِنَ الثَّمَراتِ: از میوه‌ها/ رِزْقًا: روزی‌ای/ لِكَيْ يَعْرِفُوا: تا بشناسند/ نِعَمَ اللهِ: نعمت‌های خدا/ وَ يَشْكُرُوهُ: و او را شکر کنند/ عَلَى مَا أَعْطَاهُمْ: برای آن‌چه به آنان عطا کرده است/ مِنْ خَيْرٍ كَثِيرٍ: از خیر فراوان

**پاسخ خیلی تشریحی ✓**

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): فرو فرستاده شد (فرو فرستاد؛ «أَنْزَلَ» فعل معلوم است نه مجهول.) ـ قرار داد (بیرون آورد؛ «أَخْرَجَ» به معنای «بیرون‌آوردن» است نه «قراردادن».) ـ نعمت (نعمت‌ها؛ «نِعَم» جمع است.) ـ خداوند را (او را)

گزینهٔ (۳): «بِهِ: به وسیلهٔ آن» ترجمه نشده است. ـ به وجود آورد (بیرون آورد) ـ عطا شده (عطا کرده است؛ «أَعْطَى» فعل معلوم است نه مجهول.)

گزینهٔ (۴): از آسمان‌ها بارانی را فرستاد (از آسمان آبی فرو فرستاد؛ «السَّماءِ» مفرد است نه جمع و «مَاءً» به معنای «آب» است نه «باران».) ـ به وجود آورد (مانند گزینهٔ (۳)) ـ نعمت‌ها (ترجمهٔ درستی برای «خیر کثیر» نیست.) ـ ستایش کنند (شکر کنند)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۸۵** «عندما أقبلَ الشّابّ على تعلُّم العلوم مجدّاً، بدأ أبحاثاً كثيرة لتطوير مهاراته و لم تَضعُف إرادتُه أمام الصّعاب فكسب علماً نافعاً سهّل عليه حلّ المشكلات.»:

۱) هنگامی که آن جوان تلاشگرانه به آموزش علوم روی آورد، پژوهش‌های بسیاری را برای بهبود مهارتش آغاز کرد و اراده‌اش در برابر دشواری‌ها ضعیف نشد؛ پس دانشی سودمند به دست آورد که حل مشکلات برایش آسان گردید.

۲) جوان هنگامی که با جدیّت به یادگیری علوم روی آورد، تحقیقات بسیاری را برای بهبود مهارت‌هایش شروع کرد و اراده‌اش در برابر دشواری‌ها ضعیف نشد؛ پس دانش سودمندی به دست آورد که حل مشکلات را برای او آسان کرد.

۳) هنگامی که آن جوان کوشا آموزش علوم را پذیرفت، مطالعات بسیاری را برای توسعهٔ مهارت‌هایش آغاز نمود و اراده‌اش در برابر دشواری‌ها دچار ضعف نشد؛ پس دانش سودمندی به دست آورد که حل مشکلات را برایش ساده‌تر کرد.

۴) جوان هنگامی که یادگیری دانش‌ها را تلاشگرانه قبول کرد، پژوهش‌های بسیاری را برای توسعهٔ مهارت‌هایش آغاز کرد و اراده‌اش در برابر دشواری‌ها ضعیف نشد؛ پس دانشی سودمند به دست آورد که مشکلات را برای او آسان‌تر حل کرد.

**مشاوره** در تست‌های ترجمهٔ عبارات طولانی، ابتدا ساختار کلی جمله رو بشکنین و هر بخش رو جداگانه بررسی کنین: زمان افعال، نقش کلمات (حال، صفت، مفعول)، مفرد یا جمع بودن اسم‌ها، و متعدی یا لازم بودن فعل‌ها، سپس گزینه‌ها رو یکی‌یکی با این بخش‌ها تطبیق بدین و هر گزینه‌ای رو که در یک بخش خطای واضح داشت، سریع حذف کنین.

---

## پاسخ: گزینهٔ ۲

*زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس ۲*

**Hint** حواست به «مُجِدّاً» باشه که حاله!

**درس Box**

۱) به مصدرهای زیر که از ریشهٔ «عَلِمَ» هستند، دقت کنید:

عِلْم: دانستن (مصدر ثلاثی مجرّد)  تَعلیم: یاددادن، آموزش (مصدر از باب «تَفعیل»)  تَعَلُّم: یادگیری، آموختن (مصدر از باب «تَفَعُّل»)

۲) حال را با صفت اشتباه نگیریم. مثلاً «مُجِدّاً» حال برای «الشّاب» است و به معنای «با جدیّت/ تلاشگرانه» می‌باشد، نه صفت برای «آن»، پس «جوانِ کوشا» نادرست است.

۳) در ترجمهٔ افعال، به معادل دقیق آن‌ها دقت کنید.

**مثال** قَبِلَ: قبول کرد، پذیرفت  أَقْبَلَ عَلَی: روی آورد به  اِستَقْبَلَ: به پیشواز رفت

**کلمات مهم:** عِنْدَما: هنگامی که/ أَقْبَلَ: روی آورد/ الشّابّ: جوان/ عَلَی تَعَلُّمِ الْعُلُومِ: به یادگیری علوم/ مُجِدّاً: با جدیّت، تلاشگرانه/ بَدَأَ: شروع کرد/ أَبْحَاثًا كَثِيرَةً: تحقیقات بسیاری/ لِتَطْوِيرِ مَهاراتِه: برای بهبود مهارت‌هایش/ وَ لَمْ تَضْعُفْ: و ضعیف نشد/ أَمامَ الصِّعابِ: در برابر دشواری‌ها/ فَكَسَبَ: پس به دست آورد/ عِلْمًا نَافِعًا: دانش سودمندی/ سَهَّلَ: آسان کرد

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): «آن» اضافی است. ـ آموزش (یادگیری ؛ «تَعَلُّم» به معنای «یادگیری» است نه «آموزش».) ـ مهارت (مهارت‌ها؛ «مَهارات» جمع است نه مفرد.) ـ آسان گردید (آسان کرد؛ «سَهَّلَ» فعل متعدّی است.)

گزینهٔ (۳): آن (مانند گزینهٔ (۱)) ـ جوانِ کوشا (جوان، تلاشگرانه؛ «مُجِدّاً» حال است نه صفت.) ـ آموزش (مانند گزینهٔ (۱)) ـ پذیرفت (روی آورد؛ «أَقْبَلَ عَلَی» به معنای «روی آوردن به» است نه «پذیرفتن».) ـ مطالعات (تحقیقات) ـ دچار ضعف نشد (ضعیف نشد «دچار نشد» معادلی ندارد) ـ ساده‌تر کرد (ساده کرد؛ دلیلی ندارد به شکل تفضیلی ترجمه شود.)

گزینهٔ (۴): قبول کرد (مانند گزینهٔ (۳)) ـ مشکلات را برای او آسان‌تر حل کرد (حل مشکلات را برای او آسان کرد؛ «سَهَّلَ» فعل است نه اسم و نباید به شکل تفضیلی ترجمه شود، ضمناً «حَلّ» اسم است نه فعل.)

**۸۶** عيّن الصّحيح:

۱) انفصل أصدقاء كثيرون عن بعضهم في مصاعب الدّهر و تجلّت لنا حقيقةُ الوفاء: سختی‌های روزگار دوستان زیادی را از یکدیگر جدا کرد و حقیقت وفاداری را برای ما جلوه‌گر ساخت!

۲) ليست الحرّيّةُ أن نفعل كلّ ما نشاءُ، بل هي أن نعرف مسؤوليّةَ ما نفعل: آزادی این نیست که هر چه را می‌خواهیم انجام دهیم، بلکه این است که مسئولیّت آن‌چه را که انجام می‌دهیم، بدانیم!

۳) عاملِ النّاس مثلَما تُحبّ أن يعاملوك و لا تَكن أبداً ذا وجهين: با مردم آن‌طور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار شود و هرگز دورو نباش!

۴) إنّ الله هو المُضيف الوحيد الّذي يُجلس مُكذّبيه أيضاً علىٰ مائدته: بی‌گمان خدا یگانه میزبانی است که تکذیب‌کنندگانش نیز بر سر سفره‌اش می‌نشینند!

**مشاوره** سؤالات ترجمهٔ چهارعبارتی به دقت و تمرین زیاد نیاز دارن. برای پاسخ به این سؤالات، تسلّط به زنی و مسلط‌بودن به قواعد و ترجمهٔ واژگان ضروریه. همهٔ کلمات گزینه‌ها باید بررسی بشن.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: عربی دهم ـ درس ۴*

**Hint** حواست باشه سؤال صحیح رو می‌خواد یا خطا رو!

**درس Box**

۱) «اِنْفَصَلَ» فعل لازم است و به معنای «جدا شد» آن را با فعل «فَصَلَ: جدا کرد» که متعدّی است، اشتباه نگیرید.

۲) «تَجَلَّتْ» فعل لازم از باب تفعّل و به معنای «جلوه‌گر شد» است، نه متعدی (جلوه‌گر ساخت). در ترجمهٔ افعال باب تفعّل، به لازم یا متعدی بودن آن‌ها دقت کنید.

۳) «يُجْلِسُ» فعل مضارع متعدی از باب إفعال است و به معنای «می‌نشاند»؛ «مُكَذِّبِيهِ» مفعول آن است که نشانهٔ نصب «ي» گرفته است («مُكَذِّبي» + ـه)، پس «تکذیب‌کنندگانش را می‌نشاند» درست است، نه «تکذیب‌کنندگانش می‌نشینند»

**نکته** «ن» از انتهای «مُكذّبين» حذف‌شده، چون آن به ضمیر «ـه» اضافه شده است.

جَلَسَ: نشست  أجْلَسَ: نشاند

**کلمات مهم:** اِنْفَصَلَ: جدا شد/ أَصْدِقَاءُ كثيرونَ: دوستان زیادی/ عَنْ بَعْضِهِمْ: از یکدیگر/ في مَصاعِبِ الدَّهْرِ: در سختی‌های روزگار/ تَجَلَّتْ: جلوه‌گر شد/ لَيْسَتِ الْحُرِّيَّةُ: آزادی نیست/ أَنْ نَفْعَلَ: که انجام دهیم/ كُلَّ ما نَشاءُ: هرچه را می‌خواهیم/ بَلْ هِيَ: بلکه آن/ أَنْ نَعْرِفَ: که بدانیم/ مَا نَفْعَلُ: آن‌چه را که انجام می‌دهیم/ عامِلِ النَّاسَ: با مردم رفتار کن/ مِثْلَما: همان‌طور که/ تُحِبُّ: دوست داری/ أَنْ يُعامِلُوكَ: که با تو رفتار کنند/ لا تَكُنْ: نباش/ أَبَدًا: هرگز/ ذا وَجْهَيْنِ: دورو/ إِنَّ اللهَ: بی‌گمان خدا/ الْمُضيفُ الْوَحِيدُ: یگانه میزبان/ الَّذي: که/ يُجْلِسُ: می‌نشاند/ مُكَذِّبِيهِ: تکذیب‌کنندگانش/ أَيْضًا: نیز/ عَلى مائِدَتِهِ: بر سر سفره‌اش

**پاسخ خیلی تشریحی** خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): جدا کرد (جدا شدند؛ «اِنْفَصَلَ» فعل لازم است نه متعدّی.) ـ سختی‌های روزگار دوستان زیادی را از یکدیگر جدا کرد (دوستان زیادی در سختی‌های روزگار از یکدیگر جدا شدند؛ «في مَصاعِبِ الدَّهْرِ» قید فعل «اِنْفَصَلَ» است و باید در جای مناسب خود ترجمه شود.) ـ جلوه‌گر ساخت (جلوه‌گر شد؛ «تَجَلَّتْ» فعل لازم است نه متعدی.)

گزینهٔ (۳): با تو رفتار شود (با تو رفتار کنند؛ «يُعامِلُوا» جمع و معلوم است.)

گزینهٔ (۴): تکذیب‌کنندگانش می‌نشینند (تکذیب‌کنندگانش را می‌نشاند؛ «يُجْلِسُ» فعل متعدی است و « مُكَذِّبِيهِ» مفعول آن است.)

**۸۷** عيّن الصّحيح (في المفهوم): ﴿لا تَدري لعَلَّ اللهَ يُحدِث بعدَ ذلك أمراً﴾

۱) ﴿و عسىٰ أن تَكرهوا شيئاً و هو خيرٌ لكم﴾

۲) ﴿و لا تَهنوا و لا تَحزنوا و أنتم الأعلَون﴾

۳) ﴿إنّ رحمتَ اللهِ قريبٌ مِن المحسنينَ﴾

۴) ﴿إنّ ربَّك هو أعلم بِمن ضلّ عن سبيله﴾

**مشاوره** در سؤالات مفهوم که یک آیه یا عبارت قرآنی رو با چند آیه دیگه مقایسه می‌کنن، اول مفهوم کلیدی آیهٔ صورت سؤال رو در یک جملهٔ کوتاه خلاصه کنین، سپس هر گزینه رو جداگانه بخونین و ببینین کدوم یک همون مفهوم رو می‌رسونه.

## پاسخ: گزینهٔ ۱

*زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس ۱*

**Hint** ببین کدوم گزینه مفهوم مشابه رو می‌رسونه، نه این‌که فقط یه کلمهٔ مشترک داشته باشه!

**پاسخ خیلی تشریحی** ترجمهٔ صورت سؤال: کدام گزینه از نظر مفهومی صحیح است؟ (نمی‌دانی، شاید خداوند بعد از آن پیشامدی نو را پدید آورَد.)

مفهوم: ناآگاهی انسان از آینده و امکان پدیدآمدن امری جدید از سوی خدا.

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): و چه بسا چیزی را ناخوش دارید و آن برای شما خوب است.

گزینهٔ (۲): و سستی نکنید و اندوهگین نشوید در حالی که شما برترید.

گزینهٔ (۳): بی‌گمان رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

گزینهٔ (۴): بی‌گمان پروردگار تو به کسی که از راه او گمراه شده، داناتر است.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): هم‌مفهوم با عبارت سؤال

گزینهٔ (۲): این گزینه به مفهوم پایداری، عدم سستی و برتری مؤمنان اشاره دارد.

گزینهٔ (۳): این گزینه به نزدیکی رحمت خدا به نیکوکاران اشاره دارد.

گزینهٔ (۴): این گزینه به علم خداوند به گمراهان اشاره دارد.

**کتاب درسی**

يُحْدِثُ بَعدَ ذٰلِكَ أَمراً﴾ الطَّلاق: ﴿لا تَدْري لَعَلَّ

**پس از آن، پیشامدی نو پدید آورَد.** (عربی، زبان قرآن (۳) ـ التمرین الثّامن صفحهٔ ۱۷ کتاب درسی)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۸۸** عيّن الأبعد عن مفهوم العبارة: «أعقَل النّاس أنظَرُهم في العواقب.»

۱) الجاهل لا يعرف ما يدفع و ما يكتسب.

۲) التّدبُّر في نهاية الطّريق دليلُ الحكمة.

۳) لا تفتح باباً لا تعلم من يطرقه.

۴) العاقل لا يهتمّ بالطّريق بل يتفكّر في النّتيجة.

**مشاوره** در سؤالات «عيّن الأبعد عن المفهوم»، برعکس سؤالات «عيّن الصّحيح»، دنبال گزینه‌ای بگردین که با مفهوم اصلی عبارت هم‌خوانی نداره یا حتی کمی تضاد داره.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس ۲*

**Hint** حواست باشه که عبارت سؤال دورترین گزینه رو می‌خواد!

**پاسخ خیلی تشریحی**

ترجمهٔ عبارت سؤال: دورترین گزینه از مفهوم عبارت «خردمندترین مردم تیزبین‌ترینِ آن‌ها در فرجامِ کارها است.» را مشخص کن.

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادان نمی‌داند چه چیزی را می‌پردازد و چه چیزی را به دست می‌آورد.

گزینهٔ (۲): اندیشیدن به پایان راه، نشانهٔ حکمت است.

گزینهٔ (۳): درِ خانه‌ای را باز نکن که نمی‌دانی چه کسی آن را می‌کوبد.

گزینهٔ (۴): خردمند به راه اهمیت نمی‌دهد، بلکه در نتیجه می‌اندیشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): به ناآگاهی نادان از سرانجام کارها اشاره دارد و با مفهوم عبارت، یعنی توجه به عواقب و سرانجام امور، هم‌سو است.

گزینهٔ (۲): به اندیشیدن به پایان راه و پیامدها اشاره دارد و با مفهوم عبارت هم‌خوانی کامل دارد.

گزینهٔ (۳): به پرهیز از کاری که سرانجام و پیامد آن ناشناخته است اشاره دارد و با مفهوم عبارت، یعنی توجه به عواقب، مطابقت دارد.

گزینهٔ (۴): این عبارت می‌گوید خردمند نتیجه را به هر قیمتی می‌خواهد؛ این مطلب با مفهوم عبارت، یعنی توجه به سرانجام و عاقبت‌اندیشی در مسیر کارها، هم‌خوانی ندارد و دورترین گزینه از مفهوم عبارت است.

**کتاب درسی**

أَعْقَلُ النّاسِ أَنظَرُهُم فِي الْعَواقِبِ. الإمامُ عَلِيٌّ (ع) *(عربی، زبان قرآن (۳) ـ متن الدرس الثّانی صفحهٔ ۱۹ کتاب درسی)*

**خردمندترین مردم، تیزبین‌ترین ایشان در فرجام [کارها] است.**

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۸۹** عيّن الصّحيح في المفهوم: «المؤمن مَن آمَنَه النّاس على دمائهم و أموالهم.»

۱) المؤمن هو الّذي يَحفظ دماءَ النّاس و أموالهم و لو بقوّة السّلاح.

۲) الّذي يسعى لِكسب اعتماد النّاس في جميع المواقف هو المؤمن.

۳) الإيمان ليس في كثرة الحسنات، بل في أن نكون مصدر أمنٍ للآخرين.

۴) لا يَكفي أن تقول أنا مؤمنٌ، بل يجبُ أن تلتزم بِما تَقول.

**مشاوره** در سؤالات مفهوم، اول مفهوم کلیدی عبارت صورت سؤال رو در یک جملهٔ کوتاه خلاصه کنین، سپس هر گزینه رو جداگانه بخونین و ببینین کدوم یک همون مفهوم رو می‌رسونه.

---

## پاسخ: گزینهٔ ۳

*زیرمبحث: عربی دهم ـ درس ۴*

**Hint** ببین کدوم گزینه مفهوم مشابه رو می‌رسونه، نه این‌که فقط یه کلمهٔ مشترک داشته باشه!

**پاسخ خیلی تشریحی** ترجمهٔ عبارت سؤال: گزینهٔ صحیح از نظر مفهومی را معیّن کن: «مؤمن کسی است که مردم او را بر خون‌ها و اموالشان امین بدانند.»

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): مؤمن کسی است که خون‌ها و اموال مردم را حفظ می‌کند، هرچند با زور سلاح.

گزینهٔ (۲): کسی که برای جلب اعتماد مردم در همهٔ موقعیت‌ها می‌کوشد، مؤمن است.

گزینهٔ (۳): ایمان در زیادی کارهای نیک نیست، بلکه در این است که برای دیگران منبع امنیت باشیم.

گزینهٔ (۴): کافی نیست که بگویی من مؤمن هستم، بلکه باید به امانت‌داری پایبند باشی.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): به حفظ جان و مال مردم با زور و سلاح اشاره دارد؛ در حالی که عبارت صورت سؤال بر امین‌بودن مؤمن نزد مردم و ایجاد امنیت تأکید دارد، نه استفاده از زور، پس هم‌خوانی ندارد.

گزینهٔ (۲): به تلاش برای جلب اعتماد مردم اشاره دارد؛ اما عبارت صورت سؤال بر امین‌بودن مؤمن نسبت به جان و مال مردم دلالت دارد، نه صرفاً تلاش برای کسب اعتماد.

گزینهٔ (۳): عبارت صورت سؤال مؤمن را کسی معرفی می‌کند که مردم او را بر جان و مال خود امین می‌دانند، و این همان مفهوم «منبع امنیت بودن برای دیگران» است که در گزینهٔ (۳) آمده است.

گزینهٔ (۴): در این گزینه به این مورد اشاره شده است که ایمان تنها به سخن نیست بلکه باید با عمل همراه باشد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

● اقرأ النّصّ التّالي ثمّ أجب عن الأسئلة (۹۰ ـ ۹۲) بما يناسب النّصّ:

جائزة نوبل هي مجموعة من الجوائز الدّوليّة الّتي أسّسها ألفرد نوبل عام ۱۹۰۱ في مملكة السّويد. و تَهدف الجائزة إلى تكريم الأفراد الّذين قدّموا خَدمات بارزة للبشريّة في مجالات العلوم أو السّلام. تُمنح جائزة نوبل حاليّاً في ستّة مجالات رئيسيّة: الفيزياء، الكيمياء، الطّبّ، الأدب، السّلام و العلوم الاقتصاديّة. إنّ الفوز بجائزة نوبل ليس سَهلاً، بل يَخضع لِقواعد مُحدّدة و مع ذلك، يجب أن نشير إلى أنّ الفرد العالم يجب أن يكون قد حقّق اكتشافاً أو إنجازاً في أحد المجالات المحدّدة، بحيث يكونُ لِهذا الإنجاز أثر عميق و مُستدام على العالَم و تُمنح جائزة نوبل عادةً تقديراً لأعمال مُنجزة و مُثبتة و ليس لِمجرّد أفكار أوليّة.

تُعدّ ماري كوري الشّخص الوحيد الّذي فاز بجائزة نوبل في مجالين علميّين مُختلفين تماماً؛ فقَد حَصلت عليها بالاشتراك مع زوجها بيير كوري و هنري بيكريل عام ۱۹۰۳ تقديراً لأبحاثهم العميقة حول ظاهرة النّشاط الإشعاعيّ (**فعاليت راديواكتيو**) كما فازت بالجائزة بِمُفرَدها (أي دون زوجها الّذي كان قد توفّي في عام ۱۹۰۶) لاكتشافها عُنصرين جديدين: الراديوم و البولونيوم عام ۱۹۱۱. فإذا كان معيارنا هو «التّخصّصات العلميّة» فقط، فإنّ ماري كوري تبقى وحيدةً بصدارة هذا المَجال.

ترجمهٔ متن:

**جایزهٔ نوبل مجموعه‌ای از جوایز بین‌المللی است که آلفرد نوبل در سال ۱۹۰۱ در کشور سوئد آن را بنیان گذاشت. (این) جایزه به هدف گرامی‌داشت افرادی است که خدمات برجسته‌ای به بشریت در زمینه‌های علوم یا صلح ارائه کرده‌اند. جایزهٔ نوبل در حال حاضر در شش حوزهٔ اصلی اعطا می‌شود:** فیزیک، شیمی، پزشکی، **ادبیات، صلح و علوم اقتصادی. قطعاً کسب جایزهٔ نوبل آسان نیست، بلکه تابع قواعد مشخصی است و با این وجود، باید اشاره کنیم که فرد دانشمند باید کشف یا دستاوردی در یکی از حوزه‌های مشخص محقق کرده باشد، به گونه‌ای که این دستاورد اثری عمیق و دائمی بر جهان داشته باشد و جایزهٔ نوبل معمولاً به پاس کارهای انجام‌شده و اثبات‌شده اعطا می‌شود، نه صرفاً برای ایده‌های اولیه.**

**ماری کوری تنها شخصی است که در دو زمینهٔ علمی کاملاً متفاوت جایزهٔ نوبل را به دست آورد؛ او آن را در سال ۱۹۰۳ به طور مشترک با همسرش پیر کوری و هانری بکرل به خاطر پژوهش‌های عمیقشان دربارهٔ پدیدهٔ فعالیت رادیواکتیو دریافت کرد، و هم‌چنین در سال ۱۹۱۱ به تنهایی (یعنی بدون همسرش که در سال ۱۹۰۶ فوت کرده بود) به خاطر کشف دو عنصر جدید، رادیوم و پولونیوم، جایزه را به دست آورد. پس اگر معیار ما فقط «تخصص‌های علمی» باشد، ماری کوری در صدر این حوزه تنها (بی‌نظیر) می‌ماند.**

**۹۰** عيّن الصّحيح حول جائزة نوبل:

۱) تختصّ هذه الجائزة لمن تكون له نشاطات علميّة ممتازة.

۲) أعلنَ نوبل أنّ هذه الجائزة تُعطىٰ في ستّة مجالات مُحدّدة.

۳) جائزة نوبل تسبّبت بأن تُصبح الأبحاث العلميّة أوسع من قبل.

۴) مؤسّسة نوبل يقع مكانها في مملكة السّويد و هي مَولد نوبل.

**مشاوره** ۱) قبل از خوندن متن، حتماً کلیدواژه‌های اصلی سؤالات و گزینه‌ها رو اسکن کنین. این کار ذهن شما رو جهت‌دهی می‌کنه تا موقع خوندن متن، دقیقاً بدونین دنبال چه اطلاعاتی (مانند نام، زمان، علّت، یا نتیجه) هستین.

۲) لازم نیست تمام کلمات متن رو به صورت حرفه‌ای ترجمه کنین. روی پاراگراف اول و جملات ابتدایی هر پاراگراف تمرکز کنین تا موضوع اصلی رو درک کنین، سپس با توجه به کلیدواژه‌هایی که از سؤالات به خاطر دارین، بخش‌های مرتبط متن رو پیدا کنین.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

## پاسخ: گزینهٔ ۴

*زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس ۲*

**کلمات مهم متن:** الجَوائِز الدُّوَليّة: جوایز بین‌المللی/ أَسَّسها: آن را بنیان گذاشت/ عام: سال/ مَمْلَكَة السُّويد: کشور سوئد/ تَهْدِفُ: قصد دارد، هدف می‌گیرد/ تَكْريم: گرامی‌داشت/ قَدَّمُوا: ارائه کردند/ مَجالات: حوزه‌ها، زمینه‌ها/ السَّلام: صلح/ تُمنَحُ: اعطا می‌شود/ حالیّاً: در حال حاضر/ سِتَّة: شش/ مَجالات رَئيسيَّة: حوزه‌های اصلی/ الفيزياء: فیزیک/ الكيمياء: شیمی/ الأَدَب: ادبیات/ الفَوْز بـ: کسب، به دست آوردن/ لَيْسَ سَهْلاً: آسان نیست/ يَخْضَعُ: تابع است/ مُحَدَّدَة: مشخص/ مَعَ ذلِكَ: با این وجود/ يَجِب أَن نُشير: باید اشاره کنیم/

حَقَّقَ: محقق کرد/ إنْجاز: دستاورد/ بِحَيْثُ: به گونه‌ای که/ مُسْتَدام: پایدار، دائمی/ العالَم: جهان/ عادَةً: معمولاً/ تَقْديراً: به خاطر، به پاس/ أَعْمال مُنْجَزَة: کارهای انجام‌شده/ مُثْبَتَة: اثبات‌شده/ مُجَرَّد أَفْكار أَوَّلِيَّة: صرفاً ایده‌های اولیه/ تُعَدُّ: به شمار می‌رود/ الشَّخْص الوَحيد: تنها شخص/ فازَ بـ: کسب کرد، دریافت کرد/ حَصَلتْ عَلَيْها: آن را دریافت کرد/ بِالِاشْتِراك: به طور مشترک/ زَوْج: همسر/ تَقْديراً لِأَبْحاثِهِم: به خاطر پژوهش‌هایشان/ حَوْلَ: درباره/ ظاهِرَة النَّشاط الإشْعاعِيّ: پدیدهٔ فعالیت رادیواکتیو/ بِمُفْرَدِها: به تنهایی/ أَيْ: یعنی/ دُونَ: بدون/ (كانَ) قَدْ تُوُفِّيَ: فوت کرده بود/ لِاكْتِشافِها: به خاطر کشفش/ إذا كانَ: اگر باشد/ تَبْقَى: می‌ماند/ وَحِيدَة: تنها/ بِصَدارَة: در صدر

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): این جایزه مخصوص کسی است که فعالیت‌های علمی برجسته‌ای داشته باشد.

گزینهٔ (۲): نوبل اعلام کرد که این جایزه در شش حوزهٔ مشخص اعطا می‌شود.

گزینهٔ (۳): جایزهٔ نوبل باعث شد که پژوهش‌های علمی گسترده‌تر از قبل شوند.

گزینهٔ (۴): مؤسسهٔ نوبل در کشور سوئد قرار دارد و آن زادگاه نوبل است.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست؛ طبق متن، جایزهٔ نوبل فقط به فعالیت‌های علمی اختصاص ندارد، بلکه در حوزه‌های صلح و ادبیات نیز اعطا می‌شود؛ متن می‌گوید «في مجالات العلوم أو السّلام»، پس محدودکردن آن به فعالیت‌های علمی برجسته صحیح نیست.

گزینهٔ (۲): نادرست؛ در متن آمده «تُمنح جائزة نوبل حالياً في ستّة مجالات رئيسيّة» (جایزهٔ نوبل در حال حاضر در شش حوزهٔ اصلی اعطا می‌شود)، نه این‌که نوبل خودش اعلام کرده باشد که در شش حوزه اعطا می‌شود. متن فقط بنیان‌گذاری نوبل را در سال ۱۹۰۱ در سوئد ذکر کرده است.

گزینهٔ (۳): نادرست؛ متن هیچ اشاره‌ای به این ندارد که جایزهٔ نوبل باعث گسترده‌ترشدن پژوهش‌های علمی شده باشد. این مطلب در متن نیامده است.

گزینهٔ (۴): طبق متن، آلفرد نوبل این جایزه را «في مملكة السّويد» بنیان گذاشت و واژهٔ «مملكة السّويد» در متن ذکر شده است؛ بنابراین گزینهٔ (۴) که به قرار داشتن مؤسسهٔ نوبل در کشور سوئد و زادگاه نوبل بودن آن اشاره دارد، با اطلاعات متن هم‌خوانی دارد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۹۱** عيّن الصّحيح:

۱) حَصلت ماري كوري على جائزة نوبل في مجالات مختلفة منها الفيزياء و الكيمياء.

۲) بيير كوري مع زوجته و زميله حَصل على جائزة نوبل ثلاث سَنواتٍ قبل موته.

۳) لم يستطع عالم الحصول على جائزة نوبل مرّتينِ إلّا ماري كوري.

۴) ماري كوري و زوجها حصلا على جائزة نوبل الثّانية لاكتشاف عنصرينِ جديدينِ.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): ماری کوری در حوزه‌های مختلفی از جمله فیزیک و شیمی جایزهٔ نوبل را به دست آورد.

گزینهٔ (۲): پیر کوری همراه با همسرش و همکارش سه سال پیش از مرگش جایزهٔ نوبل را دریافت کردند.

گزینهٔ (۳): دانشمندی نتوانست دو بار جایزهٔ نوبل را کسب کند مگر ماری کوری.

گزینهٔ (۴): ماری کوری و همسرش برای کشف دو عنصر جدید جایزهٔ دوم نوبل را دریافت کردند.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست؛ طبق متن، ماری کوری فقط در دو حوزهٔ علمی «کاملاً متفاوت» (مُخْتَلِفَيْنِ تَماماً) برنده شد و اشاره به حوزه‌های مختلف (به شکل جمع) اشتباه است.

گزینهٔ (۲): طبق متن، ماری کوری در سال ۱۹۰۳ به طور مشترک با همسرش پیر کوری و هانری بکرل برندهٔ جایزهٔ نوبل شد و همسرش در سال ۱۹۰۶ فوت کرد؛ یعنی سه سال پیش از مرگش (۳ = ۱۹۰۳ − ۱۹۰۶) برندهٔ جایزه نوبل شد. بنابراین گزینهٔ (۲) با اطلاعات متن هم‌خوانی کامل دارد.

گزینهٔ (۳): نادرست؛ متن می‌گوید ماری کوری «تنها شخصی است که در دو حوزهٔ علمی کاملاً متفاوت برندهٔ جایزهٔ نوبل شد» نه این‌که هیچ دانشمندی نتوانسته دو بار برنده شود. هم‌چنین ممکن است دیگران نیز دو بار برنده شده باشند، اما در یک حوزه، نه در دو حوزهٔ متفاوت.

گزینهٔ (۴): نادرست؛ طبق متن، ماری کوری بار دوم «به تنهایی» (بِمُفْرَدِها) و بدون همسرش که در سال ۱۹۰۶ فوت کرده بود، برندهٔ جایزهٔ نوبل شد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

**۹۲** عيّن الصّحيح:

۱) جائزة نوبل تُمنَح في كلّ مجال إلى فرد واحد فقط.

۲) لا تُمنح جائزة نوبل إلى من له فكرة بديعة بل من حقّقها مؤثرةً في حياة البشر.

۳) إنّ ماري كوري كانت أوّل مرأة لها تخصّصة في مجالين علميّين.

۴) جائزة نوبل الأولىٰ مُنحت لماري كوري و زوجها.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): جایزهٔ نوبل در هر حوزه فقط به یک فرد اعطا می‌شود.

گزینهٔ (۲): جایزهٔ نوبل به کسی که ایدهٔ تازه‌ای دارد اعطا نمی‌شود، بلکه به کسی (اعطا می‌شود) که آن را محقق کرده در حالی که در زندگی بشر مؤثر بوده است.

گزینهٔ (۳): ماری کوری نخستین زنی بود که در دو حوزهٔ علمی تخصص داشت.

گزینهٔ (۴): نخستین جایزهٔ نوبل به ماری کوری و همسرش اعطا شد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست؛ متن هیچ اشاره‌ای به این ندارد که جایزهٔ نوبل در هر حوزه فقط به یک فرد اعطا می‌شود. هم‌چنین در متن آمده که ماری کوری جایزهٔ ۱۹۰۳ را «به طور مشترک با همسرش پیر کوری و هانری بکرل» دریافت کرد؛ یعنی جایزه به چند نفر اعطا شده است.

گزینهٔ (۲): طبق متن، جایزهٔ نوبل «معمولاً برای کارهای انجام‌شده و اثبات‌شده اعطا می‌شود و نه صرفاً برای ایده‌های اولیه» (تُمنح ... لأعمال مُنجزة و مُثبتة و ليس لِمجرّد أفكار أوليّة) و هم‌چنین فرد دانشمند باید کشف یا دستاوردی محقق کرده باشد که «اثری عمیق و پایدار بر جهان» داشته باشد، بنابراین گزینهٔ (۲) با مفهوم متن هم‌خوانی کامل دارد.

گزینهٔ (۳): نادرست؛ متن می‌گوید ماری کوری «تنها شخصی است که در دو حوزهٔ علمی کاملاً متفاوت برندهٔ جایزهٔ نوبل شد» و اشاره‌ای به «نخستین زن» بودن او در این زمینه ندارد.

گزینهٔ (۴): نادرست؛ طبق متن، جایزهٔ نوبل را آلفرد نوبل در سال ۱۹۰۱ بنیان گذاشت و ماری کوری در سال ۱۹۰۳ برندهٔ آن شد؛ پس نخستین جایزهٔ نوبل به ماری کوری و همسرش اعطا نشده است.

● عيّن المناسب للجواب في الإعراب و التّحليل الصّرفيّ (۹۳ و ۹٤):

**۹۳** عيّن الصّحيح:

«قَدَّموا ـ تُعَدّ ـ ظاهرة ـ وحيدة»

۱) قَدَّموا: فعل ماضٍ ـ للغائبينَ ـ مزيد ثلاثي من مصدر تَقدُّم ـ متعدّ/ فعل و مع فاعله جملة فعليّة

۲) تُعَدّ: مضارع ـ للمخاطب ـ مجرّد ثلاثي ـ مجهول ـ لازم/ فعل و نائب فاعله «ماري» و الجملة فعليّة

۳) ظاهرة: اسم ـ مفرد مؤنّث ـ اسم الفاعل من مجرّد الثلاثي ـ معرب/ مضافٌ‌إليه و مجرور بالكسرة

۴) وحيدة: اسم ـ مفرد مؤنّث ـ معرّف بالعلميّة ـ معرب/ مفعول و منصوب بالفتحة

**مشاوره** این سؤالات معمولاً نیازی به فهم کامل متن نداره. کافیه نقش کلمه رو با توجه به جملهٔ خودش (قبل و بعد از کلمه) تحلیل کنین و طبق قواعد گزینهٔ غلط یا صحیح رو رد کنین.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس ۲*

**Hint** ببین سؤال صحیح رو می‌خواد یا خطا رو!

**درس Box**

۱) در تحلیل صرفی فعل، به باب و مصدر آن دقت کنید. «قَدَّمَ» از باب «تفعیل» است و مصدر آن «تقدیم» می‌شود، نه «تقدّم». «تقدّم» مصدر باب «تفعّل» است که فعل آن «تَقَدَّمَ» می‌شود.

۲) فعل‌های مجهول متعدی هستند. پس «لازم»بودن آن‌ها نادرست است.

۳) هر اسمی که در ظاهر اسم خاص است، ممکن است معنی دیگری در عبارت داشته باشد، مانند «وحیدة: تنها». در جملهٔ «ماری کوری تبقی وحیدةً» که اسم نکره است و به عنوان اسم عَلَم یا معرفه به کار نرفته است.

**پاسخ خیلی تشریحی ✓**

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): مزید ثلاثي من مصدر تَقدُّم (فعل «قَدَّمَ» از باب «تفعیل» است و مصدر آن «تقدیم» می‌باشد، نه «تقدّم». «تقدّم» مصدر باب «تفعّل» است.)

گزینهٔ (۲): للمخاطب (للغائبة؛ فعل «تُعَدّ» مضارع برای مفرد مؤنث غائب است، نه مخاطب.) ـ لازم (متعدٍّ؛ فعل مجهول، متعدی است.)

گزینهٔ (۴): معرّف بالعلميّة (واژهٔ «وحيدة» در عبارت «تبقی وحيدةً» نکره است و اسم عَلَم یا اسم خاص نیست.) ـ مفعول (حال؛ «وحيدة» به معنی «به تنهایی» حال است.)

**۹۴** عیّن الخطأ:

«تَهدف ـ لیس ـ العالم ـ مُفرَد»

۱) تَهدف: فعل مضارع ـ للغائبة ـ لیس له حرف زائد ـ معلوم/ فعل و فاعله «الجائزة»

۲) لیس: فعل ماضٍ ـ للغائب ـ مجرّد ثلاثي/ من الأفعال النّاقصة و خبره: «سَهلاً»

۳) العالم: اسم ـ مفرد مذکّر ـ معرّف بأل ـ اسم الفاعل مِن مصدر «تَعلیم»/ صفة و مرفوع بالتّبعیّة

۴) مُفرد: اسم ـ مفرد مذکّر ـ اسم المفعول مِن مصدر «إفراد» ـ معرب/ مجرور بحرف جرّ

**مشاوره** ابتدا موارد سمت راست رو بررسی کنین که نیازی به بررسی جمله ندارن. اگه به جواب نرسیدین، سریع برین سراغ سمت چپ.

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس ۲*

**Hint** ببین سؤال صحیح رو می‌خواد یا خطا رو!

**پاسخ خیلی تشریحی** «العالِم» اسم فاعل از مصدر «عِلْم» است، نه از مصدر «تعلیم»؛ «تعلیم» مصدر باب تفعیل است و اسم فاعل آن «مُعَلِّم» می‌شود. هم‌چنین مرفوع اشتباه است چون صفت تابع و پیرو موصوف «الفردَ» است که نقش اسم حرف مشبّه بالفعل «إنَّ» را دارد، بنابراین باید گفت: صفة و منصوب بالتبعیّة.

● عيّن المناسب للجواب في الأسئلة التالية (۹۵ ـ ۱۰۰):

**۹۵** عيّن فعلاً مزيداً ثلاثيّاً يختلف عدد حروفه الزائدة:

۱) وعظني والدي أن لا أجالس الأحمق لأنّه يَضرّني.

۲) تَقاعد والدي اليوم مِن منظّمتهم بعد ثلاثين سنةً تقريباً.

۳) قد يُعلّمنا أعداؤنا شيئاً و هو يُساعدنا في الابتعاد عن الخطأ.

۴) تُحاول أستاذتنا معرفة جميع تلميذاتها في الصّفّ.

**مشاوره** در سؤالات تشخیص فعل ثلاثی مزید، اول هر فعل رو از هم جدا کنین و باب اون رو مشخص کنین. تعداد حروف زائد باب‌ها ثابته.

---

## پاسخ: گزینهٔ ۲

*زیرمبحث: عربی دهم ـ درس ۴*

**Hint** مواظب باش فعل‌های باب «تَفاعُل» و «مُفاعَلَة» رو اشتباه نگیری!

**درس Box**

۱) در تشخیص باب فعل ثلاثی مزید، به وزن و حروف زائد دقت کنید: باب «مُفاعَلة» یک حرف زائد «ا» دارد (مثل «أُجالِس»، «يُساعِد»، «تُحاوِل»)، باب «تَفعیل» یک حرف زائد دارد، ولی با تشدید حرف دوم (يُعَلِّم) و باب «تَفاعُل» دو حرف زائد «ت» و «ا» دارد ( مثل«تَقاعَدَ»).

۲) باب مُفاعَلَة (مفاعله):

- ماضی: فاعَلَ / مضارع: يُفاعِلُ
- یک حرف زائد دارد: «ا»
- نشانه: «ا» بعد از حرف اول می‌آید.

**مثال** ساعَدَ، جالَسَ، حاوَلَ، عامَلَ

۳) باب تَفاعُل (تفاعل):

- ماضی: تَفاعَلَ / مضارع: يَتَفاعَلُ
- دو حرف زائد دارد: «ت» + «ا»
- نشانه: ماضی با «تَ» شروع می‌شود و بعد از حرف دوم «ا» دارد.

**مثال** تَقاعَدَ، تَعاوَنَ، تَشاوَرَ، تَبادَلَ

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

ترجمهٔ صورت سؤال: فعل ثلاثی مزیدی را مشخص کن که تعداد حروف زائدش متفاوت است.

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): پدرم مرا نصیحت کرد که با نادان هم‌نشینی نکنم، زیرا او به من زیان می‌رساند.

گزینهٔ (۲): پدرم امروز پس از حدود سی سال از سازمانشان بازنشسته شد.

گزینهٔ (۳): شاید دشمنانمان چیزی به ما بیاموزند و آن به ما در دوری از خطا کمک کند.

گزینهٔ (۴): استادمان می‌کوشد همهٔ دانش‌آموزانش را در کلاس بشناسد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): «وَعَظَ»: ثلاثی مجرّد است، نه مزید./ «يَضُرّ»: ثلاثی مجرّد (ماضی: ضَرَّ)./ «أُجالِس» از باب «مُفاعَلة» (ثلاثی مزید با یک حرف زائد: ا)، پس در این گزینه فعل «أُجالِس» یک حرف زائد دارد.

گزینهٔ (۲): (گزینهٔ صحیح) «تَقاعَدَ» از باب «تَفاعُل» (ثلاثی مزید با ۲ حرف زائد: ت ـ ا).

گزینهٔ (۳): «يُعَلِّمُ» از باب «تَفعیل» (ثلاثی مزید با یک حرف زائد: تکرار حرف «ل»)./ «يُساعِدُ» از باب «مُفاعَلة» (ثلاثی مزید با یک حرف زائد: ا)، پس در این گزینه هم دو فعل مزید با یک حرف زائد وجود دارد.

گزینهٔ (۴): «تُحاوِلُ» از باب «مُفاعَلة» (ثلاثی مزید با یک حرف زائد: ا)./ دقت کنید که «مَعْرِفَة» اسم است، نه فعل.

**۹۶** عيّن «نون» من الحروف الأصليّة للفعل:

۱) سَمعنا خبر نجاح الإيرانيّين في المباراة فاندفعنا إلى المطار لاستقبالهم.

۲) انسحب الكفّار مِن المعركة لأنّهم تَحيَّروا من قدرة المقاتلين المسلمين.

۳) جنودنا الشجعان انتقموا من الّذين قاموا بِمحاربتنا فلا ينسونَ هذا الفشل.

۴) فهمنا أنّ تيّار الكهرباء انقطع في ستّ حجرات فقمنا بتصليحه.

**مشاوره** در سؤالات تشخیص حرف اصلی فعل، اول ریشهٔ فعل رو پیدا کنین، سپس بررسی کنین که نون جزء ریشه است یا حرف زائد.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: عربی دهم ـ درس ۴*

**درس Box**

۱) نون در باب «انفعال» حرف زائد است، نه اصلی: «اِنْسَحَبَ» (ریشه: س، ح، ب)، «اِنْقَطَعَ» (ریشه: ق، ط، ع)

۲) فقط نونی که در ریشهٔ فعل باشد حرف اصلی است: «اِنْتَقَمُوا» (ریشه: ن، ق، م) و «يَنْسَوْنَ» (نون اول، ریشه: ن، س، ي)

**پاسخ خیلی تشریحی**

ترجمهٔ صورت سؤال: «نون» را که از حروف اصلی فعل است، مشخص کن.

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): خبر موفقیت ایرانیان در مسابقه را شنیدیم، پس به سوی فرودگاه برای استقبال از آنان روانه شدیم.

گزینهٔ (۲): کافران از نبرد عقب‌نشینی کردند، زیرا از قدرت رزمندگان مسلمان حیرت‌زده شدند.

گزینهٔ (۳): سربازان شجاع ما از کسانی که به جنگ با ما پرداختند، انتقام گرفتند، پس این شکست را فراموش نمی‌کنند.

گزینهٔ (۴): فهمیدیم که جریان برق در شش اتاق قطع شد، پس به تعمیر آن پرداختیم.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): «اِنْدَفَعْنا»: از ریشهٔ «دَفَعَ» و نون حرف زائد است.

گزینهٔ (۲): «اِنْسَحَبَ»: از ریشهٔ «سَحَبَ» و از باب «اِنفعال» است، پس نون در آن حرف زائد است، نه حرف اصلی.

گزینهٔ (۳): «اِنْتَقَمُوا»: حروف اصلی این فعل «ن، ق، م» و از باب «اِفتعال» است، پس نون در آن حرف اصلی است، نه زائد./ «يَنْسَوْنَ»: از ریشهٔ «نَسِيَ» نون آن حرف اصلی است.

گزینهٔ (۴): «اِنْقَطَعَ»: از ریشهٔ «قَطَعَ» و از باب «اِنفعال» است، پس نون در آن حرف زائد است، نه حرف اصلی.

**۹۷** عيّن ما فيه حرفٌ يزيل الإبهام عمّا قبله:

۱) إنّ الله يحبّ جميع عباده لكنّ بعضهم قد يَنسون رحمة الله.

۲) يا صديقي، كأنّ جهد الانسان و اجتهاده لا حدّ له فلا تفقد رجاءك.

۳) ليتَ الشّباب يعود إلينا و نقول له ما فعل بنا المشيب في الحياة!

۴) فهمتُ أنّ الحقّ لا يفنى و الباطل لا يبقى و للحياة عدالة سوف تتحقّق!

**مشاوره** در این نوع سؤال، دنبال حرفی بگردین که کارش «رفع ابهام» از ماقبل خودش باشه.

---

## پاسخ: گزینهٔ ۱

*زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس ۱*

**Hint** بین حروف مشبّهة بالفعل، «إنّ» برای تأکید و رفع شک میاد؛ «أنّ» ربط، «كأنّ» تشبیه، «لعلّ» امیدواری، «لَیتَ» آرزو و «لكنّ» رفع ابهام رو می‌رسونه، پس دنبال «لكنّ» بگرد!

**درس Box** ۱) «إنّ» از حروف مشبّهة بالفعل و برای تأکید و رفع شک و تردید به کار می‌رود. در گزینهٔ (۱)، «إنّ الله يحبّ...» تردید مخاطب را دربارهٔ محبت خدا به بندگانش برطرف می‌کند.

۲) «لكنّ» از حروف مشبّهة بالفعل است و برای رفع ابهام از جملهٔ قبل به کار می‌رود.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔** ترجمهٔ صورت سؤال: آن‌چه در آن حرفی وجود دارد که ابهام را از ما قبل خود برطرف می‌کند، مشخص کن.

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): همانا خدا همهٔ بندگانش را دوست دارد، ولی برخی از آنان ممکن است رحمت خدا را فراموش کنند.

گزینهٔ (۲): ای دوستم، گویی تلاش و کوشش انسان هیچ حدی ندارد، پس امیدت را از دست نده.

گزینهٔ (۳): کاش جوانی به سوی ما بازگردد و به او بگوییم که پیری در زندگی با ما چه کرد!

گزینهٔ (۴): فهمیدم که حق نابود نمی‌شود و باطل باقی نمی‌ماند و زندگی عدالتی دارد که محقق خواهد شد!

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): در این گزینه حرف «إنّ» وجود دارد که از حروف مشبّهة بالفعل است و شک و تردید را برطرف می‌کند، اما «لكنّ» نیز از این خانواده است و برای رفع ابهام از ماقبل می‌آید.

گزینهٔ (۲): «كأنّ» از حروف مشبّهة بالفعل است، ولی «كأنّ» برای تشبیه به کار می‌رود و ابهام را از ماقبل خود برطرف نمی‌کند؛ بلکه میان دو چیز مشابهت برقرار می‌سازد.

گزینهٔ (۳): «ليتَ» از حروف مشبّهة بالفعل است، ولی «ليتَ» برای حسرت و آرزوی محال به کار می‌رود و ابهام را از ماقبل خود برطرف نمی‌کند.

گزینهٔ (۴): «أنّ» از حروف مشبّهة بالفعل است، ولی «أنّ» برای مرتبط ساختن دو جمله به کار می‌رود و در این‌جا پس از فعل «فَهِمْتُ» آمده و آن را به جملهٔ بعد ربط می‌دهد.

**۹۸** عيّن ما فيه من الأسماء المنصوبة أكثر:

۱) إنّ الله يعلم كلّ ما يعمله عباده و هو علّام الغيوب.

۲) إن تلتزمي بالوفاء تجدي صديقات لا يتركنك وحيدة.

۳) أرسل الله أنبياء مُبشّرين ليُبيّنوا الصّراط المُستقيم.

۴) لا يُطعِمِ المؤمن المساكين من أطعمة لا يأكلها نفسه.

**مشاوره** برای شمردن اسم‌های منصوب، هر کلمه رو جدا بررسی کنین و نقش دستوری اون رو مشخص کنین.

---

## پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس‌های ۱ و ۲

**Hint** ضمیرهای متصل رو هم حساب کن! «ـهُ» در «يَعمَلُهُ» و «ـكَ» در «يَترکنك» اسم منصوب محسوب می‌شن.

**درس Box**

۱) اسم‌های منصوب شامل این موارد می‌شوند: مفعول، حال، خبر افعال ناقصه، اسم حروف مشبّهة بالفعل، مفعول مطلق و صفت‌های تابع که به تبعیت از موصوف منصوب، منصوب می‌شوند.

۲) ضمایر متصل به فعل که نقش مفعولی دارند (مثل «ـهُ» در «يَعمَلُهُ» و «ـكَ» در «يَترکنك») نیز در شمارش اسم‌های منصوب محسوب می‌شوند.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): همانا خدا هر آن‌چه بندگانش انجام می‌دهند می‌داند و او بسیار دانای غیب‌هاست.

گزینهٔ (۲): اگر به وفاداری پایبند باشی، دوستانی می‌یابی که تو را تنها رها نمی‌کنند.

گزینهٔ (۳): خدا پیامبرانی بشارت‌دهنده فرستاد تا راه راست را روشن کنند.

گزینهٔ (۴): مؤمن از غذاهایی که خودش نمی‌خورد، به بینوایان نباید بدهد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): «اللّه» اسم «إنّ» و منصوب/ «كُلَّ»: مفعول برای «يعلم» و منصوب./ «ـه» در «يَعمَلُهُ» مفعول و منصوب/ تعداد اسم منصوب: ۳

گزینهٔ (۲): «صديقات»: مفعول برای «تجدي» و منصوب/ «ك» در «يترکنك»: مفعول و منصوب./ «وحيدة»: حال و منصوب/ تعداد اسم منصوب: ۳

گزینهٔ (۳): «أنبياء»: مفعول برای «أرسل» و منصوب/ «مُبشّرين»: صفت و منصوب به تبعیّت از موصوف/ «الصّراط»: مفعول برای «ليُبيّنوا»/ «المستقيم»: صفت و منصوب به تبعیّت از موصوف/ تعداد اسم منصوب: ۴

گزینهٔ (۴): «المساكين»: مفعول برای «يُطعم» و منصوب/ «ها» در «يَأكُلُها»: مفعول و منصوب./ تعداد اسم منصوب: ۲

---

**کنکور** عيّن ما فيه من الكلمات المنصوبة أكثر: *(سؤال ۹۹ کنکور انسانی ۱۴۰۴ ـ نوبت اول)*

۱) يعلّمنا الدّهرُ أنّنا نستطيع نَعيش عيشًا أفضلَ لو استفدنا من كلّ قواتنا.

۲) إن يصبرِ الإنسانُ على المشاكل صبرًا كثيرًا يقدرْ أن يَحصل على نجاحه.

۳) يدرَك النّجاح بالجهد الكثير و على الإنسان أن يحاول في طريقه مُطمئنًا.

۴) إنّ الإنسان إن يلتزم بالصّدق يتخلّص من السّيّئات الّتي تضرّه.

مشابه کنکور

**۹۹** عیّن ما لیس فیه حال:

۱) ما لك لا تندم عن أعمال سيّئة ارتكبتها و أنت تعلم أنّها مُضرّة.

۲) صار زملاؤنا في المباراة النّهائيّة فائزين فأصبحنا مسرورين من فوزهم.

۳) كان السّيّاح حاضرين جميعاً في قاعة المطار و لكنّ الدّليل جاء متأخّراً.

۴) هذا الرّجل الغنيّ أنشأ مصنعاً في القرية مُشتاقاً إلى إنتاج البضائع الإيرانيّة.

**مشاوره** برای پیدا کردن «حال» در جمله، دنبال اسمی بگردین که «حالت» فاعل یا مفعول رو هنگام وقوع فعل بیان کنه و معمولاً منصوب باشه.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس ۲*

Hint مراقب خبر «صارَ» و «أصبحَ» باش که در ظاهر مثل حال هستن!

درس Box

۱) «حال» اسمی است که هیئت و حالت فاعل یا مفعول را هنگام وقوع فعل بیان می‌کند و معمولاً منصوب است. حال می‌تواند از نوع اسم (مثل «متأخّراً») و یا از نوع جمله (مثل «و أنت تعلم...») باشد.

۲) خبر افعال ناقصه (کانَ، صارَ، أصبحَ،...) و حال هر دو منصوب‌اند، ولی خبر افعال ناقصه مکمل معنای فعل ناقص است، در حالی که حال، حالت را بیان می‌کند. برای تشخیص، ببینید اگر میان اسم نکرهٔ منصوب و فعل ناقص فعل دیگری وجود نداشته باشد، آن اسم، خبر است نه حال.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

ترجمهٔ صورت سؤال: آن‌چه در آن حال وجود ندارد، مشخص کن.

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): تو را چه شده (چرا) از کارهای بدی که مرتکب شده‌ای پشیمان نمی‌شوی، در حالی که می‌دانی آن‌ها زیان‌آورند؟

گزینهٔ (۲): همکلاسی‌های ما در مسابقهٔ نهایی پیروز شدند، پس ما از پیروزی آنان شادمان شدیم.

گزینهٔ (۳): گردشگران همگی در سالن فرودگاه حاضر بودند، ولی راهنما دیر آمد.

گزینهٔ (۴): این مرد ثروتمند در روستا کارخانه‌ای ساخت، در حالی که مشتاق تولید کالاهای ایرانی بود.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): «و أنت تعلم...»: جمله حالیه است («أنت» مبتدا و «تعلم» خبر، حال از نوع جملهٔ اسمیه که با واو حالیه شروع شده است).

گزینهٔ (۲): «فائزین»: خبر «صار» و منصوب است، نه حال./ «مسرورین»: خبر «أصبحنا» و منصوب است، نه حال، بنابراین این گزینه هیچ حالی ندارد.

گزینهٔ (۳): «حاضرین»: خبر «کان» و منصوب است، نه حال./ «جمیعاً»: حال از نوع اسم و منصوب است./ «متأخراً»: حال از نوع اسم و منصوب است.

گزینهٔ (۴): «مُشتاقاً»: حال از نوع اسم و منصوب است.

کنکور

عیّن ما لیس فیه الحال: *(سؤال ۹۹ کنکور انسانی ـ نوبت دوم)*

۱) كم نُمرِّرُ عيشنا في هذه الحياة القصيرة و هي مملوءة باللذائذ!

۲) ما أحسنَ الشخصَ الّذي يأتيه الفقيرُ محتاجًا لكنّه لايردّه خائبًا!

۳) قرّرتُ مع نفسي أن أمشي كلّ يوم في الحديقة العامّة مستمعًا إلى الكتب الصوتية!

۴) كان أحدُ مُخترعي البلَد قد بنى مُختبرًا صغيرًا فيه أدواتٌ قليلةٌ مع أنّه قد قدر أن يعمل كشفًا كبيرًا!

**۱۰۰** عيّن الواو يختلف عن البقية:

۱) الدّولة تمتلك المرافق العامّة و يهتمّ المواطنون بمراقبتها و الاستفادة منها.

۲) هذا الطبيب مسؤول القسم الداخليّ في المستشفى و رقم غرفته خمسون.

۳) نحن نذهب إلى المكتبة لمطالعة الدّروس كلّ يوم و صديقي يتأخّر دائماً.

۴) لا يفتخرِ الإنسان بنسبه و آبائه و أمواله لأنّ الفخر بالأدب و الحياء!

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: عربی دوازدهم ـ درس ۲*

**Hint** ببین بعد از واو، جمله یه معنی کامل و مستقل داره یا داره حالت و چگونگی رو توصیف می‌کنه؛ اگه حالت باشه، واو حالیه‌ست!

**درس Box**

۱) واو عطف: دو جمله یا دو اسم هم‌رتبه را به هم ربط می‌دهد و هر دو طرف معنای مستقل دارند.

**مثال** «الدّولة تمتلك ... و يهتمّ المواطنون ...» (هر دو جمله مستقل‌اند).

۲) واو حالیه: جملهٔ بعد از آن حالت و چگونگی فاعل یا مفعول را هنگام وقوع فعل بیان می‌کند و معمولاً جملهٔ اسمیه همراه با واو حالیه است.

**مثال** «نذهب إلى المكتبة ... و صديقي يتأخّر دائماً» (در حالی که دوستم دیر می‌آید).

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

ترجمهٔ صورت سؤال: واوی را که با بقیه متفاوت است، مشخص کن.

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): دولت تأسیسات عمومی را در اختیار دارد و شهروندان به نظارت و بهره‌گیری از آن‌ها اهمیت می‌دهند.

گزینهٔ (۲): این پزشک مسئول بخش داخلی بیمارستان است و شمارهٔ اتاقش پنجاه است.

گزینهٔ (۳): ما هر روز برای مطالعهٔ درس‌ها به کتابخانه می‌رویم در حالی که دوستم همیشه دیر می‌آید.

گزینهٔ (۴): انسان به نسب و پدران و اموالش نباید افتخار کند، زیرا افتخار به ادب و حیا است!

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): «و يهتمّ المواطنون ...»: واو عطف است و دو جمله را به هم مرتبط می‌کند. هر دو جمله معنای مستقل و کامل دارند.

گزینهٔ (۲): «و رقم غرفته خمسون»: واو عطف است و دو جملهٔ اسمیه را به هم عطف می‌کند («هذا الطبيب مسؤول ...» و «رقم غرفته خمسون»). هر دو جمله معنای مستقل دارند.

گزینهٔ (۳): «و صديقي يتأخّر دائماً»: واو حالیه است، نه عطف؛ زیرا جملهٔ بعد از آن (صديقي يتأخّر دائماً) برای بیان حالت و چگونگی است، نه عطف دو جملهٔ هم‌رتبه. در واقع این واو، حالت را بیان می‌کند: «در حالی که دوستم همیشه دیر می‌آید.» بنابراین این واو با واوهای عطف در سایر گزینه‌ها متفاوت است.

گزینهٔ (۴): «و آبائه و أمواله»: واو عطف است و اسم‌ها را به هم ربط می‌دهد («نسبه»، «آبائه»، «أمواله»). هم‌چنین واو در «و الحياء» عطف است.

**۱۰۱** **کدام اطلاعات از سنگ‌نوشتهٔ بیستون قابل استخراج است؟**

**الف) شرح وقایع دوران ابتدایی فرمانروایی داریوش بزرگ**

**ب) حاوی اطلاعات سودمند اوضاع اداری، نظامی و فرهنگی دوران بعد از هخامنشیان**

**ج) شرح جنگ‌های شاپور یکم با رومیان**

**د) شرح سرکوب شورش‌های نواحی گوناگون توسط داریوش**

۱) «الف» ـ «ج»
۲) «الف» ـ «د»
۳) «ب» ـ «ج»
۴) «ب» ـ «د»

**مشاوره** منابع دست اول و دومی که در کتاب‌های تاریخ هر سه پایه از اون‌ها نام برده شده و اطلاعاتی که از اون‌ها قابل استخراج هست، از جمله مباحثیه که باید حتماً مورد توجه قرار بدین.

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: تاریخ دهم ـ درس ۷*

**درس Box**

- سنگ‌نوشته‌ها و لوح‌های گلی از مهم‌ترین منابع نوشتاری ایرانی در دورهٔ هخامنشیان به شمار می‌روند.
- مطالب سنگ‌نوشتهٔ بیستون یک گزارش تاریخی محسوب می‌شود.

**در سنگ‌نوشتهٔ بیستون به چه نکاتی اشاره شده است؟**
- شرح وقایع دوران آغازین فرمانروایی داریوش بزرگ
- سرکوب شورش‌های نواحی گوناگون

- سنگ‌نوشته‌های دیگری نیز از داریوش بزرگ باقی‌مانده که به شرح رویدادهای تاریخی پرداخته است.

**پاسخ خیلی تشریحی**

پنج ستون از سنگ‌نوشتهٔ بیستون که در حقیقت گزارش تاریخی محسوب می‌شود، **به شرح وقایع دوران آغازین فرمانروایی** داریوش بزرگ و **سرکوب شورش‌های نواحی گوناگون اختصاص** دارد.

**۱۰۲** کدام مورد دربارهٔ خاستگاه و ماهیت حکومت ایلامی‌ها درست است؟

۱) از ارتباط تنگاتنگ سیاسی، فرهنگی و تجاری با همسایگان بین‌النهرینی خود شکل گرفت.

۲) شهرنشین بودند و با پیشینهٔ سفالگری، فلزکاری و بافندگی و در مرکز جلگهٔ خوزستان زندگی می‌کردند.

۳) در دوران هخامنشیان، حاکمان کوچک و مستقل ایلامی در مرکز خوزستان این حکومت را بنیان‌گذاری کردند.

۴) پیشینهٔ کشاورزی داشته و در بخش شرقی استان فارس حکومت خود را تأسیس کردند.

**مشاوره** می‌بینین که گاهی لازمه برای حل یک تست، هم حضور ذهن داشته باشین و هم دروس مختلف رو شخم بزنین. پیشنهاد می‌کنم تمام تواریخ موجود در کتاب رو طبقه‌بندی کنین و رویدادها و وقایع مربوط به هر کدوم رو زیر تاریخ مربوطه بنویسین. طبقه‌بندی و جدول‌بندی به ذهنتون در هنگام مطالعه نظم میده و یادآوری رو آسون‌تر می‌کنه.

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: تاریخ دهم ـ درس ۸*

**درس Box**

- سرزمین اصلی ایلامیان شمال جلگهٔ خوزستان و مناطق کوهستانی زاگرس جنوبی و میانی بود.
- اقتصاد بین‌النهرین، نیازمند منابع طبیعی و معدنی فلات ایران بود.
- **نحوهٔ شکل‌گیری پادشاهی ایلام**
  - لشکرکشی فرمانروایان سومری و اکدی به سرزمین ایلامی‌ها
  - متحدشدن حاکمان کوچک و مستقل ایلام با یکدیگر و تأسیس پادشاهی ایلام

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

در ایلام شهرنشینی رونق داشت و شوش در مرکز جلگهٔ خوزستان، یکی از پایتخت‌های ایلامیان بود. در شوش پیشه‌ها و صنایع مختلفی مانند سفالگری، فلزکاری و بافندگی رونق داشت.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): با خاستگاه و ماهیت حکومت ایلامی‌ها (صورت سؤال) ارتباطی ندارد.

گزینهٔ (۳): در دوران هخامنشیان دوباره شکوه و عظمت دیرین خود را بازیافت. *(پس توسط هخامنشیان بنیان‌گذاری نشدند؛ بلکه احیا شدند.)*

گزینهٔ (۴): یکی دیگر از پایتخت‌های ایلامی‌ها دیگر آن‌ها در استان فارس امروزی واقع شده بود.

**کنکور**

**کدام مورد درباره خاستگاه و ماهیت حکومت‌های ماد و سومر درست است؟** *(سؤال ۱۰۲ کنکور ۱۴۰۵)*

۱) حکومت ماد، خاستگاه کشاورزی داشت و حکومت سومر مدافع اقتصاد و بازرگانی و تجاری بود.

۲) حکومت ماد برخاسته از نظام طایفه‌ای و قبیله‌ای و حکومت سومر یک حاکمیت دولت‌شهری بود

۳) حکومت ماد برخاسته از جامعه روستایی کشاورز و حکومت سومر ادامه یک حاکمیت دولت‌شهری بود.

۴) حکومت ماد، ماهیت طایفه‌ای و نظامی داشت و بنیاد حکومت سومر بر جامعه کشاورزی و صنعتی استوار بود.

**۱۰۳** **کدام مورد توصیف دقیقی از تاریخ ساخت ابزارآلات مسی ارائه کرده است؟**

۱) در لرستان از ترکیب مفرغ و قلع اشیا و ابزارهای مسی ساخته شده که بهترین نمونه از صنعت و هنر فلزکاری به شمار می‌رود.

۲) مردمان برخی از سکونتگاه‌های کهن به‌ویژه جیرفت و تپهٔ یحیی ظروف مسی را با مهارت و ظرافت تمام ساخته بودند.

۳) چکش‌کاری بر روی رگه‌های طبیعی مس و ساخت برخی ابزارهای مسی از حدود ۸ هزار سال پیش در برخی نواحی وجود داشته است.

۴) ساکنان نواحی پایکوهی زاگرس در حدود ۴ تا ۸ هزار سال پیش به فنون ذوب و قالب‌گیری مس دست یافته بودند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: تاریخ دهم ـ درس ۸*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔** یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که مردم ایران **از حدود ۸ هزار سال پیش** با چکش‌کاری بر روی رگه‌های طبیعی مس، برخی ابزارها، به‌ویژه زیورآلات مسی می‌ساختند. (درستی گزینهٔ ۳)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست؛ چون از طریق ترکیب مس با مادهٔ قلع اشیا و **ابزارهای مفرغی** ساخته می‌شد.

**نکته** مفرغ‌های لرستان، بهترین نمونه از صنعت و هنر فلزکاری ایران به شمار می‌روند.

گزینهٔ (۲): به اشیا و ظروف سنگ صابونی اشاره دارد.

**نکته** براساس شواهد باستان‌شناسی، نواحی ذکرشده در گزینهٔ (۲)، از مراکز مهم تولید و صدور سنگ صابون به مناطق دور و نزدیک بوده‌اند.

گزینهٔ (۴): مردمان نواحی شهداد، تل ابلیس و تپهٔ یحیی در حدود ۵ تا ۷ هزار سال پیش به فنون ذوب و قالب‌گیری مس دست یافته بودند.

**۱۰۴** در کدام مورد نتایج و دستاوردهای باستان‌شناسی، به مورخان کمک کرده است؟

۱) شناخت بیشتر سلسله‌های ماد، هخامنشیان و ساسانیان و امکان حدودی تفکیک و تشخیص تاریخ واقعی از افسانه

۲) وجود اشیا و آثار تاریخی ایران باستان در موزه‌های اروپا و آمریکا

۳) متن اصلی خدای‌نامه‌ها و ترجمهٔ عربی باقی‌مانده از آن دوران

۴) بررسی دقیق‌تر تاریخ عمومی به عنوان منبع اصلی مطالعه و شناخت تاریخ ایران باستان

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: تاریخ دهم ـ درس ۷*

Hint حواست به رابطهٔ علت و معلولی بین گزینه‌های (۱) و (۲) باشه که دام سؤال دقیقاً همین‌جاست!

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

کاوش‌های باستان‌شناسی و تحقیقاتی که دربارهٔ تاریخ ایران در دورهٔ باستان در دویست سال گذشته صورت گرفته، دستاوردهای گوناگون داشته است. اگرچه بخشی از آثار تاریخی کشف‌شده در کاوش‌های باستان‌شناسی، به موزه‌های اروپا و آمریکا منتقل شده است (نادرستی گزینهٔ (۲))، اما این کاوش‌ها، اطلاعات تاریخی ارزشمندی برای شناخت سلسله‌های پادشاهی مادی تا ساسانیان فراهم آورده است. (درستی گزینهٔ (۱))

*حالا چرا گزینه‌های (۳) و (٤) نادرست‌اند؟!!!*

دربارهٔ گزینهٔ (۳)، متن اصلی خدای‌نامه‌ها و ترجمهٔ عربی آن‌ها از بین رفته و چیزی از آن باقی نمانده که بتواند به باستان‌شناسان کمک کند.

گزینهٔ (۴): این مورد یعنی کتاب‌های تاریخ عمومی مربوط به نوشته‌های مورخان مسلمان تا دویست سال پیش است.

**۱۰۵** **کدام مورد دربارهٔ توصیف رویدادها، از آغاز انقلاب فرانسه تا دوران حکومت ناپلئون، درست است؟**

۱) مدتی بعد از پیروزی انقلاب، لویی شانزدهم وادار به پذیرش نظام جمهوری شد.

۲) پس از پیروزی انقلاب فرانسه، پادشاه وقت از سلطنت کناره‌گیری کرد.

۳) ناپلئون در ۱۷۹۹ م. به عنوان امپراتور فرانسه به قدرت رسید.

۴) پس از به قدرت رسیدن ناپلئون، نظام حکومتی تغییر یافت.

**مشاوره** اگه یکی از گزینه‌های (۱) تا (۳) رو انتخاب کردین، بهتون توصیه می‌کنم مطالب کتاب رو با دقت و به ترتیب مطالعه کنین، به توالی وقایع و ارتباط بین اونا توجه داشته باشین و از مطالب کتاب درست نتیجه‌گیری کنین. بی‌دقتی در مطالعه باعث جابه‌جایی ترتیب وقایع و برداشت نادرست از مطالب می‌شه. این دقیقاً همون چیزیه که طراحان تست ازتون انتظار دارن، پس با دقیق‌خوندن متن اونا رو ناامید کنین.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۲*

**درس Box**

**توالی رویدادها:**

حملهٔ مردم پاریس به زندان باستیل و آغاز انقلاب (۱۷۸۹ م./ ۱۱۶۸ ش.) ← وادارکردن لویی شانزدهم به امضای قانون اساسی جدید و پذیرش نظام مشروطهٔ سلطنتی ← عزل پادشاه و برقراری نظام جمهوری ← اعدام لویی شانزدهم و ماری آنتوانت ← ترس و خشم دولت‌های اروپایی ← جنگ دولت‌های اروپایی با فرانسه ← به قدرت رسیدن ناپلئون با اجرای کودتا در ۱۷۹۹ م. ← آغاز دوران حکومت ناپلئون به عنوان امپراتور فرانسه در ۱۸۰۴ م. ← کناره‌گیری ناپلئون از امپراتوری در ۱۸۱۴ م.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست است، چون: لویی شانزدهم در جریان انقلاب، (نه بعد از پیروزی آن) وادار به امضای قانون اساسی جدید و پذیرش **نظام مشروطهٔ سلطنتی** شد.

گزینهٔ (۲): نادرست است، چون: مدتی پس از پیروزی انقلاب فرانسه، پادشاه وقت (لویی شانزدهم) از سلطنت **عزل** شد.

گزینهٔ (۳): نادرست است، چون: ناپلئون در ۱۷۹۹ م. با اجرای یک کودتا **به قدرت رسید** و سپس به عنوان امپراتور فرانسه انتخاب شد.

**نکته** *ناپلئون در ۱۸۰۴ م. به امپراتوری رسید.*

گزینهٔ (۴): درست است، چون: پس از به قدرت رسیدن ناپلئون، نظام حکومتی از پادشاهی به امپراتوری تغییر یافت و دوران حکومت ناپلئون از ۱۸۰۴ م. آغاز شد و تا ۱۸۱۴ م. ادامه پیدا کرد.

**۱۰۶** در یک موقعیت فرضی، مورخی در قرن هفده و هجدهم میلادی می‌زیسته است. به احتمال زیاد کدام موارد در گزارش او ثبت شده است؟

**الف)** پتر کبیر پیش از انقلاب باشکوه انگلستان به قدرت رسید.

**ب)** لطفعلی‌خان زند از خبر استقلال آمریکا مطلع شده است.

**ج)** دولت آمریکا به رقیبی برای کشورهای استعمارگر اروپایی تبدیل شده است.

**د)** کریم‌خان زند پیش از آغاز جنگ‌های استقلال آمریکا درگذشت.

۱) «ب» ـ «د»
۲) «الف» ـ «د»
۳) «الف» ـ «ب»
۴) «ب» ـ «ج»

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۲*

Hint

بچه‌ها! به این نکته توجه کنید:

در صفحهٔ ۲۹ کتاب درسی، سال ۱۷۸۹ میلادی رو به درستی با ۱۱۶۸ شمسی معادل گرفته، اما در صفحهٔ ۲۱ کتاب درسی، گفته ۱۱۶۷ شمسی معادل ۱۷۹۴ میلادیه!!

۱۷۸۹ میلادی با ۱۱۶۸ شمسی معادل هست.

۱۷۹۴ میلادی با **۱۱۷۴** شمسی معادل هست. (۱۱۷۳ هم قبوله.)

یعنی تو کتاب درسی، سال میلادیِ مرگ لطفعلی‌خان زند درسته، اما سال شمسی اون درست نیست. تو تست‌ها شما سال میلادی رو ملاک قرار بدین.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی عبارت‌ها:

الف) پتر کبیر در ۱۶۸۲ م. و پیش از انقلاب باشکوه انگلستان (۱۶۸۸ م.) به قدرت رسید. (درست)

ب) لطفعلی‌خان زند (مرگ در ۱۷۹۴ م.) احتمالاً از خبر استقلال آمریکا (۱۷۸۳ م.) مطلع شده است. (درست)

ج) دولت آمریکا در **پایان سدهٔ ۱۹ میلادی** به پیشرفت‌های وسیع سیاسی، اقتصادی و صنعتی دست یافت و به رقیبی برای کشورهای استعمارگر اروپایی تبدیل شد. (نادرست)

د) کریم‌خان زند (۱۱۵۷ ش./ ۱۷۷۹ م.) **بعد از** آغاز جنگ‌های استقلال آمریکا (۱۷۷۵ م.) درگذشت. (نادرست)


دانلود رایگان تمام
آزمون‌های آزمایشی
در کانال تلگرام ما :
آزمون‌های آزمایشی
دسترسی سریع
رایگان و دائمی
معتبر و جامع
ویژه کنکور سراسری
آزمون مخصوص تمام پایه‌ها و تمام رشته‌ها
t.me/Azmoonha_Azmayeshi
موفقیت + برنامه تلاش
گاج
t.me/Azmoonha_Azmayeshi

**۱۰۷** کدام موارد دربارهٔ نظام اداری ایران دورهٔ افشاریه تا دورهٔ قاجار، درست است؟

**الف) با مرگ نادرشاه و فروپاشی سیاسی و اقتصادی، توان اداری ایران آسیب دید.**

**ب) تحت تأثیر مواجهه با تمدن غرب، تشکیلات اداری از اوایل عهد قاجار افزایش یافت.**

**ج) نظام اداری ناکارآمد از عوامل بازدارندهٔ قدرت استبدادی و اختیارات شاهان قاجار بود.**

**د) در عصر قاجار دامنهٔ فعالیت وزارت‌خانه‌ها محدود به پایتخت بود و اغلب به شکل موروثی اداره می‌شد.**

۱) «الف» ـ «ب»
۲) «ج» ـ «د»
۳) «ب» ـ «د»
۴) «الف» ـ «ج»

**مشاوره** مواردی مثل: روابط خارجی، هنر و معماری، نظام اداری، تجارت، ادبیات، علم و آموزش، اقتصاد و... از جمله مواردی هستن که به کرات به عنوان مقایسه بین حکومت‌های مختلف مورد پرسش قرار می‌گیرن و در اصطلاح خودمون، بسیار تست‌خیزن، اون‌ها رو دریابین.

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس‌های ۲ و ۳*

**درس Box**

با مرگ کریم‌خان و در کم‌تر از ۱۵ سال، هفت تن از خاندان زند به قدرت رسیدند، حاصل این کشمکش و آشوب، فروپاشی سیاسی و اقتصادی و آسیب‌دیدن توان نظامی و اداری کشور بود.

**در زمان نادرشاه افشار:**

- سازمان اداری و دیوانی، اعتبار و قوت سابق را نداشت.
- نهادهای اداری رونق چندانی نداشتند.
- به وزارت و دیوان‌سالاری توجهی نمی‌شد.
- شیوهٔ ادارهٔ ایالات، ولایات، شهرها و روستاها همانند دورهٔ صفویه بود و صاحب‌منصبانی با همان عناوین سابق این مراکز را اداره می‌کردند.
- حکومت بر اقتدارگرایی، تمرکز بر امور نظامی و ارتش متکی بود.

**پاسخ خیلی تشریحی**

عبارت «الف»، درست نیست؛ چون به جای نادرشاه، «**کریم‌خان زند**» درست است.

عبارت «ب»، درست نیست؛ چون به جای اوایل عهد قاجار، «**دوران ناصرالدین شاه**» درست است.

**۱۰۸** در کدام مورد، اقدامات آقامحمدخان در فاصلهٔ متحدکردن افراد ایل قاجار تا تاج‌گذاری در تهران، به ترتیب، درست بیان شده است؟

**الف) انتخاب تهران به پایتختی**

**ب) سرکوب طغیان حاکم گرجستان**

**ج) تصرف نواحی شمالی و مرکزی ایران**

**د) غلبه بر لطفعلی‌خان زند**

۱) «د» ـ «ب» ـ «ج» ـ «الف»

۲) «د» ـ «الف» ـ «ج» ـ «ب»

۳) «ج» ـ «ب» ـ «د» ـ «الف»

۴) «ج» ـ «الف» ـ «د» ـ «ب»

**مشاوره** تا دلتون بخواد تو تاریخ هر سه پایه توالی رویدادها داریم و تا دلتون بخواد به انواع و اقسام مختلف میشه ازشون تست طرح کرد. «پس از ...» و «پیش از ...» و «سپس ...» و امثالهم از کلیدواژه‌های مهم توالی رویدادهان.

صفحه‌های ۳۲ و ۳۳ کتاب تاریخ ۳ رو بخونین، سه بار از «پس از» و دوبار از «سپس» استفاده شده.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۳*

**Hint** اگه فکر کردی که آقامحمدخان تهران رو به پایتختی انتخاب کرد و بلافاصله اون‌جا تاج‌گذاری کرد، باید بگم اشتباه فکر کردی!

**پاسخ خیلی تشریحی** *اوه! اوه! عجب توالی‌ای!*

کشته‌شدن محمدحسن‌خان قاجار [در جنگ با کریم‌خان زند] ← گروگان گرفته شدن آقامحمدخان در شیراز ← مرگ کریم‌خان ← فرار آقامحمدخان از شیراز و رفتن به استرآباد (گرگان) ← متحدکردن افراد ایل قاجار برای رویارویی با زندیان ← تصرف نواحی شمالی و مرکزی ایران «ج» ← انتخاب تهران به پایتختی «الف» ← غلبه بر لطفعلی‌خان زند «د» ← سرکوب طغیان حاکم گرجستان «ب» ← تاج‌گذاری در تهران (۱۲۱۰ ق./ ۱۱۷۴ ش.) ← لشکرکشی به خراسان ← لشکرکشی به قفقاز ← پایان کار! (به قتل‌رسیدن به دست تنی چند از همراهانش) (۱۲۱۱ ق./ ۱۱۷۵ ش.)

**۱۰۹** **کدام مورد از مهم‌ترین عوامل بازدارندهٔ قدرت مطلقهٔ پادشاهان قاجار بود؟**

۱) نفوذ اجتماعی و دینی روحانیت و مراجع شیعه و قدرت سیاسی و نظامی ایلات

۲) نفوذ و دخالت قدرت‌های استعمارگر و نفوذ زنان حرمسرا در دربار و بیرون از آن

۳) فقدان نظام اداری کارآمد و نبودن ارتش ثابت و حرفه‌ای

۴) خودمختاری نسبی حاکمان ایالات و ولایات و محدودبودن نظام اداری

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۳*

**Hint**

*هواستون باشه که این‌جا با دو دسته از عوامل سروکار داریم:*

۱) عوامل بازدارندهٔ قدرت مطلقه **(ضعف‌های درونی)** ← در ساختار خود حکومت

۲) عوامل محدودکنندهٔ اختیارات **(رقیب‌های بیرونی)** ← خارج از ارادهٔ شاه و حضور در جامعه

**نکته**

این تفکیک کمک می‌کنه درک بهتری از چرایی تناقض میان «ادعای استبداد» و «ضعف عمل» در دورهٔ قاجار داشته باشیم.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

*اگه مفهوم و منظور قدرت Hint رو خوب فهمیده باشین، دیگه جواب تشریحی نمی‌خواد.*

مشابه کنکور

**۱۱۰** **کدام موارد، نقش سه کشور فرانسه، روسیه و انگلیس را در ایران دورهٔ قاجار درست نشان می‌دهد؟**

**الف) وساطت برای انجام مذاکره میان ایران و عثمانی**

**ب) نقش مؤثر در شکست ایران در دورهٔ اول جنگ‌های ایران و روس**

**ج) بی‌نتیجه‌ماندن تلاش‌های عباس‌میرزا برای تجدید سازمان ارتش ایران**

۱) «انگلستان و فرانسه» ـ «انگلستان» ـ «فرانسه و انگلستان»

۲) «انگلستان و روسیه» ـ «فرانسه و انگلستان» ـ «فرانسه و انگلستان»

۳) «فرانسه و انگلستان» ـ «انگلستان» ـ «روسیه و انگلستان»

۴) «روسیه و انگلستان» ـ «فرانسه و انگلستان» ـ «روسیه»

مشاوره نقش این سه کشور به علاوهٔ **آمریکا** رو در تاریخ ایران جدی بگیرین.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۳*

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی عبارت‌ها:

الف) پس از آن‌که در زمان محمدعلی‌شاه و محمدشاه، تنش‌هایی میان ایران و عثمانی بروز کرد، با وساطت دولت‌های **انگلستان و روسیه** مذاکراتی میان ایران و عثمانی صورت گرفت که در نهایت به بسته‌شدن قراردادهای ارزنةالروم اول و دوم ختم شد.

ب) پیمان‌شکنی دولت‌های **فرانسه و انگلستان**، یکی از دلایل پیروزی روسیه در دورهٔ اول جنگ‌های ایران و روس و انعقاد معاهدهٔ گلستان بود.

ج) تلاش‌های عباس‌میرزا برای تجدید سازمان ارتش ایران و تجهیز آن به سلاح‌های مدرن، به دلیل پیمان‌شکنی دولت **فرانسه**، بدعهدی دولت **انگلیس** و موانع و مشکلات داخلی بی‌نتیجه ماند.

کنکور

**کدام موارد درباره روابط ایران و فرانسه، درست است؟** *(سؤال ۱۱۰ کنکور ۱۴۰۵)*

**الف) شاه‌عباس اول به فرانسویان اجازه داد در خلیج فارس پایگاه تجاری دایر کنند.**

**ب) در دورهٔ محمدشاه قاجار دولت‌های انگلستان و فرانسه برای نفوذ سیاسی و اقتصادی در ایران، با هم به رقابت پرداختند.**

**ج) در دورهٔ فرمانروایی کریم‌خان زند، مأموریت هیئت فرانسوی برای ایجاد مراکز تجاری در ایران، با شکست مواجه شد.**

**د) هیئت فرانسوی از جانب لوئی چهاردهم به دربار فتحعلی‌شاه قاجار اعزام شد و به گفت‌وگو با مقامات ایران پرداخت.**

۱) «ب» و «د»　　۲) «ج» و «د»

۳) «الف» و «ج»　　۴) «الف» و «ب»

**۱۱۱** **در کدام موارد مشکلات پادشاه در دوران سلطنت، به ترتیب، درست بیان شده است؟**

**الف) بدرفتاری عثمانیان با زائران ایرانی عتبات عالیات**

**ب) تصرف گرجستان توسط روسیه**

**ج) حمایت دولت انگلیس از امیران شورشی افغان**

۱) الف) محمدشاه ب) آقامحمدخان ج) فتحعلی‌شاه

۲) الف) محمدشاه و ناصرالدین‌شاه ب) فتحعلی‌شاه ج) فتحعلی‌شاه

۳) الف) فتحعلی‌شاه و محمدشاه ب) فتحعلی‌شاه ج) محمدشاه و ناصرالدین‌شاه

۴) الف) محمدشاه و ناصرالدین‌شاه ب) آقامحمدخان ج) فتحعلی‌شاه و محمدشاه

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی عبارت‌ها:

الف) در زمان **فتحعلی‌شاه** و **محمدشاه**، به سبب اختلافات مرزی، بدرفتاری عثمانیان با زائران ایرانی عتبات عالیات و مشکلات تجاری، تنش‌هایی میان ایران و عثمانی بروز کرد.

ب) در زمان حکومت **فتحعلی‌شاه قاجار**، روس‌ها به منطقهٔ قفقاز لشکرکشی کردند و گرجستان را تصرف نمودند.

ج) از اواخر عهد فتحعلی‌شاه، دولت انگلیس درصدد برآمد که با جداکردن سرزمین‌های شرقی ایران، منطقه‌ای حائل و تحت نفوذ خود در مرزهای هندوستان به وجود آورد. به همین منظور، در زمان **محمدشاه** و **ناصرالدین‌شاه** از حاکم نافرمان هرات و دیگر امیران شورشی افغان حمایت کرد.

**۱۱۲** کدام رویداد، از وقایع (۱۲۱۳ ـ ۱۲۲۷ ش.) است؟

۱) شهرهای شیراز و بندر بوشهر به مراکز مهم تجارت داخلی و خارجی تبدیل شدند.

۲) امتیاز بانک شاهنشاهی به انگلیس واگذار شد.

۳) سنگ‌نوشتهٔ داریوش هخامنشی در بیستون توسط یک افسر انگلیسی ترجمه شد.

۴) با خارج‌شدن کاوش‌های باستان‌شناسی از انحصار فرانسویان، دامنهٔ کاوش‌های باستان‌شناسی وسیع‌تر شد.

**مشاوره** همون‌طور که تو این تست مشخصه، یک بازهٔ زمانی در درس ۳ تاریخ دوازدهم به یک رویداد در درس ۷ تاریخ دهم ربط داده شده و یک تست «ترکیبی» طرح شده. به آسون یا سخت بودن تست کاری ندارم؛ خودتون رو به این تیپ خوندن عادت بدین. تعداد تست‌های ترکیبی، هر سال نسبت به سال قبل دارن بیشتر می‌شن و بعضاً از نظر محتوا دشوارتر.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: تاریخ دهم ـ درس ۷/ تاریخ دوازدهم ـ درس ۳*

**Hint** ۱۲۱۳ تا ۱۲۲۷ شمسی ← دوران حکومت **محمدشاه قاجار**

**پاسخ خیلی تشریحی** بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): دورهٔ کریم‌خان زند (۱۱۵۷ ـ ۱۷۷۹ م.)

گزینه (۲): دورهٔ ناصرالدین‌شاه (۱۲۲۷ ـ ۱۲۷۵ ش.)

گزینه (۴): سال ۱۳۰۴ ش.

در زمان **محمدشاه قاجار** (۱۲۱۳ ـ ۱۲۲۷ ش.) یک افسر انگلیسی به نام سرهنری راولینسون موفق به خواندن خط میخی شد و سنگ‌نوشتهٔ داریوش هخامنشی در بیستون را ترجمه کرد.

**۱۱۳** در کدام مورد وظایف بریگاد قزاق به درستی بیان شده است؟

۱) تقویت توان دفاعی و جنگی کشور، آموزش دانش نظامی جدید و اشاعهٔ آن

۲) دفع‌کنندهٔ شورش‌ها و اعتراضات داخلی، نگهبانی شاه و خاندان سلطنت

۳) حفظ مرزها و مقابله با هجوم خارجی، تشکیل ارتش دائم و حرفه‌ای

۴) نظارت بر املاک دیوانی و سلطنتی، گسترش نفوذ و استحکام سلطنت

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: تاریخ دوازدهم ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

نیروی قزاق تشکیلات منسجم و منظمی بود که تا اواخر حکومت قاجار تحت فرماندهی افسران روسی فعالیت می‌کرد.

این نیرو بیشتر به عنوان **نگهبان شخص شاه و خاندان سلطنت و دفع‌کنندهٔ شورش‌ها و اعتراض‌های داخلی** عمل می‌کرد و در حفظ مرزها و مقابله با هجوم خارجی، کارایی چندانی نداشت.

**۱۱۴** **در عبارت زیر، موارد مشخص‌شدهٔ «الف، ب، ج و د» به ترتیب با کدام کلمات به درستی تکمیل می‌شود؟**

**«با حرکت هوای گرم از استوا به سمت عرض‌های بالاتر و فرونشینی آن در حدود عرض‌های ۳۰ درجه، یک کمربند (الف) شکل می‌گیرد. این پدیده باعث (ب) هوا و مانع از تشکیل ابر می‌شود. در فصل زمستان، با جابه‌جایی این کمربند به سمت (ج)، زمینه برای ورود سیستم‌های باران‌زا به ایران فراهم می‌شود، اما با فرارسیدن تابستان و جابه‌جایی آن به سمت (د)، غالب مناطق ایران دچار کم‌بارشی می‌شوند.»**

۱) کم‌فشار ـ صعود ـ شمال ـ جنوب

۲) پرفشار ـ فرونشینی ـ جنوب ـ شمال

۳) پرفشار ـ صعود ـ شمال ـ شرق

۴) کم‌فشار ـ فرونشینی ـ جنوب ـ غرب

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: جغرافیای دهم ـ درس ۵*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی موارد مطرح‌شده:

مورد الف) فرونشینی هوای گرم صعودکرده از استوا در **عرض‌های ۳۰ درجه**، باعث تراکم و سنگینی هوا در سطح زمین و ایجاد کمربند «**پرفشار جنب‌حاره‌ای**» می‌شود.

مورد ب) مشخصهٔ اصلی سامانه‌های پرفشار، «**فرونشینی**» هوا است که مانع صعود هوا، تشکیل ابر و بارندگی می‌شود.

موارد ج و د) در زمستان به علت جابه‌جایی ظاهری خورشید به سمت نیمکرهٔ جنوبی، کمربند پرفشار به سمت «**جنوب**» عقب‌نشینی کرده و راه برای ورود بادهای غربی و سامانه‌های باران‌زا به ایران باز می‌شود. در تابستان، کمربند پرفشار **شمال** با قرارگیری روی ایران باعث خشکی و کم‌بارشی می‌شود.

**۱۱۵** **کدام مورد دربارهٔ تحلیل موقعیت و عوامل اقلیمی دو ایستگاه X و Y در ایران درست است؟**

**ایستگاه X: دارای اختلاف دمای شدید شبانه‌روزی، بارش سالانه زیر ۱۵۰ میلی‌متر، پوشش گیاهی فقیر و تبخیر شدید.**

**ایستگاه Y: دارای بارش سالانه بالای ۱۰۰۰ میلی‌متر، نوسان دمای سالانه کم، رطوبت نسبی بالا و زمستان‌های ملایم.**

۱) ایستگاه X تحت تأثیر پرفشار جنب‌حاره‌ای و دوری از دریا است، در حالی که ایستگاه Y بین یک پهنهٔ آبی وسیع و یک رشته‌کوه مرتفع محصور شده است.

۲) ایستگاه X حتماً در عرض‌های بالای ۶۰ درجهٔ جغرافیایی قرار دارد و ایستگاه Y دقیقاً روی خط استوا واقع شده است.

۳) عامل اصلی بارندگی در ایستگاه Y، فعالیت تودهٔ هوای گرم و خشک و موسمی در فصل تابستان است.

۴) ایستگاه X به دلیل ارتفاع بسیار زیاد از سطح دریا، دچار کاهش شدید بارش شده است.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: جغرافیای دهم ـ درس ۵*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

تحلیل موقعیت اقلیمی ایستگاه X: این ایستگاه بیانگر **آب‌وهوای گرم و خشک** است. کمبود بارش (کم‌تر از ۱۵۰ میلی‌متر)، نوسان شدید دمای شبانه‌روزی و کمبود پوشش گیاهی و تبخیر بالا، حاصل دو عامل اصلی است: تسلط مرکز پرفشار جنب‌حاره‌ای که مانع صعود هوا می‌شود و دوری از منابع رطوبتی و دریاها.

تحلیل موقعیت اقلیمی ایستگاه Y: این ایستگاه نشان‌دهندهٔ **آب‌وهوای معتدل خزری** (مانند سواحل جنوبی دریای خزر) است. بارش بالای ۱۰۰۰ میلی‌متر و اعتدال دمایی در این ناحیه وجود دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): عرض‌های بالای ۶۰ درجه اقلیم سرد و قطبی دارند و لزوماً بیابان‌های گرم با تبخیر شدید نیستند. هم‌چنین ایستگاه Y لزومی ندارد روی خط استوا باشد. (اصلاً ایران نه روی عرض‌های بالاتر از ۶۰ درجه قرار دارد نه استوا)

گزینهٔ (۳): تودهٔ هوای سرد و خشک سیبری یکی از مهم‌ترین توده‌های بارشی ناحیهٔ معتدل خزری است که در فصل زمستان فعال می‌شود، نه تابستان.

گزینهٔ (۴): دلیل اصلی خشکی در مناطق بیابانی، عامل پرفشار جنب‌حاره‌ای و دوری از دریا است؛ ارتفاع زیاد به خودی خود باعث خشکی نمی‌شود و حتی می‌تواند عامل بارش کوهستانی تشدید می‌کند.

**۱۱۶** در عبارت زیر، جای خالی موارد مشخص‌شده به ترتیب با کدام کلمات به درستی تکمیل می‌شود؟

«در حالت عادی در لایهٔ اول جو (تروپوسفر)، با افزایش ارتفاع، دمای هوا ..... می‌یابد، اما گاهی اوقات در ماه‌های سرد سال در شهرهای بزرگ، به علت پدیدهٔ وارونگی دما، حرکت ..... هوا صورت نگرفته و عدم جابه‌جایی هوا موجب ..... آلودگی هوا می‌شود.»

۱) افزایش ـ افقی ـ کاهش

۲) کاهش ـ صعودی ـ افزایش

۳) کاهش ـ صعودی ـ کاهش

۴) افزایش ـ افقی ـ افزایش

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: جغرافیای دهم ـ درس ۵*

درس Box

**پدیدهٔ وارونگی دما**

| عنوان | توضیح |
|---|---|
| تعریف وارونگی دما | در شرایط عادی، با افزایش ارتفاع، دمای هوا کاهش می‌یابد؛ اما در وارونگی دما، این روند برعکس می‌شود و **با افزایش ارتفاع، دما افزایش می‌یابد.** |
| شرایط عادی | هوای نزدیک سطح زمین گرم‌تر و سبک‌تر از هوای لایه‌های بالاتر است؛ بنابراین تمایل دارد به سمت بالا حرکت کند و جابه‌جایی هوا انجام شود. |
| شرایط وارونگی | هوای سرد و سنگین در نزدیکی سطح زمین قرار می‌گیرد و هوای گرم‌تر و سبک‌تر در بالای آن جای می‌گیرد. در نتیجه، هوای سرد **زیر لایه‌ای از هوای گرم محبوس می‌شود.** |
| مهم‌ترین پیامد | جابه‌جایی عمودی هوا کاهش می‌یابد و آلاینده‌ها نمی‌توانند به راحتی به لایه‌های بالاتر منتقل شوند. |
| ارتباط با آلودگی هوا | تجمع آلاینده‌ها در نزدیکی سطح زمین باعث افزایش آلودگی هوا، به‌ویژه در شهرهای بزرگ و صنعتی می‌شود. |
| زمان رایج | **ماه‌های سرد سال** |
| علت اهمیت در شهرها | شهرهای بزرگ مانند تهران به دلیل وجود منابع متعدد آلاینده، در شرایط وارونگی دما با افزایش غلظت آلاینده‌ها مواجه می‌شوند. |
| وضعیت حرکت هوا | در شرایط عادی، حرکت صعودی و جابه‌جایی هوا به پراکنده‌شدن آلاینده‌ها کمک می‌کند؛ در وارونگی، این جابه‌جایی عمودی مختل می‌شود. |
| نتیجهٔ نهایی | وارونگی دما ← حبس‌شدن هوای سرد نزدیک زمین ← کاهش جابه‌جایی عمودی هوا ← تجمع آلاینده‌ها ← افزایش آلودگی هوا |

**پاسخ خیلی تشریحی**

براساس روند طبیعی زمین، با افزایش ارتفاع از سطح زمین، دمای هوا کاهش می‌یابد؛ چراکه سطح زمین منبع اصلی گرم‌شدن لایهٔ اولیهٔ جو است.

در شرایط وارونگی دما، هوای سرد و سنگین در سطح زمین باقی مانده و لایه‌ای از هوای گرم‌تر بالای آن قرار می‌گیرد. این ساختار مانع حرکت صعودی و قائم هوا می‌شود.

وقتی حرکت صعودی رخ ندهد، آلاینده‌های ناشی از خودروها و صنایع در سطح زمین محبوس شده و موجب افزایش شدید آلودگی هوا می‌شود.

**۱۱۷** با توجه به تصویر ارائه‌شده، کدام گزینه تحلیل درستی را بیان می‌کند؟




۱) «کمربند کم‌فشار حاره‌ای» همانند «کمربند پرفشار جنب‌حاره‌ای» در اطراف مدار رأس‌السرطان تشکیل می‌شود، اما برخلاف آن با صعود هوا و ایجاد ابر و بارندگی شناخته می‌شود.

۲) «سواحل شمالی کشور» برخلاف «سواحل جنوبی»، دارای اختلاف دمای شبانه‌روزی هستند، چراکه در سواحل جنوبی صعود هوای مرطوب رخ نمی‌دهد.

۳) «کمربند پرفشار جنب‌حاره‌ای» برخلاف «کمربند کم‌فشار حاره‌ای»، حاصل سنگینی و فرونشینی هوا در اطراف مدارهای رأس‌السرطان و رأس‌الجدی است و پیشروی آن به داخل ایران در دورهٔ گرم سال، مانع از ریزش بارش در کشور می‌شود.

۴) «نواحی داخلی کشور» برخلاف «نواحی ساحلی شمال و جنوب»، به دلیل دوری از دریاها و کمبود رطوبت، دارای اختلاف دما در طول شبانه‌روز هستند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: جغرافیای دهم ـ درس ۵*

**پاسخ خیلی تشریحی ✓**

کمربند پرفشار جنب‌حاره‌ای به دلیل سنگینی و فرونشینی هوا در اطراف مدارهای رأس‌السرطان و رأس‌الجدی تشکیل می‌شود که مانع صعود هوا، تشکیل ابر و بارندگی است؛ در حالی که کمربند کم‌فشار حاره‌ای در اطراف خط استوا و در نتیجه صعود هوا به وجود می‌آید. هم‌چنین در فصل تابستان (دورهٔ گرم سال)، پیشروی عامل پرفشار جنب‌حاره‌ای به داخل ایران، مانع ریزش بارش در کشور می‌گردد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): کمربند کم‌فشار حاره‌ای در **اطراف خط استوا** تشکیل می‌شود، نه مدار رأس‌السرطان.

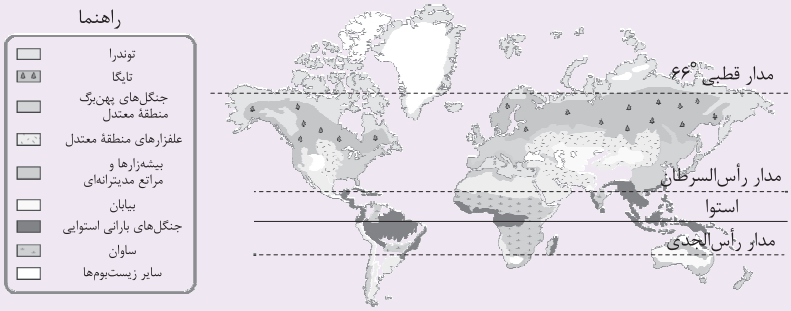
گزینهٔ (۲): سواحل شمالی و جنوبی هر دو دارای **اختلاف دمای کم‌تری** در طول شبانه‌روز نسبت به نواحی داخلی هستند (نه اختلاف دمای شدید).

گزینهٔ (۴): نواحی داخلی کشور به دلیل دور بودن از دریاها و کمبود رطوبت، دارای **اختلاف دمای زیاد** در طول شبانه‌روز هستند، نه اختلاف دمای کم.

کنکور

**با بررسی نقشه پراکندگی زیست‌بوم‌های جهان، کدام عبارت، به مطلب درستی اشاره دارد؟**

*(سؤال ۱۱۹ کنکور انسانی ۱۴۰۵)*




۱) زیست‌بوم‌ها یا بیوم‌ها، قلمرو و وسعت متفاوتی دارند و تعیین مرز این نواحی دشوارتر از نواحی انسانی است.

۲) بیوم‌ها یا بوم‌سازگان‌ها، وسعت متفاوتی دارند و ممکن است مرزهای این نواحی به تدریج، دچار تغییر شود.

۳) بیوم‌ها یا بوم‌سازگان‌ها، وسعت زیادی دارند و در این مرزبندی گاهی یک بیوم میان چند کشور قرار می‌گیرد.

۴) زیست‌بوم یا بیوم‌ها، وسعت زیادی دارند و هر کدام، از مقیاس جهانی برخوردارند و چند کشور و قاره را در بر می‌گیرند.

**۱۱۸** کدام موارد برای تکمیل بخش‌های (الف) تا (د) به درستی ارائه شده‌اند؟

| شماره | نام تودهٔ هوا | منشأ/ زمان ورود | اثر آب‌وهوایی در ایران |
|---|---|---|---|
| ۱ | تودهٔ هوای سرد و خشک سیبری | شمال شرق/ دورهٔ سرد | سردی و خشکی هوا (و بارش در سواحل خزر) |
| ۲ | (الف) | اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه/ دورهٔ سرد | (ب) |
| ۳ | تودهٔ هوای گرم و خشک | تابستان (ج) | افزایش شدید دما |
| ۴ | (د) | اقیانوس هند/ دورهٔ گرم | باران‌های سیلابی در جنوب شرق |

۱) الف) تودهٔ هوای مرطوب غربی ب) برف و باران ج) عربستان د) تودهٔ هوای مرطوب موسمی

۲) الف) تودهٔ هوای سودانی ب) خشکی شدید هوا ج) دریای سرخ د) تودهٔ هوای سودانی

۳) الف) تودهٔ هوای مرطوب غربی ب) برف و باران ج) اقیانوس هند د) تودهٔ هوای سودانی

۴) الف) تودهٔ هوای سودانی ب) کاهش دما ج) عربستان د) تودهٔ هوای مرطوب موسمی

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: جغرافیای دهم ـ درس ۵*

درس Box

**توده‌های آب‌وهوایی ایران**

| تودهٔ هوا | منشأ | زمان ورود | اثر بر ایران |
|---|---|---|---|
| تودهٔ هوای سرد و خشک سیبری | منشأ گرفته از نواحی سرد و خشک سیبری | دورهٔ سرد سال | سبب **سردی و خشکی هوا** می‌شود و در سواحل خزر می‌تواند موجب **بارش** شود. |
| تودهٔ هوای مرطوب غربی | از اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه رطوبت دریافت می‌کند. | دورهٔ سرد سال | همراه با **رطوبت و بارش** وارد ایران می‌شود. |
| تودهٔ هوای سودانی | از دریای سرخ عبور می‌کند و رطوبت می‌گیرد. | گاهی در دورهٔ سرد سال | می‌تواند با ورود به کشور، موجب **بارندگی** شود. |
| تودهٔ هوای مرطوب موسمی | از اقیانوس هند وارد می‌شود. | برخی سال‌ها در دورهٔ گرم | موجب **بارش‌های سیلابی در جنوب‌شرق ایران** می‌شود. |
| تودهٔ هوای گرم و خشک | از عربستان و بیابان‌های اطراف وارد ایران می‌شود. | تابستان | موجب **افزایش شدید دما** می‌شود. |

**پاسخ خیلی تشریحی**

الف و ب) توده‌ای که از سمت غرب و با منشأ اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه در دورهٔ سرد سال وارد ایران می‌شود، تودهٔ هوای **مرطوب غربی** است. پیامد اصلی این توده، آوردن **برف و باران** به مناطق مختلف کشور است.

ج) تودهٔ هوای گرم و خشک که در فصل تابستان وارد ایران شده و باعث افزایش شدید دما می‌شود، منشأ آن **شبه‌جزیرهٔ عربستان** است.

د) توده‌ای که برخی سال‌ها در دورهٔ گرم (تابستان) از سمت اقیانوس هند به ایران نفوذ کرده و موجب باران‌های سیلابی در جنوب شرق کشور می‌شود، **تودهٔ هوای مرطوب موسمی** نام دارد.

**۱۱۹ با توجه به انواع بیابان‌های ایران و تصویر زیر، کدام عبارت تحلیل درستی را بیان می‌کند؟**




۱) ناحیهٔ «الف» متعلق به بیابان لوت است و بارش زیر ۵۰ میلی‌متر در اثر قرارگیری کامل آن در منطقهٔ فشار زیاد جنب‌حاره‌ای است.

۲) عامل اصلی در شکل‌گیری نمکزارها در ناحیهٔ «الف» تبخیر شدید است، در حالی که عامل اصلی خشکی شدیدتر در ناحیهٔ «ب» قرارگیری در منطقهٔ فشار زیاد جنب‌حاره‌ای می‌باشد.

۳) ناحیهٔ «ب» نشان‌دهندهٔ دشت کویر است که در تیرماه ۱۳۹۵ به عنوان اولین اثر طبیعی ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است.

۴) هر دو ناحیهٔ «الف» و «ب» مشخصات «بیابان واقعی» را دارند، اما میزان بارش در ناحیهٔ «الف» به دلیل دوری از دریا، کم‌تر از ناحیهٔ «ب» است.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: جغرافیای دهم ـ درس ۵*

درس Box

**بیابان‌های ایران**

| عنوان | دشت کویر | بیابان لوت |
|---|---|---|
| موقعیت | نواحی مرکزی ایران | جنوب‌شرق ایران |
| ویژگی اصلی | یکی از بزرگ‌ترین کویرهای جهان | یکی از خشک‌ترین بیابان‌های ایران |
| شکل‌گیری | در نواحی مرکزی ایران و حاصل شرایط خاص آب‌وهوایی و جغرافیایی | قرارگیری در منطقهٔ پرفشار جنب حاره‌ای و بارش بسیار اندک |
| میزان بارش | میانگین بارش سالانه کم‌تر از **۵۰ میلی‌متر** | کم‌تر از **۳۰ میلی‌متر** بارش سالانه در بخش‌هایی از آن |
| نکتهٔ مهم | بخش‌هایی از آن را **نمکزارهای پف‌کرده** تشکیل داده‌اند. | از **گرم‌ترین مناطق زمین** به شمار می‌آید. |

**پاسخ خیلی تشریحی ✓**

الف) دشت کویر بارندگی کم‌تر از ۵۰ میلی‌متر در نواحی مرکزی ایران همراه با وجود نمکزارهای پف‌کرده، نشان‌دهندهٔ موقعیت این ناحیه در دشت کویر است. تبخیر شدید عامل اصلی شکل‌گیری نمکزارها در این منطقه است.

ب) بارندگی کم‌تر از ۳۰ میلی‌متر در جنوب شرق ایران و گرم‌ترین نقطهٔ زمین است و عامل اصلی بیابانی‌شدن این منطقه، قرارگیری در منطقهٔ فشار زیاد جنب‌حاره‌ای است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): ناحیهٔ «الف» مربوط به دشت کویر است، نه بیابان لوت. هم‌چنین عامل پرفشار جنب‌حاره‌ای مستقیماً برای بیابان لوت (با بارش زیر ۳۰ میلی‌متر) ذکر شده است.

گزینهٔ (۳): ناحیهٔ «ب» مربوط به بیابان لوت در جنوب شرق ایران است، نه دشت کویر.

گزینهٔ (۴): اگرچه هر دو بیابان واقعی هستند، اما میزان بارش در ناحیهٔ «الف» (دشت کویر) بیشتر از ناحیهٔ «ب» (بیابان لوت) است، نه کم‌تر.

**۱۲۰ با توجه به انواع آب‌وهوای ایران در کدام عبارت تحلیل درستی از مقایسهٔ آن‌ها ارائه شده است؟**

۱) «آب‌وهوای کوهستانی» همانند «آب‌وهوای معتدل خزری» دارای بارندگی زیاد است، اما برخلاف آن در نواحی کوهستانی با افزایش ارتفاع، کاهش دما رخ می‌دهد.

۲) «آب‌وهوای گرم و خشک» همانند «آب‌وهوای کوهستانی» دارای اختلاف شدید دما و بارندگی اغلب به صورت برف است.

۳) «آب‌وهوای معتدل خزری» برخلاف «آب‌وهوای گرم و شرجی» دارای پوشش گیاهی فقیر و میانگین دمای بالای سالیانه است.

۴) «آب‌وهوای گرم و شرجی» همانند «آب‌وهوای گرم و خشک» دارای بارندگی اندک است، اما برخلاف آن با رطوبت نسبی بالا شناخته می‌شود.

**مشاوره** در تست‌های مربوط به آب‌وهوای ایران، **به جای حفظ‌کردن اسم نواحی، ویژگی‌های شاخصشون رو به صورت کلیدواژه حفظ کن.** اگه در گزینه‌ای چند ویژگی کنار هم اومده باشه، کافیه ویژگی کلیدی رو پیدا کنی.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: جغرافیای دهم - درس ۵*

**درس Box**

| نوع آب‌وهوا | ویژگی‌های اصلی |
|---|---|
| آب‌وهوای گرم و خشک | ۱) بارش کم و خشکی هوا ۲) اختلاف شدید دما ۳) فقر پوشش گیاهی ۴) تبخیر و تعرق زیاد |
| آب‌وهوای کوهستانی | ۱) افزایش بارندگی و کاهش دما با افزایش ارتفاع ۲) میانگین دمای پایین ۳) بارندگی غالباً به صورت برف |
| آب‌وهوای گرم و شرجی | ۱) بارندگی اندک ۲) رطوبت نسبی بالا ۳) میانگین دمای بالای سالانه |
| آب‌وهوای معتدل خزری | ۱) بارندگی زیاد ۲) اعتدال دما در طول سال ۳) پوشش گیاهی غنی |

**نکته**

گرم و خشک ← خشکی + اختلاف شدید دما + پوشش گیاهی فقیر + بارندگی اندک

کوهستانی ← ارتفاع بیشتر + دمای کم‌تر + بارندگی اغلب به صورت برف

گرم و شرجی ← رطوبت زیاد + دمای بالا + بارندگی اندک

معتدل خزری ← بارندگی زیاد + دمای معتدل + پوشش گیاهی غنی

**پاسخ خیلی تشریحی ✓**

ویژگی مشترک (همانند) آب‌وهوای «گرم و شرجی» و «گرم و خشک»، بارندگی اندک (کم) است. ویژگی متمایزکننده (برخلاف) آن‌ها این است که آب‌وهوای گرم و شرجی دارای رطوبت نسبی بالا است، در حالی که آب‌وهوای گرم و خشک با خشکی هوا و تبخیر و تعرق زیاد مشخص می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): برای اقلیم کوهستانی عبارت «افزایش بارندگی و کاهش دما با افزایش ارتفاع» قید شده، اما صریحاً «بارندگی زیاد» به عنوان تیتر برای آن نیامده است؛ هم‌چنین «کاهش دما با افزایش ارتفاع» ویژگی اختصاصی کوهستانی است.

گزینهٔ (۲): بارندگی برف مربوط به اقلیم کوهستانی است و اقلیم گرم و خشک «فقر پوشش گیاهی» دارد.

گزینهٔ (۳): پوشش گیاهی اقلیم خزری غنی است (نه فقیر) و اعتدال دما دارد.

**۱۲۱** **با توجه به مطالب مربوط به اسکان غیررسمی، کدام گزینه عبارت‌های زیر را به درستی با یکدیگر مرتبط می‌کند؟**

**الف) ورود مهاجران فقیر به شهرها**

**ب) گرانی زمین و مسکن در شهر**

**ج) شکل‌گیری سکونتگاه‌های موقتی در پیرامون شهر**

**د) استفاده از مواد ارزان‌قیمت و دورریختنی در ساخت‌وساز**

**ه) کمبود امکانات بهداشتی و فاضلاب**

۱) «الف» علت مستقیم «ب» و «ب» عامل اصلی «ج» است و «د» و «ه» از پیامدهای گسترش آن محسوب می‌شوند.

۲) «الف» و «ب» در شکل‌گیری «ج» مؤثرند و «د» و «ه» از ویژگی‌های برخی سکونتگاه‌های حاصل از آن به شمار می‌روند.

۳) «ب» برخلاف «الف» از ویژگی‌های سکونتگاه‌های غیررسمی است و «د» عامل شکل‌گیری «ه» محسوب می‌شود.

۴) «الف» و «ج» از ویژگی‌های زاغه‌نشینی و «د» و «ه» از عوامل ایجاد مهاجرت فقیران به شهرها هستند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

ورود مهاجران فقیر به شهرها در کنار گرانی زمین و خانه، زمینهٔ شکل‌گیری مسکن‌های موقتی و غیرقانونی در حاشیه و اطراف شهر را فراهم می‌کند. بنابراین «الف» و «ب» در شکل‌گیری «ج» نقش دارند. در ساخت زاغه‌ها نیز معمولاً از مواد ارزان‌قیمت مانند ضایعات آهن و حلبی، چوب و مقوا استفاده می‌شود و این سکونتگاه‌ها از نظر امکانات بهداشتی و فاضلاب با کمبود جدی مواجه‌اند. بنابراین «د» و «ه» به ویژگی‌های این نوع سکونتگاه‌ها مربوط می‌شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): گرانی زمین و مسکن معلول ورود مهاجران نیست و «الف» علت مستقیم «ب» محسوب نمی‌شود.

گزینهٔ (۳): «ب» ویژگی سکونتگاه غیررسمی نیست، بلکه یکی از زمینه‌های شکل‌گیری آن است.

گزینهٔ (۴): مواد ارزان‌قیمت و کمبود امکانات بهداشتی، عوامل مهاجرت فقیران به شهرها نیستند.

**نکته**

در این مبحث بین «علت شکل‌گیری» و «ویژگی سکونتگاه» تفاوت بگذارید؛ گرانی زمین و ورود مهاجران فقیر زمینهٔ شکل‌گیری اسکان غیررسمی‌اند، اما مصالح ارزان و کمبود امکانات بهداشتی از ویژگی‌های زاغه‌ها هستند.

**۱۲۲** **با توجه به موارد زیر، کدام گزینه دربارهٔ «حاشیه‌نشینی» و «زاغه‌نشینی» درست بیان شده است؟**

**الف) هر دو می‌توانند جلوه‌ای از اسکان غیررسمی باشند.**

**ب) محل استقرار آن‌ها الزاماً در حاشیهٔ شهرهاست.**

**ج) زاغه‌ها ممکن است در نقاط مختلف یک شهر پراکنده باشند.**

**د) استفاده از مواد ارزان‌قیمت در ساخت زاغه‌ها از ویژگی‌های آن است.**

۱) «الف» و «ج» درست و «ب» و «د» نادرست‌اند.

۲) «الف» و «د» درست و «ب» و «ج» نادرست‌اند.

۳) «الف»، «ج» و «د» درست و «ب» نادرست است.

۴) «ب» و «ج» درست و «الف» و «د» نادرست‌اند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۲*

درس Box

| عنوان | توضیح |
|---|---|
| تعریف حاشیه‌نشینی | پدیده‌ای که در اطراف شهرهای بزرگ و در پی **مشکل مسکن** شکل می‌گیرد و شامل سکونتگاه‌های غیررسمی و غیرقانونی است. |
| علت مهم شکل‌گیری | ورود **مهاجران فقیر** به شهرها و ناتوانی آنان در تأمین مسکن مناسب به دلیل گرانی زمین و خانه |
| محل استقرار | معمولاً در **حاشیه و اطراف شهر** و در قالب مسکن‌های غیرقانونی یا سکونتگاه‌های غیررسمی |
| زاغه‌نشینی | نوعی **اسکان غیررسمی** که علاوه بر حاشیهٔ شهر، ممکن است در نقاط مختلف شهر نیز شکل بگیرد. |
| نمونه | در **شهر مانیل فیلیپین**، زاغه‌ها در بخش‌های مختلف شهر پراکنده شده‌اند. |
| مصالح و ویژگی ساخت | استفاده از مواد ارزان و گاهی نامناسب مانند **ضایعات آهن و حلبی، اتاقک‌های خودرو و چوب** |
| پیامدهای اجتماعی | زاغه‌ها معمولاً با **امکانات بهداشتی و فاضلاب نامناسب و انحرافات اجتماعی بیشتر** همراه‌اند. |

**پاسخ خیلی تشریحی**

حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی هر دو از جلوه‌های اسکان غیررسمی معرفی شده‌اند. نکتهٔ مهم این است که برخلاف تصور، زاغه‌ها الزاماً فقط در حاشیهٔ شهر قرار ندارند. (نادرستی عبارت «ب»)

زاغه‌ها می‌توانند در نقاط مختلف شهر وجود داشته باشند. هم‌چنین مصالح ارزان‌قیمت مانند ضایعات آهن و حلبی، چوب و مقوا در ساخت زاغه‌ها به‌کار می‌رود.

**۱۲۳** **با توجه به مطالب مربوط به مشکلات اقتصادی روستاها و برنامهٔ توسعهٔ روستایی، کدام گزینه درست است؟**

**الف) اصلاحات ارضی**

**ب) تشکیل تعاونی‌های تولیدی روستایی**

**ج) گسترش انقلاب سبز**

**د) توسعهٔ صنایع کوچک روستایی**

**ه) توسعهٔ خدمات گردشگری و فراغتی**

۱) «الف» و «ج» برخلاف «د» و «ه» با تغییر در فعالیت‌های تولیدی کشاورزی ارتباط دارند.

۲) «ب» و «د» برخلاف «ج» و «ه» تنها با حل مشکلات درآمدی روستاییان ارتباط دارند.

۳) «ج» برخلاف «الف» و «ب» موجب ایجاد صنایع کوچک روستایی شده است.

۴) «د» و «ه» برخلاف «الف» و «ج» صرفاً برای افزایش تولید محصولات کشاورزی به کار گرفته شده‌اند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

اصلاحات ارضی و گسترش انقلاب سبز هر دو مستقیماً با ساختار و تولید کشاورزی ارتباط دارند. اصلاحات ارضی با تقسیم زمین و انتقال مالکیت آن در کشورهای مختلف انجام شده و انقلاب سبز نیز با گسترش فناوری‌های مربوط به ماشین‌آلات و نهاده‌های کشاورزی همراه بوده است (اما به طور کامل موفق نبوده‌اند).

در مقابل، توسعهٔ صنایع کوچک روستایی و خدمات گردشگری و فراغتی، راه‌هایی برای تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی روستاها هستند و صرفاً به افزایش تولید کشاورزی محدود نمی‌شوند.

امتحان نهایی

**روستاییان عمدتاً به درآمد حاصل از کشاورزی وابسته‌اند، ولی این درآمد پاسخ‌گوی مشکلات اقتصادی آنان نیست. دلایل آن را بنویسید. (۳ مورد)**

*(سؤال ۹ ـ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۵)*

**۱۲۴** دربارهٔ «انقلاب سبز» و پیامدهای آن در نواحی روستایی، کدام گزینه درست است؟

۱) گسترش استفاده از ماشین‌آلات و فناوری‌های کشاورزی موجب شد همهٔ کشاورزان توانایی مالی یکسانی برای استفاده از آن‌ها پیدا کنند.

۲) گسترش فناوری‌های مربوط به انقلاب سبز، اگرچه در افزایش توان تولید نقش داشت، اما موانع مالی استفاده از آن‌ها را برای همهٔ کشاورزان از بین نبرد.

۳) انقلاب سبز عمدتاً با توسعهٔ گردشگری روستایی و خدمات فراغتی ارتباط داشت و تأثیر مستقیمی بر کشاورزی نداشت.

۴) استفاده از فناوری‌های مربوط به انقلاب سبز در نهایت موجب کاهش اشتباهات انسانی در برخی نواحی روستایی شد.

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

انقلاب سبز و استفاده از ماشین‌آلات و فناوری‌های کشاورزی، برای بسیاری از کشاورزان پرهزینه است. حتی استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی در برخی نواحی روستایی موجب گسترش بیکاری شده است. پس نمی‌توان نتیجه گرفت که همهٔ کشاورزان به یک اندازه از فناوری‌های انقلاب سبز بهره‌مند شده‌اند.

**۱۲۵** **در صورتی که در برنامه‌ریزی یک شهر، افزایش فعالیت‌های اقتصادی بدون توجه کافی به آثار آن بر محیط زیست و منافع نسل‌های آینده دنبال شود، کدام گزینه دربارهٔ این وضعیت صحیح است؟**

۱) با تعریف شهر پایدار سازگار است؛ زیرا بُعد اقتصادی مهم‌ترین ضلع پایداری است.

۲) تنها در صورتی با شهر پایدار ناسازگار است که کاربری مسکونی شهر نیز کاهش یابد.

۳) با مفهوم شهر پایدار سازگار نیست؛ زیرا پایداری مستلزم توجه هم‌زمان به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همین‌طور آثار فعالیت‌های شهری بر محیط زیست و نسل‌های آینده است.

۴) با مفهوم شهر پایدار سازگار است؛ زیرا توسعهٔ اقتصادی خودبه‌خود موجب حفاظت از محیط زیست می‌شود.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: جغرافیای دوازدهم ـ درس ۲*

درس Box

**شهر پایدار**

| مؤلفه | مفهوم |
|---|---|
| **تعریف شهر پایدار** | شهری که نیازهای **اجتماعی**، **فرهنگی** و **اقتصادی** ساکنان خود را به طور مناسب و عادلانه برطرف کند، بدون این‌که منافع نسل‌های آینده به خطر بیفتد. |
| هدف اصلی | برطرف‌شدن نیازهای مختلف ساکنان به صورت عادلانه |
| توجه به نسل‌های آینده | فعالیت‌های شهری نباید منابع و منافع نسل‌های آینده را تهدید کند. |
| عدالت | تأمین نیازها باید **به طور مناسب و عادلانه** انجام شود. |
| محیط زیست | فعالیت‌های شهری نباید تأثیر نامطلوب بر **محیط زیست** داشته باشند. |
| برنامه‌ریزی شهری | برنامه‌ریزی باید هم‌زمان ابعاد **اجتماعی**، **فرهنگی**، **اقتصادی** و **محیط‌زیستی** را در نظر بگیرد. |




**پاسخ خیلی تشریحی**

شهر پایدار شهری است که ضمن تأمین نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ساکنان، منافع نسل‌های آینده را به خطر نیندازد و فعالیت‌های شهری کم‌ترین تأثیر نامطلوب را بر محیط زیست داشته باشند. بنابراین اگر توسعهٔ اقتصادی بدون توجه کافی به محیط زیست و نسل‌های آینده انجام شود، نمی‌توان آن را با مفهوم کامل شهر پایدار منطبق دانست.

**۱۲۶** **اگر «جیوه» را «فلز مایع در دمای اتاق» تعریف کنیم، کدام گزینه دربارهٔ این تعریف درست است؟**

۱) «فلز» و «مایع» هر دو به تنهایی می‌توانند جایگزین «جیوه» در یک تعریف مفهومی شوند؛ زیرا هر دو ویژگی آن را بیان می‌کنند.

۲) «فلز» نقش مفهوم عام و «مایع در دمای اتاق» نقش مفهوم خاص را دارد و اشتراک این دو مفهوم، مصادیق «جیوه» را مشخص می‌کند.

۳) چون «مایع» در شرایط مختلف مصادیق متفاوتی دارد، ترکیب «فلز مایع در دمای اتاق» نمی‌تواند تعریفی مانع برای «جیوه» باشد.

۴) در تعریف مفهومی، کافی است یکی از اجزای تعریف با مفهوم مورد نظر مساوی باشد و جزء دیگر صرفاً یکی از ویژگی‌های آن را نشان دهد.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: منطق ـ درس ۴*

درس Box

**۱) تعریف مفهومی چیست؟**

در تعریف مفهومی، مفهوم مورد نظر را با بررسی و دسته‌بندی ویژگی‌های آن تعریف می‌کنیم. برای این کار، دو نوع ویژگی را در نظر می‌گیریم:

الف) امر عام: ویژگی مشترک یک مفهوم با مفاهیم مشابه آن است.

ب) امر خاص: ویژگی متمایزکننده یا منحصربه‌فردی است که مفهوم مورد نظر را از مفاهیم مشابه جدا می‌کند.

در این نوع تعریف، ابتدا امر عام را بیان می‌کنیم و سپس با بیان امر خاص، مفهوم مورد نظر را دقیق‌تر مشخص می‌کنیم.

**۲) مثال‌های تعریف مفهومی**

| مفهوم | امر عام (ویژگی مشترک) | امر خاص (ویژگی متمایزکننده) | تعریف مفهومی |
|---|---|---|---|
| **جیوه** | فلزبودن | مایع‌بودن در دمای طبیعی | فلزی که در دمای اتاق مایع است. |
| **انسان** | حیوان‌بودن | ناطق (دارای قدرت تعقل) | حیوان ناطق |
| **مثلث** | شکل‌بودن | دارای سه ضلع بودن | شکل سه ضلعی |

پاسخ خیلی تشریحی

در تعریف مفهومی، مفهوم مجهول از ترکیب یک **امر عام‌تر** و یک **امر خاص‌تر** شناخته می‌شود. در تعریف «جیوه» به «فلز مایع در دمای اتاق»، «فلز» مفهوم عام و «مایع در دمای اتاق» ویژگی خاصی است که در حیطهٔ فلزات، به جیوه اختصاص می‌یابد. در نتیجه، اشتراک دو بخش تعریف، مصداق مفهوم مورد نظر را مشخص می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): «فلز» و «مایع» به تنهایی مفهوم «جیوه» را تعیین نمی‌کنند.

گزینهٔ (۳): «مایع» به تنهایی مصادیق فراوانی دارد، اما ترکیب آن با «فلز» و قید «در دمای اتاق» مفهوم مورد نظر را محدود می‌کند.

گزینهٔ (۴): در تعریف مفهومی، صرفِ داشتن یک ویژگی از مفهوم مجهول کافی نیست و ساختار تعریف باید به گونه‌ای باشد که مصادیق آن را مشخص کند.

**۱۲۷** **کدام عبارت به دلیل استفاده از دور، نمی‌تواند تعریف درستی ارائه دهد؟**

۱) «دوستی» رابطه‌ای میان دو یا چند نفر است که بر پایهٔ محبت و اعتماد متقابل شکل می‌گیرد.

۲) «پژوهشگر» کسی است که برای پاسخ به یک پرسش، به صورت منظم به گردآوری و بررسی اطلاعات می‌پردازد.

۳) «شجاعت» یعنی توانایی رویارویی با خطر و دشواری، بدون این‌که ترس مانع انجام کار درست شود.

۴) «مسئولیت‌پذیری» یعنی انجام‌دادن وظایفی که فرد مسئولیت‌پذیر بر عهده گرفته است.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: منطق ـ درس ۴*

درس Box

**شرایط تعریف صحیح**

برای این‌که تعریفی مفهوم مورد نظر را به درستی معرفی کند، باید چهار شرط داشته باشد:

۱) واضح‌بودن: در تعریف باید از واژه‌های آشنا و روشن استفاده کنیم و از واژه‌های مبهم، نامأنوس و استعاره پرهیز کنیم.

۲) جامع‌بودن: تعریف باید تمام مصادیق مفهوم مجهول را در بر گیرد؛ مثلاً تعریف مثلث به «شکلی که سه ضلع مساوی دارد» جامع نیست، زیرا بعضی مثلث‌ها ضلع‌های مساوی ندارند.

۳) مانع‌بودن: تعریف باید فقط بر مصادیق همان مفهوم صدق کند و شامل مفاهیم دیگر نشود؛ مثلاً تعریف آینه به «شیئی که نور را منعکس می‌کند» مانع نیست، زیرا اشیای صیقلی دیگر نیز نور را منعکس می‌کنند.

نکته تعریف صحیح باید جامع و مانع باشد؛ یعنی دقیقاً بر تمام و فقط مصادیق مفهوم مورد نظر صدق کند.

۴) دوری‌نبودن: نباید یک مفهوم را با استفاده از خودش تعریف کنیم. چنین تعریفی، تعریف دوری نام دارد؛ مانند تعریف «حرکت مکانی» به انتقال شیء از مکانی به مکان دیگر.

**پاسخ خیلی تشریحی**

در تعریف دوری، برای تعریف یک مفهوم **از خود همان مفهوم** یا تعریفی که مستقیماً به آن وابسته است، استفاده می‌شود.

در گزینهٔ (۴)، مفهوم «مسئولیت‌پذیری» با استفاده از «فرد مسئولیت‌پذیر» توضیح داده شده است؛ یعنی برای تعریف مفهوم مجهول (معرّف) از خود آن استفاده کرده است. که یک تعریف دوری است.

گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) در تعریف خود از ویژگی‌ها و مفاهیمی استفاده می‌کنند که وابسته به خودِ مفهوم تعریف‌شونده نیستند؛ بنابراین تعریف دوری نیستند.

**۱۲۸** در کدام گزینه، هر دو تعریف فاقد شرط «مانعیت» هستند؟

۱) پرنده: جانوری که توانایی پرواز دارد. ـ ماهی: جانوری که در آب زندگی می‌کند.

۲) انسان: حیوان ناطق ـ مثلث: شکلی که سه ضلع دارد.

۳) عنصر شیمیایی: ماده‌ای که از یک نوع اتم تشکیل شده است. ـ دانش‌آموز: فردی که در مدرسه به تحصیل مشغول است.

۴) فلز: ماده‌ای که رسانای جریان الکتریسیته است. ـ کتاب: نوشته‌ای مُصَحَّف برای یاددادن علوم مختلف

## پاسخ: گزینهٔ ۱

*زیرمبحث: منطق ـ درس ۴*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

برای تشخیص مانعیت باید بررسی کنیم که آیا تعریف، علاوه بر مصادیق واقعی مفهوم، **مصداقی غیر از مفهوم مورد نظر** را نیز در بر می‌گیرد یا نه. اگر چنین باشد، تعریف **مانع نیست**؛ زیرا از ورود مصادیق بیگانه جلوگیری نکرده است.

در گزینهٔ (۱): هر دو تعریف چنین اشکالی دارند:

- پرنده: جانوری که توانایی پرواز دارد.

این تعریف مانع نیست؛ زیرا توانایی پرواز اختصاصی پرندگان نیست. برای مثال، **خفاش** نیز می‌تواند پرواز کند، اما پرنده نیست؛ بنابراین «جانوری که توانایی پرواز دارد» مصادیقی غیر از پرندگان را نیز شامل می‌شود.

- ماهی: جانوری که در آب زندگی می‌کند.

این تعریف نیز مانع نیست؛ زیرا آبزی‌بودن ویژگی اختصاصی ماهی‌ها نیست. جانورانی مانند **دلفین** و **نهنگ** هم در آب زندگی می‌کنند، اما ماهی نیستند؛ بنابراین این تعریف نیز مصادیق بیگانه را در بر می‌گیرد و فاقد شرط مانعیت است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): هر دو تعریف مانع و جامع‌اند. **انسان** با «حیوان ناطق» از سایر حیوانات جدا می‌شود و «شکل دارای سه ضلع» نیز مثلث را از سایر شکل‌های هندسی متمایز می‌کند؛ بنابراین هیچ‌یک از این دو تعریف، مصداق بیگانه‌ای را به مفهوم وارد نمی‌کند.

گزینهٔ (۳): هر دو تعریف مانعیت دارند. تعریف **عنصر شیمیایی**، جامع و مانع است. «دانش‌آموز» نیز فردی است که در چارچوب مدرسه به تحصیل می‌پردازد و افرادی مانند معلم یا مدیر مدرسه با این تعریف مصداق دانش‌آموز محسوب نمی‌شوند. (مانع است)؛ اما اگر آموزش از راه دور را نیز محسوب کنیم، این تعریف جامع نخواهد بود.

گزینهٔ (۴): تعریف فلز مانع نیست؛ زیرا صرفِ «رسانابودن» نمی‌تواند ملاک اختصاصی فلزات باشد و ممکن است مواد یا سطوح دیگری نیز قابلیت رسانایی را داشته باشند (مثل آب). اما تعریف **کتاب** فاقد شرط جامعیت است و بسیاری از کتاب‌های دیگر غیر علمی را شامل نمی‌شود، اما شرط مانعیت را دارد و فرد دیگری غیر از کتاب را وارد تعریف نمی‌کند.

**۱۲۹** **کدام گزینه دربارهٔ انواع تعریف، نادرست است؟**

۱) اگر برای روشن‌کردن معنای واژهٔ «شفقت» از واژه‌ای هم‌معنا مانند «دلسوزی» استفاده کنیم، از تعریف لفظی بهره گرفته‌ایم.

۲) اگر برای توضیح «میوه» چند نمونه مانند سیب، پرتقال و انار را نام ببریم، مفهوم را از طریق ذکر مصادیق معرفی کرده‌ایم.

۳) اگر معنای یک واژه را با مراجعه به توضیحات ثبت‌شده برای آن واژه در فرهنگ لغت مشخص کنیم، فقط تعریف لغوی انجام داده‌ایم.

۴) اگر برای شناساندن یک مفهوم، ویژگی عمومی آن را در کنار ویژگی‌ای که آن را از مفاهیم دیگر متمایز می‌کند بیان کنیم، از تعریف مفهومی استفاده کرده‌ایم.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: منطق ـ درس ۴*

درس Box

**انواع تعریف**

برای تعریف مفاهیم، سه روش اصلی وجود دارد:

۱) **تعریف لغوی (لفظی):**

در این روش، معنای لغوی یک مفهوم، مترادف‌های آن یا چگونگی شکل‌گیری واژه بیان می‌شود. در این تعریف از واژه‌ها و اصطلاحات آشنا برای شنونده استفاده می‌کنیم.

**مثال** بهمن: اندیشهٔ نیک؛ برگرفته از «به» به معنای خوب و نیک و «من» به معنای نفس و اندیشه.

**مثال** فردوس: معرّب واژهٔ فارسی «پردیس»، به معنای باغ، بستان و بهشت.

**مثال** ناجا: مخفف حروف نخستین عبارت «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران».

۲) **تعریف از طریق ذکر مصادیق:**

در این روش، به جای بیان ویژگی‌های مفهوم، نمونه‌ها یا تصاویری از مصادیق آن را معرفی می‌کنیم. این روش زمانی مناسب است که بتوان مصادیق مفهوم را به راحتی نشان داد یا نام برد.

**مثال** مرکبات: پرتقال، نارنگی، لیمو و ...

**مثال** رودخانه: ارس، کارون، دز، کرخه و ...

**مثال** علائم رانندگی: تابلوها و نشانه‌هایی مانند تابلوهای راهنمایی و هشداردهنده.

۳) **تعریف مفهومی:**

در این روش، ویژگی‌های مفهوم را به دو دسته تقسیم می‌کنیم:

امر عام: ویژگی مشترک مفهوم با مفاهیم مشابه.

امر خاص: ویژگی متمایزکننده‌ای که مفهوم را از مفاهیم مشابه جدا می‌کند.

در تعریف مفهومی، ابتدا امر عام و سپس امر خاص بیان می‌شود. چون در این روش مفهوم را تحلیل می‌کنیم، آن را تعریف مفهومی می‌نامند.

**پاسخ خیلی تشریحی**

در **تعریف لغوی**، هدف این است که معنای یک لفظ از راه توضیح معنای لغوی آن روشن شود؛ اما این‌گونه نیست که **هر مطلبی که در فرهنگ لغت مقابل یک واژه نوشته شده باشد، حتماً تعریف لغوی آن واژه باشد**. ممکن است فرهنگ لغت در کنار یک واژه، توضیحی ارائه کند که در واقع ماهیت یا ویژگی‌های آن مفهوم را بیان کند و در نتیجه، تعریف مفهومی باشد.

برای مثال، اگر در فرهنگ لغت برای «درخت» توضیحی مانند «رستنی دارای ریشه، تنه و شاخه» آمده باشد، این عبارت صرفاً معنای لغوی واژه را به مترادف یا توضیح لفظی محدود نکرده، بلکه **ویژگی‌های مفهوم درخت** را بیان کرده است؛ بنابراین نمی‌توان هر توضیح موجود در لغت‌نامه را خودبه‌خود تعریف لغوی دانست. از این‌رو، گزینهٔ (۳) به دلیل وجود واژهٔ «فقط» در این عبارت، نادرست است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): در تعریف لفظی، خود مفهوم با استفاده از الفاظی که معنای آن را برای مخاطب روشن می‌کنند، توضیح داده می‌شود. استفاده از مترادف نیز یکی از راه‌های تعریف لفظی است؛ بنابراین «شفقت» با «دلسوزی» توضیح داده شده است.

گزینهٔ (۲): در تعریف از طریق ذکر مصادیق، به جای بیان ویژگی‌های مفهوم، **نمونه‌هایی از افراد یا اشیای زیرمجموعهٔ آن** معرفی می‌شوند. سیب، پرتقال و انار نمونه‌هایی از مصادیق «میوه» هستند.

گزینهٔ (۴): در تعریف مفهومی، مفهوم مجهول از طریق ویژگی‌هایی شناسانده می‌شود که جایگاه آن را در میان مفاهیم دیگر مشخص می‌کنند؛ یعنی معمولاً یک **امر عام‌تر** همراه با ویژگی یا ویژگی‌های **خاص‌کننده** به کار می‌رود.

**۱۳۰** **فرض کنید یک تعریف بتواند تمام مصادیق مفهوم «دانش‌آموز» را در بر گیرد، اما در عین حال افرادی را نیز شامل شود که دانش‌آموز نیستند. کدام گزینه رابطهٔ میان «تعریف» و «دانش‌آموز» را به درستی نشان می‌دهد؟**

۱) میان آن دو، نسبت عموم و خصوص من‌وجه برقرار است؛ زیرا برخی مصادیق تعریف، دانش‌آموز و برخی دیگر غیردانش‌آموز هستند.

۲) میان آن دو، نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است و «تعریف» از «دانش‌آموز» اعم است.

۳) میان آن دو، نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است و «دانش‌آموز» از «تعریف» اعم است.

۴) میان آن دو، نسبت تساوی برقرار است؛ زیرا تمام مصادیق دانش‌آموز در تعریف وجود دارند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: منطق ـ درس ۴*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

در سؤال گفته شده است که «تعریف» **تمام مصادیق دانش‌آموز را در بر می‌گیرد**، پس هیچ مصداقی از مفهوم «دانش‌آموز» بیرون از قلمرو تعریف باقی نمی‌ماند؛ بنابراین تعریف از این جهت **جامع** است.

اما گفته شده است که تعریف، افرادی را هم شامل می‌شود که دانش‌آموز نیستند، پس تعریف فقط شامل مصادیق دانش‌آموز نیست و **مصداق اضافی** نیز دارد؛ بنابراین **مانع نیست**.

اکنون باید رابطهٔ دو مفهوم را مشخص کنیم. مفهومی که تمام مصادیق مفهوم دیگر را شامل شود و علاوه بر آن، مصادیق دیگری نیز داشته باشد، نسبت عموم و خصوص مطلق با آن دارد. در این‌جا «تعریف» مصادیق «دانش‌آموز» را کاملاً در خود دارد و مصادیق دیگری نیز اضافه بر آن دارد؛ پس **تعریف، اعم از دانش‌آموز است**.




بنابراین گزینهٔ (۲) درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): در عموم و خصوص من‌وجه، بخشی از مصادیق دو مفهوم مشترک است، اما هر کدام نیز مصادیقی دارند که در دیگری وجود ندارد؛ در حالی که در سؤال، تمام مصادیق دانش‌آموز داخل تعریف قرار گرفته‌اند؛ پس این رابطه عموم و خصوص من‌وجه نیست.

گزینهٔ (۳): اگر دانش‌آموز اعم از تعریف بود، بخشی از مصادیق دانش‌آموز خارج از تعریف قرار می‌گرفت. در این صورت تعریف دیگر **جامع** نبود؛ در حالی که سؤال صراحتاً جامع‌بودن تعریف را فرض کرده است.

گزینهٔ (۴): تساوی زمانی برقرار است که دو مفهوم دقیقاً مصادیق یکسانی داشته باشند. در سؤال، تعریف علاوه بر تمام دانش‌آموزان، افرادی غیر از دانش‌آموزان را نیز در بر می‌گیرد؛ پس مصادیق دو مفهوم برابر نیستند.

**۱۳۱** **اشکال تعریف‌های زیر، به ترتیب چیست؟**

**الف) ریاضیات: دانشی که با استفاده از استدلال عقلی، به شناخت و بررسی مسائل می‌پردازد.**

**ب) تعریف: شناساندن یک مفهوم ناشناخته با استفاده از واژه‌های شناخته‌شده**

۱) مانع نیست. ـ جامع نیست.
۲) جامع نیست. ـ مانع نیست.
۳) مانع نیست. ـ مانع نیست.
۴) جامع نیست. ـ جامع نیست.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: منطق ـ درس ۴*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

در بررسی یک تعریف، باید دید آیا تعریف **همهٔ مصادیق مفهوم مورد نظر را در بر می‌گیرد** یا نه و هم‌چنین آیا **مصداقی غیر از مفهوم مورد نظر** را نیز شامل می‌شود یا نه.

در تعریف «ریاضیات» گفته شده است: «دانشی که با استفاده از استدلال عقلی، به شناخت و بررسی مسائل می‌پردازد.» این ویژگی فقط به ریاضیات اختصاص ندارد. علوم دیگری نیز با استدلال عقلی سروکار دارند. برای مثال، **فلسفه** نیز برای بررسی مسائل خود از استدلال عقلی استفاده می‌کند؛ بنابراین این تعریف علاوه بر ریاضیات، مفاهیم و مصادیق دیگری را نیز در بر می‌گیرد و از این جهت **مانع نیست.**

در تعریف دوم نیز گفته شده است: «تعریف، شناساندن یک مفهوم ناشناخته با استفاده از مفاهیم و واژه‌های شناخته‌شده است.» این عبارت به اندازهٔ کافی اختصاصی نیست؛ زیرا روشن‌کردن یک امر ناشناخته به کمک امور شناخته‌شده، منحصر به تعریف نیست و استدلال را نیز در بر می‌گیرد. در نتیجه، این تعریف نیز مصادیقی غیر از مفهوم «تعریف» را در بر می‌گیرد و **مانع نیست**.

پس هر دو تعریف با **ورود مصادیق بیگانه** روبه‌رو هستند و اشکال اصلی آن‌ها، نداشتن شرط مانعیت است.

**۱۳۲** **کدام گزینه می‌تواند بیانگر دیدگاه هراکلیتوس در مورد عبارت‌های زیر باشد؟**

**الف) یک تکه یخ برای فردی که با دست گرم آن را لمس می‌کند، سرد است.**

**ب) یک تکه یخ برای فردی که تازه از محیط بسیار سرد خارج شده است، گرم است.**

۱) چون «سرد» و «گرم» متضادند، امکان ندارد هر دو قضیه در یک زمان صادق باشند.

۲) این دو قضیه چون دربارهٔ یک موضوع سخن می‌گویند، حتماً یکی صادق و دیگری کاذب است.

۳) هر دو قضیه می‌توانند صادق باشند؛ زیرا صدق آن‌ها نسبت به دو امر متفاوت سنجیده شده است.

۴) هر دو امر متضاد می‌توانند بدون هیچ قید و شرطی، نسبت به یک امر واحد هم‌زمان صادق باشند.

---

## پاسخ: گزینهٔ ۳

*زیرمبحث: فلسفهٔ یازدهم ـ درس ۴*

درس Box

**اندیشه‌های هراکلیتوس**

هراکلیتوس به دلیل دو اندیشهٔ مشهور در تاریخ فلسفه شناخته می‌شود:

۱) **وحدت اضداد:**

هراکلیتوس معتقد بود امور متضاد می‌توانند با یکدیگر جمع شوند و وجود اضداد در ساختن جهان نقش دارد. از نظر او، ستیز و تضاد اجتناب‌ناپذیر است.

**مثال** دامنهٔ کوه هم سربالایی است و هم سرپایینی؛ همچنین یک لیوان آب تا نیمه را می‌توان هم نیمه‌پر و هم نیمه‌خالی دانست. این دو وصف با یکدیگر تناقضی ندارند.

۲) **تغییر و تحول دائمی جهان:**

هراکلیتوس معتقد بود هیچ چیز در جهان ثابت نیست و همه‌چیز پیوسته در حال تغییر و حرکت است. دگرگونی، قانون زندگی و کائنات است و نمی‌توان از آن گریخت.

عبارت مشهور او این است: «نمی‌توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد.» زیرا آب رودخانه پیوسته تغییر می‌کند و رودخانه در لحظهٔ دوم دقیقاً همان وضعیت لحظهٔ اول را ندارد.

| اندیشه | نکتهٔ اصلی |
|---|---|
| وحدت اضداد | وجود امور متضاد و نقش ستیز و تضاد در جهان |
| تغییر و تحول دائمی | هیچ چیز ثابت نیست و همه‌چیز پیوسته در حال دگرگونی است. |

**پاسخ خیلی تشریحی ✓**

هراکلیتوس به **وحدت اضداد** باور داشت؛ اما این دیدگاه به معنای پذیرش جمع اضداد منطقی و عقلی نیست. یعنی هراکلیتوس نمی‌گفت دو قضیهٔ متناقض یا دو حکم واقعاً متضاد می‌توانند بدون هیچ توضیحی، از یک جهت و نسبت به یک امر واحد، هم‌زمان صادق باشند. چنین برداشتی با اصل امتناع اجتماع نقیضین ناسازگار است.

نکتهٔ اصلی در مثال‌های هراکلیتوس این است که دو وصفِ متضاد ممکن است **نسبت به دو امر متفاوت** صادق باشند؛ بنابراین تفاوت جهت یا نسبت، باعث می‌شود دو حکم متضاد ظاهری، الزاماً در تعارض منطقی قرار نگیرند.

در مثال سؤال، «سردبودن» و «گرم‌بودن» نسبت به دو فرد متفاوت سنجیده شده است. ممکن است یک تکه یخ برای یک شخص در مقایسه با گرمای دستش سرد احساس شود و همان تکه یخ برای فردی که از محیطی بسیار سرد آمده، گرم‌تر به نظر برسد. بنابراین هر دو قضیه می‌توانند صادق باشند و این وضعیت با برداشت درست از **وحدت اضداد هراکلیتوس** سازگار است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): اگرچه براساس علم منطق، دو قضیهٔ متضاد هیچ‌گاه نمی‌توانند هم‌زمان صادق باشند، اما در اندیشهٔ هراکلیتوس، صرف متضادبودن دو وصف، همیشه به این معنا نیست که هر دو قضیه نمی‌توانند صادق باشند. در صورتی که دو حکم نسبت به دو امر متفاوت سنجیده شوند، امکان صدق هر دو وجود دارد.

گزینهٔ (۲): این گزینه، شرط مهم مثال‌های هراکلیتوس یعنی **تفاوت در جهت یا امر مورد سنجش** را نادیده می‌گیرد. یکسان‌بودن موضوع ظاهری دو قضیه، به تنهایی کافی نیست که حتماً یکی صادق و دیگری کاذب باشد.

گزینهٔ (۴): هراکلیتوس به جمع مطلق اضداد منطقی معتقد نبود. مقصود او این نبود که دو امر متضاد، بدون تفاوت در جهت و نسبت، دربارهٔ یک امر واحد هم‌زمان صادق باشند؛ بلکه در مواردی مانند مثال‌های مطرح‌شده، تفاوت نسبت و جهت، امکان صدق هر دو را فراهم می‌کند.

**۱۳۳** **براساس دیدگاه فیثاغورس و پیروانش در تبیین جهان، کدام برداشت درست‌تر است؟**

۱) عددها ابزارهایی ذهنی‌اند که انسان برای اندازه‌گیری پدیده‌های جهان ساخته است؛ بنابراین میان ساختار جهان و ساختار عددی رابطهٔ ذاتی وجود ندارد.

۲) چون بسیاری از پدیده‌های جهان را می‌توان با روابط عددی توضیح داد، باید گفت اعداد فقط وسیله‌ای برای شناخت جهان‌اند و خود در پیدایش موجودات نقشی ندارند.

۳) ساختار جهان با ساختارهای عددی پیوند دارد و عدد و اصول اعداد را می‌توان از مبانی عالم دانست؛ از این‌رو اصول ریاضی دربارهٔ موجودات جهان نیز کاربرد اساسی دارند.

۴) هر موجودی به طور مستقل از اعداد پدید آمده است و انسان تنها پس از شناخت اشیا، ویژگی‌های عددی آن‌ها را کشف کرده است؛ بنابراین ریاضیات صرفاً دانشی توصیفی است.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: فلسفهٔ یازدهم ـ درس ۴*

درس Box

**فیثاغورس**

فیثاغورس یکی از پایه‌گذاران ریاضیات و هندسه و از پایه‌گذاران فلسفه بود. او ریاضیات را با فلسفه و عرفان درآمیخت و دستگاه فلسفی خاصی بنیان نهاد.

اندیشهٔ اصلی فیثاغوریان: از نظر آنان، اعداد و اصول ریاضی، عناصر اولیهٔ همهٔ موجودات هستند و اصول ریاضی دربارهٔ تمام موجودات صدق می‌کنند.

اقدامات مهم فیثاغورس:

- درآمیختن ریاضیات با فلسفه و عرفان.
- استفاده از واژهٔ «فلسفه» به معنای امروزی آن برای نخستین بار.
- استفاده از واژه‌های «تئوری» و «کیهان» برای نخستین بار.

نکته

در نظر فیثاغوریان، عدد و اصول ریاضی اساس و عناصر اولیهٔ همهٔ موجودات‌اند.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

فیثاغورس و پیروان او در میان فیلسوفان یونان باستان، جایگاه ویژه‌ای برای **عدد و نسبت‌های عددی** قائل بودند. از نظر آنان، ساختار جهان با ساختار ریاضی پیوند دارد و نمی‌توان عدد را صرفاً یک ابزار ذهنی یا وسیلهٔ اندازه‌گیری دانست. آنان **اصول اعداد و خود اعداد را در شمار مبادی و عناصر بنیادی موجودات** مطرح می‌کردند؛ به همین دلیل، اصول و روابط ریاضی را دربارهٔ موجودات جهان صادق می‌دانستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): این گزینه عدد را صرفاً ساخته و پرداختهٔ ذهن انسان می‌داند و میان ساختار عددی و ساختار جهان رابطهٔ ذاتی قائل نیست؛ در حالی که فیثاغورس دقیقاً برخلاف چنین دیدگاهی، برای عدد جایگاهی بنیادی در عالم قائل بود.

گزینهٔ (۲): در این گزینه، عدد صرفاً «ابزار شناخت» معرفی شده است؛ اما در اندیشهٔ فیثاغورس، عدد تنها وسیلهٔ توصیف موجودات نیست، بلکه با **مبانی و ساختار خود جهان** ارتباط دارد.

گزینهٔ (۴): این گزینه نیز اعداد را اموری می‌داند که تنها پس از پدیدآمدن موجودات، توسط انسان کشف و برای توصیف آن‌ها استفاده شده‌اند؛ در حالی که فیثاغورس و پیروانش برای اعداد و اصول عددی نقشی بنیادی‌تر از یک ابزار توصیفی قائل بودند.

**۱۳۴ با توجه به اندیشه‌های فلسفی تمدن‌های پیش از یونان باستان و فیلسوفان نخستین یونان، کدام گزینه درست است؟**

۱) چون فیلسوفان نخستین یونان دگرگونی‌های طبیعت را بررسی می‌کردند، می‌توان گفت تفکر فلسفی نخست با ارائهٔ تبیین‌های تجربی دربارهٔ پدیده‌های طبیعی شکل گرفت.

۲) طرح اندیشهٔ «هستی ثابت و بی‌کران» نشان می‌دهد که پیش از شکل‌گیری فلسفهٔ یونان، هیچ تمدنی به مسائل بنیادین هستی نپرداخته بود و این مسئله نخستین بار در یونان مطرح شد.

۳) چون در تمدن‌های پیش از یونان، توجه به «خود» و هستی مطرح بوده است، فلسفهٔ یونان صرفاً تکرار مستقیم همان اندیشه‌ها و فاقد هرگونه روش عقلی مستقل بوده است.

۴) وجود اندیشه‌هایی دربارهٔ «خود» و حقیقتی ثابت و بی‌پایان در برخی تمدن‌های پیش از یونان، نشان می‌دهد که اندیشهٔ فلسفی به یونان باستان محدود نبوده است.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: فلسفهٔ یازدهم ـ درس ۴*

درس Box

**برخی از اندیشه‌های حکمای قدیم (بخش تفکر در عبارات کتاب درسی)**

در متون حکمای قدیم، دیدگاه‌های گوناگونی دربارهٔ حقیقت هستی و زندگی مطرح شده است.

| حکیم یا منبع | اندیشهٔ اصلی |
|---|---|
| **اوپانیشاد** | شناخت حقیقت از راه توجه به خویشتن، گوش‌دادن، اندیشیدن و شناخت «خود» |
| **لائوتسه** | تائو حقیقتی بی‌حد، پایدار، بی‌صدا و بی‌جسم است که تغییر نمی‌کند؛ چون نام حقیقی آن دانسته نیست، آن را «تائو» می‌نامد. |
| **اوستا** | از آغاز، دو اصل نیک و شر وجود داشته‌اند و انسان‌های هشیار، نیکی را در اندیشه، گفتار و کردار انتخاب می‌کنند. |

نکته در این سه دیدگاه، به ترتیب بر شناخت خویشتن، حقیقت تائو و تقابل نیکی و شر تأکید شده است.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

از شواهد مطرح شده دربارهٔ اندیشه‌های پیش از یونان باستان، می‌توان نتیجه گرفت که تفکر دربارهٔ مسائل بنیادین هستی، منحصر به یونانیان نبوده است.

در برخی اندیشه‌های پیش از یونان، توجه به «خود» جایگاه مهمی داشته است. برای نمونه، در متون **اوپانیشادها**، توجه و اندیشیدن به «خود» (خودشناسی) به عنوان راهی برای شناخت (معرفت‌شناسی) مطرح شده است. هم‌چنین در اندیشهٔ **لائوتسه**، از حقیقتی سخن گفته می‌شود که بی‌حد و بی‌پایان و ثابت است و تغییر نمی‌کند؛ بنابراین هم اندیشه دربارهٔ «خود» و هم اندیشه دربارهٔ حقیقتی ثابت و بی‌کران، پیش از دورهٔ یونان باستان سابقه داشته‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): فیلسوفان نخستین یونان در پی آن بودند که دگرگونی‌های طبیعت را با تبیین عقلی بررسی کنند، نه این‌که صرفاً تبیین تجربی ارائه دهند. البته این به معنای بی‌اهمیت‌بودن تجربه در شناخت طبیعت نیست، بلکه تأکید سؤال بر روش عقلی این اندیشمندان است.

گزینهٔ (۲): اندیشهٔ هستی ثابت و بی‌کران، پیش از یونان نیز دیده می‌شود. اندیشهٔ لائوتسه دربارهٔ حقیقتی بی‌حد و بی‌تمام، پابرجا و ناشناخته، نمونه‌ای از این مسئله است. بنابراین نمی‌توان طرح چنین مسئله‌ای را نخستین بار به یونان نسبت داد.

گزینهٔ (۳): وجود اندیشه‌های فلسفی پیش از یونان به این معنا نیست که فلسفهٔ یونان صرفاً تکرار همان اندیشه‌ها بوده است. فیلسوفان نخستین یونان کوشش کردند برای دگرگونی‌های طبیعت **تبیین عقلانی** ارائه کنند و از این‌رو، شیوهٔ خاصی از پرداختن به مسائل هستی را دنبال کردند.

**۱۳۵** **کدام گزینه، سیر تاریخی شکل‌گیری سوفیست‌ها در یونان باستان را به درستی نشان می‌دهد؟**

۱) ورود آرای جهان‌شناسان غربِ آسیای صغیر به آتن ← اختلاف نظر شدید میان اندیشمندان ← سردرگمی فکری مردم و بی‌اعتمادی به دانش ← ظهور گروهی که پیروزی در بحث را بر دستیابی به حقیقت مقدم می‌دانستند. ← انکار اصل حقیقت

۲) ظهور گروهی که پیروزی بر رقیب را هدف قرار دادند. ← ورود آرای جهان‌شناسان آسیای صغیر به آتن ← تضاد آرای اندیشمندان ← سردرگمی فکری مردم ← انکار اصل حقیقت

۳) تضاد آرای اندیشمندان ← ورود آرای جهان‌شناسان آسیای صغیر به آتن ← انکار اصل حقیقت ← کم‌اعتمادی مردم به دانش ← ظهور گروهی که هدفشان پیروزی بر رقیب بود.

۴) ورود آرای جهان‌شناسان آسیای صغیر به آتن ← انکار اصل حقیقت از سوی اندیشمندان ← سردرگمی فکری مردم ← ظهور گروهی که پیروزی در بحث را هدف قرار دادند. ← بی‌اعتمادی مردم به دانش

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: فلسفهٔ یازدهم ـ درس ۴*

درس Box

**سوفیست‌ها**

**زمینهٔ پیدایش سوفیست‌ها:**

با گسترش دیدگاه‌های فیلسوفان اولیه، آتن به مرکز نظریات گوناگون و اختلافات فکری تبدیل شد. از آن‌جا که اندیشمندان دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضادی دربارهٔ جهان ارائه می‌کردند و نتوانسته بودند تفسیر واحد و روشنی از آن به دست دهند، نوعی نگرانی و بی‌اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در میان مردم پدید آمد.

**عقاید و ویژگی‌های سوفیست‌ها:**

سوفیست‌ها گروهی از اندیشمندان بودند که خود را «دانشمند» می‌نامیدند، اما به بی‌اعتباری علم و اندیشه باور داشتند. آن‌ها به دلایل زیر نظریات فیلسوفان و جهان‌شناسان را بیهوده می‌دانستند:

- دیدگاه‌های اندیشمندان با یکدیگر متضاد بود.
- اندیشمندان نتوانسته بودند تفسیر درستی از جهان ارائه دهند.

سوفیست‌ها به جای آموزش علوم و جست‌وجوی حقیقت، به فن سخنوری روی آوردند و هدف خود را از رسیدن به حقیقت به پیروزی بر رقیب تغییر دادند. این رویکرد در نهایت آنان را به انکار اصل حقیقت و واقعیت رساند.

**جمع‌بندی نکات مهم در مورد سوفیست‌ها:**

| موضوع | دیدگاه سوفیست‌ها |
|---|---|
| **علت پیدایش** | اختلاف نظریات فیلسوفان و بی‌اعتمادی به دانش و اندیشه |
| **رویکرد اصلی** | بی‌اعتباردانستن علم و اندیشه |
| **فعالیت مورد توجه** | فن سخنوری به جای آموزش علوم |
| **هدف** | پیروزی بر رقیب، نه رسیدن به حقیقت |
| **نتیجهٔ نهایی** | انکار اصل حقیقت و واقعیت |

پاسخ خیلی تشریحی ✔

ابتدا آرای (غالباً متضاد) جهان‌شناسان آسیای صغیر وارد آتن شد و اختلاف نظر میان اندیشمندان، سردرگمی فکری مردم و بی‌اعتمادی به دانش را در پی داشت. در چنین فضایی سوفیست‌ها ظهور کردند؛ آن‌ها نظرات متضاد را بیهوده می‌دانستند، هدفشان پیروزی بر رقیب بود نه رسیدن به حقیقت و در نهایت به انکار اصل حقیقت و واقعیت رسیدند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): ظهور سوفسطاییان را پیش از ورود آرای جهان‌شناسان قرار داده که نادرست است.

گزینهٔ (۳): انکار حقیقت را پیش از بی‌اعتمادی مردم و ظهور سوفسطاییان آورده، در حالی که انکار حقیقت نتیجهٔ نهایی کار خود سوفسطاییان است.

گزینهٔ (۴): انکار حقیقت را به اندیشمندان نسبت داده و آن را پیش از ظهور سوفسطاییان آورده، در حالی که منکر حقیقت، سوفسطاییان بودند.

**۱۳۶** **کدام گزینه با گزارش‌های تاریخی دربارهٔ حکیمان ایران باستان سازگار است؟**

۱) حکیمان ایران باستان پس از دورهٔ یونان باستان پدید آمدند و آموزه‌های خود را از فیلسوفان یونانی گرفتند.

۲) ایران باستان سرزمینی فلسفه‌خیز بود و حکیمانی داشت که هم اهل تفکر فلسفی بودند و هم سلوک معنوی داشتند.

۳) حکیمان ایران باستان صرفاً به امور اخلاقی و اجتماعی می‌پرداختند و تأملات نظری دربارهٔ جهان در میان آنان رواج نداشت.

۴) در ایران باستان تفکر فلسفی تنها در قالب آموزه‌های دینی وجود داشت و حکیمان مستقلی در آن نبودند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: فلسفهٔ یازدهم ـ درس ۴*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

گزارش‌ها نشان می‌دهد ایران باستان از سرزمین‌های فلسفه‌خیز بوده و حکیمان و فیلسوفان خداپرستی در آن می‌زیسته‌اند که افزون بر اندیشیدن به حکمت و فلسفه، اهل سلوک معنوی نیز بوده‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): این حکیمان اندکی پیش از فیلسوفان یونان باستان و برخی هم‌زمان با آنان یا پس از آنان می‌زیسته‌اند، نه فقط پس از یونان و ادعای اقتباس از یونانیان هم با گزارش‌ها همخوان نیست.

گزینهٔ (۳): این حکیمان هم به حکمت و فلسفه می‌اندیشیدند و هم سلوک معنوی داشتند، پس محدودکردنشان به امور اخلاقی و اجتماعی درست نیست.

گزینهٔ (۴): گزارش‌ها از وجود حکیمان و فیلسوفانی در ایران باستان حکایت دارد و نمی‌توان فلسفه را صرفاً در قالب آموزه‌های دینی دانست.

**۱۳۷** **دلیل اصلی این‌که یونان باستان را «مهد تفکر فلسفی» می‌دانند، کدام است؟**

۱) فیلسوفان یونانی نخستین کسانی بودند که جهان را با روش عقلانی تفسیر کردند و پیش از آنان هیچ ملتی به تفکر فلسفی نپرداخته بود.

۲) قدیمی‌ترین آثار مکتوبی که به زبان فلسفی نوشته شده یا جنبهٔ فلسفی در آن‌ها غالب است، از یونان باستان به دست ما رسیده است.

۳) واژهٔ «فلسفه» نخستین بار در یونان به کار برده شد و از همان زمان، اندیشیدن فلسفی در میان مردم جهان آغاز گردید.

۴) تاریخ آغاز تفکر فلسفی را می‌توان در یونان باستان تعیین کرد و پیش از آن هیچ اثر فلسفی گزارش نشده است.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: فلسفهٔ یازدهم ـ درس ۴*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

قدیمی‌ترین مجموعه‌ها یا قطعه‌هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبهٔ فلسفی در آن‌ها غلبه دارد، از یونان باستان به یادگار مانده است؛ به همین دلیل یونان را مهد تفکر فلسفی می‌نامند. این به معنای آغاز تاریخی قابل تعیین برای فلسفه نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): اولاً ادعای «هیچ ملتی پیش از آنان» با وجود حکیمان در سرزمین‌های دیگر (مثل ایران) سازگار نیست، ثانیاً دلیل نام‌گذاری یونان به «مهد تفکر فلسفی» به‌جاماندن آثار فلسفی از آن‌جا است، نه انحصار تفکر فلسفی.

گزینهٔ (۳): پیدایش یا به کار بردن یک واژه دلیل آغاز تفکر فلسفی در همه‌جا نیست و آغاز اندیشیدن فلسفی را نمی‌توان با ساخته‌شدن این واژه یکی دانست.

گزینهٔ (۴): آغاز تاریخی فلسفه، زمان قابل تعیینی ندارد و نمی‌توان آن را دقیقاً به یونان باستان نسبت داد.

**۱۳۸** **اگر در هر یک از گزینه‌های زیر، مفهوم دوم را به مفهوم اول نسبت دهیم و مفهوم چهارم را از مفهوم سوم سلب کنیم، در کدام گزینه نسبت‌های دو قضیهٔ حاصل با هم یکسان نخواهند بود؟**

۱) عدد دو و زوج ـ ایرانی و تهرانی
۲) عدد هفت و اول ـ موجود مجرد و جسم
۳) عدد نه و زوج ـ انسان و ناطق
۴) گیاه و دارای گل ـ فلز و جامد

## پاسخ: گزینهٔ ۱

*زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۲*

درس Box

**نسبت‌های سه‌گانه در قضایا**

رابطهٔ میان موضوع و محمول در قضایا همیشه یکسان نیست. از نظر امکان برقراری این رابطه، سه حالت وجود دارد:

۱) **رابطهٔ وجوبی:**

در این حالت، محمول برای موضوع ضروری است و موضوع نمی‌تواند بدون آن، همان موضوع باشد. به عبارت دیگر، ذات موضوع مستلزم محمول است و جداشدن آن دو از یکدیگر امکان ندارد.

۲) **رابطهٔ امکانی:**

در این حالت، محمول برای موضوع نه ضروری است و نه ممتنع؛ یعنی موضوع می‌تواند محمول را بپذیرد یا نپذیرد، بنابراین وجود یا عدم وجود محمول به تنهایی با ذات موضوع تعارضی ندارد.

برای مثال، سفیدبودن دیوار ضروری نیست؛ دیوار می‌تواند سفید یا به رنگ دیگری باشد.

۳) **رابطهٔ امتناعی:**

در این حالت، برقراری رابطهٔ موضوع و محمول محال و غیرممکن است؛ یعنی موضوع نمی‌تواند آن محمول را بپذیرد، زیرا این رابطه با ویژگی‌های ضروری موضوع ناسازگار است.

برای مثال، فردبودن عدد هشت ممتنع است؛ زیرا عدد هشت زوج است.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

در هر گزینه، قضیهٔ اول را موجبه و قضیهٔ دوم را سالبه می‌سازیم و نسبت هر کدام را مشخص می‌کنیم:

گزینهٔ (۱): «عدد دو زوج است» ضروری است. «ایرانی تهرانی نیست» امکانی است، چون بعضی ایرانیان تهرانی‌اند و بعضی نیستند. نسبت‌ها متفاوت هستند و پاسخ همین گزینه است.

گزینهٔ (۲): «عدد هفت اول است» ضروری است. «موجود مجرد جسم نیست» هم ضروری است، چون مجرد از ماده و جسم جدا است. ← نسبت‌ها یکسان هستند.

گزینهٔ (۳): «عدد نه زوج است» ← امتناعی است. «انسان ناطق نیست» هم امتناعی است، چون ناطق‌بودن از ذاتیات انسان است و سلب آن از انسان محال است. ← نسبت‌ها یکسان هستند.

گزینهٔ (۴): «گیاه دارای گل است» امکانی است، چون بعضی گیاهان گل دارند و بعضی ندارند. «فلز جامد نیست» هم امکانی است، چون بعضی فلزها در دمای معمولی جامدند (مثل آهن) و بعضی نیستند (مثل جیوه). ← نسبت‌ها یکسان هستند.

**۱۳۹** **A کدام‌یک از موارد زیر باشد تا بتوانیم بگوییم از حالت امکانی، به حالت وجوب بالغیر رسیده است؟**

۱) A آب حاصل از ذوب یخی است که در فریزر قرار دارد.

۲) A گیاهی است که از دانهٔ موجود در انبار کشاورز می‌روید.

۳) A صدای شکستن شیشه‌ای است که هم‌اکنون سنگ با آن برخورد کرده است.

۴) A کتابی است که نویسنده فقط در ذهن خود طرح کرده است.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۲*

درس Box

**رابطهٔ وجود با موضوع‌های مختلف**

محمول «وجود» با موضوع‌های مختلف، سه نوع رابطه دارد: وجوب، امکان و امتناع. بر همین اساس، موضوع‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

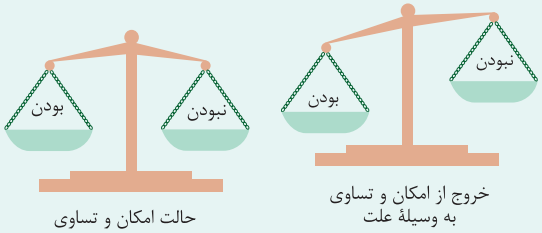
| نوع | تعریف |
|---|---|
| واجب‌الوجود | چیزی که وجودش ضروری است و نمی‌تواند موجود نباشد. |
| ممکن‌الوجود | چیزی که ذات و ماهیت آن نه وجودش را ضروری می‌کند و نه نبودنش را؛ بنابراین هم می‌تواند باشد و هم نباشد. |
| ممتنع‌الوجود | چیزی که وجود آن محال و غیرممکن است. |

**چرا ممکن‌الوجودها موجود می‌شوند؟**

از دیدگاه فارابی و ابن سینا، ممکن‌الوجود از نظر ذات و ماهیت خود، نه ضرورت وجود دارد و نه ضرورت عدم، بنابراین برای این‌که از حالت امکان خارج شود و در خارج تحقق یابد، به علت نیاز دارد.

تا زمانی که علت وجود چیزی فراهم نشده باشد، وجود و عدم آن از نظر ذاتش ترجیحی بر یکدیگر ندارند؛ اما با فراهم‌شدن علت، وجود آن تحقق می‌یابد.

برای توضیح این موضوع، می‌توان ممکن‌الوجود را به ترازویی تشبیه کرد که دو کفهٔ آن در حالت تعادل‌اند. برای این‌که یک کفه پایین برود، باید عاملی باعث بر هم خوردن تعادل شود. به همین ترتیب، برای تحقق ممکن‌الوجود نیز باید علتی وجود داشته باشد که وجود آن را ضروری کند.




**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

پدیده‌ای از امکان ذاتی به وجوب بالغیر می‌رسد که علت تامهٔ آن محقق شده باشد. در این حالت وجود معلول از سوی علتش ضروری می‌شود.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): یخ در فریزر است و عامل ذوب (گرما) فراهم نیست. آب حاصل از ذوب هنوز علت تامه ندارد و در حالت امکانی باقی مانده است.

گزینهٔ (۲): دانه در انبار است و کاشته نشده و شرایط رشد (خاک، آب و ...) فراهم نیست. گیاه هنوز علت تامه ندارد و در حالت امکانی است.

گزینهٔ (۳): سنگ هم‌اکنون با شیشه برخورد کرده است. با تحقق این برخورد، شکستن شیشه و پدیدآمدن صدا ضروری می‌شود. پس صدا از سوی علت خود واجب شده و به وجوب بالغیر رسیده است.

گزینهٔ (۴): کتاب فقط در ذهن نویسنده است و نوشته نشده است. علت آن محقق نشده و در حالت امکانی باقی مانده است.

**۱۴۰** **اگر بخواهیم «وجود» را محمول هر یک از موضوعات زیر قرار دهیم، رابطهٔ وجود با آن‌ها، به ترتیب از کدام نوع خواهد بود؟**

**«شهر زیر اقیانوس» ـ «مثلثِ چهارضلعی» ـ «خداوند» ـ «اسب بالدار»**

۱) امکان ـ امکان ـ ضرورت ـ امکان
۲) امکان ـ امتناع ـ ضرورت ـ امتناع
۳) امکان ـ امتناع ـ ضرورت ـ امکان
۴) امتناع ـ امتناع ـ ضرورت ـ امکان

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی**

بررسی عبارت‌ها:

- «شهر زیر اقیانوس» مفهوم متناقضی نیست. عقل در ذات آن، نه وجود را ضروری می‌بیند و نه محال، پس «شهر زیر اقیانوس وجود دارد» قضیه‌ای امکانی است. (نبودن فعلی آن در خارج، دلیل امتناع ذاتی نیست.)
- «مثلثِ چهارضلعی» مفهومی متناقض است، چون مثلث‌بودن و چهارضلعی‌بودن با هم جمع نمی‌شوند، پس وجود آن ممتنع بالذات است.
- «خداوند» موجودی که معلول هیچ علتی نیست و وجودش از ذات خودش است. وجود از ذات او جدا نیست، پس «خداوند وجود دارد» قضیه‌ای ضروری است.
- «خداوند» مانند شهر زیر اقیانوس، مفهومی بدون تناقض است و رابطهٔ وجود با آن امکانی است.

**۱۴۱** دربارهٔ وضعیت فلسفیِ شیئی که با تحقق علتش پدید می‌آید، کدام عبارت درست است؟

۱) پیش از تحقق علت، ممتنع‌الوجود بالذات است و با آمدن علت، به ممکن‌الوجود بالذات تبدیل می‌شود.

۲) پس از تحقق علت، دیگر ممکن‌الوجود بالذات نیست، زیرا وجودش ضروری شده و ضرورت با امکان ذاتی جمع نمی‌شود.

۳) پس از تحقق علت، هم‌چنان ممکن‌الوجود بالذات است، ولی وجودش از ناحیهٔ علت ضروری شده است.

۴) پیش از تحقق علت، واجب‌الوجود بالغیر است و علت فقط آن را از این ضرورت به حالت تساوی می‌رساند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۲*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

ممکن‌الوجود بالذات به خودی خود (در ذات خود) نسبت به وجود و عدم تساوی دارد. این امکان ذاتی همیشگی است و با آمدن علت از بین نمی‌رود. تغییر فقط در نسبت شیء با «وجود» رخ می‌دهد: پیش از تحقق علت، به دلیل نبودن علت، وجود آن ممتنع بالغیر است و پس از تحقق علت تامه، وجودش واجب بالغیر می‌شود. پس یک موجود، هم‌زمان «ممکن بالذات» و «واجب بالغیر» است و این دو با هم تعارضی ندارند، چون ضرورت و امکان از دو جهت متفاوت (ذات و غیر) بر آن حمل می‌شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): ممکن‌الوجود بالذات پیش از علت «ممتنع بالغیر» است، نه «ممتنع بالذات». امکان ذاتی هم همواره برقرار است و در اثر آمدن علت پدید نمی‌آید.

گزینهٔ (۲): ضرورتی که ممکن‌الوجود بالذات پیدا می‌کند «بالغیر» است و با امکان «بالذات» جمع می‌شود، چون جهت این دو متفاوت است.

گزینهٔ (۴): پیش از علت، ممکن‌الوجود بالذات ممتنع بالغیر است، نه واجب بالغیر. علت هم شیء را از امتناع بالغیر به وجوب بالغیر می‌رساند و آن را به حالت تساوی برنمی‌گرداند.

**۱۴۲** کدام مورد، نقد اساسی‌تری به عبارت زیر وارد می‌کند؟

**«اصل علیّت را می‌توان از راه مشاهده و تجربه به دست آورد؛ زیرا انسان با مشاهدهٔ ارتباط میان پدیده‌ها، به وجود رابطهٔ علّی میان آن‌ها پی می‌برد.»**

۱) بسیاری از انسان‌ها پیش از آن‌که با روش‌های علمی آشنا شوند، از اصل علیّت استفاده می‌کنند.

۲) برخی پدیده‌ها همواره در کنار یکدیگر رخ می‌دهند اما رابطهٔ علت و معلول میان آن‌ها وجود ندارد.

۳) بررسی و تبیین علمی پدیده‌های تجربی، از ابتدا بر پذیرفتن اصل علیّت استوار است.

۴) انسان در زندگی روزمره نیز برای توضیح رخدادها به علت و معلول توجه می‌کند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۳*

درس Box

**رابطهٔ علیت از دیدگاه فیلسوفان**

فیلسوفان دربارهٔ چگونگی شناخت رابطهٔ علیت دیدگاه‌های متفاوتی دارند. اختلاف اصلی آن‌ها این است که آیا این رابطه به صورت فطری شناخته می‌شود یا از راه حس و تجربه به دست می‌آید.

**۱) دیدگاه دکارت:**

دکارت معتقد بود اصل علیت از اصول اولیه‌ای است که انسان به صورت فطری و بدون دخالت تجربه آن را درک می‌کند.

از نظر او، شناخت اصل علیت به تجربه و آموزش نیاز ندارد؛ زیرا پذیرش این اصل، پایه و مقدمهٔ هرگونه تجربه و آموزش است. البته برای شناخت مصداق‌های علت و معلول، به تجربه و آموزش نیاز داریم.

**۲) دیدگاه تجربه‌گرایان:**

تجربه‌گرایان معتقدند انسان از طریق حس و تجربه، توالی یا هم‌زمانی پدیده‌ها را مشاهده می‌کند و از این راه، رابطهٔ علیت را درمی‌یابد.

برای مثال، انسان بارها مشاهده می‌کند که با طلوع خورشید، زمین روشن می‌شود و با غروب آن، تاریکی فرامی‌رسد. تجربه‌گرایان معتقدند مشاهدهٔ مکرر این پدیده‌ها، شناخت رابطهٔ علیت را برای انسان فراهم می‌کند.

**۳) دیدگاه دیوید هیوم:**

دیوید هیوم، فیلسوف تجربه‌گرای انگلیسی در قرن هجدهم، با تجربه‌گرایان در این نظر موافق بود که راه شناخت واقعیات، حس و تجربه است؛ اما دربارهٔ شناخت رابطهٔ ضروری میان علت و معلول، دیدگاه متفاوتی داشت.

**از نظر هیوم:**

- حس، خودِ رابطهٔ ضروری علت و معلول را نشان نمی‌دهد. حواس ما اجسام، رنگ‌ها، شکل‌ها و پدیده‌هایی مانند طلوع خورشید و روشن‌شدن زمین را مشاهده می‌کنند؛ اما ضرورت ارتباط میان این دو پدیده، مستقیماً قابل مشاهده نیست.
- تکرار تجربه‌ها در ذهن ما اثری ایجاد می‌کند. وقتی بارها طلوع خورشید و روشن‌شدن زمین را در پی یکدیگر مشاهده می‌کنیم، ذهنمان به برقراری ارتباط ضروری میان آن‌ها عادت می‌کند.
- این انعکاس ذهنی را هیوم «تداعی علیت» می‌نامد. از نظر او، آن‌چه ما رابطهٔ ضروری میان علت و معلول می‌پنداریم، نوعی حالت روانی ناشی از توالی و تکرار پدیده‌هاست.

بنابراین، هیوم معتقد نبود که ما با مشاهدهٔ حسی، ضرورت واقعی رابطهٔ علت و معلول را مستقیماً درک می‌کنیم؛ بلکه تکرار تجربه‌ها باعث شکل‌گیری این تصور در ذهن ما می‌شود.

**مقایسهٔ دیدگاه‌ها**

| فیلسوفان | دیدگاه دربارهٔ شناخت علیت |
|---|---|
| **دکارت** | اصل علیت فطری است و بدون تجربه شناخته می‌شود؛ شناخت مصداق‌های علت و معلول به تجربه نیاز دارد. |
| **تجربه‌گرایان** | رابطهٔ علیت از راه مشاهده و تجربهٔ پدیده‌ها شناخته می‌شود. |
| **دیوید هیوم** | ضرورت رابطهٔ علت و معلول مستقیماً با حواس درک نمی‌شود؛ تکرار تجربه‌ها موجب تداعی علیت در ذهن می‌شود. |

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

تجربه‌گرایان منشأ شناخت اصل علیّت را **تجربه** می‌دانند؛ یعنی معتقدند انسان با مشاهدهٔ پدیده‌ها و ارتباط میان آن‌ها، به اصل علیّت پی می‌برد.

اما اگر بنا باشد **خود اصل علیّت را به وسیلهٔ کاوش‌های علمی و تجربی اثبات کنیم**، با یک اشکال روبه‌رو می‌شویم؛ زیرا کاوش علمی برای کشف و تبیین پدیده‌ها، خود از قبل بر این باور استوار است که میان پدیده‌ها رابطهٔ علّی وجود دارد؛ بنابراین چیزی که قرار است با تجربه اثبات شود، از ابتدا در خود فرایند تجربه و تحقیق علمی مورد استفاده قرار گرفته است. در چنین حالتی، استدلال دچار **دور** می‌شود.

از این‌رو، گزینهٔ (۳) درست است؛ زیرا نشان می‌دهد تجربه و پژوهش علمی نمی‌توانند به تنهایی مبنای اثبات اصلی باشند که خود این پژوهش‌ها بر آن تکیه دارند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): این‌که انسان پیش از آشنایی با روش علمی نیز از اصل علیّت استفاده می‌کند، به خودی خود دیدگاه تجربه‌گرایان را رد نمی‌کند؛ زیرا تجربه محدود به تجربهٔ علمی و آزمایشگاهی نیست و انسان از طریق تجربه‌های روزمره نیز با پدیده‌ها مواجه می‌شود.

گزینهٔ (۲): مشاهدهٔ همراهی یا توالی پدیده‌ها می‌تواند زمینهٔ توجه انسان به رابطهٔ میان آن‌ها را فراهم کند، اما صرف هم‌زمانی یا توالی دو پدیده، برای اثبات رابطهٔ علّی کافی نیست؛ بنابراین این گزینه نیز نقد مستقیمی بر منشأ تجربه‌ای اصل علیّت وارد نمی‌کند.

گزینهٔ (۴): استفادهٔ انسان در زندگی روزمره از مفهوم علت و معلول نیز دیدگاه تجربه‌گرایان را نقض نمی‌کند؛ زیرا ممکن است تجربه‌های فراوان زندگی روزمره در شکل‌گیری این باور نقش داشته باشند.

**۱۴۳** **کدام گزینه تفاوت رابطهٔ «دلیل و نتیجه» با «علت و معلول» را درست بیان می‌کند؟**

۱) در هر دو رابطه، اجزای ارتباط در عالم خارج قرار دارند؛ با این تفاوت که در رابطهٔ دلیل و نتیجه، ارتباط پدیده‌ها آشکارتر است.

۲) رابطهٔ علت و معلول، رابطهٔ موجود میان امور واقعی است؛ اما رابطهٔ دلیل و نتیجه به فرایند استدلال و ارتباط میان دانسته‌های ذهنی مربوط می‌شود.

۳) دلیل و نتیجه تنها برای شناخت ویژگی‌های اشیا به کار می‌روند، در حالی که علت و معلول فقط برای توضیح چگونگی به وجود آمدن آن‌ها کاربرد دارند.

۴) در استدلال همواره، ابتدا علت یک پدیده را می‌یابیم و سپس معلول آن را به عنوان نتیجه مطرح می‌کنیم؛ بنابراین دلیل و نتیجه همان علت و معلول در ذهن هستند.

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔** تفاوت اساسی این دو رابطه در این است که **علت و معلول، رابطهٔ واقعی میان موجودات و پدیده‌های عالم خارج** را بیان می‌کنند؛ یعنی یک پدیده واقعاً علت پدیدهٔ دیگری است.

اما **دلیل و نتیجه مربوط به رابطهٔ استدلالی و ذهنی میان دانسته‌های ما هستند**. ما با استفاده از یک یا چند دلیل، به یک نتیجه می‌رسیم. این نتیجه ممکن است به ما کمک کند تا یک رابطهٔ علّی واقعی را در عالم خارج بشناسیم.

بنابراین، گزینهٔ (۲) درست است.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): علت و معلول مربوط به **خارج** هستند، اما دلیل و نتیجه به ذهن ما مربوط می‌شوند؛ بنابراین نمی‌توان هر دو را مربوط به عالم خارج دانست.

گزینهٔ (۳): هم علت و معلول و هم دلیل و نتیجه می‌توانند دربارهٔ وجود یا ویژگی‌های امور مطرح شوند.

گزینهٔ (۴): دلیل و نتیجه، همان علت و معلول در ذهن هستند، اما قسمت اول این گزینه نادرست است.

کنکور

**کدام عبارت رابطهٔ «علت و معلول» و «دلیل و نتیجه» را به شکل مناسب‌تری تبیین می‌کند؟**

*(سؤال ۱۴۰ کنکور انسانی ۱۴۰۵)*

۱) علت و معلول به ترتیب از مصادیق خارجیِ دلیل و نتیجه محسوب می‌شوند.

۲) علت و دلیل ناظر به ذهن است و معلول و نتیجه، اشاره به واقعیت و عالم خارج دارد.

۳) در علت و معلول با هستی یک پدیده و در دلیل و نتیجه، با ویژگی های آن سروکار داریم.

۴) از علت یک پدیده می‌پرسد و دلایل، ما را به نتیجه می‌رساند تا آن رابطهٔ علی را بشناسیم.

**۱۴۴** **کدام گزینه، دیدگاه مشترک هیوم و فلاسفهٔ مسلمان دربارهٔ تجربه و علیّت را درست بیان می‌کند؟**

۱) تجربه می‌تواند رابطهٔ واقعی علیّت را به طور کامل آشکار کند.

۲) تجربه به تنهایی توانایی شناخت رابطهٔ علیّت را ندارد.

۳) شناخت علیّت تنها از راه ادراک حسی امکان‌پذیر است.

۴) انسان اساساً قادر به شناخت اصل علیّت نیست.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۳*

درس Box

**دیدگاه فیلسوفان مسلمان دربارهٔ اصل علیت**

**۱) اصل علیت از نظر فیلسوفان مسلمان:**

از نظر فیلسوفان مسلمان، اصل علیت یک قاعدهٔ عقلی است که از تجربه به دست نمی‌آید، بلکه پایه و اساس هر تجربه‌ای است. دانشمندان علوم طبیعی نیز با پذیرفتن این اصل، به جست‌وجوی علت حوادث می‌پردازند.

با این حال، این فیلسوفان معتقد نیستند که انسان از بدو تولد، اصل علیت را می‌شناسد؛ بلکه شناخت آن پس از شکل‌گیری ذهن و درک برخی اصول عقلی حاصل می‌شود.

**۲) ارتباط اصل علیت با امتناع اجتماع نقیضین:**

از نظر فیلسوفان مسلمان، انسان پس از شکل‌گیری ذهن درمی‌یابد که یک چیز نمی‌تواند هم موجود باشد و هم موجود نباشد؛ هم‌چنین نمی‌تواند هم خودش باشد و هم غیر خودش. این قاعده را اصل امتناع اجتماع نقیضین می‌نامند.

براساس این اصل، پدیده‌ها نمی‌توانند خودبه‌خود به وجود آیند؛ زیرا اگر چیزی بخواهد خودش را به وجود بیاورد، باید پیش از به وجود آمدن، وجود داشته باشد تا بتواند به خودش وجود بدهد. این امر مستلزم آن است که چیزی پیش از وجودداشتن، موجود باشد؛ در حالی که چنین چیزی محال است، بنابراین پدیده‌ها برای به وجود آمدن به علت نیاز دارند.

**۳) انسان چگونه به شناخت علیت می‌رسد؟**

از دیدگاه این فیلسوفان، پس از شکل‌گیری ذهن و درک اصل امتناع اجتماع نقیضین، انسان با مشاهدهٔ پدیده‌ها به دنبال منشأ و عامل آن‌ها می‌گردد؛ مثلاً با شنیدن صدا یا دیدن حرکت، در پی یافتن علت آن برمی‌آید.

پس اصل علیت از تجربه به دست نمی‌آید، اما تجربه زمینهٔ جست‌وجوی مصادیق علت و معلول را فراهم می‌کند.

**مقایسهٔ دیدگاه فیلسوفان مسلمان و دیوید هیوم**

| موضوع مقایسه | فیلسوفان مسلمان | دیوید هیوم |
|---|---|---|
| **منشأ شناخت علیت** | عقل | تجربه و تکرار مشاهده‌ها |
| **نقش تجربه** | بر پایهٔ اصل علیت، علت حوادث را جست‌وجو می‌کنیم؛ تجربه خود منشأ این اصل نیست. | تکرار مشاهدهٔ توالی پدیده‌ها، زمینه‌ساز تداعی علیت در ذهن است. |
| **رابطهٔ ضروری علت و معلول** | اصلی عقلی است که با اصول بدیهی عقل، از جمله امتناع اجتماع نقیضین، تبیین می‌شود. | مستقیماً با حواس مشاهده نمی‌شود؛ تصور آن بر اثر تکرار تجربه‌ها در ذهن شکل می‌گیرد. |
| **دلیل نیاز پدیده‌ها به علت** | به وجود آمدن خودبه‌خودی پدیده‌ها مستلزم محال عقلی است. | ذهن بر اثر تکرار توالی پدیده‌ها، میان آن‌ها رابطه‌ای ضروری تصور می‌کند. اما این ضرورت واقعی نیست. |

اختلاف اصلی فیلسوفان مسلمان و هیوم در تبیین منشأ شناخت علیت است. فیلسوفان مسلمان، علیت را قاعده‌ای عقلی و مستقل از تجربه می‌دانند؛ اما هیوم معتقد است تکرار تجربه‌ها باعث شکل‌گیری تداعی علیت در ذهن می‌شود.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

**هیوم و فلاسفهٔ مسلمان در این دیدگاه مشترک‌اند که تجربه از شناخت اصل ضروری علیّت ناتوان است.** یعنی صرف مشاهده و تجربه نمی‌تواند رابطهٔ علّی و معلولی میان پدیده‌ها را برای ما اثبات کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): برخلاف دیدگاه مشترک هیوم و فلاسفهٔ مسلمان است و تجربه را قادر به کشف رابطهٔ واقعی علیّت می‌داند.

گزینهٔ (۳): این دیدگاه، شناخت علیّت را به ادراک حسی وابسته می‌کند، در حالی که تجربه برای شناخت علیّت کافی نیست.

گزینهٔ (۴): فلاسفهٔ مسلمان، اصل علیّت را لزوماً غیر قابل شناخت نمی‌دانند؛ در مقابل، هیوم از آن‌جایی که شناخت را منحصراً به شناخت تجربی محدود می‌کند و در عین حال، تجربه را هم ناتوان در درک علیت می‌داند، به طور کلی اصل علیت را انکار می‌کند و آن را به یک حالت ذهنی به نام «تداعی» تقلیل می‌دهد.

**۱۴۵** **کدام عبارت را نمی‌توان از لوازم اصل وجوب علّی و معلولی دانست؟**

۱) هر موجود ممکن، پیش از تحقق، باید ضرورت وجود را از علت خود دریافت کند.

۲) تحقق معلول زمانی ممکن است که علت، وجود آن را ضروری کرده باشد.

۳) هر پدیده، قانون علمی ثابت و ویژهٔ خود را دارد.

۴) حوادث عالم در چارچوب رابطهٔ علّی، به صورت ضروری و حتمی رخ می‌دهند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: فلسفهٔ دوازدهم ـ درس ۳*

درس Box

**وجوب علّی و معلولی و سنخیت علت و معلول**

**۱) وجوب علّی و معلولی:**

اشیا و پدیده‌ها در ذات و ماهیت خود ممکن‌الوجود هستند؛ یعنی ذات آن‌ها نه وجودشان را ضروری می‌کند و نه عدمشان را، بنابراین برای موجودشدن به علت نیاز دارند.

با فراهم‌شدن علت، وجود معلول ضرورت می‌یابد و معلول موجود می‌شود. به این رابطه که علت، وجود را برای معلول ضروری می‌کند، وجوب علّی و معلولی می‌گویند.

نکتهٔ مهم این است که معلول، با قطع نظر از علت، دارای امکان ذاتی است؛ اما با تحقق علت، وجود آن ضرورت می‌یابد.

**۲) سنخیت علت و معلول:**

انسان علاوه بر این‌که درمی‌یابد هر حادثه‌ای به علت نیاز دارد، می‌فهمد که هر علتی معلول خاص خود را پدید می‌آورد و هر معلولی از علت متناسب با خود صادر می‌شود. فیلسوفان این اصل را «سنخیت علت و معلول» می‌نامند.

برای مثال، آتش خاصیت سوزاندن دارد و غذا موجب سیرشدن انسان می‌شود. بر همین اساس، انسان برای رسیدن به هر نتیجه‌ای، به دنبال علت متناسب با آن می‌رود.

از نظر فیلسوفان، به‌جز فیلسوفان تجربه‌گرا، اصل سنخیت نیز مانند اصل علیت، یک اصل عقلی است و انسان به طور طبیعی آن را می‌پذیرد.

**۳) اهمیت اصل سنخیت در شناخت جهان:**

اصل سنخیت چند نتیجهٔ مهم دارد:

- انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با آن را دارد.
- برای شناخت آثار هر شیء، ویژگی‌ها و تفاوت‌های آن را بررسی می‌کند.
- دانشمندان هنگام جست‌وجوی علت یک پدیده، عواملی را بررسی می‌کنند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارند.
- این اصل، پشتوانهٔ عقلی نظم دقیق جهان و مبنایی برای پیگیری تحقیقات علمی است.

نکته

اصل سنخیت عقلی است؛ اما برای شناخت این‌که هر علت مشخص، دقیقاً چه معلولی ایجاد می‌کند، باید از تجربه و بررسی آثار آن کمک گرفت.

**پاسخ خیلی تشریحی**

اصل وجوب علّی بیان می‌کند که **معلول تا زمانی که به واسطهٔ علت خود به مرحلهٔ وجوب بالغیر نرسیده باشد، تحقق پیدا نمی‌کند**. بنابراین میان علت و معلول رابطهٔ ضروری برقرار است و تحقق معلول حتمی و تخلف‌ناپذیر خواهد بود.

از این اصل می‌توان نتایجی مانند **تقدم وجوب بر وجود** و ضرورت تحقق معلول پس از فراهم‌شدن علت را به دست آورد. هم‌چنین حتمی و تغییرناپذیر بودن نظام علّی حوادث نیز از نتایج آن است.

اما این‌که **هر پدیده قانون علمی ثابت و مخصوص به خود داشته باشد**، مستقیماً از اصل سنخیت میان علت و معلول ناشی می‌شود. اصل وجوب علّی پس از شناسایی رابطهٔ علّی و قانون مربوط، ضرورت و همیشگی‌بودن آن را بیان می‌کند؛ خود وجود قانون مخصوص هر پدیده از لوازم مستقیم اصل وجوب علّی نیست.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): موجود ممکن برای تحقق باید علت داشته باشد و به واسطهٔ آن به وجوب بالغیر برسد و سپس موجود شود.

گزینهٔ (۲): معلول بدون تحقق ضرورت وجود از ناحیهٔ علت، ایجاد نخواهد شد.

گزینهٔ (۳): وجود قوانین ثابت و متناسب با پدیده‌ها، به **اصل سنخیت علت و معلول** مربوط است، نه اصل وجوب علّی و معلولی.

گزینهٔ (۴): اصل وجوب علّی، نظام حتمی و تخلف‌ناپذیر علت و معلول را اقتضا می‌کند.

**۱۴۶** هر یک از موارد زیر به ترتیب مربوط به کدام‌یک از منابع کمیاب است؟

**الف)** مهارت یک تعمیرکار برای تعمیر دستگاه‌های صنعتی

**ب)** دستگاهی که برای بسته‌بندی محصولات یک کارخانه به کار می‌رود.

**ج)** نیروی انسانی یک شرکت خدمات آموزشی

**د)** زمینی که برای احداث یک مزرعه در اختیار کشاورز قرار گرفته است.

**ه)** دانشی که یک معلم برای تدریس به دانش‌آموزان کسب کرده است.

**و)** آب مورد استفاده برای آبیاری زمین کشاورزی

۱) سرمایهٔ انسانی ـ سرمایهٔ فیزیکی ـ نیروی کار ـ منابع طبیعی ـ سرمایهٔ انسانی ـ منابع طبیعی

۲) نیروی کار ـ سرمایهٔ فیزیکی ـ سرمایهٔ انسانی ـ منابع طبیعی ـ نیروی کار ـ منابع طبیعی

۳) سرمایهٔ انسانی ـ نیروی کار ـ نیروی کار ـ منابع طبیعی ـ سرمایهٔ انسانی ـ سرمایهٔ فیزیکی

۴) سرمایهٔ انسانی ـ سرمایهٔ فیزیکی ـ سرمایهٔ انسانی ـ سرمایهٔ فیزیکی ـ نیروی کار ـ منابع طبیعی

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: درس ۳*

درس Box

| عوامل تولید | | تعریف |
|---|---|---|
| **منابع طبیعی (زمین)** | | منابع طبیعی، مانند زمین، که در فرایند تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند. |
| **نیروی کار** | | نیروی انسانی که در فرایند تولید کالا یا ارائهٔ خدمات فعالیت می‌کند. |
| **سرمایه‌ها** | **سرمایهٔ فیزیکی** | ابزارها و تجهیزات مورد استفاده در فرایند تولید |
| | **سرمایهٔ انسانی** | دانش و مهارت نیروی انسانی که در فرایند تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد. |

پاسخ خیلی تشریحی ✔

- **منابع طبیعی**: امکانات طبیعی مورد استفاده در تولید؛ مانند زمین و آب.
- **نیروی کار**: نیروی انسانی که در فرایند تولید کالا یا خدمت فعالیت می‌کند؛ مانند معلمان و کارمندان.
- **سرمایهٔ فیزیکی**: ابزار و تجهیزات مورد استفاده در تولید؛ مانند ماشین‌آلات، میز و تخته.
- **سرمایهٔ انسانی**: دانش و مهارت نیروی انسانی.

**۱۴۷** **فردی مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان سرمایه در اختیار دارد و قصد دارد آن را فقط در یکی از گزینه‌های زیر سرمایه‌گذاری کند.**

**الف) سپرده‌گذاری در بانک و دریافت ماهیانه ۲ درصد سود**

**ب) خرید یک قطعه طلا و فروش آن پس از یک سال با قیمت ۱۴۴ میلیون تومان**

**ج) سرمایه‌گذاری در یک پروژهٔ تولیدی و دریافت ماهیانه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان**

**د) سرمایه‌گذاری در یک شرکت تعاونی و دریافت سود سالانهٔ ۲۵ میلیون تومان**

**سودآورترین انتخاب کدام است و هزینهٔ فرصت آن چه مقدار است؟**

۱) سپرده‌گذاری در بانک ـ ۲۴ میلیون تومان

۲) سرمایه‌گذاری در یک پروژهٔ تولیدی ـ ۳۰ میلیون تومان

۳) سرمایه‌گذاری در یک پروژهٔ تولیدی ـ ۲۸/۸ میلیون تومان

۴) خرید و فروش یک قطعه طلا ـ ۳۰ میلیون تومان

**مشاوره** مسائل هزینهٔ فرصت در سه تیپ مطرح می‌شوند:

**تیپ اول: سؤالات مفهومی بدون عدد و ارقام:** واژهٔ کلیدی در یافتن پاسخ صحیح مربوط به مسائل هزینهٔ فرصت: کلمهٔ صرف‌نظر است. ببینید فرد از چه کاری یا محصولی صرف‌نظر کرده است یا آن را از دست داده است، و آن را به عنوان هزینهٔ فرصت در نظر بگیرید.

**تیپ دوم: سؤالات مفهومی با عدد و ارقام:** در این حالت لیستی از کارها و انتخاب‌هایی که فرد می‌تواند داشته باشد را تهیه می‌کنیم. میزان سودآوری و منافعی که هر یک از آن‌ها می‌توانند نصیب فرد در انتهای سال کنند را محاسبه و سپس سودآورترین کار باید توسط فرد انتخاب شود و دومین گزینه‌ای که سودآوری بالایی دارد، ولی فرد از آن صرف‌نظر کرده است، به عنوان هزینهٔ فرصت در نظر گرفته می‌شود.

**تیپ سوم: سؤالات به صورت نموداری ترکیبی با مبحث قید بودجه و مرز امکانات تولید**

این سؤال براساس **تیپ دوم طرح شده است.**

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی**

ابتدا باید میزان بازدهی (سود) ناشی از هر سرمایه‌گذاری را به دست آوریم:

سود سالیانهٔ سپرده‌گذاری در بانک $= ۱۲۰ \times \frac{۲}{۱۰۰} \times ۱۲ = ۲۸/۸$ میلیون تومان

سود سالیانهٔ خرید و فروش یک قطعه طلا $= ۱۴۴ - ۱۲۰ = ۲۴$ میلیون تومان

سود سالیانهٔ سرمایه‌گذاری در یک پروژهٔ تولیدی $= ۲/۵ \times ۱۲ = ۳۰$ میلیون تومان

سود سالیانهٔ سرمایه‌گذاری در یک شرکت تعاونی $= ۲۵$ میلیون تومان

در نتیجه سرمایه‌گذاری در یک پروژهٔ تولیدی بهترین و سودآورترین انتخاب است.

منافع بهترین انتخاب بعدی که سپرده‌گذاری در بانک (با سود سالیانهٔ ۲۸/۸ میلیون تومان) است، ولی فرد از آن صرف‌نظر کرده است، هزینهٔ فرصت انتخاب فرد محسوب می‌شود.

**۱۴۸** **یک کارگاه تولید کیف با ۸ نیروی کار فعالیت می‌کند. با توجه به درآمد و هزینه‌های آن، سود واقعی این واحد تولیدی در یک سال چه‌قدر است؟**

**الف) خرید مواد اولیه در هر ماه ۱۲۰ میلیون تومان است.**

**ب) دستمزد ماهیانهٔ هر کارگر ۵ میلیون تومان است.**

**ج) هزینهٔ آب، برق، گاز و اجارهٔ ماهیانه، معادل ۲۰ درصد مجموع دستمزد ماهیانهٔ کارگران است.**

**د) سرمایهٔ فیزیکی (تجهیزات تولید) معادل ۶۰۰ میلیون تومان است.**

**ه) این کارگاه ماهیانه ۱۲۰۰ کیف تولید می‌کند و هر کیف را به قیمت ۵۰۰ هزار تومان می‌فروشد.**

**و) هزینهٔ فرصت کارفرما برای اشتغال در یک شرکت بازرگانی، ماهیانه ۱۵ میلیون تومان است.**

۱) ۵۰۰۴ میلیون تومان
۲) ۵۵۸۴ میلیون تومان
۳) ۴۵۸۴ میلیون تومان
۴) ۴۴۰۴ میلیون تومان

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: درس ۳*

**درس Box**

کل محصول فروخته‌شده × قیمت هر واحد از محصول = درآمد

هزینه − درآمد = سود > ۰

هزینه − درآمد = زیان < ۰

اجاره یا خریداری ماشین‌آلات و سایر سرمایه‌های فیزیکی + اجاره یا خریداری محلی به عنوان مغازه = هزینه‌های مستقیم

هزینهٔ خرید مواد اولیه + حقوق یا دستمزد کارمندان (کارگران) +

هزینهٔ فرصت یا هزینهٔ پنهان = هزینه‌های غیرمستقیم

هزینه‌های مستقیم − درآمد = سود حسابداری

(هزینه‌های غیرمستقیم + هزینه‌های مستقیم) − درآمد = سود اقتصادی (سود ویژه یا سود واقعی)

**پاسخ خیلی تشریحی ✓**

نکات مهم:

۱) باید توجه کنیم سود یا زیان کارگاه تولیدی در چه بازهٔ زمانی (ماهانه یا سالیانه) از ما خواسته شده است. در این سؤال، سود سالیانهٔ کارگاه تولیدی مدنظر است، بنابراین باید هم درآمد و هم تمامی هزینه‌ها به صورت سالیانه محاسبه شوند.

۲) باید توجه کنیم چه سودی از ما خواسته شده است، سود حسابداری (بدون در نظر گرفتن هزینهٔ فرصت) یا سود واقعی (با احتساب هزینهٔ فرصت) (سود واقعی نام‌های دیگری مانند سود اقتصادی و یا سود ویژه نیز دارد.)

در این سؤال، سود واقعی مدّنظر است در نتیجه باید به تمامی هزینه‌ها، هزینهٔ فرصت را نیز اضافه کنید. (دقت کنید اگر در صورت سؤال میزان هزینهٔ فرصت گفته شده بود که به راحتی به سایر هزینه‌ها اضافه می‌کنیم. اگر میزان هزینهٔ فرصت به صراحت گفته نشده بود باید ببینید فرد از چه منبع درآمدی صرف‌نظر کرده است، میزان آن را به عنوان هزینهٔ فرصت در نظر بگیرید.)

**گام‌های پاسخ:**

**گام اول:** به بررسی هزینه‌ها می‌پردازیم.

الف) خرید مواد اولیه به صورت ماهانه داده شده است که ما باید هزینهٔ خرید سالیانهٔ مواد اولیه کارگاه تولیدی را محاسبه کنیم، برای این منظور با توجه به این‌که هر سال برابر با ۱۲ ماه است، بنابراین کافی است هزینهٔ خرید مواد اولیهٔ ماهیانهٔ کارگاه تولیدی را در عدد ۱۲ ضرب کنیم تا هزینهٔ خرید مواد اولیهٔ سالیانهٔ کارگاه تولیدی را به دست آوریم:

هزینهٔ خرید سالیانهٔ مواد اولیهٔ کارگاه تولیدی = ۱۲۰×۱۲ = ۱۴۴۰ میلیون تومان

ب) این کارگاه تولیدی دارای ۸ نفر نیروی کار است که هر کارگر ماهانه مبلغ ۵ میلیون تومان دریافت می‌کند؛ ما باید محاسبه کنیم مجموع کارگران سالیانه چه مبلغی تحت عنوان حقوق دریافت می‌کنند، بنابراین داریم:

حقوق سالیانهٔ تمامی کارگران $= ۵ \times ۸ \times ۱۲ = ۴۸۰$ میلیون تومان

ج) هزینهٔ آب، برق، گاز و اجاره به صورت ماهانه داده شده است که ما باید هزینهٔ آب، برق، گاز و اجارهٔ سالیانهٔ کارگاه تولیدی را محاسبه کنیم:

هزینهٔ آب، برق، گاز و اجارهٔ ماهانه $= \frac{۲۰}{۱۰۰} \times$ مجموع دستمزد ماهیانهٔ کارگران $= \frac{۲۰}{۱۰۰} \times ۵ \times ۸ = ۸$ میلیون تومان

هزینهٔ آب، برق، گاز و اجارهٔ سالانه $= ۸ \times ۱۲ = ۹۶$ میلیون تومان

د) برای سرمایهٔ فیزیکی، مشاهده می‌کنیم که یک مبلغ کلی ذکر شده است و اشاره‌ای به ماهیانه یا سالیانه بودن آن نشده است. در این حالت باید میزان ذکرشده را به عنوان هزینهٔ سالیانه در نظر بگیرید و لذا محاسباتی ندارند.

ه) عبارات بیان‌شده در این مورد بیانگر درآمد تولیدکننده است که در گام بعدی بررسی می‌کنیم.

و) میزان هزینهٔ فرصت (هزینهٔ پنهان) به صورت ماهیانه بیان شده است و چون صورت سؤال سود واقعی را خواسته باید هزینهٔ فرصت را نیز به عنوان یکی دیگر از هزینه‌ها محاسبه کنیم، در نتیجه داریم:

هزینهٔ فرصت سالانه $= ۱۵ \times ۱۲ = ۱۸۰$ میلیون تومان

**گام دوم:** باید مجموع هزینه‌های سالیانهٔ بنگاه تولیدی را محاسبه کنیم. مجدد یادآوری می‌کنم، چون سود واقعی خواسته شده است، باید میزان هزینهٔ فرصت را نیز به تمامی هزینه‌ها اضافه کنید.

مجموع هزینه‌های سالیانهٔ بنگاه تولیدی با احتساب هزینهٔ فرصت $= ۱۴۴۰ + ۴۸۰ + ۹۶ + ۶۰۰ + ۱۸۰ = ۲۷۹۶$ میلیون تومان

**گام سوم:** باید درآمد سالیانهٔ کارگاه تولیدی را محاسبه کنیم:

درآمد کارگاه تولیدی = کل محصول تولیدی × قیمت هر واحد محصول تولیدی

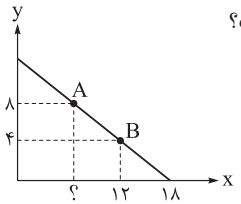
درآمد سالیانهٔ کارگاه تولیدی $= ۱۲۰۰ \times ۵۰۰,۰۰۰ \times ۱۲ = ۷,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰$ تومان $= ۷۲۰۰$ میلیون تومان

**گام چهارم:** حال می‌توانیم با کم‌کردن مجموع هزینه‌های سالیانهٔ کارگاه تولیدی از درآمد، سود کارگاه تولیدی را محاسبه کنیم. (میزان درآمد بیشتر از هزینه‌هاست، در نتیجه کارگاه تولیدی سودده است.)

سود واقعی = درآمد − مجموع هزینه‌های تولید (هزینه‌های مستقیم و هزینهٔ فرصت)

$= ۷۲۰۰ - ۲۷۹۶ = ۴۴۰۴$ میلیون تومان

**۱۴۹** در نمودار زیر نحوهٔ انتخاب بین دو کالای x و y نمایش داده شده است. اگر قیمت هر عدد کالای x برابر با ۸ واحد پولی باشد، در این صورت، کدام گزینه به ترتیب دربردارندهٔ پاسخ صحیح پرسش‌های زیر است؟




الف) بودجهٔ این فرد چند واحد پولی است؟

ب) قیمت هر واحد کالای (y) چند واحد پولی است؟

ج) در نقطهٔ A فرد توانایی خرید چند واحد از کالای (x) را دارد؟

د) اگر فرد تمامی بودجهٔ خود را به خرید کالای (y) اختصاص دهد، چند واحد از این کالا را می‌تواند بخرد؟

۱) ۱۵۰ ـ ۱۲ ـ ۸ ـ ۱۵
۲) ۱۴۴ ـ ۱۲ ـ ۶ ـ ۱۲
۳) ۱۴۴ ـ ۱۵ ـ ۸ ـ ۱۲
۴) ۱۵۰ ـ ۱۵ ـ ۶ ـ ۱۵

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی**

الف) در نقطهٔ برخورد خط بودجه با محور افقی، فرد تمامی بودجهٔ خود را به خرید کالای **(x) اختصاص می‌دهد و هیچ واحد از کالای (y) را خریداری نمی‌کند**، با توجه به این‌که قیمت هر واحد کالای x ، ۸ واحد پولی است، خواهیم داشت:

میزان بودجهٔ فرد $= ۸ \times ۱۸ = ۱۴۴$ واحد پولی

ب) هر نقطه بر روی نمودار خط بودجه، نشان‌دهندهٔ مقدار کالای x و y است که فرد می‌تواند بخرد. در نقطهٔ B فرد می‌تواند ۱۲ عدد کالای x و ۴ عدد کالای y بخرد. با توجه به بودجهٔ فرد که برابر با ۱۴۴ واحد پولی است و با توجه به این‌که قیمت هر عدد کالای x، ۸ واحد پولی است، در نتیجه خواهیم داشت:

$$۱۴۴ = (۴ \times P_y) + (۱۲ \times ۸)$$

$$\Rightarrow ۱۴۴ - ۹۶ = ۴ \times P_y \Rightarrow ۴۸ = ۴ \times P_y \Rightarrow P_y = \frac{۴۸}{۴} = ۱۲$$ واحد پولی

ج) هر نقطه بر روی نمودار خط بودجه، نشان‌دهندهٔ مقدار کالای x و y است که فرد می‌تواند بخرد. در نقطهٔ A فرد می‌تواند ۸ عدد کالای y بخرد. با توجه به بودجهٔ فرد که برابر با ۱۴۴ واحد پولی است و با توجه به این‌که قیمت هر عدد کالای x، ۸ واحد پولی و قیمت هر عدد کالای y، ۱۲ واحد پولی است، در نتیجه خواهیم داشت:

$$۱۴۴ = (۸ \times ۱۲) + (Q_x \times ۸)$$

$$\Rightarrow ۱۴۴ - ۹۶ = Q_x \times ۸ \Rightarrow ۴۸ = Q_x \times ۸ \Rightarrow Q_x = \frac{۴۸}{۸} = ۶$$ عدد

د) با توجه به این‌که: ۱) میزان بودجهٔ فرد برابر با ۱۴۴ واحد پولی است و ۲) **قیمت هر عدد کالای y، ۱۲ واحد پولی** است، خواهیم داشت:

$$\text{حداکثر کالای y قابل خریداری} = \frac{\text{میزان بودجهٔ فرد}}{\text{قیمت هر واحد کالای y}} = \frac{۱۴۴}{۱۲} = ۱۲$$ عدد

اگر فرد تمام پول خود را به خرید کالای y اختصاص دهد، می‌تواند ۱۲ واحد از این کالا را خریداری کند.

**۱۵۰** عبارت‌های زیر، به ترتیب به کدام اشتباه‌های رایج در تصمیم‌گیری اشاره دارد؟

**الف) فردی تنها به دلیل اعلام «فروش ویژه»، کالایی را خریداری می‌کند که بدون تخفیف نیز ارزش خرید برای او ندارد.**

**ب) فردی با وجود بی‌کیفیت‌بودن یک دورهٔ آموزشی، به دلیل مبلغی که قبلاً برای آن پرداخت کرده است، دوره را تا پایان ادامه می‌دهد.**

**ج) فردی بدون بررسی و آمادگی کافی، با اطمینان از موفقیت خود، تمام پس‌اندازش را در یک فعالیت پرخطر سرمایه‌گذاری می‌کند.**

**د) فردی بدون مقایسهٔ هزینه‌ها و منافع، از بررسی یک فرصت جدید خودداری می‌کند و به انتخاب همیشگی خود ادامه می‌دهد.**

۱) توجه به هزینه‌های هدررفته ـ اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها ـ اعتمادبه‌نفس بیش از حد یا خودرأی‌بودن ـ چسبیدن به وضعیت فعلی

۲) اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها ـ توجه به هزینه‌های هدررفته ـ بی‌صبری زیاد ـ اعتمادبه‌نفس بیش از حد یا خودرأی‌بودن

۳) چسبیدن به وضعیت فعلی ـ توجه به هزینه‌های هدررفته ـ اعتمادبه‌نفس بیش از حد یا خودرأی‌بودن ـ اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها

۴) اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها ـ توجه به هزینه‌های هدررفته ـ اعتمادبه‌نفس بیش از حد یا خودرأی‌بودن ـ چسبیدن به وضعیت فعلی

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: درس ۳*

درس Box

| چرا برخی مردم تصمیمات غیرمنطقی می‌گیرند؟ اشتباهات رایج در تصمیم‌گیری (عوامل رفتارهای غیرمنطقی) | مثال |
|---|---|
| **۱) اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها** | ترجیح‌دادن کالایی ۱۶۰ هزار تومانی که ۵۰ درصد تخفیف دارد بر کالایی با قیمت ۸۰ هزار تومان ـ خرید صرفاً به دلیل حراج یا فروش ویژه |
| **۲) توجه به هزینه‌های هدررفته** | خوردن کامل غذایی که سفارش داده‌اید ولی آن را دوست ندارید، صرفاً به دلیل پول پرداخت‌شده بابت آن غذا ـ رفتن به کلاس بی‌کیفیت، صرفاً به دلیل پرداخت کامل شهریهٔ آن. |
| **۳) بی‌صبری زیاد** | سراغ کارهای کم‌ارزش آنی رفتن، به جای صبر در تحصیل و یادگیری و بهره‌مندی از منافع آتی ـ برای تأمین هزینه‌های مصرف فعلی، زیر بار سنگین انواع بدهی‌ها رفتن |
| **۴) اعتمادبه‌نفس بیش از حد یا خودرأی‌بودن** | خوش‌بینی زیاد دربارهٔ درآمد آینده و پس‌انداز کم‌تر برای نیازهای آتی ـ سرمایه‌گذاری در زمینه‌های پرخطر، بدون آمادگی |
| **۵) چسبیدن به وضعیت فعلی** | چسبیدن به وضعیت فعلی و پرهیز از بررسی گزینه‌های جدید با رویکرد منطقی هزینه ـ فایده |

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

الف) **اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها**: خرید صرفاً به دلیل اعلام حراج یا فروش ویژه

ب) **توجه به هزینه‌های هدررفته**: مبلغ پرداخت‌شده دیگر قابل بازگشت نیست و نباید در تصمیم فعلی اثر بگذارد.

ج) **اعتمادبه‌نفس بیش از حد یا خودرأی‌بودن**: سرمایه‌گذاری در زمینهٔ پرخطر بدون آمادگی لازم و با اطمینان و اعتمادبه‌نفس بیش از حد

د) **چسبیدن به وضعیت فعلی**: فرد بدون بررسی منطقی گزینه‌های جدید، به وضعیت موجود می‌چسبد.

**۱۵۱** **فردی برای شرکت در یک دورهٔ آموزشی، دو گزینهٔ پیشِ رو دارد. اطلاعات مربوط به هر گزینه به صورت زیر است:**

| گزینه | هزینهٔ پرداختی | منفعت حاصل از دوره |
|---|---|---|
| «الف» | ۷ میلیون تومان | ۹ میلیون تومان |
| «ب» | ۹ میلیون تومان | ۱۲ میلیون تومان |

**فرد با توجه به اطلاعات فوق در صدد انتخاب یکی از دو گزینه است. پیش از ثبت‌نام، متوجه می‌شود که برگزارکنندهٔ دورهٔ «الف» ۲ میلیون تومان تخفیف برای ثبت‌نام در نظر گرفته است. با توجه به این تغییر، فرد کدام گزینه را باید انتخاب کند؟**

۱) گزینهٔ «الف»، زیرا منفعت خالص آن پس از تخفیف، بیشتر از گزینهٔ «ب» است.

۲) گزینهٔ «ب»، زیرا منفعت حاصل از آن بیشتر از گزینهٔ «الف» است.

۳) گزینهٔ «الف»، زیرا هزینهٔ پرداختی آن پیش از تخفیف نیز کم‌تر از گزینهٔ «ب» بوده است.

۴) گزینهٔ «ب»، زیرا تخفیف فقط هزینهٔ پرداختی را کاهش می‌دهد و نباید در مقایسهٔ هزینه و منفعت اثر داده شود.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۱**

*زیرمبحث: درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

برای یک تصمیم‌گیری منطقی، باید **هزینه و منفعت گزینه‌ها با یکدیگر مقایسه شوند**. با اعلام تخفیف، هزینهٔ گزینهٔ «الف» از ۷ میلیون به **۵ میلیون تومان** کاهش می‌یابد.

بنابراین:

هزینه‌ها − منافع = منفعت خالص

منفعت خالص گزینهٔ «الف» = ۹ − ۵ = ۴ میلیون تومان

منفعت خالص گزینهٔ «ب» = ۱۲ − ۹ = ۳ میلیون تومان

در نتیجه، پس از اعمال تخفیف، منفعت خالص گزینهٔ «الف» بیشتر از گزینهٔ «ب» است؛ بنابراین فرد باید **گزینهٔ «الف»** را انتخاب کند.

**۱۵۲** کدام گزینه دربارهٔ الگوهای اقتصادی نادرست است؟

۱) الگو، نمایشی ساده از یک واقعیت پیچیده است که برای تمرکز بر جنبه‌های مهم، برخی جزئیات را کنار می‌گذارد.

۲) نقشهٔ راه‌ها را می‌توان یک الگو دانست؛ زیرا بدون نمایش جزئیات غیرضروری، مسیرهای اصلی و فرعی را نشان می‌دهد.

۳) الگوی آناتومی بدن انسان در زیست‌شناسی، با نمایش سادهٔ بخش‌های مختلف بدن و نحوهٔ ارتباط آن‌ها، به درک بهتر این ارتباطات کمک می‌کند.

۴) الگوهای اقتصادی با نمایش تمامی جزئیات دنیای واقعی، امکان بررسی دقیق‌تر همهٔ ابعاد یک پدیدهٔ اقتصادی را فراهم می‌کنند.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: درس ۴*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔** الگوهای اقتصادی **بسیاری از جزئیات دنیای واقعی را رها می‌کنند** تا ما بر آن‌چه اهمیت دارد متمرکز شویم. الگوی مرز امکانات تولید نیز با ساده‌سازی واقعیت، درک بهتری از بده‌بستان‌های یک کشور در استفاده از منابع کمیاب فراهم می‌کند.

**۱۵۳** **کدام گزینه در رابطه با مفهوم کارایی و ناکارایی نادرست است؟**

۱) قرارگرفتن یک ترکیب تولیدی در زیر منحنی مرز امکانات تولید، نشان می‌دهد که امکان افزایش تولید حداقل یکی از کالاها بدون کاهش تولید کالای دیگر وجود دارد.

۲) اگر اقتصادی در نقطه‌ای روی منحنی مرز امکانات تولید قرار داشته باشد، افزایش تولید یک کالا، مستلزم کاهش تولید کالای دیگر خواهد بود.

۳) قرارگرفتن یک اقتصاد روی منحنی مرز امکانات تولید، به این معناست که با استفادهٔ بهتر از منابع موجود، می‌توان تولید هر دو کالا را هم‌زمان افزایش داد.

۴) حرکت از یک نقطهٔ ناکارا به نقطه‌ای روی منحنی مرز امکانات تولید، نشان‌دهندهٔ استفاده بهتر از منابع موجود و رسیدن به کارایی است.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

*زیرمبحث: درس ۴*

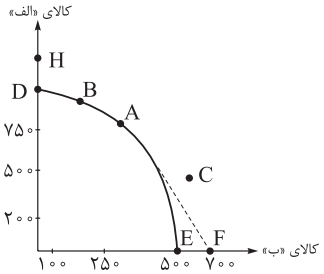
**درس Box**

- وقتی تولید ناکارا باشد این امکان وجود دارد که حداقل بیشتر از یک کالا تولید شود؛ بدون آن‌که از تولید کالاهای دیگر کاسته شود.
- ناحیهٔ خارج از منحنی مرز امکانات تولید، نقاطی هستند که کشور می‌تواند آرزوی رسیدن به آن‌ها را داشته باشد. (این نقاط با فرض ثابت‌ماندن منابع کشور، غیر قابل دستیابی هستند، زیرا کشور منابع کافی برای تولید در آن سطح را ندارد.)
- اگر یک شرکت یا یک کشور، از تمامی فرصت‌های خود برای بهترشدن وضعیت خودش استفاده کند، به‌گونه‌ای که این بهبود موجب بدترشدن وضع دیگران نشده باشد، اقتصاد آن شرکت یا کشور کاراست. (کشور از منابع موجود خود بیشترین استفاده را می‌برد.) وقتی تولید ناکارا باشد حداقل بیش از یک کالا یا خدمت می‌توان در دسترس مردم قرار داد؛ بدون آن‌که کالاها یا خدمات دیگر کاهش پیدا کنند.
- هنگامی که روی مرز کارایی قرار داریم، بهترشدن وضعیت ما، مستلزم بدترشدن وضع دیگری خواهد شد.

**پاسخ خیلی تشریحی ✓**

در نقاط روی مرز امکانات تولید، منابع به صورت کارا مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ بنابراین افزایش تولید یک کالا، مستلزم کاهش تولید کالای دیگر است و امکان افزایش هم‌زمان تولید هر دو کالا وجود ندارد.

**۱۵۴** **در صورتی که منابع تولید یک اقتصاد ثابت بماند و تقاضا برای کالای «ب» افزایش یابد، کدام مورد درست است؟**




۱) مرز امکانات تولید به سمت بیرون منتقل می‌شود و رشد اقتصادی رخ می‌دهد.

۲) یکی از نقاط تولید روی مرز امکانات تولید تغییر می‌کند و تولیدکننده با انتخاب تولید بیشتر کالای «ب»، هزینهٔ فرصت آن را می‌پذیرد.

۳) نقطهٔ برخورد مرز امکانات تولید با محور کالای «ب» افزایش می‌یابد؛ زیرا تقاضای کالای «ب» بیشتر شده است.

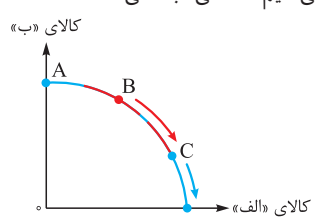
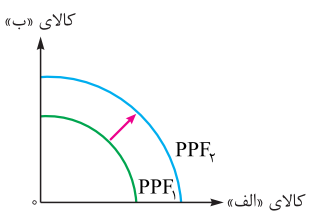
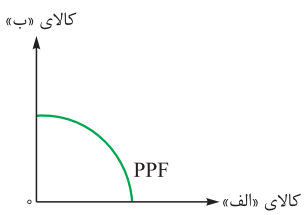
۴) هر دو نقطهٔ برخورد مرز امکانات تولید با محورها تغییر می‌کند؛ زیرا افزایش تقاضا موجب افزایش ظرفیت تولید اقتصاد می‌شود.

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: درس ۴*

**درس Box**

برای درک وضعیت منحنی، همیشه این ۳ قانون کلیدی را به یاد داشته باشید:

| حرکت «روی» منحنی: (تغییر در ترکیب تولید) | انتقال «منحنی» (به سمت بیرون): (رشد اقتصادی) | ثابت‌ماندن منحنی: |
|---|---|---|
| علت: تغییر در «تخصیص منابع». یعنی ما منابع جدیدی نداریم، فقط تصمیم گرفتیم از تولیدِ کالای «ب» کم کنیم تا کالای «الف» را بیشتر تولید کنیم.<br>نتیجه: در این‌جا «هزینهٔ فرصت» رخ می‌دهد (چون تولید یک کالا را فدای دیگری می‌کنیم). منحنی ثابت می‌ماند. | علت: افزایش «ظرفیت‌های تولید» یعنی منابع جدید کشف شده‌اند، نیروی کار بیشتر شده یا تکنولوژی پیشرفت کرده است.<br>نتیجه: ظرفیت تولید کل جامعه بالا می‌رود و به نقاطی که قبلاً غیرممکن بود، دسترسی پیدا می‌کنیم. | علت: زمانی که عوامل تولید (منابع، نیروی کار، زمین) و تکنولوژی هیچ تغییری نکرده‌اند. در این حالت، اقتصاد در همان ظرفیتِ قبلی باقی می‌ماند.<br>نتیجه: منحنی جابه‌جا نمی‌شود. |
|  |  |  |
| در این حالت، تولید کل جامعه ثابت می‌ماند و فقط ترکیب تولید تغییر می‌کند. | | |

**نکته**

همیشه قبل از انتخاب گزینه، از خود بپرسید: «آیا در این تست، ظرفیت تولید (تکنولوژی/ منابع) تغییر کرده است؟»

- اگر «بله» ← منحنی انتقال می‌یابد.
- اگر «خیر» ← فقط روی منحنی حرکت می‌کنیم.

**پاسخ خیلی تشریحی**

افزایش تقاضا، در حالی که **منابع تولید تغییر نکرده‌اند**، ظرفیت تولید اقتصاد را افزایش نمی‌دهد؛ بنابراین مرز امکانات تولید جابه‌جا نمی‌شود. با این حال، اقتصاد می‌تواند با توجه به افزایش تقاضا، ترکیب تولید خود را تغییر دهد. افزایش تولید کالای «ب» مستلزم صرف‌نظرکردن از مقداری از تولید کالای دیگر است؛ بنابراین **هزینهٔ فرصت** دارد.

**۱۵۵** **یک واحد تولیدی دو کالای کفش و کیف تولید می‌کند و از منابع موجود برای تولید این دو کالا استفاده می‌کند. کدام گزینه پیامد هر یک از شرایط زیر را به درستی مشخص می‌کند؟**

- **افزایش نیروی کار و تجهیزات قابل استفاده برای تولید هر دو کالا**
- **کاهش تقاضای کیف به دلیل تغییر سلیقهٔ مصرف‌کنندگان**

۱) جابه‌جایی بر روی منحنی مرز امکانات تولید ـ جابه‌جایی بر روی منحنی مرز امکانات تولید

۲) انتقال منحنی مرز امکانات تولید به خارج ـ جابه‌جایی بر روی منحنی مرز امکانات تولید

۳) جابه‌جایی بر روی منحنی مرز امکانات تولید ـ انتقال منحنی مرز امکانات تولید به داخل

۴) انتقال منحنی مرز امکانات تولید به داخل ـ انتقال منحنی مرز امکانات تولید به خارج

---

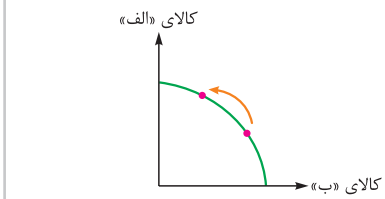
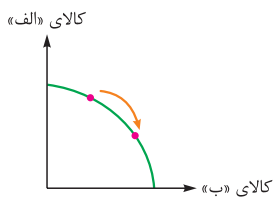
**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: درس ۴*

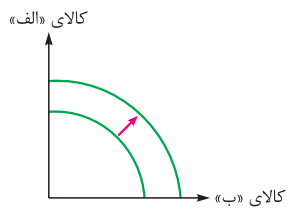
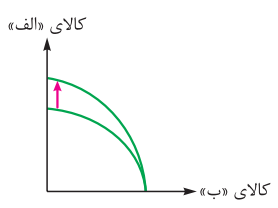
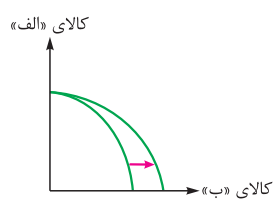
درس Box

**عوامل مؤثر بر انتقال یا جابه‌جایی منحنی مرز امکانات تولید:**

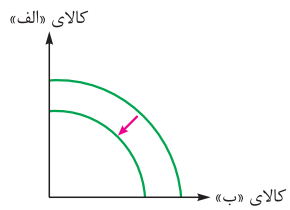
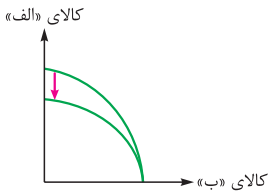
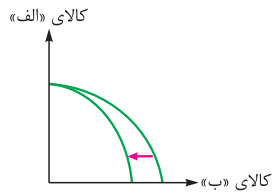
هر عاملی که تقاضا برای یک کالا را افزایش دهد (مانند افزایش تقاضای مشتریان برای یک کالای خاص یا سودده‌بودن تولید یک کالا نسبت به کالای دیگر)، منجر به جابه‌جایی در طول منحنی مرز امکانات تولید می‌شود. این جابه‌جایی منحنی مرز امکانات تولید دو حالت دارد:

| حالت اول: اگر تقاضا برای کالای مشخص‌شده روی محور عمودی افزایش یابد (در این‌جا کالای «الف») در طول منحنی مرز امکانات تولید به سمت چپ و بالا جابه‌جا می‌شویم. | حالت دوم: اگر تقاضا برای کالای مشخص‌شده روی محور افقی افزایش یابد (در این‌جا کالای «ب») در طول منحنی مرز امکانات تولید به سمت راست و پایین جابه‌جا می‌شویم. |
|---|---|
|  |  |

هر عاملی که میزان منابع تولید یک کارخانه را افزایش دهد مانند افزایش مواد اولیه، افزایش نیروی کار استخدامی، افزایش سرمایه‌های فیزیکی (ماشین‌آلات و ...) و سرمایه‌های مالی و یا پیدایش یک تکنولوژی و پیشرفت که امکان تولید بیشتر کالاها و خدمات را فراهم می‌آورد، منجر به انتقال منحنی مرز امکانات تولید به خارج می‌شود. این انتقال منحنی مرز امکانات تولید به خارج سه حالت دارد:

| حالت اول: اگر منابع برای تولید هر دو کالا افزایش یابد. | حالت دوم: اگر تنها منابع برای تولید یک کالا (در این‌جا مثلاً کالای «الف») افزایش یابد و میزان تولید کالای دیگر ثابت بماند. | حالت سوم: اگر تنها منابع برای تولید یک کالا (در این‌جا مثلاً کالای «ب») افزایش یابد و میزان تولید کالای دیگر ثابت بماند. |
|---|---|---|
|  |  |  |

در صورتی که عوامل تولید و میزان تولید کالاها به دلایلی مانند جنگ یا تحریم کاهش یابند، منحنی مرز امکانات تولید به سمت داخل (چپ ـ پایین) منتقل می‌شود. این انتقال نیز سه حالت دارد:

| حالت اول: اگر منابع برای تولید هر دو کالا کاهش یابد. | حالت دوم: اگر تنها منابع برای تولید یک کالا (در این‌جا مثلاً کالای «الف») کاهش یابد و میزان تولید کالای دیگر ثابت بماند. | حالت سوم: اگر تنها منابع برای تولید یک کالا (در این‌جا مثلاً کالای «ب») کاهش یابد و میزان تولید کالای دیگر ثابت بماند. |
|---|---|---|
|   |   |   |

بیکاری، منحنی مرز امکانات تولید را به سمت داخل، منتقل نمی‌کند. در وضعیت بیکاری، نیروی کار هم‌چنان در دسترس است و با وجود شاغل‌نبودن آن‌ها در زمان فعلی، امکان به‌کارگیری آن‌ها وجود دارد، بنابراین منحنی مرز امکانات تولید که بیان‌کنندهٔ حداکثر مقدار تولید محصولات است، بدون تغییر باقی می‌ماند.

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

با افزایش منابع تولید، توانایی تولید واحد تولیدی افزایش می‌یابد؛ بنابراین **منحنی مرز امکانات تولید به خارج منتقل می‌شود**.

کاهش تقاضا، منابع و توانایی تولید واحد تولیدی را تغییر نمی‌دهد؛ بنابراین **منحنی مرز امکانات تولید منتقل نمی‌شود** و تنها می‌تواند موجب **جابه‌جایی بر روی منحنی مرز امکانات تولید شود**.

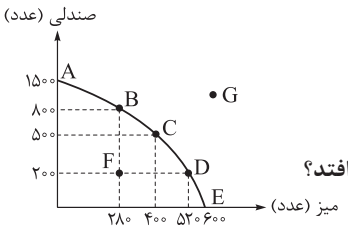
**۱۵۶** نمودار زیر مقدار تولید دو کالای صندلی و میز را در یک کارخانهٔ فرضی نشان می‌دهد. با توجه به این نمودار:

**الف) اگر نقطهٔ تولید بنگاه نقطهٔ B باشد، آن‌گاه هزینهٔ فرصت تولید ۲۴۰ عدد میز بیشتر در این کارخانه چه خواهد بود؟**

**ب) اگر هزینهٔ تولید هر دو محصول یکسان باشد.**

- **قیمت صندلی ۲۵٪ ارزان‌تر از میز است.**
- **قیمت میز در حدود ۳ میلیون تومان برآورد شده است.**

**در کدام نقطه هر دو شرط بیشترین سود ممکن و تولید هر دو کالا، اتفاق می‌افتد؟**




۱) ۶۰۰ عدد صندلی که از تولید آن باید صرف نظر شود. ـ B

۲) ۶۰۰ عدد صندلی که از تولید آن باید صرف نظر شود. ـ D

۳) ۲۰۰ عدد صندلی که از تولید آن باید صرف نظر شود. ـ E

۴) ۲۰۰ عدد صندلی که از تولید آن باید صرف نظر شود. ـ A

## پاسخ: گزینهٔ ۱

*زیرمبحث: درس ۴*

**درس Box**

هر نقطه بر روی منحنی مرز امکانات تولید نشان می‌دهد که تولید کارا است و اقتصاد از تمام منابع خود استفاده کرده است، چنین اقتصادی نمی‌تواند بدون کاستن از تولید یک کالا بر تولید کالای دیگر بیفزاید.

نقاطی که در زیر منحنی مرز امکانات تولید قرار دارند نقاطی هستند که تولید در آن‌ها ناکارا است به این معنی که اقتصاد از تمام ظرفیت‌های تولیدی خود استفاده نکرده است و قادر است بدون کاستن از تولید یک کالا، تولید کالای دیگر را افزایش دهد، در چنین حالتی بخشی از منابع این کشور بلااستفاده مانده است.

نقاط خارج از منحنی مرز امکانات تولید غیر قابل دستیابی هستند و منابع کافی برای تولید آن‌ها وجود ندارد. (دستیابی به این نقاط بدون افزایش ظرفیت‌های تولید ممکن نیست.)

**پاسخ خیلی تشریحی**

الف) برای تولید میز بیشتر، باید به سمت راست و پایین در طول منحنی مرز امکانات تولید حرکت کنیم. یعنی از نقطهٔ «B» به نقطهٔ «D» برویم.

- در نقطهٔ «B» **۸۰۰ عدد صندلی و ۲۸۰ عدد میز** تولید می‌شود.
- در نقطهٔ «D» **۲۰۰ عدد صندلی و ۵۲۰ عدد میز** تولید می‌شود.

در نقطهٔ «D» میزان تولید کالای میز، ۲۴۰ عدد بیشتر از تولید این کالا در نقطهٔ «B» است؛ اما میزان تولید صندلی ۶۰۰ عدد کاهش می‌یابد.

- بنابراین هزینهٔ فرصت ۲۴۰ عدد میز بیشتر، ۶۰۰ عدد صندلی است که از تولید آن صرف نظر شده است.

ب) اول قیمت صندلی را باید به دست بیاوریم، در نتیجه خواهیم داشت:

قیمت صندلی:

$$۳,۰۰۰,۰۰۰ - (۳,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۲۵}{۱۰۰}) = ۲,۲۵۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

**ارزش تولید (درآمد کسب‌شده) در نقطهٔ B: (در نقطهٔ «B» ۸۰۰ عدد صندلی و ۲۸۰ عدد میز تولید می‌شود.)**

$$= (۸۰۰ \times ۲,۲۵۰,۰۰۰) + (۲۸۰ \times ۳,۰۰۰,۰۰۰) = ۲,۶۴۰,۰۰۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

**ارزش تولید (درآمد کسب‌شده) در نقطهٔ D: (در نقطهٔ «D» ۲۰۰ عدد صندلی و ۵۲۰ عدد میز تولید می‌شود.)**

$$= (۲۰۰ \times ۲,۲۵۰,۰۰۰) + (۵۲۰ \times ۳,۰۰۰,۰۰۰) = ۲,۰۱۰,۰۰۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

در نتیجه نقطهٔ B هم شرط اول (بیشترین سود ممکن) را دارد و هم شرط دوم را (تولید هر دو کالا).

**۱۵۷** **کدام گزینه، مفهوم «هزینه‌های هدررفته» را به درستی بیان می‌کند؟**

۱) هزینه‌هایی که در گذشته پرداخت شده‌اند و با تغییر تصمیم، امکان جلوگیری از پرداخت آن‌ها وجود دارد.

۲) هزینه‌هایی که در زمان تصمیم‌گیری ایجاد می‌شوند و باید در مقایسه با منافع گزینه‌های مختلف در نظر گرفته شوند.

۳) هزینه‌هایی که پرداخت شده‌اند و امکان بازگرداندن آن‌ها وجود ندارد، بنابراین نباید بر انتخاب فعلی تأثیر بگذارند.

۴) هزینه‌هایی که به دلیل تغییر انتخاب، از بین می‌روند و به همین دلیل باید در تصمیم‌گیری مجدد محاسبه شوند.

**پاسخ: گزینهٔ ۳**

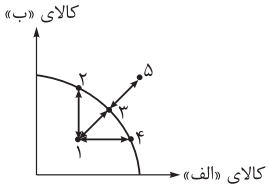
*زیرمبحث: درس ۳*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

هزینه‌های هدررفته، هزینه‌هایی هستند که در گذشته پرداخت شده‌اند و دیگر امکان بازگرداندن آن‌ها وجود ندارد. از آن‌جا که این هزینه‌ها، چه تصمیم قبلی ادامه پیدا کند و چه فرد تصمیم خود را تغییر دهد، قابل بازیابی نیستند، نباید بر انتخاب فعلی فرد تأثیر بگذارند.

برای مثال، فرض کنید فردی مبلغ ۱۰ هزار تومان برای خرید بلیت تئاتر پرداخت کرده است، اما پس از شروع نمایش، متوجه می‌شود که از آن لذت نمی‌برد. اگر تصمیم بگیرد نمایش را ترک کند، مبلغ پرداخت‌شده برای بلیت به او بازگردانده نمی‌شود. بنابراین، این مبلغ یک هزینهٔ هدررفته است و نباید در تصمیم‌گیری او برای ادامهٔ تماشای نمایش یا رفتن به سینما تأثیر داشته باشد.

**۱۵۸** کدام مورد، به ترتیب در رابطه با نقاط مشخص‌شده در الگوی مرز امکانات تولید، درست است؟




**الف) تغییر مکان از نقطهٔ ۲ به نقطهٔ ۳**

**ب) تغییر مکان از نقطهٔ ۳ به نقطهٔ ۱**

**ج) تغییر مکان از نقطهٔ ۱ به نقطهٔ ۴**

**د) تغییر مکان از نقطهٔ ۳ به نقطهٔ ۵**

۱) متحمل هزینهٔ فرصت می‌شود. ـ ناکارایی منابع تولید و رکود اقتصادی ـ نیازی به انتقال منابع تولید از یک کالا به تولید کالای دیگر نیست. ـ یک فناوری جدید، منابع موجود برای تولید هر دو محصول را افزایش داده است.

۲) نیازی به انتقال منابع تولید از یک کالا به تولید کالای دیگر نیست. ـ متحمل هزینهٔ فرصت می‌شود. ـ ناکارایی منابع تولید و رکود اقتصادی ـ یک فناوری جدید، منابع موجود برای تولید هر دو محصول را افزایش داده است.

۳) ناکارایی منابع تولید و رکود اقتصادی ـ یک فناوری جدید، منابع موجود برای تولید هر دو محصول را افزایش داده است. ـ نیازی به انتقال منابع تولید از یک کالا به تولید کالای دیگر نیست. ـ متحمل هزینهٔ فرصت می‌شود.

۴) متحمل هزینهٔ فرصت می‌شود. ـ یک فناوری جدید، منابع موجود برای تولید هر دو محصول را افزایش داده است. ـ ناکارایی منابع تولید و رکود اقتصادی ـ نیازی به انتقال منابع تولید از یک کالا به تولید کالای دیگر نیست.

---

## پاسخ: گزینهٔ ۱

*زیرمبحث: درس ۴*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی عبارت‌ها:

الف) **تغییر مکان از نقطهٔ ۲ به نقطهٔ ۳** (تغییر مکان از یک نقطهٔ کارا به یک نقطهٔ کارای دیگر در طول منحنی مرز امکانات تولید)

در نقطهٔ ۲، عوامل و منابع تولیدی در حالت کارا هستند و بنگاه تولیدی با این جابه‌جایی متحمل هزینهٔ فرصت می‌شود؛ چراکه در حالت کارایی برای تولید مقادیر بیشتری از یک کالا (رسیدن به نقطهٔ ۳) باید از میزان تولید کالای دیگر صرف‌نظر کرد.

ب) **تغییر مکان از نقطهٔ ۳ به نقطهٔ ۱** (تغییر مکان از یک نقطهٔ کارا به یک نقطهٔ ناکارا)

ناکارایی منابع تولید و رکود اقتصادی (و یا به عبارت دیگر وجود منابع غیرفعال) سبب این تغییر وضعیت شده است و نقطهٔ تولید به نقطه‌ای در زیر (درون) مرز امکانات تولید جابه‌جا شده است.

ج) **تغییر مکان از نقطهٔ ۱ به نقطهٔ ۴** (تغییر مکان از یک نقطهٔ ناکارا به یک نقطهٔ کارا)

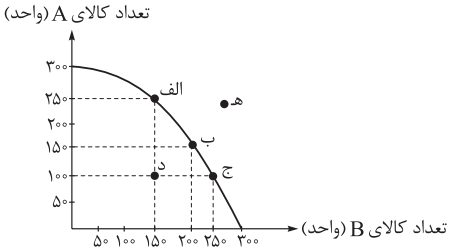
نقطهٔ ۱ زیر منحنی مرز امکانات تولید است و تولید در این نقطه ناکارا است. (هر نقطه زیر منحنی مرز امکانات تولید، نشان‌دهندهٔ این است که اقتصاد از بیشترین منابعش استفاده نکرده است، زیرا حداقل بیشتر از یک کالا می‌توانست تولید کند، بدون این‌که تولید کالاهای دیگر کاهش یافته یا حذف گردند.)

در نتیجه برای تغییر مکان از نقطهٔ ۱ به نقطهٔ ۴ (تغییر مکان از یک نقطهٔ ناکارا به یک نقطهٔ کارا) نیازی به انتقال منابع از تولید یک کالا به تولید کالای دیگر نیست. تمامی منابع غیرفعال (منابع بیکار و استفاده‌نشده) برای تولید کالای مشخص‌شده بر روی محور افقی (کالای «الف») به کار گرفته می‌شوند.

د) **تغییر مکان از نقطهٔ ۳ به نقطهٔ ۵** (تغییر مکان از یک نقطهٔ کارا به یک نقطهٔ خارج از مرز امکانات تولید)

هر عاملی که منابع تولید یک کارخانه را افزایش دهد مانند افزایش مواد اولیه، افزایش نیروی کار استخدامی، افزایش سرمایه‌های فیزیکی (ماشین‌آلات و ...) و سرمایه‌های مالی و یا پیدایش یک تکنولوژی و پیشرفت که امکان تولید بیشتر کالاها و خدمات را فراهم می‌آورد، منجر به انتقال منحنی مرز امکانات تولید به خارج می‌شود.

**۱۵۹** **نمودار زیر نشان‌دهندهٔ منحنی مرز امکانات تولید یک بنگاه فرضی است که تنها دو کالای A و B را تولید می‌کند. با توجه به این نمودار، کدام گزینه صحیح است؟**




۱) این بنگاه در نقطهٔ «الف» قادر خواهد بود بدون کاستن از مقدار تولید کالای A، مقدار تولید کالای B را افزایش دهد.

۲) هزینهٔ فرصت جابه‌جایی از نقطهٔ «ب» به سمت نقطهٔ «الف» برابر با ۵۰ واحد کالای B است که از تولید آن صرف نظر شده است.

۳) در صورتی که این بنگاه ظرفیت‌های تولیدی خود را افزایش دهد، قادر به تولید در نقطهٔ «د» خواهد بود.

۴) اگر تقاضا برای کالای B بنگاه افزایش یابد، در طول منحنی مرز امکانات تولید به سمت چپ و بالا جابه‌جا می‌شویم.

---

**پاسخ: گزینهٔ ۲**

*زیرمبحث: درس ۴*

**درس Box**

هر نقطه بر روی منحنی مرز امکانات تولید نشان می‌دهد که تولید کارا است و اقتصاد از تمام منابع خود استفاده کرده است، چنین اقتصادی نمی‌تواند بدون کاستن از تولید یک کالا بر تولید کالای دیگر بیفزاید.

نقاطی که در زیر منحنی مرز امکانات تولید قرار دارند نقاطی هستند که تولید در آن‌ها ناکارا است به این معنی که اقتصاد از تمام ظرفیت‌های تولیدی خود استفاده نکرده است و قادر است بدون کاستن از تولید یک کالا، تولید کالای دیگر را افزایش دهد، در چنین حالتی بخشی از منابع این کشور بلااستفاده مانده است.

نقاط خارج از منحنی مرز امکانات تولید غیر قابل دستیابی هستند و منابع کافی برای تولید آن‌ها وجود ندارد. (دستیابی به این نقاط بدون افزایش ظرفیت‌های تولید ممکن نیست.)

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

به بررسی گزینه‌ها می‌پردازیم:

گزینهٔ (۱): نادرست است؛ این بنگاه تنها در صورتی قادر است بدون کاستن از مقدار تولید کالای A بر مقدار تولید کالای B بیفزاید که در حال حاضر ناکارا باشد یعنی در نقطه‌ای زیر مرز امکانات تولید قرار داشته باشد که این حالت در نقطهٔ «د» دیده می‌شود.

- نقطهٔ «د»، یک ترکیب از تولید ۱۰۰ واحد کالای A و ۱۵۰ واحد کالای B است. (نقطهٔ «د»، یک نقطهٔ ناکارای تولید است.) بنگاه می‌تواند این ترکیب را تولید کند، اما مرز امکانات تولید به ما نشان می‌دهد که اگر ۱۰۰ واحد کالای A تولید شود، منابع کافی برای تولید ۲۵۰ واحد کالای B وجود خواهد داشت نقطهٔ «ج»، بنابراین در نقاط ناکارا (نقاط داخل مرز امکانات تولید) این امکان وجود دارد حداقل بیشتر از یک کالا تولید شود، بدون این‌که تولید کالاهای دیگر کاهش یافته یا حذف گردد.

گزینهٔ (۲): صحیح است.

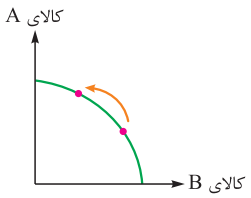
- **در نقطهٔ «ب» ۱۵۰ واحد کالای A و ۲۰۰ واحد کالای B** تولید می‌شود.
- **در نقطهٔ «الف» ۲۵۰ واحد کالای A و ۱۵۰ واحد کالای B** تولید می‌شود.

**با جابه‌جایی از نقطهٔ «ب» به سمت نقطهٔ «الف»**، میزان تولید کالای A، ۱۰۰ واحد افزایش می‌یابد؛ اما میزان تولید کالای B، ۵۰ واحد کاهش می‌یابد. در نتیجه **هزینهٔ فرصت جابه‌جایی از نقطهٔ «ب» به سمت نقطهٔ «الف»**، ۵۰ واحد کالای B است که از تولید آن صرف‌نظر شده است.

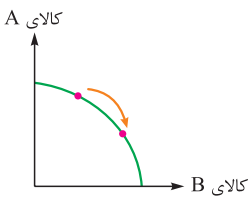
گزینهٔ (۳): نادرست است؛ هر کشوری برای این‌که قادر به تولید در نقاط خارج از مرز امکانات تولید (نقاط غیر قابل دستیابی) باشد لازم است ظرفیت تولید خود را افزایش دهد، بنابراین این کشور فرضی نیز برای تولید در نقطهٔ «هـ» لازم است ظرفیت تولیدی خود را افزایش دهد.

گزینهٔ (۴): نادرست است؛ هر عاملی که تقاضا برای یک کالا را افزایش دهد (مانند افزایش تقاضای مشتریان برای یک کالای خاص یا سودده‌بودن تولید یک کالا نسبت به کالای دیگر)، منجر به جابه‌جایی در طول منحنی مرز امکانات تولید می‌شود. این جابه‌جایی منحنی مرز امکانات تولید دو حالت دارد:

حالت اول: اگر تقاضا برای کالای روی محور عمودی افزایش یابد (در این‌جا کالای A) در طول مرز امکانات تولید به سمت چپ و بالا جابه‌جا می‌شویم.




حالت دوم: اگر تقاضا برای کالای روی محور افقی افزایش یابد (در این‌جا کالای B) در طول مرز امکانات تولید به سمت راست و پایین جابه‌جا می‌شویم.



**۱۶۰** چند مورد از عبارات زیر دربارهٔ مرز امکانات تولید، درست است؟

- هرگاه تولید یک شرکت ناکارا باشد، برای تولید بیشتر یک کالا، باید از تولید کالاهای دیگر کاسته شود.
- نام اختصاری منحنی مرز امکانات تولید (FFP) است.
- مرز امکانات تولید نشان‌دهندهٔ حداقل امکان تولید یک شرکت با توجه به منابع موجود است.
- مرز امکانات تولید مرزی است بین آن‌چه یک کسب‌وکار با استفاده از منابع موجود و در دسترس می‌تواند تولید کند و آن‌چه نمی‌تواند.
- یک تولیدکننده، بهتر است درون مرز امکانات تولید کند و هر نقطه در این محدوده نشان می‌دهد که منابع کمیاب بین تولید دو کالای مورد نظر تقسیم شده است.
- در صورتی که تولید کارا باشد، مرز امکانات تولید هر نوع بده ـ بستان در فضای تولید دو کالا را نشان می‌دهد.
- تولید در خارج از مرز امکانات، قابل دستیابی است به شرط آن‌که منابع کمیاب موجود با مدیریت صحیح به تولید کالا اختصاص یابد.
- مرز امکانات تولید به ما اجازه می‌دهد تا هزینهٔ فرصت یک کشور (یا یک شرکت) را زمانی که بیش از یک کالا تولید می‌کند، مجسم کنیم.
- با جابه‌جایی بر روی منحنی مرز امکانات تولید متحمل هزینهٔ فرصت می‌شویم.

۱) ۱ ۲) ۲ ۳) ۳ ۴) ۴

---

**پاسخ: گزینهٔ ۴**

*زیرمبحث: درس ۴*

**پاسخ خیلی تشریحی ✔**

بررسی عبارات صورت سؤال:

- نادرست است؛ وقتی تولید ناکارا باشد این امکان وجود دارد که حداقل بیشتر از یک کالا تولید شود؛ بدون آن‌که از تولید کالاهای دیگر کاسته شود.
- نادرست است؛ نام اختصاری منحنی مرز امکانات تولید production possibilities frontier (PPF) است.
- نادرست است؛ مرز امکانات تولید نشان‌دهندهٔ حداکثر امکان تولید یک شرکت با توجه به منابع موجود است.
- صحیح است.
- نادرست است؛ به طور کلی بهتر است یک شرکت، به جای تولید در درون مرز امکانات تولید، بر روی مرز امکانات تولید کند و هر نقطه روی منحنی مرز امکانات تولید نشان می‌دهد که منابع کمیاب بین تولید دو کالای مورد نظر تقسیم شده است.
- صحیح است.
- نادرست است؛ نقاط خارج از مرز غیر قابل دستیابی هستند و منابع کافی برای تولید آن‌ها وجود ندارد.
- صحیح است.
- صحیح است.